

# کتاب "درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران"

نویسندگان: دکتر محمد رحیم عیوضی \* دکتر محمدجواد هراتی

## سخن آغازین

تحولات اجتماعی چنانچه در ابعاد وسیع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صورت پذیرد، انقلاب نام می‌گیرد و خود را از سایر تحولات اجتماعی متمایز می‌کند. به همین دلیل، این تحولات بنیادین که کمتر در جوامع رخ می‌دهند، شایسته بررسی و تحلیل‌اند.

انقلاب اسلامی ایران افزون بر اینکه تحولی بنیادین در عرصه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است، انقلابی است دینی بر پایه تفکر شیعی که آن را از سایر انقلاب‌ها جدا می‌سازد. در واقع به دلیل همین ویژگی این انقلاب است که نظریه پردازان موجود نتوانسته‌اند این انقلاب را به درستی تحلیل کنند.

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان با رهیافت‌های متفاوتی بررسی کرد: رهیافت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی. این در حالی است که در منابع مختلف به صورت تکره‌یافتی یا ترکیبی از رهیافت‌ها به بررسی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

اثر پیش‌رو ویراست دوم کتاب **درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران** است که به قلم استادان ارجمند آقای دکتر محمد رحیم عیوضی، دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (قدس سره) و آقای دکتر محمدجواد هراتی، استادیار دانشگاه بوعلی سینا از اساتید درس ریشه‌های انقلاب اسلامی که دارای آثار ارزشمندی در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی می‌باشند، نگارش یافته است. این کتاب شیوه‌ای جدید برای تحلیل انقلاب اسلامی است که در آن تلاش شده تا پیشینه تاریخی انقلاب اسلامی و مسائل بعد از آن در قالب چالش میان دو الگوی «شبه‌ترقی

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲

غرب‌گرا» و «تعالی اسلامی» مورد تحلیل قرار گیرد که نگاهی است براساس رهیافت هویت و استقلال در تحلیل مسائل مختلف تاریخ معاصر ایران، به‌ویژه تحولات قبل و بعد از انقلاب اسلامی. افزون بر این، آینده انقلاب اسلامی و چالش‌های پیش‌روی آن نیز از مباحث جدیدی است که در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است.

ویراست دوم، پس از مراحل ارزیابی ازسوی صاحب‌نظران و استادان درس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن و برگزاری جلسه نقد و نیز انجام اصلاحات ساختاری و محتوایی ازسوی مؤلفان محترم، آماده شده است.

گروه انقلاب اسلامی معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی ضمن قدردانی از تلاش نویسندگان محترم، از همه اساتید و صاحب‌نظران از جمله دکتر منوچهر محمدی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدجواد نوروزی، دکتر مصطفی ملکوتیان، دکتر یعقوب توکلی، دکتر محمد شفیعی‌فر، آقای عباس سلیمی‌نمین، دکتر مرتضی شیروودی، دکتر علی اخترشهر و ... که با ارسال نظرات خود و شرکت در جلسات نقد، ما را در اصلاح و آماده کردن کتاب برای ویراست دوم یاری رساندند، تشکر می‌نماید. و نیز از ویراستار محترم امیرعباس رجبی و همه همکاران خدمات پژوهشی معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی که در مراحل مختلف تدوین این کتاب ما را یاری رساندند، سپاسگزاری می‌نماید.

امیدواریم کتاب حاضر اثری سودمند برای استادان و دانشجویان محترم باشد و فرهیختگان ارجمند نیز با بیان نظرها و دیدگاه‌های خود ما را در تولید آثاری مطلوب یاری رسانند.

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی

گروه انقلاب اسلامی

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳

### مقدمه

انقلاب اسلامی ایران همواره کانون توجه سیاست‌مداران، صاحب‌نظران علوم اجتماعی، مردم و گروه‌های مختلف در جهان بوده است. این انقلاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از انقلاب‌های اجتماعی بزرگ جهان متمایز می‌کند؛ انقلابی که با توجه به پیشینه انقلاب‌های اجتماعی گذشته، کمتر کسی وقوع آن را پیش‌بینی می‌کرد. دامنه تأثیر انقلاب‌ها هیچ‌گاه به سطح داخلی محدود نمی‌شود، بلکه بر نظام بین‌الملل نیز اثرگذار است؛ چنان‌که تأثیر انقلاب اسلامی ایران امروز پس از گذشت سه دهه از وقوع آن در خیزش مردم منطقه خاورمیانه دیده می‌شود.

تبیین‌ها و توصیف‌های متعدد از انقلاب، اهمیت مطالعه آن را دوچندان می‌کند. از همین‌روست که با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی ایران هنوز بخشی از مطالعات و پژوهش‌های داخلی و خارجی به این موضوع اختصاص دارد.

گذشته از تلاش نظریه‌پردازان خارجی، تبیین انقلاب اسلامی و شناخت علل شکل‌گیری آن برای ما ایرانیان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا آخرین انقلاب بزرگ اجتماعی با بازتاب گسترده جهانی در جامعه‌ای روی داد که در آن زندگی می‌کنیم و به همین‌رو نیازمند آشنایی بیشتر با مسائل آنیم.

کتاب حاضر که به‌عنوان متن درسی انقلاب اسلامی تدوین شده، ویراست دوم از کتاب **درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی** است که تلاش دارد تا با روش جدیدتری نسبت به متون پیشین به تحلیل انقلاب اسلامی و تحولات سه دهه بعد از انقلاب بپردازد. از این‌رو در بخشی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴

از این کتاب می‌کوشیم تا پیشینه تاریخی انقلاب اسلامی و مسائل پس از آن در قالب چالش میان دو الگوی «شبه ترقی غرب‌گرا» و «تعالی اسلامی» مورد تحلیل قرار گیرد و با همین الگو، مسائل سه دهه پس از انقلاب نیز بررسی شود.

یکی از ابهاماتی که در کتاب پیشین از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شده بود، مفهوم ترقی و تعالی بود که به‌منظور فهم بهتر و توضیح این دو مفهوم، واژه‌هایی به آنها اضافه گردیده است. درحقیقت تجربه یک‌سال تدریس این کتاب در دانشگاه و استفاده از نظرات اساتید و دانشجویان، زمینه‌ای را فراهم نمود تا به اصلاح و توضیح برخی مفاهیم مطرح‌شده در کتاب بپردازیم.

در این ویراست با اضافه نمودن برخی واژه‌ها تلاش شده ابهامات موجود برطرف شود. بنابراین واژه‌های «ترقی غرب‌زده»، «ترقی غرب‌گرا» و «شبه ترقی غربی» همگی بیان‌کننده الگوی شبه ترقی غرب‌گراست که در برخی موارد در متن به اختصار از عبارت «ترقی» نیز استفاده شده است. البته علت استفاده از واژه‌های مضاف به «ترقی» در عبارت‌های مختلف، دلایل خاص خود را دارد که در متن بدان پرداخته می‌شود. به همین نسبت در مقابل واژه «ترقی» از مفهوم «پیشرفت و تعالی اسلامی» استفاده شده که مبین چارچوبه فکری خاصی است. در متن حاضر تعبیری نظیر «پیشرفت»، «پیشرفت و تعالی»، «تعالی» و «پیشرفت و تعالی اسلامی» به کار رفته که همگی مبین یک چارچوبه فکری است و در نقطه مقابل الگوی شبه ترقی غرب‌گراست.

آشنایی و ارتباط ایران و غرب در اواخر دوران قاجاریه و نیز مقایسه وضعیت دو جامعه ایران و غرب، زمینه پرسش از عقب‌ماندگی ایران و علل آن گردید. در پاسخ به این سؤال و در جهت برون‌رفت از این

وضعیت و پیشرفت ایران، دو نگرش متفاوت به وجود آمد که می توان از آنها در قالب دو پارادایم فکری و یا دو الگوی متمایز برای پیشرفت ایران نام برد: یکی «الگوی ترقی» که خود به دو الگوی شبه ترقی غرب‌گرا (در دوره قاجاریه) و الگوی باستان‌گرایی شبه ترقی (در دوره پهلوی) تقسیم می گردد و دوم «الگوی پیشرفت و تعالی اسلامی» که به اختصار «تعالی» نامیده می شود.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵

شایان ذکر است لفظ «ترقی» به معنای پیشرفت نیز به کار می رود، اما چون در متن حاضر تلاش می کنیم تا بین دو دیدگاه نسبت به پیشرفت تفکیک قائل شویم، پیشرفت بر پایه مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی غربی را به اختصار «الگوی ترقی» می نامیم و پیشرفت با مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی - ایرانی را به اختصار «الگوی تعالی» نام می نهیم.

نگرش شبه ترقی غرب‌گرا تلاشی برای حرکت بر مبنای الگو برداری از غرب و نفی فرهنگ خودی بود، اما تعالی خواهی، پیشرفت را بر پایه فرهنگ و هویت خود ترسیم می نمود. جریان شبه ترقی برای تبدیل ایران به یک کشور پیشرفته غربی، در یکصد سال گذشته تلاش بسیاری نمود. اما در کنار این امر، تعالی خواهی نیز از همین دوران شکل گرفت و در تداوم خویش منجر به شکل‌گیری انقلاب اسلامی در قالب نفی غرب‌زدگی گردید.

بررسی تاریخی نشان می دهد که شبه ترقی خواهی غربی پس از سال‌ها تلاش، کمتر توفیق یافت. افزون بر این، مشکلات فراوانی برای جامعه ایران نیز در پی آورد. بنابراین شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران را می توان واکنشی به غرب‌گرایی در یکصد سال گذشته و راهی برای پیشرفت در چهارچوب فرهنگ بومی تلقی نمود و بر همین اساس می توان آن را انقلابی در راستای هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی مردم ایران تفسیر کرد.

بی‌گمان انقلاب اسلامی ایران نگرشی ضد غربی داشت، اما نحله‌های فکری غرب‌زده در ایران پس از انقلاب هیچ‌گاه از میان نرفت، بلکه در قالب جریانی فکری و با قرائت‌ها و تفسیرهای مختلف در مقاطعی پس از انقلاب ظهور یافت. بنابراین منازعه میان دو جریان ترقی خواه و تعالی خواه - که از اواخر دوران مشروطیت آغاز شد و تا به امروز که سه دهه از انقلاب اسلامی می گذرد، تداوم یافت - شاید در آینده نیز ادامه داشته باشد. بر این اساس یکی از چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی (البته با قرائت‌های خاص و بعضاً تفاسیر دینی و التقاطی) تلاش‌های این جریان شبه ترقی در چالش با نگاه تعالی خواهانه خواهد بود.

در فصول آغازین متن پیش‌رو می‌کوشیم تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر مبنای طرح این دو الگو مطرح گردد و سپس جریان‌های فکری موجود در ایران معاصر نیز مورد بررسی قرار گیرد. سپس در تحلیل الگوی تعالی با استفاده از دیدگاه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶

ایران، شعارهای مردمی و نظریه‌های انقلاب، به موضوع هویت و استقلال در انقلاب اسلامی بپردازیم. با عنایت به ضرورت طرح آرمان‌ها، اهداف و دستاوردهای انقلاب اسلامی در بحث از نگرش تعالی خواه، این موارد و نیز آینده انقلاب اسلامی و چالش‌های پیش‌روی آن، در فصل‌های جداگانه بررسی می‌گردد.

در پایان از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی و همکاران پرتلاش ایشان که شرایط مناسب تألیف این اثر را فراهم آوردند و نیز از محقق ارجمند جناب آقای فرزاد جهانبین که در تدوین طرح‌نامه کتاب ما را یاری نمود، صمیمانه قدردانی می‌شود.

از آنجاکه کتاب حاضر با انجام اصلاحات مورد نظر اساتید و صاحب‌نظران تجدید چاپ شده، همچنان ممکن است برخی ابهامات و اشکالات موجود در کتاب از نظر نگارندگان دور مانده باشد. از این‌رو، امیدواریم استادان، محققان و دانشجویان گرامی با راهنمایی‌ها و خرده‌گیری‌های خود بر غنای این اثر بیفزایند.

محمد رحیم عیوضی و محمد جواد هراتی

تابستان ۱۳۹۰

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸

## فصل اول: تعریف مفاهیم و عوامل شکل‌گیری انقلاب‌ها

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. مفهوم لغوی و اصطلاحی انقلاب را توضیح دهند.
۲. پیشینه انقلاب و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک انقلاب را شرح دهند.
۳. تفاوت انقلاب را با دیگر پدیده‌های اجتماعی نظیر کودتا، اصلاحات و شورش بیان دارند.

### مقدمه

برای ورود به هر بحث می‌باید در آغاز به اختصار با مفاهیم و تعاریف مرتبط با آن بحث و مفاهیم مشابه با آن آشنا شویم. به همین منظور، پیش از پرداختن به بحث انقلاب اسلامی و مسائل مرتبط با آن لازم است تا به اجمال از مفاهیم مربوط به درس آگاه گردیم.

### الف) چیستی انقلاب<sup>۱</sup>

انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر، تحول، برگشتگی و تبدیل و از نظر سیاسی به معنای اقدام عده‌ای برای براندازی و ایجاد حکومتی جدید است. هر یک از نویسندگان داخلی و خارجی متناسب با دیدگاه خود، درباره انقلاب توضیحاتی داده‌اند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹

### ب) تعاریف مختلف از انقلاب

هانا آرنه، از نظریه پردازان انقلاب درباره پیشینه تاریخی این اصطلاح چنین می‌گوید:

کلمه انقلاب در اصل از مصطلحات اخترشناسی است که به واسطه اثر بزرگ کپرنیک در علوم طبیعی از اهمیت خاصی برخوردار شد. این واژه در کاربرد علمی، معنای دقیق لاتینی خود را که دال بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود، حفظ کرد.

در سده هفدهم واژه انقلاب برای نخستین بار به صورت یکی از اصطلاحات سیاسی در سال ۱۶۶۰ م پس از دگرگونی سیاسی در یکی از کشورها به کار رفت.

در معنای دیگر سیاسی، این کلمه درباره انتقال از عصر کشاورزی به دوره صنعتی - به ویژه در ممالک غربی - به کار می رود که در آنجا صنعتی شدن به همراه شهرنشینی حاصل از آن، بر آخرین مرحله توسعه این جوامع اثرات بسیار چشمگیری داشته است.<sup>۲</sup>

نظریه پردازان، هر یک بر مبنایی خاص تعاریف مختلفی از انقلاب به دست داده اند. برای نمونه، شهید مطهری انقلاب را این گونه تعریف می کند:

انقلاب عبارت است از طغیان و عصیانی که مردم علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد وضع و نظمی مطلوب انجام می دهند؛ یعنی انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم برای وضعی دیگر. پس ریشه های انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم از وضع موجود و دیگر آرمان یک وضع مطلوب.<sup>۳</sup>

از نگاه شهید آیت الله سید محمدباقر صدر، انقلاب جنبشی سرسختانه و بر مبنای اصول مکتبی معینی است که با درک واقعیت های موجود، به دنبال تغییر و دگرگونی بنیادین در

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰

تمامی ابعاد زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی و معیارها، اصول و ارزش های حاکم است.<sup>۴</sup>

مروری بر سایر تعاریف اندیشمندان معاصر اسلامی نشان می دهد که یکی از ابعاد مهم در معرفی انقلاب ها، بُعد ارزشی و مطلوبیت آرمان هاست. شاید تعریف انقلاب از بُعد جامعه شناسی جامعیت بیشتری دارد؛ زیرا به عمده ترین خصیصه های انقلاب که دارای ماهیتی اجتماعی است، اشاره می کند. در این باره می توان به تعریف ساموئل هانتینگتون اشاره نمود:

انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت آمیز داخلی در ارزش ها و اسطوره های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت های حکومتی و سیاست های آن است.<sup>۵</sup>

این تعریف از یک سو معیارهای یک انقلاب سیاسی - اجتماعی را مشخص و از سوی دیگر، انقلاب را از همه پدیده های مشابه متمایز می سازد. انقلاب بر این مبنا، پدیده ای چون شورش های دهقانی، قیام های شهری، شورش های جدایی طلب ملی و مانند آن را دربر نمی گیرد. از سویی هانتینگتون با تأکید بر

<sup>۲</sup> (۱). آرنز، انقلاب، ص ۳۶.

<sup>۳</sup> (۲). مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۳.

<sup>۴</sup> (۱). جمشیدی، اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمدباقر صدر، ص ۱۲۰.

<sup>۵</sup> (۲). Huntington, Political Order in Changing Societies, p. ۴۶۲.

عنصر «خسونت»، انقلاب را از اصلاحات عمیق نیز جدا می‌انگارد و با اصرار بر عمیق بودن انقلاب، آن را از رویدادهای کم‌اهمیت‌تر تفکیک می‌کند.<sup>۶</sup>

در مجموع از تعاریفی که درباره انقلاب وجود دارد، می‌توان انقلاب را به معنای تغییر در ساختار حاکمیت و ساختارهای اجتماعی در نظر گرفت.

### ج) گونه‌های مختلف انقلاب

انقلاب‌ها را می‌توان به «انقلاب‌های سیاسی» و «انقلاب‌های اجتماعی» تقسیم نمود. انقلاب سیاسی، با تغییر ساختار سیاسی، بدون تغییر ساختارهای اجتماعی همراه است. به سخنی

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۱

دیگر، این انقلاب‌ها ساختار حکومت را تغییر می‌دهند، نه ساختار اجتماعی را. اما انقلاب اجتماعی عبارت است از تغییر سریع و اساسی در ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی یک جامعه که با حرکت و قیام عمومی مردم همراه است. برای نمونه، انقلاب اسلامی را می‌توان از انقلاب‌های اجتماعی دانست. انقلاب اجتماعی به ندرت شکل گرفته، اما بی‌گمان رخدادی مهم به شمار می‌رود؛ چراکه تأثیرات بسیاری در سطوح داخلی و بین‌المللی برجای می‌نهد.

انقلاب‌های اجتماعی تنها از حیث ملی اهمیت ندارند، بلکه اغلب موجب رشد الگوها، اندیشه‌ها و خواست‌های بزرگ بین‌المللی نیز می‌شوند؛ به‌ویژه اگر این تحولات در کشورهایی روی دهد که از نظر جغرافیای سیاسی مهم، از نظر غنای فرهنگی مشهور، و از نظر وسعت نیز پهناور باشند. بنابراین چون انقلاب‌های اجتماعی، هم در سطح داخلی اثرگذارند و هم در سطح بین‌المللی، مطالعه آنها اهمیتی درخور دارد.

آخرین انقلاب بزرگ اجتماعی در تاریخ جهان، انقلاب اسلامی ایران است و به همین رو پژوهشگران بسیاری به تفصیل بدان پرداخته‌اند. بنابراین چون انقلاب اسلامی ایران در شمار انقلاب‌های اجتماعی است، از این پس مباحث مربوط به انقلاب اجتماعی را باز خواهیم گفت.

### د) خصوصیات انقلاب‌ها

انقلاب‌های اجتماعی ویژگی‌هایی دارند که آنها را از دیگر تحولات سیاسی-اجتماعی متمایز می‌کند:

<sup>۶</sup> (۳). همان، ص ۲۱.



۱. انقلاب در روند خود باید چند مرحله را بگذراند:

یک. براندازی؛

دو. انتقال و جابه‌جایی قدرت؛

سه. پاک‌سازی مهره‌های اصلی حکومت قبلی؛

چهار. تثبیت نظام جدید، سازندگی و تحقق آرمان‌های انقلاب.

۲. با وجود ناگهانی و سریع بودن وقوع انقلاب، روند شکل‌گیری آن نسبتاً طولانی است.

۳. در روند انقلاب، اصولاً اعمال زور و خشونت به‌گونه‌ای متقابل صورت می‌گیرد؛ زیرا نه

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۲

حکومت بدون مقاومت تسلیم انقلابیون می‌شود و نه انقلابیون در صورت لزوم از اعمال خشونت پرهیز می‌کنند.

۴. در انقلاب بخش عمده‌ای از جمعیت به‌شکلی مؤثر بسیج می‌شود.

۵. مشارکت مردمی در انقلاب مستلزم عناصری مانند سازماندهی، رهبری و ایدئولوژی است و هرچه ایدئولوژی قوی‌تر باشد، بسیج گروه‌ها نیز گسترده‌تر خواهد بود.

۶. تغییرات انقلاب، عمیق و زیربنایی بوده و ارزش‌های جدید جایگزین ارزش‌های پیشین می‌گردد.<sup>۷</sup>

۷. وجود مستمر آگاهی به مفهوم ادراک و تحلیل آن، موجب پی‌ریزی «حرکت‌های مداومی» می‌گردد که به تدریج در طی مراحل انقلاب را به‌وجود می‌آورد.

### ه) تفاوت انقلاب با مفاهیم مشابه اجتماعی

برخی از انواع تحولات اجتماعی از برخی وجوه با انقلاب مشابهت دارند. از این رو برای پرهیز از خلط مباحث و شناخت دقیق‌تر پدیده انقلاب، اشاره به تفاوت انقلاب با دیگر مفاهیم مشابه اجتماعی، ضروری می‌نماید.

<sup>۷</sup> (۱). بنگرید به: دهقان، پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۲۱-۱۸.

کودتا اقدام معدودی از نیروهای نظامی با حمایت برخی نیروهای حاکم است که هدف از آن، رسیدن به قدرت و برکناری حاکمی است که در رأس قدرت قرار دارد. با این تعریف، میان انقلاب و کودتا تفاوت‌هایی وجود دارد:

۱. کودتاچیان از پیکره قدرت حاکم برمی‌خیزند و پایگاه مردمی ندارند؛ درحالی‌که عنصر اصلی تشکیل‌دهنده انقلاب، خود مردم‌اند که در مقابل قدرت حاکم قرار دارند. کودتا در جوامعی روی می‌دهد که ارتش نقش ویژه‌ای در برابر ملت دارد، اما در جوامعی که انقلاب در

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۳

آنها رخ می‌دهد، مردم نقش اول را عهده‌دارند.

۲. در کودتا ارزش‌ها و زیرساخت‌ها تغییر نمی‌یابد، بلکه در درون نظام، گروهی به‌جای هیئت حاکم می‌نشینند و حداکثر به لغو قوانین مخالف خود می‌پردازند. در کودتا ساختار نظام باقی است، اما اداره‌کننده آن تغییر می‌یابد.

۳. در کودتا به دلیل برخاستن کودتاچیان از پیکره اصلی نظام، براندازی و جایگزینی و نیز شروع به سازندگی تقریباً هم‌زمان و بدون فاصله زمانی رخ می‌دهد. در کودتا بعضاً عوامل بیگانه دخالت دارند، اما در انقلاب قاعدتاً چنین چیزی ممکن نیست.<sup>۹</sup>

### دو. جنبش<sup>۱۰</sup>

جنبش مفهومی است که نسبت به سایر مفاهیم از حیث معنایی با انقلاب نزدیک است. در واقع جنبش بسترهای تحول در جامعه را شکل می‌دهد که این تحول می‌تواند به انقلاب یا اصلاحات بدل گردد. تفاوت عمده جنبش با انقلاب و اصلاح، در شیوه اجرایی و رفتاری و نیز در هدف نهایی آن است. تغییرات اجتماعی حاصل از جنبش اگر به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز به تغییرات آرام و تدریجی منجر شود، رفرم یا اصلاح نام دارد و اگر این تغییرات، اساسی و بنیادی، توأم با خشونت باشد، به انقلاب خواهد انجامید. از این رو، انقلاب‌ها در فرایند راهبردی جوامع خواهان جنبش - که مستلزم آگاهی اجتماعی است - شکل می‌گیرد.

<sup>۸</sup> (۲) .. Coupd etat

<sup>۹</sup> (۱) .. بشیریه، آموزش دانش سیاسی، ص ۲۳.

<sup>۱۰</sup> (۲) .. Movement

اصلاح یا رفرم، تغییر آرام و تدریجی، مسالمت‌آمیز و روبنایی در یک نظام است که معمولاً در جامعه‌ای متعادل اتفاق می‌افتد. اصلاحات، از بالا و از سوی خود دولتمردان به وجود می‌آید، از این رو چه بسا پایگاه مردمی نداشته باشد. اصلاحات ممکن است با رسیدن به تغییرات هدفمند و منتج از نیازهای جامعه، از وقوع انقلاب نیز جلوگیری کند.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۴

تفاوت اساسی انقلاب و اصلاح در این است که اصلاحات از سوی حاکمان و به منظور بهبود شرایط یا جلوگیری از وقوع انقلاب روی می‌دهد، اما انقلاب از سوی مردم و برای براندازی نظام حاکم پدید می‌آید. ناگفته نماند که اصلاحات در برخی موارد ممکن است موجب تسریع انقلاب یا فروپاشی رژیم‌های سیاسی گردد. معمولاً در اصلاحات، خشونت دیده نمی‌شود، بلکه تلاش می‌گردد تا اصلاحات در فضایی آرام صورت گیرد.

### چهار. شورش<sup>۱۲</sup>

شورش حرکتی مقطعی در اعتراض به موضوعی خاص است. شورشیان غالباً نارسایی‌های موجود را نه به نهادها و ساخت‌های اجتماعی، بلکه به افراد نسبت می‌دهند. از این رو، هدف آنها محدود به از میان برداشتن افراد خاصی در حاکمیت و یا زدودن موضوع خاصی در حکومت است، بی‌آنکه ترکیب نظام سیاسی - اجتماعی را تغییر دهند. از سویی دیگر، در مواردی که شورشیان بافت اجتماعی را نشانه می‌روند، طرحی برای آینده ندارند و معمولاً اعتراض آنها مقطعی و برای موضوعی خاص است.

هدف شورش، اعتراض به وضع موجود است. از این رو، هرگاه شورشیان به تغییر در ساختار اجتماعی و سیاسی بیندیشند و طرحی هرچند مبهم برای آینده داشته باشند، حرکت آنها جنبه انقلابی می‌یابد. از آنجاکه شورش برای آینده هدف مشخصی ندارند، بسیاری از آنها پس از رسیدن به هدف محدود خود دچار سردرگمی شده و نمی‌توانند تصویر جامعه‌ای کاملاً متفاوت با وضع موجود را بنمایانند. بدین ترتیب، اغلب شورش‌ها از سوی نظام حاکم سرکوب می‌شود.

(و) شرایط اجتماعی و بسترهای روان‌شناختی پیدایی انقلاب

اوضاع جامعه‌ای که مستعد انقلاب است، باید در مطالعه انقلاب مورد توجه قرار گیرد. انقلاب به شکلی مطلوب در مکان و زمانی امکان موفقیت دارد که شرایط دوقطبی بر جامعه

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۵

حکمرما باشد؛ شرایطی که در آن، گروه‌های اجتماعی از نظام سیاسی حاکم جدا شده و در مقابل آن ایستاده‌اند. چنین جامعه‌ای با دوگانگی قدرت روبه‌رو می‌گردد؛ بدین بیان که ابتدا مشروعیت حاکمیت به چالش کشیده می‌شود و سپس نیروهای اجتماعی - که به قدرت خود اطمینان کافی می‌یابند - از نظام سیاسی روی گردان شده، در مقابل آن قرار می‌گیرند. عوامل متعددی ایجادکننده چنین شرایطی است، اما اگر بخواهیم آنها را در یک دسته‌بندی کلی بازگوییم، می‌توان به این موارد اشاره کرد: وجود نارضایتی، ظهور ایدئولوژی جایگزین، روحیه انقلابی و رهبری انقلاب. حال بدین موارد می‌پردازیم.

#### یک. نارضایتی عمیق از وضع موجود

نخستین عامل مهم در وقوع هر انقلاب که منشأ روان‌شناختی اجتماعی دارد، نارضایتی عمیق از وضعیت اجتماعی است که زمینه ظهور و گسترش سایر عوامل و شرایط را نیز فراهم می‌آورد. عوامل مختلفی در شکل‌گیری نارضایتی اثرگذار است. البته باید در نظر داشت هرگونه نارضایتی منجر به انقلاب نمی‌شود. به بیانی دیگر، نارضایتی انقلابی در میان توده‌های عظیم مردمی ظهور می‌کند و یک یا چند جنبه مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد. در واقع انقلاب تنها با ایجاد نارضایتی به وقوع نمی‌پیوندد، بلکه روی دادن آن نیازمند یک سلسله علل به هم پیوسته است که آغاز آن وجود نارضایتی عمیق است.<sup>۱۴</sup>

#### دو. ظهور و گسترش ایدئولوژی‌های جدید و جایگزین

هر تغییر و تحولی در سیاست و حکومت، افزون بر نارضایتی، نیازمند ایدئولوژی جایگزین برای تغییر حکومت است. به دیگر سخن، تا زمانی که جایگزینی مناسب برای نظام حکومتی وجود نداشته باشد، بی‌گمان نظام حکومتی تغییر نخواهد کرد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۶

<sup>۱</sup> (۱). بنگرید به: محمدی، انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها، ص ۳۹ - ۳۵.

<sup>۲</sup> (۲). جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران، ویراست چهارم، ص ۲۳.

برینتون، یکی از نظریه پردازان انقلاب معتقد است که هیچ انقلابی بدون گسترش اندیشه و ایدئولوژی جدید شکل نمی‌گیرد.<sup>۴۵</sup> ایدئولوژی در هر انقلاب، در چگونگی پیروزی آن، نوع حکومت جایگزین و حتی در مراحل و تحولات پس از پیروزی نیز نقشی بسزا دارد. در واقع ایدئولوژی انقلاب، نظام ارزشی سازمان‌یافته‌ای است که ویژگی‌های نظام آرمانی را ترسیم می‌کند و راه رسیدن به آنها را می‌نماید. انقلاب‌هایی که در آن یک ایدئولوژی واحد و سازگار با ویژگی‌های فرهنگی آن جامعه گسترش یابد، زودتر فراگیر می‌شود و بسیج توده‌ها را در پی می‌آورد. از سوی دیگر، این انقلاب‌ها سریع‌تر از دیگر انقلاب‌ها به پیروزی می‌رسند و پس از آن بی‌ثباتی‌های کمتری خواهند داشت. اما وجود ایدئولوژی‌های متعدد در مرحله پیدایی و استمرار انقلاب‌ها می‌تواند مشکلاتی را برای انقلاب فراهم آورد و از وحدت نیروهای انقلابی بکاهد. هر قدر تعداد ایدئولوژی ارائه‌شده برای انقلاب بیشتر باشد، احتمال ثبات پس از انقلاب کمتر است. وجود دیگر ایدئولوژی‌ها در برخی انقلاب‌ها حتی به موضوع درگیری پس از انقلاب بدل می‌گردد.

### سه. گسترش روحیه انقلابی

روحیه انقلابی پدیده‌ای روان‌شناختی و مرحله‌ای بالاتر از نارضایتی از وضع موجود است. مراد از این روحیه، به وجود آمدن حس پرخاشگری علیه نظم سیاسی حاکم است. با چنین روحیه و اراده‌ای است که فرد اعتماد به نفس می‌یابد و در مقابل راه‌حل‌های اصلاح‌گرایانه و سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت می‌ایستد. این روحیه نیز دست کم باید در میان گروهی از نخبگان و توده‌ها ظهور یابد. از این رو، تا هنگامی که این پدیده روی نداده - هر چند شرایط دیگر محقق باشد - انقلابی به وقوع نمی‌پیوندد.

قوت و اقتدار روحیه انقلابی به عوامل مختلفی بستگی دارد؛ مانند ویژگی‌های تاریخی و

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۷

فرهنگی، نوع ایدئولوژی انقلابی و نیز مجموعه خصوصیات و اقدامات پیشین حکومت.<sup>۱۷</sup>

### چهار. رهبری و نهادهای بسیج‌گر

چنانچه سه عامل نارضایتی، ایدئولوژی جایگزین و روحیه انقلابی در سطح جامعه و مردم پدیدار گردد، اما رهبری و نهادهای بسیج‌گر وجود نداشته باشد، انقلاب به پیروزی نخواهد رسید. بنابراین پیروزی انقلاب نیازمند رهبری است تا بتواند با استفاده از نارضایتی‌های موجود و ایدئولوژی جایگزین، انقلاب

<sup>۱</sup> (۱). بنگرید به: برینتون، کالید شکافی چهار انقلاب، ص ۵۹-۴۵.

<sup>۲</sup> (۲). جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران، ویراست چهارم، ص ۲۴.

<sup>۱</sup> (۱). همان، ص ۲۵.

را به پیش برد. از این رو، هرگاه رهبر و یا نهادهای بسیج‌گر جامعه بتوانند به فعال‌سازی نارضایتی‌ها، مطرح کردن ایدئولوژی جایگزین، هدایت روحیه انقلابی و مدیریت حرکت انقلابی بپردازند، براندازی نظام حاکم محقق خواهد شد.

انقلاب ممکن است دارای رهبری واحد باشد (مانند رهبری امام خمینی)، یا اینکه به صورت مشترک انجام پذیرد و یا آنکه در هر مرحله، فرد خاصی رهبری آن را برعهده داشته باشد. برای مثال، در میان رهبران انقلاب فرانسه نام سه نفر (میرابو، دانتون و روبسپیر) به چشم می‌خورد. اصولاً یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که با انقلاب‌های معروف جهان متفاوت به نظر می‌رسد، رهبری واحد در سه مرحله پیدایی، پویایی و پایایی انقلاب است. این تمرکز رهبری در انقلاب‌هایی چون انقلاب فرانسه و شوروی سابق کمتر دیده می‌شود.

### چکیده

۱. انقلاب از نظر واژگانی به معنای تغییر شکل و از نظر سیاسی - اجتماعی به معنای دگرگونی در ساختار سیاسی و اجتماعی جامعه است.

۲. انقلاب‌ها بر دو گونه سیاسی و اجتماعی‌اند. انقلاب سیاسی تغییر ساختار سیاسی بدون تغییر ساختار اجتماعی است؛ حال آنکه انقلاب اجتماعی تغییر ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه است.

۳. درباره چیستی انقلاب، برخی آن را براساس نیات انقلابیون، برخی بر پایه پیامدهای

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۸

انقلاب و پاره‌ای نیز براساس فرایند انقلاب تعریف نموده‌اند.

۴. یکی از تعاریف مربوط به انقلاب اجتماعی (مبتنی بر پیامدهای انقلاب) تعریف هانتینگتون است.

۵. شکل‌گیری هر انقلاب تحت تأثیر عوامل مختلفی است؛ مانند نارضایتی عمیق، ظهور ایدئولوژی جدید، گسترش روحیه انقلابی و وجود رهبری.

۶. انقلاب‌ها ویژگی‌هایی دارند که آنها را از سایر تحولات سیاسی و اجتماعی - مانند کودتا، جنبش، شورش و اصلاح - متمایز می‌کند.

۷. مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب، بنیادین بودن تغییرات، مردمی بودن آن، وجود رهبری و همچنین ارائه طرحی برای آینده ازسوی انقلابیون است.

### پرسش

۱. تفاوت انقلاب با دیگر مفاهیم اجتماعی چیست؟
۲. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری یک انقلاب را توضیح دهید.
۳. انقلاب اجتماعی را تعریف کنید.

### برای پژوهش

۱. تلاش کنید تعاریف دیگری از انقلاب به دست دهید.
۲. امکان تبدیل شورش به انقلاب اجتماعی را بررسی کنید.
۳. انواع دیگری از انقلاب‌ها را که مرتبط با تغییر در نظام سیاسی است، بررسی نمایید.

### برای مطالعه بیشتر

۱. مصطفی ملکوتیان، **سیری در نظریات انقلاب**، تهران، قومس، ۱۳۷۶.
۲. هانا آرنه، **انقلاب**، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۴.
۳. کرین برینتون، **کالبدشکافی چهار انقلاب**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶.<sup>۱۹</sup>

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۰

<sup>۱</sup> عیوضی، محمد رحیم، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ۱ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: نوزدهم، ۱۳۹۱.

# فصل دوم: وضعیت اروپا و ایران در اواخر قرن نوزدهم و شکل‌گیری الگوهای شبه‌ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی

## اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. وضعیت اروپا در قرن نوزدهم میلادی را توضیح دهند.
۲. وضعیت ایران در قرن نوزدهم را از نظر اقتصادی و سیاسی تبیین کنند.
۳. منظور از الگوی تعالی و زمینه‌های مطرح شدن آن را بیان دارند.
۴. منظور از الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا و زمینه‌های مطرح شدن آن را توضیح دهند.

## مقدمه

بی‌شک بررسی چگونگی زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی نیازمند آن است که دو محیط نظام بین‌الملل و محیط داخل مورد واکاوی تاریخی قرار گیرد. به همین منظور می‌باید مسائل تاریخ معاصر ایران و جهان را تا شکل‌گیری انقلاب اسلامی بررسی نمود تا بتوان عوامل مؤثر بر رویداد انقلاب اسلامی و مسائل مرتبط با آن را تحلیل کرد و هرچه بیشتر زمینه‌ها و بسترهای تاریخی انقلاب را بازشناسی نمود. در این فصل می‌کوشیم تا به اختصار وضعیت ایران و اروپا در قرن نوزدهم را از نظر ساخت قدرت سیاسی، وضعیت اقتصادی و جریان‌های فکری و فرهنگی بکاویم.

اهمیت بررسی تطبیقی ایران قرن نوزدهم و بیستم از این‌روست که می‌توان به ماهیت «پرسش از عقب‌ماندگی ایران» پی برد. در این میان، برخی روشنفکران در برابر این پرسش،

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۱

پاسخ‌هایی برای برون‌رفت از وضعیت موجود به‌دست داده‌اند. بی‌تردید قضاوت‌ها و چگونگی پاسخ به این پرسش‌ها، تحولات تاریخی ایران را رقم زد و زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی را فراهم نمود. به همین منظور، ابتدا به‌اجمال وضعیت اروپا را در قرن نوزدهم برمی‌رسیم و سپس به وضعیت ایران در این قرن می‌پردازیم.

## الف) نگاهی به وضعیت اروپا در قرن نوزدهم



نخستین نکته درخور بررسی در قرن نوزدهم، وضعیت ناشی از انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های تکنولوژی در اروپاست. این پیشرفت‌ها زمینه‌ای شد برای ایجاد منطقه نفوذ در کشورهای دیگر و ادامه سیاست‌های استعماری.

### یک. پیشرفت فناوری و نیاز اروپا به منطقه نفوذ و ادامه سیاست استعماری

اروپای قرن نوزدهم که تحت تأثیر شرایط انقلاب صنعتی قرار داشت، به پیشرفت‌های فراوانی در زمینه فناوری رسیده بود. انقلاب صنعتی، دگرگونی‌هایی بزرگ در صنعت، کشاورزی، تولید و حمل‌ونقل بود که در نیمه قرن هجدهم از انگلستان آغاز شد و پیامدهایی اجتماعی - سیاسی به دنبال داشت؛ آن گونه که طی یک قرن و نیم، به تدریج چهره شهرهای اروپایی و آمریکا را دگرگون کرد.

در نیمه قرن هجدهم به‌ویژه در انگلستان کارخانه‌های صنعتی ایجاد و برشمار آنها افزوده شد. این کارخانه‌ها که بیشتر متکی به نیروی ماشینی بود، برای فروش تولیدات خود نیازمند بازار و همچنین برای تولید، نیازمند مواد خامی بود که می‌بایست از دیگر کشورها و به خصوص خاورمیانه تأمین می‌شد. بنابراین اروپای قرن نوزدهم به دنبال منطقه نفوذی برای خود بود.

منابع نفتی خاورمیانه ابتدا توجه قدرت‌های استعماری نظیر انگلستان و سپس آمریکا و آلمان را به خود جلب کرد؛ تاجایی که در اوایل قرن بیستم، نفت این منطقه بین شرکت‌های انگلیسی و آمریکایی تقسیم شد. در این میان موقعیت جغرافیایی ایران نیز به گونه‌ای بود که به جولانگاه قدرت‌های بزرگ بدل گردید.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۲

سایر کشورهای خاورمیانه در طی قرن‌های نوزدهم و بیستم زیر سلطه استعمارگران اروپایی قرار گرفتند. استعمارگران می‌کوشیدند اقتصاد و سیاست کشورهای خاورمیانه را زیر سلطه کامل خود درآورند و از سویی جغرافیای سیاسی و مرزبندی‌های این کشورها را براساس منافع خود تنظیم کنند. تقسیم این سرزمین‌ها نیز به گونه‌ای صورت گرفت که انواع درگیری‌های قومی، مذهبی و سیاسی را نیز در پی آورد. انگلستان برای حضور مستمر در منطقه خاورمیانه به‌طور کلی دو هدف سیاسی و اقتصادی را دنبال می‌کرد. بی‌تردید قرن نوزدهم میلادی دوران اوج اقتدار امپراتوری‌های استعماری انگلیس، فرانسه و روسیه بود؛ بدین بیان که انگلستان شبه‌قاره هند شامل بنگلادش، هند و پاکستان امروزی را در اشغال خود داشت و به افغانستان نیز دست‌اندازی می‌کرد. فرانسه نیز به شمال آفریقا - از مصر تا مراکش و الجزایر - چشم طمع دوخته و کشوری چون الجزایر را اشغال کرده بود و از این سو، روس‌ها نیز

ایران و آسیای مرکزی را نشانه رفته بودند و می‌کوشیدند از طریق ایران و افغانستان به هند و آب‌های گرم خلیج فارس دست یابند. البته این استعمارگران بدیهی است که با مقاومت مردمی نیز روبه‌رو شدند.

این کشورها در استعمار خود از روش‌های مختلفی بهره بردند که از آن جمله می‌توان به تلاش برای تغییر در فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات مردم در کشورهای تحت سلطه اشاره نمود. فرقه‌سازی از دیگر اقدامات در این زمینه است. بدین ترتیب، جهان در قرن نوزدهم شاهد سلطه اروپا بر کشورهای جهان و ازسویی ناظر بر شکل‌گیری برخی جریان‌های داخلی در کشورهای تحت سلطه بود؛ جریان‌هایی که پیروی از غرب را برای رسیدن به سعادت توصیه می‌کردند.

## دو. تحولات سیاسی و ضعف کشورهای اسلامی در برابر غرب

جهان در قرن نوزدهم با تحولات سیاسی در داخل کشورها و همچنین با دگرگونی‌های عمیقی در نظام بین‌الملل روبه‌رو بود. برخی کشورها تحت تأثیر انقلاب فرانسه به جنبش‌های

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۳

خود در راستای تغییرات سیاسی ادامه می‌دادند. در آن زمان ظهور جنبش‌های مشروطه‌خواهی به‌عنوان نماد تغییر در ساختار سیاسی کشورهای جهان، مهم‌ترین مسائل سیاسی در جهان به‌شمار می‌رفت. از سوی دیگر، بر اثر عوامل داخلی و خارجی در اواخر قرن نوزدهم، امپراتوری عثمانی تضعیف شد و سرانجام در جنگ جهانی اول به زوال رفت؛ امری که بر تحولات سیاسی در جهان اسلام تأثیری به‌غایت داشت.

دولت عثمانی بزرگ‌ترین و پهناورترین دولت اسلامی پس از فروپاشی خلافت عباسی است. این دولت در سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی در سرزمین آناتولی ظهور کرد و در قاره اروپا گسترشی چشمگیر یافت. این دولت در اوایل نیمه دوم سده پانزدهم با فتح قسطنطنیه، تنها وارث امپراتوری روم شرقی (بیزانس) شد و در پایان سده پانزدهم به اوج اقتدار و شکوه خود رسید.

این امپراتوری بر اثر عوامل مختلف داخلی و خارجی به ضعف گرایید و سرانجام در جنگ‌های بیرونی تجزیه شد. بدین ترتیب با فروپاشی امپراتور عثمانی، جهان اسلام بیش از پیش در برابر غرب و اروپاییان تضعیف گردید.

پس از آشنایی مختصر با وضعیت جهان در قرن نوزدهم، بجاست اوضاع ایران از نظر ساخت قدرت سیاسی و اجتماعی و نیز وضعیت اقتصادی آن در قرن نوزدهم، به اختصار بررسی شود.

### یک. ساختار اجتماعی و قدرت سیاسی در ایران

از نظر تاریخی در دوران صفویه برای نخستین بار هویت ایرانی در قالب مذهب تشیع احیا گردید و بدین سان دولتی مستقل و شیعی بر ایران حاکم شد. با فروپاشی نظام صفوی، سلسله‌ای از حکومت‌ها که حاصل رقابت و منازعات قبیله‌ای بودند، مدتی کوتاه در ایران حکومت کردند، تا اینکه در سال‌های پایانی سده هجدهم، ایل قاجار توانست با سرکوب نسبی دیگر ایلات و قبایل، حاکمیت خاندان قاجار را مستقر سازد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۴

مهم‌ترین ویژگی دولت‌های قاجاریه عبارت بود از سلطنت مطلقه و فردمحوری؛<sup>۱</sup> بدین بیان که شاه به‌عنوان ظل‌الله در همه امور مردم دخالت و اعمال قدرت می‌نمود. بنابراین هیچ نوع قانونی که قدرت شاه را محدود کند، وجود نداشت، بلکه قانون همان رأی شاه بود که هر لحظه امکان داشت تغییر یابد. بنابراین ساختار سیاسی قاجاریه مبتنی بر «سلطنت مطلقه» بود.

الگوی دیوان‌سالاری در این نظام براساس سلسله‌مراتبی بود که به شخص شاه منتهی می‌گردید. نخبگان حاکم از دو گروه اصلی تشکیل می‌شدند: اشراف یا شاهزادگان و عمال دولت یا مستوفیان. اشراف به دو طریق به قدرت می‌رسیدند: یکی از راه خرید یا بهره‌برداری از زمین و دیگری از طریق خریدن حکومت شهرها و ولایات. بدین ترتیب، اغلب حکام ایلات و ولایات از این افراد انتخاب می‌شدند. شاهان قاجار در ازای واگذار نمودن حکومت هر ایالت، مبلغی را به‌عنوان «پیشکش» دریافت می‌نمودند که درحقیقت سرقفلی و اجاره‌بهای آن منطقه به‌شمار می‌رفت.

عدم تفکیک قوا و جمع شدن آنها در وجود پادشاه و نبود امنیت اجتماعی همگی سبب می‌شد شخص شاه حتی درباره جزئی‌ترین مسائل، تصمیم‌گیری کند. ریشه‌های ساختاری و تاریخی و رسمیت نیافتن حقوق فردی و شهروندی از مهم‌ترین عوامل شکل نگرفتن تشکیلات قوی و بانفوذ قضایی در ایران قرن نوزدهم است.<sup>۲</sup> خلاصه آنکه نظام از حیث ساختار قدرت، نوعی حکومت ملوک‌الطوایفی (متمایل به تمرکز) بود و از لحاظ شیوه‌های اعمال قدرت نیز حکومت استبدادی به حساب می‌آمد. همچنین

<sup>۱</sup> (۱). آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۶۰ و ۶۱.

<sup>۲</sup> (۲). مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه، ص ۹۹ و ۱۰۰.

وضعیت اجتماعی ایران در سده نوزدهم براساس شاخص‌های دیگر نیز وضعیت مطلوبی نداشت. برای نمونه می‌توان به شمار اندک باسوادان در جامعه اشاره کرد. در زمینه امنیت اجتماعی نیز همه مردم ایران مقابل قدرت عریان برابر بودند و زندگی و دارایی آنها تابع اراده شاه بود.<sup>۲۳</sup>

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۵

بیشتر مسئولان اداری کشور از سواد و دانش بهره‌ای نداشتند. برای مثال، حاج محمدعلی سیاح محلاتی معروف به حاج سیاح به‌هنگام ورود به اصفهان با مشاهده رئیس گمرک آن شهر که به سواد نداشتن خود اعتراف می‌کند، آه از نهادش بلند می‌شود و می‌گوید:

ای خدا! عجب چیزهاست که می‌بینیم! رئیس گمرک‌خانه شهری مثل اصفهان می‌گوید من سواد ندارم!<sup>۲۴</sup>

### دو. وضعیت اقتصادی ایران

نهادهای اقتصادی و مالی ایران در قرن نوزدهم نیز همانند دیگر نهادهای اجتماعی، سیاسی، اداری و آموزشی، وضعیت درخوری نداشتند. با توجه به دو شاخص میزان درآمد و وضع معیشت، بیشتر مردم ایران فقیر بودند و برای گذران زندگی خود مشکلات بسیاری داشتند.

از نظر اقتصادی، جامعه ایران در دوره قاجار در وضعیت بدی به‌سر می‌برد. فقر و تنگ‌دستی مردم در این دوره به حدی بود که گاه موجب شورش‌هایی می‌شد که ناشی از کمیابی نان بود؛ شورش‌هایی که به صورت ادواری گاه بر اثر خشکسالی بروز می‌کرد و گاه نیز بر اثر احتکار ساختگی غله. به‌طور کلی رویکرد و گرایش کلی اقتصاد ایران در قرن نوزدهم در جهت گسترش تجارت، تورم، کاهش ارزش داخلی و خارجی «واحد پول ملی» و ارتباط فزاینده با کشورهای اروپایی بوده است.<sup>۲۵</sup>

سیاست‌های اقتصادی حکومت برپایه تسلیم در برابر تحمیلات خارجی، روحیه سوءاستفاده از شرایط و امکانات و همچنین بر مبنای سودجویی آنی سران حکومت بود؛ سیاست‌هایی که بی‌گمان آثار نامطلوب سیاسی را تشدید می‌نمود. خلاصه اینکه اقتصاد ایران در قرن نوزدهم با توجه به شاخصه‌های کشاورزی و صنعتی، اقتصادی معیشتی بود.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۶

<sup>۲</sup> (۳). همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۵۸.

<sup>۲</sup> (۱). سیاح، خاطرات حاج سیاح، ص ۱۷۵.

<sup>۲</sup> (۲). همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۹۰.

## ج) گسترش روابط ایران و غرب و بررسی علل عقب‌ماندگی ایران

از نظر سیاست خارجی، دولت قاجار در وضعیت اسفناکی بود؛ بدین بیان که قاجارها مجبور بودند همواره به دیگر کشورهای قدرتمند آن زمان نظیر روسیه و انگلستان امتیاز دهند. این امتیازدهی بی‌شک از سقوط قاجاریه جلوگیری می‌نمود و در حفظ و استقرار نظام مؤثر می‌افتاد.

به سخن دیگر، در قرن نوزدهم شکست‌های نظامی پی‌درپی ایران از روسیه و انگلستان دولت قاجار را واداشت تا به منظور حفظ ثبات خود امتیازهای اقتصادی و تجاری زیادی را به این کشورها اعطا کند و وضعیت کشور را به شکلی «نیمه‌استعماری» بدل سازد. آژ سوی دیگر، در این دوران ارتباط ایران با دیگر کشورها گسترش یافت؛ آن‌گونه که صدها تن از بازرگانان، دیپلمات‌ها، سیاحان، دانشجویان، اشراف و درباریان برای نخستین بار به اروپا سفر کردند و از نزدیک با فرهنگ و تمدن نوین اروپا آشنا شدند. افزون بر آنان، هزاران ایرانی از مناطق مختلف کشور از جمله آذربایجان، گیلان، فارس و بوشهر برای یافتن کار به مناطق و کشورهایی همچون روسیه، قفقاز، هندوستان و امپراتوری عثمانی مهاجرت کردند.

از این سو نیز با گسترش روابط سیاسی و اقتصادی ایران با جهان خارج، بازرگانان، دیپلمات‌ها و سیاحان اروپایی وارد ایران شدند و بدین ترتیب ارتباط نزدیکی بین ایرانیان و خارجی‌ها برقرار شد. بدین گونه، مفاهیم تازه‌ای چون ترقی، قانون، احزاب و مطبوعات در ذهن روشنفکران راه یافت. موضوع مهمی که در این دوران تأثیرات فکری بسیاری بر ایرانیان نهاد و آنان را به فکر فرو برد، جنگ‌های ایران و روس و شکست ایران از روسیه بود؛ امری که موجب شد پرسشی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۷

عمیق در ذهن ایرانیان شکل گیرد که چرا ما عقب مانده‌ایم و غرب ترقی کرد؟ بدین سان، از این دوران به بعد دیدگاه‌های مختلفی برای پاسخ به این سؤال مطرح گردید تا شاید ایران از این وضعیت بیرون آید.

برخی در پاسخ به این سؤال به منظور بیرون آمدن از وضعیت موجود، فرهنگ و سنت‌های موجود را مهم‌ترین عامل دانستند و بر حذف آن و اخذ فرهنگ ترقی‌خواهی برای رسیدن به پیشرفت، تأکید

<sup>۲</sup> (۱). دو عبارت عقب‌ماندگی و عقب‌نگاه‌داشته شدن از نظر معنا شباهت‌هایی دارند. عقب‌ماندگی بیشتر تحت تأثیر عوامل داخلی است و عقب‌نگاه‌داشته شدن متأثر از عوامل بیرونی. در کتاب پیش‌رو برای هر دو مفهوم لفظ عقب‌ماندگی به کار رفته، از این رو خواننده با قراین موجود می‌تواند تشخیص دهد که در هر بحث منظور از عقب‌ماندگی کدام معناست.

<sup>۲</sup> (۲). بنگرید به: کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ص ۲۵-۱۵.

کردند. در این میان برخی دیگر، حاکمان مسبتد را عامل این عقب‌ماندگی می‌انگاشتند و پاره‌ای دیگر نیز فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی را.

با توجه به پاسخ‌های داده‌شده به این پرسش، از این دوران به بعد دو جریان فکری در ایران معاصر شکل گرفت که یکی تمسک به آموزه‌های دینی را برای پیشرفت مناسب‌می‌دید و دیگری با توجه به نگرش غرب‌گرای خود، فراموش کردن سنت‌های خودی و بهره‌گیری از مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی غربی را برای رسیدن به ترقی مؤثر می‌دانست.

در حقیقت گروه اخیر که به دنبال ترقی (رسیدن به وضعیت غرب) بود، در دو دوره قاجاریه و پهلوی راهی متفاوت را طی نمود؛ چنان‌که در دوره قاجاریه، این اندیشه به نگرشی شبه‌ترقی توأم با غرب‌زدگی منجر گردید. اولین نوع انحراف در فرایند توسعه در ایران که استقلال و هویت ایرانی - اسلامی را خدشه‌دار نمود، در این نگرش شکل گرفت. در دوره پهلوی نیز همین نگرش شبه‌ترقی غرب‌زده با شعار باستان‌گرایی بروز کرد که به همان سرنوشت دوره قاجاریه دچار شد. و این در حالی است که در ایران معاصر، همواره مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی غربی و نیز مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی، دو مسیر اصلی رسیدن به پیشرفت معرفی شده‌اند. از این رو می‌توان اذعان داشت که نگرش کلان به موضوع پیشرفت در ایران، یکی در تفکر و اندیشه غربی ریشه داشت و دیگری در ماهیت و سرشت کاملاً دینی و الهی؛ آن‌سان که این دو جریان فکری را می‌توان در قالب دو الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا و تعالی‌خواهی اسلامی ارزیابی کرد. تعالی‌خواهی اسلامی رسیدن به پیشرفت را متناسب با دیدگاه‌های اعتقادی و فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌دانست.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۸

دو الگوی فکری و اعتقادی یادشده در عرصه تحولات ایران، دو مؤلفه «استقلال» و «هویت» را با چالش و حتی با بحران روبه‌رو ساختند. از این رو در این بخش می‌کوشیم تا تحولات ایران معاصر، فرایند شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ماهیت و ریشه‌های تاریخی آن و مسائل پس از آن را در قالب منازعه دو الگوی ترقی و تعالی مورد واکاوی قرار دهیم. حال در آغاز به توضیح این دو الگو می‌پردازیم و سپس شاخصه‌های هریک را برمی‌رسیم.

### یک. الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا

با مطرح شدن پرسش از علل عقب‌ماندگی ایران و تلاش برای پیشرفت آن، برخی روشنفکران غرب‌گرا با مشاهده پیشرفت اروپاییان در حیرت و سرگستگی فرو رفتند و در پی آن نظریاتی را به دست دادند که نتیجه آن، حرکت به سوی زندگی غربی بود. بدین ترتیب، اینان ترقی غربی را برای ایرانیان ضروری

دانستند و این گونه بود که در ایران گفتمان مدرنیته به ویژه در بُعد سیاسی و فرهنگی به عنوان نسخه درمان بخش مطرح شد؛ تا بدانجاکه پاره‌ای از روشنفکران در جهت الگوی شبه ترقی غرب گرا حاضر شدند حتی مقدسات خود را نادیده انگارند.

این نگره، راه علاج را تنها مراجعه به علم غربی می‌دانست؛ چنان که معتقدان به آن نیز می‌گفتند که باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد. در این دیدگاه، سنت<sup>۱</sup> و به خصوص دین، در تعارض با مدرنیته قرار داشت، یا به بیانی در خدمت آن بود. این تعارض در افکار روشنفکران دوران مشروطه به شکل سنت‌گریزی و دفاع از مدرنیته مشاهده پذیر است. افرادی نظیر آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، ملک‌خان، تقی‌زاده و طالب‌اوف از این دسته‌اند.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۳۹

ناگفته نماند نفی دین از سوی اینان صرفاً از روی تقلید است و اساساً چون در غرب نسخه ترقی بر پایه نفی دین (دین مسیحیت) است، روشنفکران غرب‌گرا نیز بر آن بنیاد به نفی دین اسلام می‌پردازند؛ در حالی که مقایسه دین اسلام و مسیحیت تحریف‌شده، مقایسه‌ای است بس ناصواب. جلال آل‌احمد در این باره می‌نویسد:

روشنفکر، ترجمه‌ای از منورالفکری دوره مشروطه می‌باشد ... زمانی که مردم برای نامیدن چنین آدم‌های فکلی و مست فرنگ به کار می‌بردند. اگر غرب دوره خود (قرن ۱۸) را قرن روشنایی نامید، به خاطر این بود که دنیای تاریک قرون وسطای اروپا، زیر سلطه تحجر مسیحیان قرار داشت و آنها این دوره را گذرانده بودند. از نظر غرب، از خواص روشنفکری، آزاداندیشی و آزادفکری است که در مقابل سلطه مسیحیت کاتولیک توجیه شده بود.<sup>۲۹</sup>

در هر حال آشنایی با علم و معرفت جدید سبب شد افق‌های تازه‌ای پیش‌روی روشنفکران غرب‌گرا گشوده شود و بسیاری از باورها، سنت و قالب‌های فکری و اجتماعی گذشته زیر سؤال رود. بدین ترتیب، تحولات اروپا زمینه‌های پیدایش اصلاح‌طلبی را با هدف

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۰

<sup>۲</sup> (۱). دو مفهوم سنت و مدرنیته مفاهیمی است که در فضای پس از قرون وسطا مطرح گردید. مدرنیته و مدرن به مجموعه‌ای از گزاره‌ها و باورهای اطلاق می‌شود که بر مبنای تفکر حاکم‌شده در غرب بعد از رنسانس پدید آمد. از شاخصه‌های اصلی مدرنیته می‌توان به دنیاگرایی، علم‌گرایی (علم تجربی)، عقلانیت خودبنیاد و فایده‌گرایی اشاره نمود. بر این اساس، هر آنچه با مفاهیم مدرنیته سازگاری نداشته باشد، سنت خوانده می‌شود. بنابراین در بحث از سنت و مدرنیته، منظور از سنت مفهوم خاصی بود که مدرنیته از آن ارائه نموده بود. در واقع سنت بار معنایی منفی ندارد. گفتنی است در برخی عبارات، سنت در مقابل نو نیز مطرح شده که مفهومی متفاوت است.

<sup>۲</sup> (۱). آل‌احمد، غرب‌زدگی، ص ۲۳.

«تجددگرایی» ایران فراهم آورد. اساس این جنبش، هماهنگ ساختن جامعه سنتی ایران با پیشرفت دانش، علوم و تکنیک جدید بشری بود؛ جنبشی که مبنای آن، تغییر در مبادی فلسفی و معرفتی و مطابقت آن با مبانی فلسفی مدرنیته بود.

در حقیقت برخی بر این باور شدند که می‌باید پیشرفت را در سیر تاریخی غرب و حرکت ترقی‌جویانه آن طی نمود تا بدان دست یافت. بدین ترتیب در این دوران الگویی با عنوان ترقی و ترقی‌خواهی در ایران شکل گرفت که مبنای بسیاری از تغییرات اجتماعی گردید. براساس این دیدگاه، چون ترقی مقوله‌ای است که در غرب روی داده، برای رسیدن به آن می‌باید مبانی معرفت‌شناسی غرب را - که اساس آن سکولاریسم است - پذیرفت و به نفی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۱

سنت‌های دینی پرداخت. اما ترقی که با گرایش به غرب آغاز می‌شد، غیر از غرب‌زدگی به معنای غربی شدن بود. در این بینش، استفاده از الگوهای غربی، برای متحول نمودن جامعه ایران و خارج شدن از عقب‌ماندگی نبود. الگوی ترقی در اواخر عصر قاجاریه در قالب مشروطه غرب‌گرا مطرح شد که در چالش با مشروطه مشروعه قرار گرفت. این گفتمان پس از حاکمیت در عصر مشروطه و در نهایت با انحراف مشروطه به سوی مشروطه غربی، زمینه روی کار آمدن رضاخان را فراهم نمود. بدین ترتیب در عصر رضاخان مفهوم نوسازی اجتماعی و باستان‌گرایی، در قالب غربی شدن ایران در سایه نگرش شبه‌ترقی غربی دنبال شد. در عصر پهلوی دوم نیز با توجه به حاکم شدن گفتمان توسعه غرب‌گرا، اقداماتی در این راستا صورت گرفت که برای جامعه ایران پیامدهایی نیز داشت که در فصل بعد به بررسی آن می‌پردازیم. جریان فکری شبه‌ترقی غرب‌گرا با وقوع انقلاب اسلامی به شدت تضعیف شد، اما در مقاطعی از دوران بعد از انقلاب، با قرائت‌های خاصی به چالش با الگوی پیشرفت و تعالی انقلاب اسلامی پرداخت. در این زمینه در فصل‌های بعد بیشتر سخن خواهیم گفت.

ناگفته نماند که با توجه به نگاه ویژه گفتمان ترقی‌خواهی غربی به بیرون، نوعی از وابستگی در درون این گفتمان نیز مطرح است که تهدیدی برای هویت و استقلال به‌شمار می‌رود. بنابراین در نوع نگاه روشنفکران به این گفتمان، زمینه‌های وابستگی به غرب فراهم می‌آید. از این رو، شاید بتوان گفت ترقی‌خواهی در اساس خود وابستگی را نیز دنبال می‌نمود. بنابراین تلاش دولتمردان انگلستان برای روی کار آوردن پهلوی‌ها در ایران و اجرای برنامه‌های موردنظر آنان را می‌توان در قالب وابستگی ایران

<sup>۳</sup> (۱). درباره مفهوم سکولاریسم توضیحات مختلفی داده شده که از مجموع آنها می‌توان دریافت که سکولاریسم به معنای نفی امر قدسی از زندگی بشر است. این مقوله که حاصل رنسانس در اروپا بود، انسان را موجودی این‌جهانی می‌داند و امر مقدس را که از جانب خداوند آمده باشد، نفی می‌کند. سکولاریسم در ساحت‌های مختلف معرفت‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و حتی در ساحت سیاسی مطرح گردید؛ چنان‌که در ساحت انسان‌شناسی به اومانیزم (محوریت انسان و نفی محوریت خداوند) و در ساحت سیاسی نیز به نفی حضور آموزه‌های دینی در سیاست و حکومت قائل بود.



به غرب و تأمین منافع آنها در این قالب تفسیر نمود. بر این بنیاد، سیاست‌های توسعه‌ای این دوره را می‌توان شبه ترقی معطوف به غرب زدگی دانست.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۲

به‌طور کلی اگر شاخصه‌های الگوی ترقی غربی را در دوره‌های مختلف ترسیم کنیم، می‌توان به استفاده از الگوها و قالب‌های فکری غربی در عرصه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و یا فکری و معرفت‌شناختی اشاره نمود. به بیانی دیگر، در این الگو نوعی وابستگی فکری به غرب وجود دارد که براساس آن می‌باید خود را از نظر مبانی فکری و معرفت‌شناختی همانند غرب نمود تا راه ترقی را بپیماییم.

### دو. الگوی تعالی اسلامی

درمقابل الگوی شبه ترقی غرب‌گرا، دیدگاه دیگری شکل گرفت که پیشرفت و بیرون آمدن از عقب‌ماندگی را معلول عوامل دیگری می‌دانست. این دیدگاه، بهره‌گیری از مبانی معرفت‌شناسی غربی را برای رسیدن به پیشرفت مناسب نمی‌دید، بلکه پیشرفت را در سایه آموزه‌های اسلامی میسر می‌شمرد. شایان ذکر است که الگوی تعالی اسلامی، پیشرفت‌های فناوری و رفاهی، قانون‌گرایی و رهایی از استبداد را امری ضروری می‌خواند، اما نه برپایه نگاه معرفت‌شناسانه غربی. معتقدان به الگوی تعالی بر آن بودند که نسخه برون‌رفت از وضعیت عقب‌ماندگی باید مبنای داخلی و بومی داشته باشد و مبتنی بر هویت ایرانی-اسلامی تدوین گردد.

درحقیقت یکی از پیش‌زمینه‌های این الگو، پیشینه تاریخی مسلمانان بود: پس از ظهور اسلام مسلمانان در سایه تعالیم اسلامی به عزت و شکوه و پیشرفت‌های چشمگیری دست یافتند و تا قرن چهارم هجری قمری به تمدنی شکوفا رسیدند که به «عصر طلایی» شهرت دارد. اما این تمدن به مرور رو به ضعف نهاد. برپایه این دیدگاه، سبب ضعف و عقب‌ماندگی مسلمانان بی‌شک در فرهنگ بومی نبود؛ چراکه این فرهنگ و آموزه‌های آن توانست تمدنی شکوفا ایجاد کند و حتی به اعتراف مستشرقان، الهام‌بخش اروپاییان گردید. نگرش تعالی، پیشرفت را در تمسک به آموزه‌های اسلامی و از این سو عقب‌ماندگی را در فاصله گرفتن از اسلام می‌دانست.

به هر روی، تلاش مسلمانان در دو قرن اخیر برای بیرون آمدن از ضعفی بود که بخشی از آن به دلیل سلطه استعمار و بخشی دیگر به سبب سیطره حاکمان نالایق اسلامی ایجاد شده بود. در این تلاش، متفکران و مصلحان دینی در پی آن بودند تا برای برون‌رفت از بحران

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۳

در جوامع اسلامی و بازگشت مجدد به شکوه گذشته، از آموزه‌های اسلامی بهره برند.

در برخی مباحث از این پدیده به «بیداری اسلامی» یاد شده است. درحقیقت الگوی تعالی ناشی از همین بیداری اسلامی بود که بر اثر عواملی چند فرایند تکاملی خود را طی کرد تا زمینه‌های شکل‌گیری انقلاب اسلامی را ایجاد نماید. این حرکت در ایران از آغاز تاکنون مراحل مختلفی را پیموده است. بی‌شک حوادث، جنبش‌ها، شخصیت‌های گوناگون و اراده ملت ایران در این بیداری نقش بسزایی داشته است. البته باید در نظر داشت جریان بیداری اسلامی در جهان اسلام و دیگر نقاط مختلف جهان درخور توجه و بررسی است، اما موضوع بحث ما بیداری اسلامی در ایران است.

یکی از نقاط عطف و آغازین بیداری اسلامی در ایران معاصر که به شکل‌گیری و تکامل الگوی تعالی انجامید، جنگ‌های ایران و روس در دوران قاجار بود. الگوی تعالی با قیام تنباکو و جنبش عدالت‌خانه که به انقلاب مشروطیت انجامید، روند تکاملی خود را در عصر قاجاریه طی نمود. در عصر پهلوی نیز این الگو در چالش با ترقی‌خواهی غربی، در قالب جنبش‌های مختلف بروز کرد، تا اینکه در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی با مطرح شدن موضوع حکومت اسلامی، وارد مرحله تازه‌ای گردید که در نهایت به شکل‌گیری انقلاب اسلامی انجامید.

در این الگو برخلاف الگوی شبه‌ترقی، رسیدن به پیشرفت و تعالی تنها در سایه دلبستگی به فرهنگ خودی (اسلام) و جلوگیری از تسلط بیگانگان میسر است؛ الگویی که بی‌شک به دنبال استقلال‌طلبی و هویت‌خواهی شکل خواهد گرفت. ازسویی این الگو در پی احیای تمدن اسلامی بود و جهان اسلام را نیز چندین قرن به‌عنوان پیشرفته‌ترین تمدن در جهان معرفی کرد. بر این اساس، متفکران اسلامی معاصر، موضوع احیای این تمدن را به‌عنوان راهی برای نجات مسلمانان و رسیدن به عزت و افتخار مجدد، مطرح نمودند.

شایان ذکر است که این الگو به پیشرفت‌های تکنولوژی و فناوری اهمیت می‌دهد، اما برخلاف مبانی معرفتی غرب، انسان را به دو عالم دنیا و آخرت متعلق می‌داند؛ بدین بیان که آدمی، هم می‌باید در دنیا سعادت‌مند باشد و هم در آخرت. بر این بنیاد، الگوی تعالی اسلامی پیشرفت‌های دنیایی را برای رسیدن به سعادت موردنظر، مطلوب می‌داند.

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۴

چکیده

۱. اروپای قرن نوزدهم متأثر از عوامل مختلف، شاهد پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی فراوانی است.

۲. پیشرفت‌های اروپاییان در قرن نوزدهم زمینه‌ای برای ایجاد منطقه نفوذ در کشورهای دیگر شد و ادامه سیاست‌های استعماری اروپا را فراهم آورد.

۳. جامعه ایران از نظر سیاسی - اجتماعی در قرن نوزدهم در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد که ناشی از بی‌کفایتی حاکمان و وادادگی آنان در برابر تحمیلات خارجی بود.

۴. ارتباط ایران و غرب در این زمان بیش از پیش گسترش یافت و در این خصوص از سوی روشنفکران و سیاحان ایرانی، مقایسه‌ای نیز میان وضعیت ایران و غرب صورت گرفت.

۵. شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس و مقایسه وضعیت ایران و غرب، این پرسش را پیش‌رو نهاد که چرا غرب پیشرفت کرد و ایران عقب ماند؟ در پاسخ به این سؤال دو دیدگاه برای برون‌رفت ایران از این وضعیت مطرح شد: یکی پیشرفت ایران را در الگوبرداری تقلیدی از غرب و نفی فرهنگ خودی می‌دانست که به‌عنوان الگوی ترقی مطرح می‌شود و دیگری نیز فاصله گرفتن از آموزه‌های اصیل اسلامی را عامل عقب‌ماندگی ایران می‌شمرد و راه برون‌رفت از این وضعیت را تمسک به فرهنگ خودی می‌دانست. این الگو در قالب الگوی تعالی مطرح می‌گردد.

### پرسش

۱. ساختار و وضعیت سیاسی ایران در قرن نوزدهم را بیان دارید و تحلیل کنید که این امر چه تأثیری بر دیگر مشکلات جامعه ایران داشت؟

۲. چه عواملی سبب شد که ایرانیان از خود بپرسند چرا عقب‌مانده و یا عقب نگاه‌داشته شده‌اند؟

۳. منظور از الگوی ترقی غربی در ایران معاصر چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

۴. شاخصه‌های الگوی پیشرفت و تعالی ایران را توضیح دهید.

### برای پژوهش

۱. وضعیت آمریکا در قرن نوزدهم را از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بررسی نمایید.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۵

۲. هواداران الگوی ترقی، افزون بر دیدگاه خاص درباره پیشرفت و وابستگی شدید به فرهنگ غرب، درباره فرهنگ بومی ایرانی - اسلامی دیدگاه خاصی داشتند که آن را بررسی کنید.

۳. جانب‌داران الگوی تعالی درباره فرهنگ ایرانی - اسلامی و همچنین در خصوص فرهنگ غرب دیدگاه خاصی داشتند که آن را مورد بحث قرار دهید.

برای مطالعه بیشتر

۱. علی اصغر شمیم، **ایران در دوران سلطنت قاجار**، تهران، مدبر، ۱۳۷۵.

۲. مهرزاد بروجردی، **روشنفکران ایرانی و غرب**، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۸.

۳. فیروز کاظم‌زاده، **روس و انگلیس در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۷

## فصل سوم: چالش الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی در عصر مشروطه

اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. با زمینه‌های شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی ایران در اواخر عصر قاجار آشنا شوند.
۲. چالش دو الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی را در عصر مشروطه توضیح دهند.
۳. زمینه‌های پیروزی و شکست مشروطه را بیان دارند.
۴. زمینه‌های روی کار آمدن سلسله پهلوی پس از انقلاب مشروطه را توضیح دهند.

مقدمه

تحلیل انقلاب اسلامی بر مبنای چالش دو الگوی موجود، نیازمند آگاهی از تحولات تاریخی و تاریخچه چالش میان این دو الگوست. در بحث از الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا، آشکار شد که این الگو در اواخر عصر

قاجار و در گسترش ارتباط ایران و غرب شکل گرفت که با توجه به حیرت روشنفکران غرب‌گرا در برابر ترقی غرب، جنبه تقلیدی محض داشت. اما الگوی تعالی که برگرفته از مبانی فرهنگی جامعه ماست، در مقطعی از عصر قاجاریه در تلاش برای بیرون آمدن از وضعیت موجود، فرایند تکاملی خود را طی نمود، تا اینکه در انقلاب اسلامی ایران به نقطه عطف خود رسید. این فرایند با ایده مقابله با کفار و نفی استعمار آغاز می‌شود و به نفی استبداد و قانون‌گرایی در اواخر دولت قاجار، و در نهایت نیز به هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۸

در انقلاب اسلامی منجر می‌گردد. در این فصل به بررسی چالش میان ترقی غربی و تعالی در اواخر عصر قاجار تا روی کار آمدن دولت پهلوی می‌پردازیم.

### الف) جنگ‌های ایران و روسیه و فتوای جهاد

در فصل گذشته به‌اختصار درباره وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران در قرن نوزدهم میلادی به میان آمد. این وضعیت یکی از عواملی بود که سبب شد کشورهای استعمارگر به شکل‌های مختلف به ایران دست‌اندازی کنند. یکی از مهم‌ترین وقایع در این زمان، جنگ‌های ایران و روسیه بود. در این جنگ‌ها علمای مذهبی در راستای حفظ بلاد اسلامی از تسلط کفار، فتوای جهاد را صادر نمودند. این حرکت علمای مذهبی از اولین اقداماتی است که در ایران معاصر، در راستای نفی استعمار و بیرون آمدن از وضعیت موجود صورت گرفت. واکنش سریع علمای شیعه نشان می‌دهد که گرایش عالمان به احیای روحیه بیداری اسلامی و حضور بیشتر آنها در سیاست، گسترشی روزافزون داشته است. آثار حقیقت حفظ اساس اسلام و دین در تقابل با استبداد داخلی و به‌کار بستن قاعده «نفی سبیل» آثار رویارویی با استعمارگران خارجی، از نخستین حرکت‌هایی است که در شکل‌گیری نگرش پیشرفت و تعالی مؤثر بود. بی‌تردید شکست ایران در مواجهه با قدرت‌های بزرگ و ازسویی برخی تحولات اجتماعی و فکری موجب شد که مراجع تقلید و نیروهای مذهبی برای مقابله با دشمن خارجی به‌پا خیزند. بدین ترتیب در تفکر نوین انقلابی شیعه، تفسیرهای «دعوت‌کننده به آرامش»، «انفعال» و «تسلیم» کنار نهاده شد و روحیه انقلابی و مبارزه،

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۴۹

۳ (۱). هنری لطیف‌پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، ص ۱۷۰.

۳ (۲). این قاعده که براساس آیه «وَلَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۴) (۱۴۱) شکل گرفت، سلطه کافران بر مسلمانان را نفی می‌کرد.

۳ (۳). کرمانشاهی، مرآت الأحوال جهان‌نما، ص ۱۱۰.

جایگزین آن گردید.<sup>۵</sup> مبنای اساسی که الگوی تعالی در ابتدا بر آن تأکید داشت، لزوم استقلال از بیگانگان و نفی استعمار بود که پس از جنگ‌های ایران و روس در قیام تنباکو به جد نمایان شد و پس از آن رنگ و بوی ضدیت با استبداد به خود گرفت که ثمره آن، در «جنبش عدالت‌خانه» و «قیام مشروطیت» پدیدار گردید.

با گذشت زمان، تلقی ایرانیان شیعی از برخی مفاهیم و آموزه‌های فرهنگ شیعه که در برخی دوران‌های تاریخی کم‌سو شده بود، همچنان پررنگ می‌شد. اختلاف جدی روحانیت با دولت مرکزی نشان داد که مکتب اجتهادی در برابر دولت مرکزی کوتاه نیامده و به هیچ‌رو حاضر نیست در برابر سلطنت تسلیم گردد. ناگفته نماند که یکی دیگر از چالش‌های جدی نهاد دینی، مقابله با فرقه‌سازی بود که سیاست‌های استعماری برای ضربه‌زدن و ایجاد تشتت در میان شیعیان، به آن کمک می‌کرد. گذر کنار این حرکت، برخی دولتمردان پس از آشنایی با غرب، در تلاش برای انجام برخی اصلاحات غرب‌گرایانه در ایران بودند. در این دوران گفتمان تغییر، از درون حاکمیت به وجود می‌آید. بدین ترتیب با تلاش‌های کسانی چون عباس میرزا، قائم‌مقام فراهانی، امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار، اصلاحاتی از درون نظام صورت می‌گیرد. اما نگرش اصلاح‌طلبانه افرادی چون سپهسالار که در قالب نگرش ترقی‌گربی درخور ذکر است، نهاد دینی را تضعیف نمود. اصلاحات غرب‌گرایانه وی و اعطای امتیازات به خارجی‌ان، اعتراض و مخالفت روحانیان را برانگیخت. به نظر روحانیان، دولت با اعطای امتیاز به بیگانگان، راه مداخله آنان را در ایران هموارتر می‌کرد. در رأس مخالفان روحانی، حاج ملاعلی کنی قرار داشت.<sup>۷</sup> رفتار وی با سپهسالار، شاخص‌ترین برخورد نهاد دینی و علمای شیعه با ارکان حکومت قاجار تا زمان شکل‌گیری نهضت تحریم تنباکوست.<sup>۸</sup>

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۰

### (ب) نهضت تنباکو

نهضت تنباکو را می‌توان یکی از گام‌های مهم در روند شکل‌گیری و تکامل الگوی پیشرفت و تعالی دانست که نفی سلطه بیگانگان را در پی داشت. در سومین سفر ناصرالدین‌شاه به خارج از کشور (۱۲۶۸ ش)، با تلاش‌های امین‌السلطان و ملک‌خان، برخی امتیازات به بیگانگان اعطا شد که از جمله آنها

<sup>۳</sup> (۱). هنری لطیف‌پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، ص ۱۷۰.

<sup>۳</sup> (۲). نجفی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۱۱۸ و ۱۱۹.

<sup>۳</sup> (۳). آبادیان، اندیشه دینی و جنبش ضد رژیم در ایران، ص ۴۹ و ۵۰.

<sup>۳</sup> (۱). بمبشتی‌سرشت، نقش علما در سیاست از مشروطه تا انقراض قاجاریه، ص ۸۱-۷۷.

واگذاری انحصاری خرید و فروش و تهیه توتون و تنباکو در داخل و خارج ایران به مدت پنجاه سال به یک شرکت انگلیسی بود. مخالفت‌های بسیاری در واکنش به این قرارداد صورت گرفت: در تهران حاج میرزا حسن آشتیانی و در عتبات مقدسه عراق نیز حاج میرزا حسن شیرازی زعامت و رهبری مردم در مخالفت با این امتیاز را برعهده گرفتند. سرانجام با صدور فتوای تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی، حکومت در سال ۱۲۷۰ شمسی امتیاز یادشده را لغو کرد و شرکت دخانیات شاهنشاهی را برچید.

نهضت تنباکو بیش از دیگر جریان‌های سیاسی و مذهبی نقش بیدارگرانه داشته و در تکامل الگوی تعالی نقش مؤثری ایفا نموده است. این اهمیت به دلایل گوناگونی بود؛ مانند گستره جغرافیایی، وحدت در حرکت، نفوذ مرجعیت شیعه، غیاب روشنفکران در جریان نهضت، گسترش شبکه اطلاع‌رسانی در میان نهاد مذهبی و نیز پیروزی جریان سیاسی - مذهبی بر استبداد داخلی و استعمار خارجی. این واقعه ضداستبدادی و ضداستعماری، بر روند تکاملی بیداری اسلامی و تعالی طلبی آثار بسیاری برجای نهاد. <sup>۳۹</sup> بی تردید نهضت تنباکو که نخستین رودررویی در برابر استبداد بود، زمینه را برای جنبش‌های دیگر نظیر نهضت عدالت‌خانه فراهم نمود.

### ج) از جنبش عدالت‌خانه تا نهضت مشروطیت

با گذشت زمان، بیداری اسلامی ابعاد مختلفی یافت و الگوی پیشرفت و تعالی روند تکاملی

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۱

خود را طی نمود. از سویی تدوین نظریه‌های علمای شیعه با تکیه بر دو اصل «حفظ اساس اسلام» و «نفی سبیل»، آشتی این نهاد دینی با حکومت فاسد و مستبد را ناممکن ساخت. علما برای اصلاح امور و رفع فساد اداری پیشنهادهایی مطرح می‌کردند و حتی هشدارهایی می‌دادند که بخشی از آن در مورد استیلاي اجانب بر شئون جامعه اسلامی ایران بود. آنها در آغاز از حکومت فقط دادگری، تأسیس عدالت‌خانه و اجرای قوانین اسلام را می‌خواستند.<sup>۴۰</sup>

در سال ۱۲۸۳ شمسی نهضتی با عنوان عدالت‌خانه شکل گرفت که نهادی بومی و همه‌فهم به‌شمار می‌رفت. در حقیقت عدالت‌خانه، نهادی برای رسیدگی به شکایات مردم از دولت بود که در راستای محدود نمودن استبداد و براساس مبانی معرفتی دینی شکل گرفت. بنابراین در میان علما و مردم در فهم معنا و ضرورت عدالت‌خانه اختلافی وجود نداشت. از این‌رو، همگان به‌شکلی یکپارچه در مسیر

<sup>۳</sup> (۲). ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۵.

<sup>۴</sup> (۱). همان، ص ۲۳۲.

تحقق آن می‌کوشیدند؛ تاجایی که حتی تحصن‌کنندگان در سفارت انگلیس که به آنجا پناه برده بودند، این خواسته را داشتند.<sup>۴۱</sup>

همه علما و مردم خواستار تشکیل نهادی بودند که برگرفته از اسلام و منطبق بر آن باشد و بتواند از ظلم‌ها بکاهد و عدالت را بگستراند. از این‌رو، هنگامی که مظفرالدین شاه - به دنبال مهاجرت کبرا و تلاش‌های برخی علما - فرمان اولی خود مبنی بر تشکیل مجلس شورای ملی را صادر نمود، اعتراضات پایان‌نپذیرفت، تا اینکه شاه فرمان دوم خود را برای تشکیل «مجلس» و تنظیم فصول و شرایط آن صادر کرد. پس از این فرمان، علمای قم خطاب به متحصنان سفارت، تلگرافی زدند و خواستار آن شدند که تحصن و اعتراض پایان یابد؛ چراکه معتقد بودند خواسته‌های نهضت برآورده شده است.

بنابراین نهضت عدالت‌خانه بر مبنای دلبستگی به داشته‌های خودی و نفی بیگانگان شکل گرفت.

در مقابل این جریان اصیل نیز هم‌زمان با مهاجرت کبرا، مردم براساس یک شایعه به

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۲

سفارت انگلستان کشیده شدند و بدین‌سان مسئله مشروطه به‌عنوان خواست عمومی مطرح شد و حال آنکه فهم درستی از آن وجود نداشت. همچنین در توطئه‌های آشکار، نامه سوم مشروطه که در آن واژه «اسلامی» از عنوان مجلس حذف شده بود، تأیید گردید و به جای آن، فرمان دوم که دربردارنده واژه اسلام بود، به‌دروغ برای مهاجران قم فرستاده شد.

در پی این جریان‌ها، اختلاف در صف واحد ملت و علما شکل گرفت و روشنفکران غرب‌زده که خواهان تغییرات در چارچوب شرع اسلام بودند، این مبارزه را به نفع خود پایان دادند و با حذف علما - اعم از مشروطه‌خواه و مشروعه‌خواه - زمام امور را در مسیر تحقق ترقی غربی به‌دست گرفتند. اعدام شیخ فضل‌الله نوری و ترور آیت‌الله بهبهانی در همین راستا صورت گرفت.

همان‌گونه که گفته شد، جریان روشنفکری در ایران عمدتاً متأثر از دنیای غرب بود و عوامل متعددی نیز در شکل‌گیری و تداوم آن تأثیر داشت. روشنفکران این عصر غالباً به میزانی که به غرب روی کرده بودند، از فرهنگ خودی و مذهب خویش روی‌گردان شدند و تحت تأثیر مشروطه‌خواهی، ناسیونالیسم و سکولاریسم، گذشته فرهنگی خود را نفی نمودند. این افراد از حیث وابستگی سیاسی به دو گروه وابسته و غیروابسته تقسیم می‌شدند. بدیهی است که وابستگان، برخی از مقام‌های عالی‌رتبه دولتی

<sup>۴</sup> (۲). ابوالحسنی، کارنامه شیخ فضل‌الله نوری، ص ۵۸ و ۵۹.



بودند که از نظر خانوادگی، فرهنگی و خدمت شغلی به دربار وابسته بودند. گفتنی است عده دیگری از این گروه در احزاب و پاره‌های نیز در مجلس و کابینه فعالیت داشتند.

بدین ترتیب، شبه‌ترقی غرب‌گرا در اواخر عصر قاجار بر مشروطیت تسلط یافت و مبارزه با فرهنگ و هویت بومی ایرانی را در راستای ترقی مورد نظر خود در دستور کار قرار داد. شعار «از فرق سر تا نوک پا باید فرنگی شود» و نفی هر آنچه خود داریم، مهم‌ترین نگره این گروه بود. در هر حال چنین وضعیتی مشروطه را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرد و سرانجام آن را به شکست کشانید. اما با این همه، الگوی ترقی غربی و گرایش به غرب و استفاده از مظاهر تمدن غرب در عصر پهلوی، در سطح روشنفکران و دولتمردان ظهور کرد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۳

#### د) حاکمیت شبه‌ترقی غرب‌گرا و بازگشت استبداد و تشدید وابستگی

نهضت عدالت‌خانه به دلایلی که توضیح دادیم، از سوی روشنفکران به انحراف گرایید و زمینه را برای اجرای مشروطه غربی فراهم آورد و سرانجام نیز به شکست انجامید. نهضت مشروطیت نیز به‌عنوان یکی از رویدادهای مهم در تاریخ معاصر ایران، نقطه عطفی تاریخی در چالش میان دو الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا و تعالی اسلامی - ایرانی به‌شمار می‌رود. نهضت مشروطه، حرکتی بزرگ در تاریخ معاصر ایران بود که با رهبری همسو و بلامنازع علما در جریان جنبش عدالت‌خانه شکل گرفت، تا اینکه در مقابل این نهضت و برای به انحراف کشاندن آن، نگرش دیگری در قالب الگوی شبه‌ترقی غرب‌گرا پدید آمد.

چالش میان دو الگوی مذکور در عصر مشروطه را می‌توان در قالب دو نگرش «مشروطه مشروع» و «مشروطه غربی» نیز جستجو کرد. هرچند هر دو بر محدود شدن استبداد و قانون‌گرایی تأکید می‌کردند، تفاوت اساسی آنها در این بود که در مشروطه مشروع، بحث از محدودیت استبداد و قانون‌گرایی، در قالب شرع اسلام مطرح می‌شد؛ حال آنکه مشروطه غربی این موضوع را در قالب قانون عرف و برمبنای نگاه اومانستی خود و ضدیت با مذهب دنبال می‌کرد.

در این دوران تلاش‌های بسیاری از سوی علما به‌منظور مقابله با این جریان انحرافی صورت گرفت. برای نمونه می‌توان به تلاش شیخ فضل‌الله برای تدوین متمم قانون اساسی و اقدام‌های مرحوم نائینی در توضیح مشروطه براساس مبانی اسلامی اشاره نمود، اما مشروطه‌خواهان غرب‌گرا می‌کوشیدند تا برای رسیدن به ترقی موردنظر در غرب، به نفی دین و سنت‌های دینی بپردازند. در واقع همین روشنفکران غرب‌گرا بودند که برپایه مبانی ترقی‌خواهی غربی و غرب‌گرایی افراطی، روی کار آمدن استبداد رضاخان را توجیه می‌نمودند و با توجه به الهام گرفتن تفکر آنان از غرب، وجود یک دیکتاتور را برای ترقی کشور لازم می‌دانستند.

به‌هرروی، نهضت مشروطیت که حرکتی اصیل به‌شمار می‌رفت، سرانجام از مسیر اصلی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۴

خود منحرف شد. به‌طور کلی عمده دلایل شکست مشروطه را می‌توان چنین برشمرد: حذف نگرش مشروطه مشروع، اختلافات گسترده در میان رهبران آن و نیز مشکلات داخلی که شامل مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی می‌شد.

از دیگر دلایل شکست مشروطه می‌توان به تغییر رویکرد انگلستان درباره ایران نیز اشاره کرد؛ چراکه آنان طی معاهده‌ای با روس‌ها به اهدافی که می‌خواستند، رسیدند و به همین رو حمایت از مشروطه را دیگر ضروری نمی‌شمردند. آنها در ادامه حتی نظام مشروطه را مخالف منافع خود دانستند. در این زمان با توجه به انقلاب ۱۹۱۷ میلادی روسیه و خروج نیروهای روسیه از ایران، رویکرد انگلستان به ایران نیز تغییر یافت؛ بدین بیان که تصمیم گرفت در تمام کشورهای تحت نفوذ خود، دولت‌های مرکزی و وابسته را حاکم سازد تا بتواند بر اوضاع ایران چیره گردد. بر همین اساس، رضاشاه در ایران، کمال آتاتورک در ترکیه، ملک فیصل در عراق و امان‌الله خان در افغانستان، با طراحی انگلستان به قدرت رسیدند.

ازسویی روشنفکران غرب‌گرا که تمامی نگاه خود را به بیرون از مرزها دوخته بودند، به تأسی از برخی کشورهای چون آلمان، روی کار آمدن یک مستبد مدرن را به‌منظور حل مشکلات جامعه ضروری می‌دانستند. بدین ترتیب، زمینه برای قدرت یافتن رضاخان پس از کودتای وی فراهم آمد.

رضاخان در سال ۱۲۹۹ شمسی ازسوی انگلیسی‌ها به همراه سید ضیاءالدین طباطبایی برای انجام کودتای نظامی انتخاب شد. علت انتخاب وی برای فرماندهی کودتا، قدرت خشونت‌آمیز، قلدری، انضباط و کم‌سوادی او بود. امیران و افسران ارشد پس از دیدارهای کوتاه با او، نسبت به وی نظری مثبت یافتند. در این میان، تمجیدهای سرگرد بخش سیاسی ارتش انگلیس (اسمایس) و همچنین فعالیت‌های ژنرال آبرون ساید (سرلشکر ارتش انگلیس و عامل اجرایی کودتای ۱۲۹۹ ش) و تحمیل تمایل انگلیس در این ابراز نظرها تأثیر زیادی داشت. اما از آنجاکه رضاخان اطلاعات سیاسی، اداری و اجتماعی نداشت، انگلیسی‌ها برای انجام دادن وظایف سیاسی و اجتماعی کودتا، سید ضیاءالدین طباطبایی مدیر روزنامه رعد و

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۵

یکی از ایرانیان مورد اعتماد خود را نامزد کرد؛ همو که در راه حفظ و اشاعه منافع آنها قلم‌فرسایی می‌کرد و تا حدی نیز در اجتماع نفوذ داشت.<sup>۴۲</sup>

ژنرال آبرون ساید انگلیسی رضاخان را شایسته فرماندهی نظامی بر قزاق‌ها می‌دانست تا از طریق کودتا اختیارات مملکتی را در دست گیرد. وی در یادداشت‌هایش در مورد رضاخان می‌نویسد:

یک دیکتاتور نظامی کلیه مشکلات ما را در ایران حل خواهد کرد. به عقیده شخصی من، با تقویت رضاخان و استقرار دیکتاتور نظامی، نیروهای انگلیسی می‌توانند بدون دردسر ایران را ترک کنند.<sup>۴۳</sup>

سرانجام رضاخان با همکاری سید ضیاءالدین طباطبایی برای مدتی به نخست‌وزیری رسید. رضاخان پس از کودتا به تدریج مراحل رسیدن به قدرت را طی کرد. او ابتدا به فرماندهی نیروهای قزاق و سپس به مقام وزارت جنگ و پس از چندی به مقام نخست‌وزیری نایل گردید. سرانجام نیز وی در سال ۱۳۰۴ شمسی با وجود مخالفت‌های شخصیت‌های مذهبی همچون مدرس، احمدشاه را از سلطنت برکنار کرد و خود به پادشاهی رسید. در این زمینه فراکسیون تجدد که متشکل از روشنفکران غرب‌گرا بودند، با تصویب ماده‌ای، پایان سلطنت قاجاریه را اعلام داشته، سلطنت پهلوی را به جای آن برگزیدند.

## چکیده

۱. صدور فتوای جهاد به منظور مقابله با دشمن در جنگ‌های ایران و روس، از حرکت‌های نخستین در راستای تغییر به‌شمار می‌آید.
۲. از درون بدنه حاکمیت، افرادی همچون عباس‌میرزا، امیرکبیر و مشیرالدوله، به گفتمان تغییر قائل بودند.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۶

۳. افرادی نظیر مشیرالدوله با دیدگاه اصلاح‌گرایانه غربی، در چالش با نگاه عامه و علمای مذهبی، بر دیدگاه‌های اصلاح از درون نظام تأکید دارند.
۴. نهضت تنباکو به‌عنوان اولین حرکت برپایه مبانی درونی و فرهنگ بومی، زمینه دیگر جنبش‌ها را فراهم نمود.

<sup>۴</sup> (۱). پسیان و معتضد، از سوادکوه تا ژوهانسبورگ (رضاخان)، ص ۲۰۷.

<sup>۴</sup> (۲). همان، ص ۲۲۸.

۵. جنبش عدالت‌خانه که با تجربه نهضت تنباکو شکل گرفت، حرکتی در راستای قانون‌گرایی و نفی استبداد بود که به نهضت مشروطیت انجامید.

۶. سرانجام جریان انحرافی غرب‌گرا، مشروطه را دربرگرفت و آن را به حاشیه راند.

۷. جریان مشروطه غرب‌گرا با توجه به نگرش وابسته خود، زمینه روی کار آمدن استبداد رضاخان را فراهم کرد و بدین‌سان قانون‌گرایی را به‌عنوان مهم‌ترین دستاورد مشروطه، پایمال نمود.

### پرسش

۱. چالش میان دو الگوی شبه ترقی غربی و پیشرفت را پیش از نهضت مشروطه تبیین نمایید.

۲. تقابل بین دو الگوی ترقی و تعالی را در نهضت مشروطه توضیح دهید.

۳. چالش میان دو الگوی ترقی و تعالی در نهضت مشروطه چه نتایجی در پی داشت؟

۴. زمینه‌های روی کار آمدن دولت پهلوی را با توجه به حاکمیت گفتمان «مشروطه غربی» توضیح دهید.

### برای پژوهش

۱. دیدگاه‌های امیرکبیر و سپهسالار را در بحث اصلاحات با یکدیگر مقایسه کنید.

۲. تفاوت دیدگاه‌های شیخ فضل‌الله و مرحوم نائینی را درباره مشروطه تحلیل نمایید.

### برای مطالعه بیشتر

۱. علی‌اصغر شمیم، **ایران در دوران سلطنت قاجار**، تهران، مدبر، ۱۳۷۵.

۲. مهرزاد بروجردی، **روشنفکران ایرانی و غرب**، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، فرزانه، ۱۳۷۸.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۵۷

۳. فیروز کاظم‌زاده، **روس و انگلیس در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.<sup>۴۴</sup>

## فصل چهارم: عصر پهلوی، شبه ترقی غرب‌گرا و باستان‌گرایی

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. اقدامات پهلوی اول در راستای شبه ترقی غرب‌گرا را تبیین کنند.
۲. اقدامات پهلوی دوم در جهت شبه ترقی غرب‌گرا را بیان دارند.
۳. شکل‌گیری استبداد و وابستگی در عصر پهلوی را تحلیل نمایند.
۴. پیامدهای غرب‌گرایی را در هر یک از دوره‌های ایران معاصر توضیح دهند.

### الف) شبه ترقی غرب‌گرا و الگوی باستان‌گرایی در عصر پهلوی اول

رضاشاه با کودتای ۱۲۹۹ شمسی و با راهنمایی و کمک انگلستان، در مقام وزیر جنگ روی کار آمد و پس از چندی به یاری آنها توانست قاجاریه را براندازد و سلسله پهلوی را بنیان نهد. وی فردی نظامی بود که سواد چندانی نداشت و به همین رو اقدامات او بر پایه دیدگاه‌های روشنفکران اعمال می‌گردید. رضاخان در راستای تمایلات انگلستان به اقداماتی در عرصه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دست یازید و در عرصه سیاسی نیز حکومت استبدادی را تجربه نمود.

#### یک. ساختار سیاسی (استبداد)

ساختار سیاسی دولت پهلوی اول با دولت‌های قاجار، تفاوت چندانی ندارد. رضاشاه در طول زمامداری، قدرت سیاسی را در خود متمرکز کرد و به ثروت اقتصادی بزرگی دست یافت که

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۰

ناشی از چپاول بود. ازسویی استبداد نظامی رضاشاهی نیز راه را بر هرگونه آزادی‌های سیاسی و مشارکت مردمی مسدود ساخت. حیات سیاسی مردم در زمان او به سبب کنترل دیکتاتور مآبانه همه امور کشور و سرکوب مخالفان، بسیار بی‌رمق بود. دولت رضاخان نسبت به دولت‌های قاجار، به دلیل مبتنی بودن بر سه اصل ارتش، بروکراسی مدرن و پشتیبانی گسترده دربار، از ثبات سیاسی برخوردار بود، اما با توجه به ساختار حکومت دیکتاتوری وی، جامعه ایران از نظر سیاسی دچار انسداد گردید.

این وضعیت در ساختار سیاسی پهلوی اول موجب شد که پس از فروپاشی آن، نیروها و گروه‌های سیاسی که سال‌ها در چنبره استبداد بودند، آزاد شوند و بدین‌سان ایران در دهه ۱۳۲۰ شمسی جولانگاه آنها گردد.<sup>۴۵</sup>

جدای از حامیان خارجی رضاخان که به‌منظور استفاده از منافع ایران وی را روی کار آورده بودند، مهم‌ترین گروهی که از این استبداد حمایت می‌کرد، روشنفکران غرب‌گرایی نظیر تقی‌زاده بودند که به مفهومی به نام «استبداد منور» اعتقاد داشتند. اینان معتقد بودند که چون ایرانیان صلاح خود را نمی‌دانند، می‌باید با استفاده از استبداد منور، تجدد را بر جامعه ایران تحمیل نمود. بدین ترتیب از نگاه این افراد، بسته شدن فضای سیاسی و ایجاد استبداد به‌منظور اجرای برخی برنامه‌ها در ایران، امری ضروری بود که بعدها براساس آن، برخی اقدامات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز صورت گرفت.

### دو. تحمیل تغییرات اجتماعی - اقتصادی متنافر با بافت اجتماعی ایران

عصر پهلوی اول در ایران مقارن با عصر نوسازی و رواج نظریه‌های غربی در این زمینه است. به‌هنگام روی کار آمدن رضاخان، فضای موجود در جهان به‌گونه‌ای بود که کشورها به‌نوسازی اقتصادی - اجتماعی ترغیب می‌شدند تا از این حیث متناسب با فضای عصر جدید گردند.

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۱

از سوی دیگر، نیازهای درونی جامعه ایران برای برون‌رفت از بحران‌های اجتماعی و اقتصادی ناشی از جنگ، سیاست‌مداران را تشویق می‌کرد تا با استفاده از الگویی خاص به مدرنیزاسیون در ایران بپردازند. بر این بنیاد، روشنفکران ایران نیز به تبلیغ نوسازی به شیوه غربی پرداختند و طبیعی بود که رضاشاه نیز از این امر تأثیر پذیرد و به اقداماتی غرب‌گرایانه مبادرت ورزد. بدین‌سان، از این دوران به بعد مدرنیزاسیون ایران به شیوه غربی آغاز شد.

درحقیقت تأثیرات فکری نهضت مشروطیت و حضور طبقه جدید تحصیل‌کردگان غرب در کنار طبقه حاکم، بیش از هر عامل دیگری سبب رویکرد پهلوی اول به مدرن‌سازی کشور به شیوه غربی شد. این تلاش‌ها نه‌نشئت‌یافته از روحیه نظامی‌گری رضاشاه، بلکه تبلور خواست‌ها و آرمان‌های روشنفکرانی بود که تنها راه رسیدن به تمدن غرب را دوری از سنت‌های دینی حاکم بر جامعه ایرانی می‌دانستند. این مسئله در کنار تحولاتی که مصطفی کمال آتاتورک در ترکیه به‌راه انداخت، توجه شاه و حامیان او را به خود جلب کرد و آنان را به اقتباس از اقدامات ضد‌مذهبی آتاتورک فراخواند.

<sup>۴</sup> (۱) هراتی، رهیافت‌هایی در تبیین انقلاب اسلامی ایران، ص ۶۷.

<sup>۴</sup> (۲) نوسازی مفهومی است که در ادبیات علوم اجتماعی به فرایند تغییرات اجتماعی بر مبنای مدرنیته و برای رسیدن به جامعه‌ای مدرن غربی اطلاق می‌گردد.

نوسازی رضاشاه با تأکید بر عنصر تقلیدگرایی از غرب (شبه‌ترقی غرب‌گرا) در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی و به‌ویژه فرهنگی آغاز شد که برگرفته از مبانی مدرنیته بود. رضاشاه در فضای سیاسی و بین‌المللی آن روز به‌دنبال تبدیل ساختارهای اقتصادی ایران به ساختارهایی شبیه به غرب بود که این موضوع زمینه‌های وابستگی را فراهم می‌نمود. ایجاد بانک سرمایه‌گذاری با هدف درازمدت ایجاد جامعه‌ای شبه‌غربی، از جمله اقدامات رضاخان بود؛ آن هم با غیردینی کردن جامعه، ترویج ملی‌گرایی افراطی و نیز توسعه سرمایه‌داری دولتی.<sup>۴۷</sup>

تأسیس بانک و راه‌آهن، ایجاد مدرسه و دانشگاه به سبک اروپایی و احداث کارخانه‌های جدید، اقداماتی بود که ناسیونالیسم شبه‌مدرن، آن را به هر قیمتی (حتی پذیرش استبداد رضاشاه) برای رسیدن به کاروان ترقی ضروری می‌دانست.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۲

بانک ملی یکی از نخستین اقدامات رضاخان بود که به کمک کارشناسی آلمانی محقق شد، اما از نگاه کارشناسان اقتصادی، اقدامی ناسنجیده و بیهوده بود؛ چراکه اولاً سیاست‌های مکملی که گسترش فعالیت‌های آن را تأمین کند، مورد توجه قرار نگرفت و ازسویی بانک ملی فقط نهادی موازی برای صرافان سنتی بود و بلکه آن صرافان، این کارکردها را بهتر انجام می‌دادند. به‌واقع صرافی در میان بازاریان ایران، نهادی جاافتاده بود که نحوه کار آن برای همه آشنا بود و اعتمادی متقابل در آن وجود داشت. در مقایسه با این نهاد، بانک دولتی جدید بی‌تجربه بود و در اداره امور خود نیز چندان تخصص نداشت.<sup>۴۸</sup> اگرخصوص ایجاد راه‌آهن نیز اقدامات رضاخان برپایه اهداف خاصی بنا شده بود. جان فوران یکی از تحلیل‌گران غربی مسائل ایران این‌گونه تحلیل می‌کند:

پروژه دیگری که از نظر اقتصادی «فاجعه‌آمیز» بود، احداث راه‌آهن از بندر شاه در جنوب شرقی دریای خزر به بندر خرمشهر بود. هنگامی که لایحه ساختن راه‌آهن به مجلس رفت، مصدق با آن مخالفت کرد که اولاً چرا شمال مرکزی به جنوب غربی؟ مصدق مسیر تبریز، تهران، مشهد را مناسب‌تر می‌دانست. ازسویی چرا راه‌آهن و نه یک جاده؟ به‌ویژه اگر بدانیم که هزینه احداث جاده یک تا یک‌ونیم درصد هزینه راه‌آهن بود و هزینه‌های آن از محل عوارض قند و چای و انحصارات مختلف دولتی بر تجارت خارجی تأمین می‌شد که هم موجب تورم و هم پایین آمدن سطح رفاه عمومی گردید. هزینه کل این پروژه ۲۶۰ میلیون دلار، برابر با تمام سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در طول سلطنت رضاشاه بوده است؛ پروژه‌ای که اگرچه یک اقدام زیرساختی بود، ظرفیت بهره‌برداری از آن تا سال‌ها بسیار اندک بود و هیچ توجیه اقتصادی را دربرنداشت.<sup>۴۹</sup>

<sup>۴۸</sup> (۱). هزاوهای، الگوهای مسلط توسعه و توسعه‌نیافتگی ایران، ص ۲۰۶.

<sup>۴۹</sup> (۱). همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۱۵۷.

<sup>۴۹</sup> (۲). بنگرید به: فوران، مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ص ۳۵۳ - ۳۵۱.

به‌طور کلی برخی نویسندگان از آنچه در عصر پهلوی اتفاق افتاد، به شبه‌مدرنیسم یاد می‌کنند. برای «شبه‌مدرنیسم» دو ویژگی بیان شده است:

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۳

۱. با اینکه اندیشه و آرمان‌هایی اجتماعی را در خود دارد، با فرهنگ و تاریخ جامعه بیگانه است؛
۲. برخلاف مدرنیست‌های اروپایی به‌ندرت از اندیشه‌ها، ارزش‌ها و روش‌های اروپایی، شناختی واقعی دارد. از این‌روست که تکنولوژی جدید- که آن را اغلب با علوم جدید یکی می‌انگارند- درمانی قطعی دانسته می‌شود که به مجرد خریداری و نصب می‌تواند همه مشکلات اجتماعی- اقتصادی را یکسره حل کند. از دیگر اقدامات مخرب پهلوی اول، در حوزه فرهنگ بود. رضاخان در راستای شبه‌مدرن نمودن ایران تلاش نمود تا به‌اجبار پوشش را تغییر دهد که در این خصوص می‌توان به کشف حجاب و همسان کردن لباس مردان اشاره نمود. وی بر آن بود تا با این کار، ایران را به‌لحاظ ظاهری با غرب یکسان کند. درحقیقت پیش‌فرض اساسی این‌الگو که به تجدد آمرانه نیز معروف است، این بود که توده مردم، مصالح و منافع خود را تشخیص نمی‌دهند و شیوه‌های رسیدن به آن را نمی‌دانند، از این‌رو ضروری است که نخبگان ترقی‌خواه، آنان را در مسیر تجدد و پیشرفت قرار دهند. بدیهی است که در این فرایند هر جا که اهداف و برنامه‌های ترقی‌خواهانه دولت و نخبگان سیاسی با خواست و اراده مردم مغایرت داشته باشد، کاربرد زور برای پیشبرد این اهداف و برنامه‌ها مشروعیت می‌یابد.<sup>۵۱</sup>

### سه. هویت‌سازی و باستان‌گرایی

فرایند شبه‌ترقی غرب‌گرا در دوره پهلوی با تأکید بر الگوی باستان‌گرایی استمرار یافت. از این حیث فرایند هویت‌خواهی این دوره با دوره قاجاریه و روند وابستگی به غرب، آمیزه‌ای از سه محور باستان‌گرایی، تجددگرایی و مذهب‌زدایی بود. به‌طور کلی اقدامات فرهنگی رضاشاه بر سه محور ناسیونالیسم باستان‌گرایی، تجددگرایی و مذهب‌زدایی قرار داشت.

در محور نخست می‌توان بدین اقدامات اشاره کرد: ترویج باستان‌گرایی افراطی با تأکید بر

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۴

یکتایی نژاد آریایی، پرداختن به تاریخ شاهان قدیم و نشان دادن عظمت آنان و همچنین بازسازی آثار باستانی که به‌زعم شاه، سیمای درخشان تمدن پرشکوه ایران کهن بود.

<sup>۵۱</sup> (۱). همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ص ۱۴۷.

<sup>۵۲</sup> (۲). معظم‌پور، نقد و بررسی ناسیونالیسم تجددخواه در عصر رضاشاه، ص ۱۱۳.



تجددگرایی و تضعیف ارزش‌های دینی، بخشی از برنامه‌های نوسازی فرهنگی دولت رضاشاه به‌شمار می‌آمد؛ چراکه از نظر او، ریشه‌دار بودن تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی، مانعی جدی برای فرایند غربی‌سازی ایران بود. از این‌رو، دولتمردان رژیم سلطنتی با رواج بی‌قیدی و تحقیر نهادهای دینی و سنت‌های ملی، مبارزه خود را علیه مذهب آغاز کردند. حضور میسیون‌های مذهبی، تأسیس مدارس جدید به سبک اروپایی، تأسیس کانون‌ها و انجمن‌های روشنفکری، ترویج بی‌حیایی در میان زنان، کشف حجاب بانوان و نیز تغییر نظام آموزشی، از جمله فعالیت‌هایی بود که در این دوره با اهتمام جدی انجام شد.

جملگی این اقدامات و اصلاحات فرهنگی برای ایجاد هویت جدید صورت می‌گرفت که جوهره اصلی آنها نیز تأکید بر ناسیونالیسم (ملی‌گرایی) بود. در واقع درک دولت نوگرا از تمدن جدید، سلوک و رفتار تجددمآبانه و تغییر، در ظواهر بود، نه شکوفایی اندیشه و فرهنگ. بی‌شک در همین راستا بود که همسان‌سازی فرهنگی و رؤیای رسیدن به تمدن اروپایی، نخبگان غرب‌زده ایرانی را بر آن داشت تا به تغییر در پوشاک و کشف حجاب زنان روی آورند.

گام بعدی در راستای ایجاد دگرگونی در صورت‌بندی‌های اجتماعی، تحول در نظام آموزشی کشور بود. از سوی شورای عالی معارف، نظام آموزشی مدارس فرانسه به‌عنوان الگوی مدارس ایرانی پذیرفته شد و بدین ترتیب آموزشگاه‌های جدید، هنرستان‌های صنعتی و دانش‌سراهای مقدماتی و عالی، به همراه معلمان اروپایی به‌شکلی مختلط تأسیس گردید. به‌طور کلی سازمان‌های مذکور به سه منظور پی‌ریزی شد: یکی آماده‌سازی اذهان عمومی برای پذیرش تغییرات سیاسی و اجتماعی و همسو شدن با آن و سعی در القای برخی مفاهیم مانند شاه‌پرستی و میهن‌دوستی؛ دوم ارائه تحلیل‌هایی برای توجیه عملکرد نهادهای حکومتی و سوم نیز ایجاد یکپارچگی فکری در میان مردم و نفی فرهنگ بومی.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۵

هرچند رضاخان سیاست‌های نوسازی را در حوزه‌های مختلف (از جمله فرهنگی) در این دوران به پیش برد، عدم‌اقبال عمومی و حتی ستیز با بخش اعظم سیاست‌های فرهنگی رضاشاه - که خود را در قیام‌های مختلف فرهنگی و سیاسی و حتی نظامی نشان داد - بیانگر موفق نبودن وی در این سیاست هویت‌ساز بوده است.

مخالفت روحانیان و بسیاری از طبقات جامعه با قانون اتحاد لباس، مقابله با سیاست کشف حجاب که نمونه بارز آن، قیام مسجد گوهرشاد است و نیز ستیز با ایدئولوژی فرهنگی و سیاسی رضاشاه که در قالب نثر یا شعر از سوی بسیاری از روشنفکران تجلی یافت، جملگی نمودار عدم‌پذیرش فرهنگی است

که رضاشاه بر ایرانیان تحمیل نمود. بی شک پس از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی بی‌اعتنایی نسبی به پهلوی دوم و توجه به مجلس، نشان‌دهنده نارضایتی از رضاخان است.

خلاصه آنکه در این دوران، حکومت با استفاده از قدرت عریان خود کوشید تا عنصر ایرانی باستان‌گرایانه و شبه‌غربی را تقویت کند و آن را در جامعه بگسترده و از این سو عنصر اسلامی را نیز هرچه بیشتر بزداید. این در حالی بود که جامعه ایران برخلاف این جریان هیچ‌گاه حاضر نشد هویت ایرانی باستان‌گرایانه را به‌جای اسلام شیعی بپذیرد. این تعارض در عصر پهلوی دوم نیز با شدت بیشتری ادامه یافت. اما شرایطی که پهلوی دوم در آن روی کار آمد، از نظر بین‌المللی با گذشته تفاوت‌هایی داشت؛ آن‌گونه که با توجه به وابستگی فکری آن، شبه‌ترقی غرب‌گرا با رویکرد جدید در ایران دنبال شد که این خود زمینه‌های وابستگی هرچه بیشتر به غرب را فراهم نمود.

### ب) شبه‌ترقی غرب‌گرا و الگوی باستان‌گرایی در عصر پهلوی دوم

الگوی ترقی غربی در عصر پهلوی دوم به دنبال شبیه شدن ایران به غرب، به شکل دیگری دنبال شد؛ بدین بیان که با توجه به مقتضیات و شرایط ایران پس از جنگ جهانی دوم و مطرح شدن موضوع توسعه، از یک سو به دلیل وابستگی فکری و عملی و از سوی دیگر با توجه به فشار غرب برای انجام برخی برنامه‌ها در ایران، شاهد اجرای برنامه‌های توسعه در این کشور هستیم.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۶

سیاست‌های شبه‌ترقی خواهانه که در این دوران شکل گرفت، باید از همین منظر تحلیل گردد. برای بررسی چارچوب الگوی ترقی در عصر پهلوی دوم که در قالب توسعه مطرح شد، می‌باید به اختصار با وضعیت ایران در آن دوران و عوامل مؤثر بر مسائل آن آشنا گردیم.

### یک. اقدامات پهلوی دوم و تحمیل تغییرات اجتماعی

جنگ جهانی دوم، اشغال نظامی ایران، فروپاشی دولت رضاخان و همچنین آثار سیاست‌های وی، ایران را در آغاز از نظر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی با مشکلات بسیاری روبه‌رو نمود. بررسی وضعیت اقتصادی ایران بعد از جنگ جهانی دوم نشان می‌دهد که این کشور در وضعیت نامطلوبی قرار داشته و از سویی به دلیل اشغال نظامی دچار آسیب‌های جدی بوده است. آئین وضعیت، بر جمعیت کشور به‌ویژه شهرهای بزرگ تأثیرات مخربی برجای نهاد که مهم‌ترین آن، تورم بیش از حدی بود که در سال‌های نخستین جنگ به وجود آمد.

دهه ۱۳۲۰ شمسی در ایران و وجود مشکلات اقتصادی، مقارن با پایان جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام دوقطبی در جهان است که در آن بلوک شرق و غرب افزون بر واقع شدن در جنگ سرد، با یکدیگر برای جذب کشورهای مهم جهان سوم و قرار دادن آنها در زمره کشورهای حامی خود در رقابت بودند. بدین بیان، از یک سو پیروان ایدئولوژی کمونیستی با استفاده از گروه‌های وابسته به خود در کشورهای جهان سوم، در پی ایجاد انقلاب کمونیستی در این کشورها بودند و از سویی دیگر کشورهای بلوک غرب و در رأس آنها آمریکا نیز می‌کوشیدند کشورهای جهان سوم را به خود جذب کنند تا با یافتن متحدانی در مناطق مختلف جهان، منافع خود را در این مناطق حفظ کنند.

کشور ایران در این دوران از نظر استراتژیک و داشتن ذخایر طبیعی، مورد توجه هر دو ابر قدرت جهان بود. در این میان، غرب و در رأس آن آمریکا تلاش کرد تا بتواند ایران را به کشوری حامی غرب و دشمن کمونیسم بدل کند. از دیدگاه تحلیل‌گران و دولتمردان غربی،

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۷

نارضایتی‌های اقتصادی موجود در ایران ممکن بود زمینه را برای نفوذ کمونیسم در این کشور فراهم نماید. نظریه پردازان غربی بر این باور بودند که برای پیشگیری از چنین رویدادی، کشورهای جهان سوم به‌ویژه ایران باید روند توسعه را بیمایند. بدین ترتیب با مدرنیزاسیون ایران به کمک الگوهای پیشنهادی، افزون بر وابسته شدن این کشور به غرب، نارضایتی‌های موجود در جامعه نیز کاهش می‌یافت و بدین سان از نفوذ کمونیسم در این کشور نیز ممانعت می‌شد. در همین راستا نیز همانند دو دوره پیشین، برخی روشنفکران که بر دولت اثرگذار بودند، در راستای ترقی و برون‌رفت از مشکلات اجتماعی، استفاده از الگوهای غربی را پیشنهاد نمودند.<sup>۴</sup> با توجه به اهمیت ایران برای غرب و به‌ویژه آمریکا، از این دوران به بعد، با حضور آمریکا و نفوذ این کشور بر اقتصاد و سیاست ایران روبه‌رویم که تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ادامه دارد، هرچند نفوذ گسترده و جدی آمریکا از کودتای ۲۸ مرداد به بعد آغاز شد. جان فوران درباره نفوذ آمریکا در ایران می‌نویسد:

ایران در سال ۱۳۲۱ شمسی شاهد حضور سی‌هزار سرباز آمریکایی در ایران بود تا بر جریان حمل‌ونقل مهمات و آذوقه به شوروی نظارت کنند. این ازدیاد نقش آمریکا در امور ایران با هدف گسترده‌تر آن کشورها هماهنگی داشت؛ زیرا ایالات متحده می‌خواست نظم اقتصادی بین‌المللی جدیدی بنا نهد تا از انزوای قبلی بیرون آید و از بحران‌های اقتصادی شدید جلوگیری کند. از سویی آمریکا بر آن بود تا حرکت آزاد سرمایه- اعم از مواد خام یا کالا- در سطح جهانی را تأمین و آن را تضمین نماید و مانع از آن شود که دنیا به بلوک‌بندی‌های تجاری انحصاری در قبل از جنگ جهانی دوم بازگردد؛ امری که در آخرین مراحل جنگ سبب تیرگی میان سه قدرت بریتانیا، شوروی

و آمریکا در ایران شد و بدین ترتیب میان این سه، رقابتی بر سر تفوق بر ایران پس از جنگ آغاز شد و به تدریج این رقابت حالت خصمانه‌تری به خود گرفت. سرانجام موضوع نفت ایران و امتیازات نفتی میان این سه قدرت، کشمکش آنها را علنی ساخت و

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۸

موجب جنگ سرد شد. با این همه، آمریکا در سال ۱۳۲۱ هیئتی اقتصادی به ریاست آرتور میلسپو را به ایران اعزام کرد.<sup>۵۵</sup>

وضعیت آن دوران، برنامه‌ریزان کشور را بر آن داشت تا به دنبال نسخه‌ای شفاف‌بخش برای اقتصاد و ساختار اجتماعی ایران باشند تا با توجه به وابستگی به غرب، از تسلط کمونیسم بر کشور جلوگیری کند. البته فشارهای بلوک غرب بر ایران برای انجام برخی اصلاحات به همین منظور و در قالب استفاده از الگوی ارائه‌شده از سوی غرب ادامه یافت.

در کنار نیازهای درونی ایران برای رفتن به سوی الگوهای توسعه غربی، مقتضیات خارجی نیز در این جهت اثرگذار بود. بعد از جنگ جهانی دوم رقابت بین دو ابرقدرت، کشورهای توسعه‌نیافته را در وضعیتی قرار داد که می‌بایست برای بهبود اوضاع خود از یک الگو استفاده می‌کردند. فشار آمریکایی‌ها برای توسعه در ایران نیز در همین راستا بود.

سیاست‌های توسعه که در جهت ترقی‌خواهی و با الگوی غربی صورت گرفت، فرهنگ خاصی را تبلیغ می‌نمود که متعلق به ساختار اجتماعی و فرهنگی غرب بود. درحقیقت برای رسیدن به توسعه، لازم بود تحولات فرهنگی و ارزشی در جامعه ایران اتفاق افتد تا فرهنگ موجود را متناسب با فرهنگ توسعه به پیش برد. برای این منظور، ایجاد تحولات فرهنگی از سوی مجریان برنامه توسعه، امری ضروری بود. بنابراین پهلوی دوم در راستای پیشبرد اهداف توسعه تلاش کرد تا با هویت‌سازی جدید و به چالش کشیدن هویت فرهنگی پیشین، زمینه را برای چنین تغییری در فرهنگ ایجاد نماید. بر پایه این نگره، می‌بایست آنچه با الگوی غربی توسعه همسان نبود، کنار نهاده می‌شد و با استفاده از هویتی جدید، از یک سو مقدمات مشروعیت‌بخشی به خود، و از سوی دیگر، زمینه اجرای الگوهای تحمیلی توسعه در ایران فراهم می‌گشت تا ایران، همسو با منافع غرب پیش رود.

در بحث از مکاتب مختلف توسعه، نظریه پردازان مکتب مدرنیزاسیون - که یکی از الگوهای توسعه به‌شمار می‌رود - معتقد بودند جوامع جهان سوم (یا به تعبیر آنها جوامع سنتی)

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۶۹

ناچارند حرکت به سمت مدرن شدن را در مسیری که غرب پیموده است، آغاز کنند. البته این ادعا با توجه به تجربه‌های توسعه دهه‌های اخیر مردود است. از نگاه اندیشمندان و جامعه‌شناسان توسعه، جامعه مدرن با زوال جامعه سنتی به وجود می‌آید که در نتیجه آن، اقتصاد معیشتی (مبتنی بر کشاورزی)، فرهنگ سنت‌گرا و نظام سیاسی (بر مبنای الیگارشی) از بین می‌رود و به جای آن، نظام اقتصاد صنعتی و سرمایه‌داری فرهنگ مدرن می‌نشیند. بزرای رسیدن به این هدف، برنامه مدرنیزاسیون غربی در ایران با پنج برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی از اواسط دهه ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۶ شمسی در ایران اجرا شد. بررسی این برنامه مهم‌ترین اقدام اقتصادی پهلوی دوم به‌شمار می‌رود.

این برنامه‌ها که با الگوهای پیشنهادی غرب برای تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت گرفت، با هدف وابستگی ایران به دنیای غرب صورت می‌گرفت؛ بدین بیان که در حوزه اقتصاد در پی صنعتی‌سازی وابسته ایران، در حوزه اجتماعی خواهان ایجاد طبقه متوسط جدید - به‌منظور ایجاد پایگاه اجتماعی برای دولت پهلوی و شکل‌گیری حامیانی برای آن - و در حوزه فرهنگی نیز به دنبال تضعیف و تخریب فرهنگ دینی و حاکم کردن فرهنگ غربی در ایران بود، اما در این راستا موفقیتی حاصل نشد. در بحث از علل ناکامی برنامه‌ها می‌توان به مواردی از این دست اشاره نمود:

۱. مذهبی بودن بسیاری از اعضای طبقه متوسط جدید که شکاف عمیق بین آنها و حکومت را تشدید کرد و سبب شد که هدف رژیم برای استفاده از فرهنگ شاهنشاهی و ترویج باستان‌گرایی با شکست روبه‌رو گردد.

۲. ایدئولوژی شاهنشاهی در دنیای مدرن، با الگوهای نوین حکومتی در جهان نیز همسو نبود و نمی‌توانست به‌مثابه یک ایدئولوژی توانمند و پویا، قشرهای تحصیل‌کرده را به خود جلب کند.

۳. توجه نداشتن به فضای باز سیاسی بعد از سال ۱۳۴۲، مانع رشد نهادهای مشارکتی در ایران شد. از سویی بی‌اعتنایی به نیازهای مردم و نخبگان و اعضای طبقه متوسط جدید در

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۰

فرایند تصمیم‌گیری نیز سبب شد که سیاست‌های فرهنگی و برنامه‌های شاه با شکست روبه‌رو گردد.

۴. عدم‌مشروعیت سیاسی شاه به لحاظ تاریخی به‌خصوص پس از کودتای ۲۸ مرداد و اینکه آمریکایی‌ها وی را بر سر قدرت آورده بودند، برنامه‌های رژیم را به بن‌بست کشاند.

۵. ریشه‌های قومی و مذهبی و اثرپذیری فرهنگی مردم و طبقات مختلف از روحانیت و شعایر فرهنگ دینی، به‌گونه‌ای بود که ایدئولوژی شاهنشاهی سکولار نمی‌توانست در بین آنان طرف‌داری بیابد.

## دو. ساختار سیاسی

در سال ۱۳۲۰ زمانی که محمدرضا پهلوی به عرصه سیاسی ایران پا نهاد، جوانی کم‌تجربه بود و به همین‌روی نتوانست در برابر نیروهای اجتماعی آزادشده، به‌سرعت دیکتاتوری پدرش را احیا کند، اما با کودتای ۲۸ مرداد روند فردمحوری در حکومت وی آغاز گردید. برخی تحلیل‌گران، آغاز فردمحوری در رژیم پهلوی دوم را به حمایت آمریکایی‌ها از وی مرتبط می‌دانند. البته پیداست اقدام دولتمردان آمریکایی در راستای سیاست آنها در حمایت از حکومت‌های دیکتاتوری جهان سوم بود تا منافع آمریکا حفظ گردد.

از سوی دیگر، محمدرضا پهلوی در جریان کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت به تاج‌وتخت با حمایت آمریکا، قدرت خود را مرهون آنها می‌دانست. بنابراین وی توانست به مدد آمریکا و با درآمد حاصل از نفت، روند فردمحوری را در حکومت خود آغاز کند. بدین‌سان، آمریکا نیز از این پس به‌عنوان قدرت برتر در سیاست خارجی ایران مطرح گردید.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و با سرکوبی نیروهای سیاسی (ملی، مذهبی و چپ‌گرا) دولت به تدریج با حمایت‌های مالی آمریکا، ارتش و سازمان‌های امنیتی را - به‌عنوان مهم‌ترین پایگاه‌های قدرت خود - گسترش داد و با افزایش درآمد نفت، استقلال عملی خود از گروه‌های اجتماعی را بیشتر کرد و بدین‌گونه، شاه را قادر ساخت که کنترل خود را بر حکومت تحکیم بخشد. نهادها و رویه‌های دموکراتیک در ظاهر و به صورت قانونی - همچون

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۱

انتخابات، مجلس و قوه قضائیه - هنوز پابرجا بود، ولی نبود یک جبهه مخالف سبب شد که شاه بتواند این نهادها و اشکال قانونی را براندازد؛ نهادها و اشکالی که جامعه به کمک آنها می‌توانست حکومت سلطنت را محدود سازد.<sup>۷</sup> سیاست‌گذاری حکومت به‌گونه‌ای روزافزون به‌سوی شخصی‌شدن پیش رفت و راه‌های قانونی گروه‌های اجتماعی نیز که بر حکومت تأثیر داشت، به تدریج از بین رفت. شاه در این سال‌ها به‌جای نوسازی نظام سیاسی، عمدتاً قدرت‌ش را بر سه پایه نیروهای مسلح و امنیتی، شبکه

<sup>۷</sup> (۱). رزاقی، الگوی برای توسعه اقتصادی ایران، ص ۱۴۵.

حمایتی دربار و دیوان سالاری گسترده دولتی قرار داد و بدین سان فاصله و استقلال خود را از گروه‌های اجتماعی بیشتر کرد.<sup>۸</sup> از این زمینه افزایش شمار نیروهای مسلح و نیروهای امنیتی همچون ساواک و بازرسی شاهنشاهی و رکن دوی ارتش به‌عنوان مهم‌ترین پشتوانه حفظ نظام سیاسی، در اولویت قرار گرفت. شاه که در این راه از کمک‌های آمریکا نیز به‌شدت برخوردار بود، با قدرت نیروهای امنیتی خود به محدود کردن و برخورد شدید با گروه‌های سیاسی پرداخت؛ تاجایی که فعالیت احزاب سیاسی بعد از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ ممنوع شد.

با توجه به وابستگی خارجی ایجادشده در حکومت پهلوی دوم پس از کودتای ۲۸ مرداد، از این پس سرنوشت داخلی ایران با تحولات داخلی آمریکا گره خورد؛ آن سان که هرگونه تغییر در دستگاه سیاست خارجی آمریکا مستقیماً بر جامعه ایران تأثیر می‌نهاد. مهم‌ترین این تحولات در ابتدای دهه ۱۳۴۰، پیروزی کندی - کاندیدای دموکرات آمریکا - در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور است. وی شعار جدیدی مبنی بر اصلاح ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حکومت‌های دیکتاتوری در کشورهای جهان سوم سر داد؛ شعاری که در نظام سیاسی ایران نیز سایه افکند.<sup>۹</sup> ژوی کار آمدن کندی در سال ۱۳۳۹ شمسی و برنامه‌های اصلاحی وی، فشارهای

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۲

بیشتری بر رژیم شاه برای ایجاد فضای باز سیاسی و انجام اصلاحات در ایران وارد آورد که موجب تحرک نیروهای مخالف ملی - مذهبی و حزب توده گردید، اما این آزادی‌های سیاسی نسبی، با سرکوب قیام مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ دیگر بار محدود شد و دوره جدیدی از تمرکز و استبداد - که از آن به استبداد نفتی تعبیر می‌شود - آغاز گردید.

از این دوران به بعد، شاه تا حد امکان در مقابل فشارهای داخلی یا خارجی - از جمله فشار نهادهای بین‌المللی - برای کاهش استبداد ایستادگی می‌کرد. همچنین نهادهایی مانند بازرسی شاهنشاهی، ساواک، نیروهای مسلح شاهنشاهی، دادگاه‌های نظامی، افراد بانفوذ و نیز قدرت اقتصادی و سیاسی خانواده سلطنتی، در جهت منافع و خواسته شاه عمل می‌کردند. کابینه نیز هیچ تصمیم مهمی نمی‌گرفت و حداکثر اینکه وزرا برای اجرای تصمیمات شاه مشورت می‌کردند.

شاه نخست‌وزیری تشریفاتی می‌خواست و هویدا که از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ این سمت را عهده‌دار بود، به خوبی این نقش را ایفا نمود. در این دوران تصمیمات را عموماً شخص شاه و با مشورت گروه محدودی از مشاوران قابل اعتماد اتخاذ می‌کرد؛ مشاورانی که بی‌گمان نمی‌توان آنها را نماینده منافع گروه‌های

<sup>۸</sup> (۲). گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۳۲۶.

<sup>۹</sup> (۳). بنگرید به: هراتی، روابط ایران و آمریکا در دوران نخست‌وزیری علی امینی، ص ۷۲.

اجتماعی معینی دانست. علم، اقبال، شریف‌امامی، هویدا، آموزگار، فردوست، نصیری، اویسی و طوفانیان، از جمله مشاوران بودند.

به دلیل نقش بی‌چون و چرای شاه در تصمیم‌گیری، سازمان‌های حکومتی اختیارات مستقلی نداشته، یا از اندک اختیاری برخوردار بودند. این اقدامات سبب کنترل گسترده مقام‌های حکومتی از سوی شاه شد؛ امری که بیش از پیش استقلال فردی آنان را تحت الشعاع قرار داد.

از دیگر سو، اختیارات استان‌ها نیز کاهش یافت و تمرکزگرایی بیشتر شد. از آنجا که نیمی از سناتورهای سنا انتصابی بودند، این مجلس ابزاری در دست شاه به شمار می‌رفت و به همین رو هیچ‌گاه مقبولیتی نیافت. مجلس شورا نیز که قبل از کودتا اهمیتی خاص داشت، پس از کودتا زیر سلطه نیروهای امنیتی قرار گرفت و بدین سان تنها شماری اندک از نامزدهای محبوب به مجلس راه یافتند. در سال‌های بعد حتی این تعداد اندک نیز با فشار شدید حکومت

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۳

روبه‌رو شده، از راهیابی به مجلس بازماندند. بدین ترتیب، مجلس (به‌ویژه پس از مجلس بیست‌ویکم) تنها تأییدکننده تصمیم‌های شاه بود.<sup>۶۰</sup>

بر اساس قانون اساسی که در جریان نهضت مشروطیت تدوین شد، رژیم ایران مشروطه سلطنتی بود. از این رو، ملت می‌توانست با تشکیل احزاب و انجمن و همچنین به کمک مطبوعات، خواسته‌ها و آرزوهای خود را اعلام و اعمال نماید. اصل مشروطیت نیز به‌عنوان نهادی که از استبداد و ظلم شاه جلوگیری می‌کرد، به شکل‌های مختلف از سوی روحانی عالی‌مقامی به نام شیخ محمدحسین نائینی، تبیین و مؤیدات شرعی آن بیان شد. از سویی در قانون اساسی نیز چنین آمده بود که باید پنج نفر مجتهد طراز اول دینی برای حفظ اسلامیت و مشروعیت نظام، بر مصوبات مجلس نظارت می‌کردند؛ اصلی که به کوشش شیخ فضل‌الله نوری در این قانون گنجانده شد.

پهلوی دوم در سیر تکاملی کسب و بسط قدرت خویش در آغاز چندبار قانون اساسی را دست‌کاری نمود و قوانین آن را زیر پا گذارد. برای نمونه، در سال ۱۳۲۸ شمسی به‌منظور تقویت سلطنت و استقرار حاکمیت شاه و تضعیف حقوق ملت، مجلس مؤسسان تشکیل شد و اصل ۴۸ قانون اساسی تغییر یافت و حتی اختیار انحلال مجلس شورای ملی و مجلس سنا (به‌صورت جداگانه یا هر دو مجلس در آن واحد) به شاه سپرده شد. گفتنی است اصل ۴۸ قانون اساسی قبل از تغییر، به انفصال مجلس شورای ملی توسط شاه (پس از تأیید اکثریت دو سوم مجلس سنا و تصویب هیئت وزیران) اشاره داشت؛ آن‌هم

<sup>۶۰</sup> (۱). آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۳۵.



زمانی که بین مجلسین در خصوص مطالب وزرا، اتفاق آرا حاصل نمی‌شد.<sup>۱</sup> پس از آن، وی اصل نظارت مجتهدان بر مصوبات مجلس شورا را تعطیل نمود و سپس در انتخابات مجلس مداخله کرد؛ آن‌گونه که اسامی نمایندگان قوه مقننه فقط با اشاره و اجازه او از صندوق‌ها بیرون می‌آمدند و بر کرسی نمایندگی مردم تکیه می‌زدند. شاه همچنین در تعیین نخست‌وزیر، مستقیماً اقدام و حکم انتصابش را صادر می‌کرد. در واقع رئیس

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۴

هیئت وزیران فقط مجری اوامر شاهانه بود. احزاب سیاسی نیز یکی پس از دیگری سرکوب و تعطیل می‌گردید و اجازه فعالیت رسمی و علنی به هیچ فرد و دسته مخالفی داده نمی‌شد.<sup>۲</sup> کُرمجموع، سطح پایین نهادمندی سیاسی و ماهیت شخصی قدرت و انحصار آن و همچنین گسترش فساد، از جمله ویژگی‌های اصلی حوزه سیاست در این دوره بود.<sup>۳</sup>

### سه. هویت‌سازی، الگوی باستان‌گرایی

تجربه نشان می‌دهد روند نوسازی و توسعه در جوامع جهان سوم بدون توجه به شرایط فرهنگی و مقتضیات اجتماعی و عمدتاً با تکیه بر روش‌ها و برنامه‌های تحمیلی و تقلیدی صورت می‌گیرد؛ چنان‌که در دهه اخیر نیز نوسازی در این جوامع با سکولاریسم همراه، و با تشدید وابستگی و بروز ناکامی روبه‌رو بوده است. از این‌رو، غالب رژیم‌های سیاسی در بستر نوسازی و یا در فرایند توسعه، به سکولاریسم روی آوردند. این موضوع، پارادوکسی را در حکومت‌ها پدید می‌آورد که به جامعه تسری می‌یابد و به ظهور بحران هویت در سطوح مختلف اجتماعی منجر می‌گردد. در چنین اوضاعی، سیاست‌گذاران و متولیان قدرت، سخت به حوزه دین می‌تازند و بدین‌سان هنجارها، ارزش‌ها و هویت جمعی را - که از دین ملهم‌اند - نشانه می‌روند.<sup>۴</sup>

دولت پهلوی نیز در همین راستا و به‌منظور نهادینه کردن هنجارها و ارزش‌های مربوط به توسعه تلاش کرد تا فرهنگ بومی برگرفته از دین را به چالش کشاند و به جای آن فرهنگ غرب را رواج دهد. پیش از این رضاشاه در فرایند نوسازی، تهاجم گسترده‌ای را علیه دین آغاز نمود و پهلوی دوم نیز برای پیشبرد فرایند توسعه، این حرکت را ادامه داد.

<sup>۱</sup> (۲). عمید زنجانی، درآمدی بر فقه سیاسی (کلیات حقوق اساسی)، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

<sup>۲</sup> (۱). هزاوه‌ای، الگوهای مسلط توسعه و توسعه نیافتگی ایران، ص ۱۸۰.

<sup>۳</sup> (۲). آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۴۴-۵۴۲.

<sup>۴</sup> (۳). هنری لطیف‌پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، ص ۱۱۳.

در این خصوص محمدرضا پهلوی از همان آغاز آشکارا الگوی راهبردی خود را بر سیاست‌ها و اقدامات پدرش استوار کرد؛ موضوعی که در بسیاری از سخنرانی‌های وی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۵

به‌صراحت آمده است. تا پیش از ورود مفاهیم و پدیده‌های نوگرایانه، هویت ملی ایرانیان با تکیه بر عناصر ملی بازمانده از ایران باستان و مذهب شیعه - که از ارکان استوار هویت ایرانی به شمار می‌آمدند - از انسجام و ثبات بیشتری برخوردار بود.

با آغاز فرایند نوسازی از زمان رضاشاه در ایران، ارزش‌های سنتی پیشین به چالش کشیده شد و از این سو ارزش‌های جدید نیز به‌دلیل بافت فرهنگی عمیق جامعه ایران کاملاً استقرار نیافت. این وضعیت، نوعی دوگانگی فرهنگی و ارزشی را در ایرانیان پدید آورد و این‌گونه بود که بحران هویت زاده شد.

ترویج باستان‌گرایی موجب شد تعریفی خاص از ایرانی‌گرایی و هویت شبه‌ایرانی آغاز گردد؛ تعریفی که به‌عمد عنصر مذهب در آن مغفول ماند و به‌جای آن، سنت‌های باستانی از ارکان اساسی آن شد. برگزاری جشن‌های شاهنشاهی و تغییر تقویم هجری به شاهنشاهی، از جمله اصلاحاتی بود که رژیم برای ترویج شبه ایرانی‌گرایی به راه انداخت. مبدأ تقویم شاهنشاهی، بنیان‌گذاری شاهنشاهی ایران به‌دست کوروش بود. این تغییر، ایرانیان را ناگهان از سال ۱۳۵۵ به سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی برد. محمدرضا شاه برای بقا و دوام سلطنت خود، با ادعای ظل‌اللهی بودن تخت و تاج پادشاهی، سعی می‌کرد مردم را به اطاعت از خود وادار و از طغیان مردم جلوگیری کند. بدین دلیل، ایدئولوژی شاهنشاهی به‌مثابه یکی از اجزای مهم نظام سلطنتی، «شاه شاهان» را به‌عنوان نماد حاکمیت بلامنازع معرفی کرد و او را سایه خدا شمرد.

### چهار. پارادوکس‌های هویت در عصر پهلوی

هویت‌سازی پهلوی از یک‌سو با فرهنگ ایرانی متعارض بود و از سوی دیگر با آموزه‌های دینی رویارویی جدی داشت. این رویکرد، پارادوکس‌های متعددی در خود داشت که موجب تشدید بحران هویت نظام حاکم می‌گردید. بی‌تردید انقلاب سفید شاه و فراندم شاه و ملت، برای نفی مظاهر مذهبی بود. اقدامات دیگری چون ایجاد سپاه دین و تأسیس دانشکده الهیات در دانشگاه تهران، حذف سوگند به قرآن مجید در مجلس و نیز تبعید رهبران مذهبی شیعه به‌ویژه امام خمینی، در همین راستا ارزیابی می‌شود.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۶

یکی از پارادوکس‌های هویت‌سازی پهلوی، بازگشت به ایران باستان با احیای مظاهر فرهنگ غربی بود. اگر رژیم پهلوی مدافع هویت پیشین ایرانیان بود و از آن به‌عنوان آرمان مطلوب دفاع می‌کرد، برای تحقق چنین باوری می‌بایست فرهنگ متناسب با آن را تقویت می‌نمود. چنین نقضی آن‌هنگام آشکار می‌شود که بدین پرسش پاسخ دهیم: آیا اجبار به پوشش خاص مردان و یا کشف حجاب - که هر دو مبنای غربی داشتند - احیای فرهنگ و هویت ایرانی بود؟

اگر ادعای رژیم بازگشت به هویت سابق بود، باید در تولید و بازتولید مظاهر فرهنگی، به پوشش‌های سنتی بازمی‌گشتند، نه اینکه به نفی آن پردازند. پهلوی دوم در احیای فرهنگ غرب گاه به‌قدری افراط کرد که خود غربی‌ها را نیز به حیرت می‌افکند؛ چنان‌که در مراسم جشن هنر شیراز در حضور سفرای بیگانه به‌بهانه جشن و سرور، عمل منافعی عفتی انجام شد که وقاحت آن به حدی بود که پارسونز (سفیر انگلیس) به شاه گفته بود اگر چنین نمایشی در شهر منچستر انگلیس برگزار می‌شد، اجراکنندگان با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شدند.<sup>۵</sup> یکی دیگر از رفتارهای تناقض‌آمیز دولت پهلوی، شعار عزتمندی در کنار وابستگی به آمریکا بود. رژیم پهلوی خصوصاً محمدرضاشاه تلاش می‌کرد با اتکا به سابقه تمدن ۲۵۰۰ ساله، شاهنشاهی ایران را دیرپا و درخور توجه معرفی کند. از این رو، وی جشن‌های بسیاری را به مناسبت‌های مختلف برگزار می‌نمود که مهم‌ترین آن، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بود. ژست شاهنشاهی محمدرضا در سال‌های اواخر حکومتش - به تبع افزایش قیمت نفت - به حدی رسیده بود که حتی به کشورهای غربی وام می‌داد که البته به‌دلیل بی‌برنامگی، در اندک مدتی دچار کسر بودجه می‌شد. این کارها، مجاری هویت ایرانی و اعلام افتخار و عزت برای رژیم پهلوی بود.

اما پارادوکس عملکرد رژیم پهلوی در بحث از عزتمندی در آنجا ظاهر می‌شد که شاه در مقابل باج‌خواهی‌های آمریکا تمکین می‌کرد. شفاف‌ترین اقدامی که برای رژیم شاه هزینه

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۷

سنگینی داشت، «لایحه کاپیتولاسیون» و تصویب آن در مجلس شورای ملی بود که مصونیت قضایی مستشاران و مأموران آمریکایی را در ایران تضمین می‌کرد؛ امری که حکایتگر وابستگی و سرسپردگی رژیم پهلوی بود.

دفاع از هویت ایرانی و تقابل با فرهنگ اسلامی نیز از دیگر رفتارهای متناقض دولت پهلوی به‌شمار می‌رود؛ در حالی که فرهنگ اسلامی و به‌ویژه شیعی به حدی در ایران در طول اعصار ریشه دوانده و

<sup>۶</sup> (۱). نطافی، «کلاه فرنگی بر سر فرهنگ ایران»، روزنامه کیهان، ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۸۷.

جزئی از هویت این مرز و بوم شده است که حتی غیرمسلمانان ایرانی در ایام محرم و عاشورا- هماهنگ با سایر ایرانیان- به مراسم عزاداری می‌پردازند.

در چنین فضایی، مواضع رژیم پهلوی در معارضة با فرهنگ اسلامی به بهانه دفاع از هویت ایرانی، در خود دچار تناقض بود؛ زیرا اگر قصد رژیم واقعاً دفاع از هویت ایرانی بود، می‌باید به آنچه ایرانیان به عنوان هویت خود پذیرفته‌اند، ارج نهد و از آن صیانت کند، نه اینکه به بهانه دفاع از فرهنگ و هویت ملی، ایرانی بودن را تنها به ایران باستان محدود کند و با ایرانی مسلمان و مظاهر دینی او بستیزد.

## چکیده

۱. رضاخان با اثرپذیری از روشنفکران در راستای شبه ترقی غربی به نفی اسلام پرداخت و تلاش نمود تا بر این مبنا، نوسازی اجتماعی و سیاسی را در ایران به اجرا نهد.

۲. در این راستا، باستان‌گرایی پهلوی نیز با هدف هویت‌سازی جدید در قالب شبه ترقی غربی، درخور ارزیابی است.

۳. پهلوی دوم نیز مانند پدر، الگوی شبه ترقی غربی را ادامه داد. در این دوران با توجه به تسلط گفتمان‌های توسعه در جهان و ازسویی برپایه برخی مقتضیات درونی، برنامه‌های توسعه در قالب توسعه‌گرایی غربی آغاز شد.

۴. پهلوی دوم برای تداوم الگوی شبه ترقی، به هویت‌سازی جدیدی دست یازید که متناسب با هویت القاشده گفتمان توسعه بود.

۵. برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و اسلام‌ستیزی را نیز می‌توان در راستای نفی اسلام و هویت‌سازی جدید ارزیابی نمود.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۷۸

۶. این هویت‌سازی جدید و تجددگرایی، واکنشی اساسی در جامعه ایران به دنبال داشت و بدین سان بستری مناسب برای رویداد انقلاب اسلامی ایران فراهم آورد.

## پرسش

۱. پیامدهای فرهنگی- اجتماعی غرب‌گرایی را در عصر رضاخان توضیح دهید.

۲. پیگیری الگوی شبه ترقی غربی در عصر پهلوی دوم چه پیامدهایی داشت؟

۳. هویت‌سازی در عصر پهلوی اول و دوم را تحلیل نمایید.

### برای پژوهش

۱. رضاخان افزون بر آنکه تحت تأثیر برخی روشنفکران در عرصه نوسازی جامعه بود، بسیاری از آنها را نیز از بین برد. نوع رفتار رضاخان در قبال روشنفکران را بررسی نمایید.

۲. پهلوی دوم بر مبنای الگوی ترقی، به اقدامات و اصلاحاتی در عرصه‌های مختلف دست زد. این اقدامات را در عرصه ساختار سیاسی مورد واکاوی قرار دهید.

### برای مطالعه بیشتر

۱. حمیدرضا ملک محمدی، **از توسعه لرزان تا سقوط شتابان**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، چ اول.

۲. یرواند آبراهامیان، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه کاظم فیروزمند، محسن مدیرشانه‌چی و حسن شمس‌آوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.

۳. موسی نجفی، **تاریخ تحولات سیاسی ایران**، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.<sup>۶۶</sup>

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۰

## فصل پنجم: روند تکاملی الگوی «پیشرفت و تعالی» و شکل‌گیری انقلاب

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. با فرایند تکاملی الگوی پیشرفت و تعالی آشنا شوند.

<sup>۶</sup> عبوضی، محمد رحیم، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ۱ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: نوزدهم، ۱۳۹۱.

۲. چالش دو الگوی ترقی و تعالی در عصر پهلوی را تحلیل نمایند.

۳. با فرایند پیروزی انقلاب اسلامی آشنا گردند.

## مقدمه

هرچند در عصر پهلوی نگرش غرب‌گرایانه - که از سوی حاکمیت ارائه می‌شد - در تلاش برای تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی ایران و حذف مبانی اعتقادی بود، الگوی پیشرفت و تعالی نیز روند تکاملی خود را در این مدت طی نمود؛ آن‌گونه که در برخی موارد در واکنش به غرب‌گرایی، به حفظ هویت و نفی تسلط بیگانگان بر کشور پرداخت و برای پیشرفت، راهکارهایی را نیز براساس مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی عرضه داشت.

در این فصل می‌کوشیم تا با بررسی روند تکاملی الگوی تعالی در عصر پهلوی و در چالش با شبه ترقی‌خواهی غرب‌گرای وابسته، به تحلیل چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی بپردازیم.

فرایند تکاملی الگوی پیشرفت و تعالی براساس مبانی دینی، با نفی استعمار آغاز می‌گردد. این فرایند در عصر پهلوی اول در قالب اعتراضات و قیام‌های مردمی و در نقد غرب‌گرایی پهلوی اول ادامه یافت و سپس در قالب جنبش‌های استقلال‌طلبانه نظیر ملی‌شدن صنعت

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۱

نفت تجلی نمود و در آخر نیز با طرح نظریه حکومت اسلامی و هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی (به‌منظور پیشرفت) زمینه‌های اساسی شکل‌گیری انقلاب اسلامی را فراهم آورد.

پیش‌تر گفته شد که در بحث از چیستی الگوی پیشرفت و تعالی اسلامی، معتقدان به آن می‌گفتند نسخه برون‌رفت از وضعیت عقب‌ماندگی می‌باید بر مبنای معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی باشد و غرب‌گرایی چیزی جز وابستگی و عقب‌ماندگی ایران در پی نخواهد داشت. این الگو تلاش می‌کند تا راه پیشرفت ایران را بر مبنای مقتضیات و فرهنگ داخلی تعریف نماید و آن را مبتنی بر مختصات هویت ایرانی - اسلامی تدوین کند. در این الگو برخلاف الگوی ترقی غربی، رسیدن به پیشرفت و تعالی در سایه دلبستگی به فرهنگ خودی (اسلام) و جلوگیری از تسلط بیگانگان میسر است؛ نگرشی که در حقیقت به دنبال استقلال‌طلبی و هویت‌خواهی شکل گرفت.

## الف) فرایند تکامل الگوی پیشرفت و تعالی در عصر پهلوی

ابتدا باید تأکید داشت الگوی تعالی خواهی مردم ایران در تحولات سیاسی - اجتماعی معاصر همواره فعال و گسترده بوده است. مروری بر تحولات ایران معاصر و تأثیر علما و رهبران دینی بر نتایج حاصل از این تحولات، گویای حضور گرایش های تعالی خواهانه اسلامی در جامعه ایران است. در واقع نزاع درون قدرتی ایران معاصر به ویژه با هدف توسعه و با رویکردی هویت خواهانه، بین سه الگو بوده است: شبه ترقی خواهی از جنس غرب گرایی، شبه ترقی خواهی از جنس باستان گرایی و تعالی خواهی اسلامی. تعارض بین این رویکردها، به پیروزی انقلاب اسلامی با غلبه نگرش تعالی خواهانه اسلامی انجامید. متأسفانه سرنوشت نهضت هایی چون مشروطیت به دلیل خروج جریان های سیاسی ایران معاصر از مسیر اصیل فرهنگی و تمدنی اسلامی - ایرانی، آن گونه که انتظار می رفت، رقم نخورد. برای مثال، هرچند که نهضت مشروطیت برای قانون گرایی و نفی استبداد شکل گرفت، این حرکت به دلیل حاکم شدن غرب گرایی - که خواستار ترقی به شیوه غربی بودند - زمینه ساز استبداد رضاخانی شد و از آن پس نیز اقداماتی صورت گرفت که زمینه های وابستگی هرچه بیشتر ایران به غرب را فراهم نمود.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۲

#### یک. الگوی پیشرفت و تعالی در دوره پهلوی اول

دوره پهلوی اول (۱۳۲۰ - ۱۳۰۴) را می توان دوره خصومت شدید علیه فرهنگ اسلامی و نهادهای دینی دانست که این امر نیز واکنش اساسی متدینان را به دنبال داشت و پس از آن در روند تکاملی الگوی تعالی تأثیر نهاد. هرچند استبداد رضاخان راه را بر هرگونه جنبش و اعتراضی مسدود کرد، علمای دینی تلاش کردند به هر طریق این راه پیموده شود. بدین ترتیب، فعالیت در این دوران در قالب تحرکات فرهنگی و ایجاد بستر برای رشد فرهنگی جامعه نمود یابد.

تأسیس حوزه علمیه قم به کوشش آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی را می توان در این راستا تلقی کرد که عمده ترین نتیجه آن، انتقال مرکزیت مرجعیت شیعه از حوزه علمیه نجف به این حوزه بود که تأثیرات بسیاری بر جامعه و مردم ایران برجای نهاد. <sup>۷</sup> گذیری نیاید که این حوزه در مبارزه با افکار کمونیستی و اقدامات ضد دینی رضاشاه معروف شد و خلأ موجود در پاسخگویی به پرسش ها و نیازهای جامعه در امور دینی را پر کرد.

آیت الله حائری شکل دیگری از مبارزه نهاد دینی را پدید آورد که پی ریزی حرکت فرهنگی حوزوی و اصیل شیعی در برابر امواج فزاینده و مخرب غرب گرایی بود. اگر علمای پیش از وی در بُعد سیاسی و انقلابی با دو ضلع استعمار و استبداد درگیر بودند، او به ضلع سوم، یعنی لائیتیسیم در حال پیشروی

<sup>۷</sup> (۱). بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه، ص ۲۳۵ و ۲۳۶.

توجه کرد و به عنوان جبهه اصلی در برابر دین، به مقابله با آن پرداخت. بی‌گمان تقویت فرهنگ دینی از سوی آیت‌الله حائری بعدها سبب تفوق اندیشه دینی بر سکولاریسم شد.<sup>۶۸</sup>

از رویدادهای مهم دیگر عصر حکومت رضاشاه، قیام مسجد گوهرشاد در تیر ۱۳۱۴ است. ماجرا از این قرار بود که یکی از علمای مشهد به نام آیت‌الله حسین قمی در اعتراض به ترویج کلاه‌های اروپایی به تهران آمد تا شکایتش را به رضاشاه تسلیم کند، اما او دستگیر و زندانی شد. در واکنش به دستگیری وی، تجمعات اعتراض آمیزی در مسجد گوهرشاد مشهد

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۳

اتفاق افتاد که با کشتار مردم به دست نظامیان سرکوب شد. در مجموع، رویکرد غیردینی حکومت رضاشاه در اداره جامعه ایران سبب ایجاد شکاف بین حکومت و مردم و بروز برخوردهای خشن و یا موجب فعالیت پنهانی نیروهای مذهبی شد.<sup>۶۹</sup>

### دو. الگوی پیشرفت و تعالی در دوره پهلوی دوم

دوره شانزده ساله حکومت رضاخان به پایان رسید و پس از آن فضای بازی در دهه بیست برای فعالیت گروه‌های مختلف در ایران پدید آمد. از این دوران به بعد، با چالش اساسی دو الگوی ترقی غربی و پیشرفت و تعالی روبه‌رویم؛ بدین بیان که ترقی خواهی پس از تسلط خود و اجرای الگوهای مورد نظر و انحراف از سنت‌های اسلامی - ایرانی، ناتوانی خود را در حل مشکلات جامعه اثبات نمود و از سویی برای جامعه ایران دشواری‌هایی را نیز فراهم آورد، اما پیشرفت و تعالی پس از فراز و فرود بسیار، روند تکاملی خود را پیمود و به نقطه عطفی در تاریخ خود رسید که همان انقلاب اسلامی است.

با شکست دیکتاتوری رضاشاه و تبعید وی در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به یکباره زنجیرهای استبداد از هم گسست و نیروهای مذهبی و احیاگران تفکر دینی همچون دیگر نیروها از بند حکومت رضاشاه آزاد شدند. در این فضای نسبتاً آماده سیاسی، نیروهای مذهبی روحانی و غیرروحانی کوشش خود را برای از میان بردن فضای ضددینی تحمیل شده بر جامعه و احیای اندیشه دینی و بیداری اسلامی آغاز کردند. در این میان، حوزه علمیه قم با وارد کردن نخستین نسل دانش‌آموختگان نواندیش خود، حیات نوینی را برای هدایت مذهبی جامعه به ارمغان آورد.

نیروهای مذهبی در اوایل دهه ۱۳۲۰، با اندیشه‌های احمد کسروی، مبانی کمونیسم و باورهای بهائیت مبارزه می‌کردند که البته در این میان تلاش برای گسترش حجاب زنان را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت.

<sup>۶۸</sup> (۲). نجفی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، ص ۴۲۷ - ۴۲۴.

<sup>۶۹</sup> (۱). قدسی‌زاده، «پهلوی، سلسله؛ عصر پهلوی اول دانش و اندیشه معاصر»، دانشنامه جهان اسلام، ج ۵، ص ۸۳۸ - ۸۳۳.



در مورد هریک از موارد ذکر شده، تبلیغات فراوان و کتاب‌های بسیاری نوشته و منتشر شد که مشخص‌ترین آنها کتاب **کشف اسرار** امام خمینی (قدس سره) است.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۴

بی‌تردید از پدیده‌های جریان احیای تفکر دینی در دهه ۱۳۲۰، ظهور امام خمینی (قدس سره) در صحنه سیاسی - مذهبی ایران است.

ورود آیت‌الله بروجردی به عرصه مرجعیت نیز رخداد دیگر این دهه بود. ایشان در سال ۱۳۲۳ با ورود به حوزه علمیه قم سرآغاز تحولی عظیم در مرجعیت شیعه شد. پیش از این، وی در حوزه علمیه نجف از مراجع شیعه به‌شمار می‌آمد، ولی او این پیشوایی را به حوزه علمیه قم منتقل کرد. در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ دو رکن دیگر نیز به ارکان فعالیت جنبش بیدارگری اسلامی افزوده شد: یکی مطبوعات دینی و دیگری شاخه یا گرایش دین‌باور جنبش دانشجویی. البته مطبوعات دینی در دهه‌های گذشته نیز سابقه فعالیت داشت، ولی در این دو دهه از حیث چندوچون گسترش بسیاری یافت. ویژگی جدید فعالان مذهبی مطبوعات این بود که افزون بر روحانیان، دانش‌آموختگان دانشگاه‌های داخل و خارج نیز به نویسندگی مذهبی روی آوردند و در شناساندن اسلام به نسل جوان کوشیدند.<sup>۱</sup> نکته درخور توجه در دوره پهلوی، وجود جنبش‌ها و جریانات سیاسی متنوع و هدفمند است. از این‌رو برای شناسایی این جریانات و عملکرد آنها، مروری بر برخی از تحولات عمده این دوره ضروری می‌نماید.

#### ۱. جنبش ملی شدن صنعت نفت

یکی از بارزترین صحنه‌های پیروزی جنبش بیداری اسلامی و حرکت در راستای تعالی خواهی، در نهضت ملی شدن صنعت نفت نمودار شد. این نهضت مهم‌ترین حرکت ضداستعماری دهه ۱۳۲۰ به‌شمار می‌رود. در جریان ملی شدن صنعت نفت، دو گرایش فکری ملی و مذهبی به‌هم رسیدند و با اقدامات متحدانه خود در دفاع از حقوق مردم و با تکیه بر قاعده «نفی سبیل»، به نفی سلطه انگلیس بر ایران پرداختند. بدین ترتیب با توجه به پایگاه مردمی آیت‌الله کاشانی و مذهبی بودن جامعه ایران، وی توانست همچون پلی ارتباطی، مردم مذهبی را به اندیشه‌های جبهه ملی پیوند دهد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۵

آیت‌الله کاشانی با اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و فتاوی خود، به مبارزه مردم مشروعیت دینی بخشید و از سویی با برهان‌های عقلی و شرعی خود لزوم ملی شدن نفت را نیز تبیین کرد. او در این زمینه با

<sup>۱</sup> (۱) ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۴۵.

<sup>۲</sup> (۲) جعفریان، جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی ایران، ص ۹۱-۷۴.

روحانیان و دیگر نیروهای مذهبی در تهران و شهرستان‌ها ارتباط یافت و آنها را به حضور در صحنه مبارزه فراخواند. ایشان با مصاحبه‌های متعدد خارجی نیز استدلال‌ها و دیدگاه‌های خود و مردم را به گوش جهانیان رسانیدند.<sup>۲</sup> قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ که با فتوای آیت‌الله کاشانی صورت گرفت، یکی دیگر از نمودهای بیداری اسلامی در ایران بود که در واقع اوج قدرت و نیرومندی مرجعیت شیعه و نهاد دینی را در مسائل سیاسی می‌نماید.

## ۲. رویارویی با اندیشه شبه ترقی پهلوی دوم (دهه ۱۳۳۰)

تلاش آیت‌الله بروجردی برای خروج روحانیت شیعه از انزوای مذهبی در جهان اسلام را می‌توان گام دیگری در این خصوص دانست. او ابتدا هیئت‌هایی از مبلغان جوان و اندیشمندان مذهبی حوزه علمیه قم را برای رسیدگی به امور شیعیان و مسلمانان به کشورهای گوناگون روانه کرد و در اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا نیز مراکز اسلامی ویژه شیعیان تأسیس کرد.<sup>۳</sup> لار دانشگاه‌ها نیز که کانون برخورد افکار مختلف بود، تفکر دفاع از اسلام و هویت دینی و فراهم نمودن زمینه‌ای برای رسیدن به پیشرفت بر مبنای دیدگاه‌های اسلامی، به تدریج رشد کرد. هدف این حرکت، پیراستن اسلام از باورهای نادرست و معرفی اسلام به عنوان دینی سازگار با علم، عدالت اجتماعی، برابری و آزادی بود که در ضمن با جهل، ظلم و نابرابری و استبداد و استعمار نیز در تعارض است. بخش عمده‌ای از شکل‌گیری این جنبش، در نتیجه فعالیت‌های متفکران روحانی و استادان و معلمان اسلام‌گرا و دین‌باور بود.<sup>۴</sup> ترقی خواهی روشنفکران غرب‌گرا و تأکید پهلوی اول بر حرکت در این راستا و همچنین

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۶

توسعه‌گرایی با استفاده از الگوهای بیرونی و مبتنی بر وابستگی به بیگانگان، بر روند تکاملی الگوی تعالی در این دوران تأثیر شایانی داشت. در حقیقت فرایندی که در عصر پهلوی دوم با سرعت به سوی ترقی خواهی در جریان بود، موجد چالش‌های مختلف از جمله بحران هویت در ایران گردید. از سوی دیگر نیز ترقی خواهی که از زمان مشروطیت به بعد در ایران به عنوان گفتمان غالب، ظهور آشکاری داشت، ناکارآمدی خود را در عرصه عمل به اثبات رسانید. بدین ترتیب، زمینه برای تکامل مبانی الگوی تعالی و شکل‌گیری انقلاب اسلامی فراهم گردید.

دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ با توجه به احیای تفکر دینی و روند تکاملی تعالی طلبی، در تاریخ معاصر ایران و شکل‌گیری زمینه‌های پیروزی انقلاب اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این دو دهه، جریانی اصیل در

<sup>۱</sup> (۱). گل‌بیدی، آیت‌الله کاشانی و نفت، ص ۲۲۰-۳۵.

<sup>۲</sup> (۲). ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۴۴.

<sup>۳</sup> (۳). کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، ص ۱۲۰-۱۱۵.

شکل و محتوای حقیقی آن در عرصه تفکر نوین دینی پدید آمد که رهبر واقعی و بی‌منازع آن امام خمینی (قدس سره) بود.

آیت‌الله بروجردی در فروردین ۱۳۴۰ درگذشت، پس از رحلت ایشان جریانی پدید آمد که گردانندگان آن با تشکیل نشست‌های هفتگی همایش‌گونه، به طرح دیدگاه‌های خود درباره مسئله مرجعیت و وحدت یا کثرت آن پرداختند. در واقع اغلب آنان دریافتند که تنها راه نجات اسلام از تسلط مکتب‌های فکری رقیب، پرداختن به مبارزه‌ای عقیدتی - سیاسی و روی آوردن به مرجعیت دینی - سیاسی است. بی‌تردید این رویکرد با جهت‌گیری فکری قشرهای متوسط، میانه‌رو و روشنفکر جامعه نیز سازگاری بیشتری داشت.<sup>۵</sup> کار موج جدید احیای تفکر دینی، برخی روحانیان و در رأس آنها امام خمینی (قدس سره) می‌کوشیدند سیاست را به محور مرجعیت بازگردانند. اسلام سیاسی احیاشده به کمک آرای امام خمینی (قدس سره) که به طور مشخص با انتشار کتاب **کشف اسرار** انتشار یافت، به تدریج اساس فعالیت و رقابت سیاسی شد و در طول دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به صورت ایدئولوژی برتر درآمد و توانست توده‌ها را بسیج نماید. همچنین الگوی «ولایت‌فقیه» در دیدگاه

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۷

امام خمینی (قدس سره) فرایند تکامل الگوی تعالی را رونق بسیاری بخشید؛ چه آنکه اصول و مبانی این تفکر، حاکی از نفی صریح سلطنت و «ضرورت تشکیل حکومت اسلامی» (برای رسیدن به تعالی) بود.

تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ فصل دیگری را در این زمینه گشود. امام خمینی (قدس سره) در واکنش صریح به این مصوبه خواستار لغو آن گردید و از این زمان به بعد، ایشان رسماً فعالیت‌های خود را با فراخوانی و تشکیل جلسات مشورتی میان علمای قم آغاز کرد.

با موضع‌گیری‌های آشکار امام خمینی (قدس سره) رویکرد به مرجعیت سیاسی نیز فزونی یافت. شاگردان ایشان بیش از پیش دریافتند که مبارزه سیاسی در صورتی مورد اقبال عمومی قرار خواهد گرفت که در بستر دینی قرار گیرد و از آموزه‌های شریعت بهره جوید. بنابراین افزایش مقلدان امام خمینی (قدس سره) مانند عضویت در حزبی سیاسی دانسته شد که رنگ و جلای مذهبی داشت. در چنین اوضاعی برای بسیاری از دین‌داران نواندیش، در انتخاب مرجع تقلید به جز احراز دیگر شرایط مرجعیت، توجه به مواضع سیاسی ایشان نیز عامل مهمی به‌شمار می‌رفت.<sup>۷۶</sup>

<sup>۵</sup> (۱). بروجردی، روشنفکران ایران و غرب، ص ۱۴۰.

<sup>۷</sup> (۱). روح‌بخش، «میراث آیت‌الله بروجردی»، گفتگو، ش ۳۲، ص ۳۰.

مرحله اول نهضت اسلامی با عقب‌نشینی رژیم پهلوی و لغو لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در آذر ۱۳۴۱ با موفقیت به پایان رسید.<sup>۷</sup> تحولات بعدی زمینه را برای قیام پانزدهم خرداد آماده نمود؛ قیامی که بی‌گمان نقطه عطفی در تاریخ تکامل الگوی تعالی به‌شمار می‌آید.

### ۳. قیام پانزدهم خرداد

به‌دنبال سخنرانی امام خمینی در روز عاشورا (۱۳ خرداد ۱۳۴۲)، ایشان و بسیاری از علما، وعاظ و مبارزان در قم، تهران و دیگر شهرها دستگیر شدند. اخبار مربوط به دستگیری امام با

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۸

وجود سانسور شدید، در مدتی کوتاه در سراسر کشور پخش شد و موجی از اعتراض و انزجار علیه حکومت پهلوی و شاه را برانگیخت و حتی در بسیاری از شهرها بازارها را به تعطیلی کشاند. بی‌تردید قیام سراسری پانزدهم خرداد و سرکوبی خونین آن در شهرهای گوناگون نقطه اوج این بحران بود.<sup>۷۸</sup> قیام پانزدهم خرداد در واقع نمودار گرایش جدی‌تر روحانیان به فعالیت‌های سیاسی بود. بازاریان نیز با چرخشی معنادار، از ایدئولوژی ملی‌گرایانه دهه‌های پیش به سوی ایدئولوژی اسلام سیاسی - به‌رهبری مراجع تقلید و روحانیان - روی آوردند. بدین ترتیب، رویکرد نوین بازاریان نیز از ویژگی‌های بیداری اسلامی دهه ۱۳۴۰ است. نکته درخور تأمل دیگر، سرعت بالای پیام‌رسانی این قیام و شرکت طبقات گوناگون مردم در آن بود.<sup>۹</sup> بدین‌سان، با قیام پانزدهم خرداد، تعالی خواهی به جریان قدرتمندی بدل گردید.

در فاصله ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۱۳ آبان ۱۳۴۳ امام خمینی (قدس سره) با حکومت پهلوی مبارزه‌ای جدی و آشکار داشت که سرانجام نیز در اعتراض به تصویب لایحه اعطای مصونیت قضائی به اتباع آمریکایی (کاپیتولاسیون) در ۱۳ آبان ۱۳۴۳ دستگیر و به ترکیه و سپس عراق تبعید شد. در این مدت امام خمینی (قدس سره) اصول مبارزه‌ای را بنیاد نهاد که قواعد آن از سنت پیامبر (ص) و ائمه (علیهم السلام) برگرفته شده بود و به همین‌رو به حرکت‌های سیاست‌مداران حزبی هیچ‌گونه شباهتی نداشت. اما در کنار مبارزه روحانیت و در رأس آن امام خمینی (قدس سره)، گروه مذهبی جنبش دانشجویی نیز در بیدارگری اسلامی در این سال‌ها نقش بسزایی داشته است. دانشجویان مذهبی با شخصیت‌های فعال و مبارز روحانی ارتباط داشتند که نامدارترین آنان در سال‌های نخستین دهه ۱۳۴۰ علامه

<sup>۷</sup> (۲). حسینیان، بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۴۰-۱۳۲۰)، ص ۱۵۷-۱۵۳.

<sup>۸</sup> (۱). ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۵۴.

<sup>۹</sup> (۲). روح‌بخش، «میراث آیت‌الله بروجردی»، گفتگو، ش ۳۲، ص ۶۸ و ۶۹.

طباطبایی، آیت‌الله مطهری و آیت‌الله طالقانی بودند. این افراد در نخستین کنگره این جنبش نیز که در سال ۱۳۴۱ تشکیل شد، شرکت جستند.

فعالیت‌های انجمن اسلامی در این سال‌ها بر محور دفاع از دین در برابر افکار مارکسیستی و اندیشه‌های غربی بود که بر همبستگی ملل مسلمان نیز تأکید می‌کرد. با آغاز

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۸۹

نهضت امام خمینی (قدس سره)، این دانشجویان با ایشان ارتباط یافتند. حضور علمی آیت‌الله مطهری در این دوره سرآغاز ترویج و تبلیغ اندیشه‌های اصیل و ناب اسلامی با رویکردی حوزوی - دانشگاهی گردید.

نیمه دوم سال ۱۳۴۳ از لحاظ سیاسی سرآغازی دیگر برای استبداد سلطنتی بود. تبعید امام خمینی (قدس سره)، سرکوبی جنبش‌ها، محاکمه و محکومیت رهبران نهضت آزادی ایران و شماری از روحانیان و نیز ایجاد فضای وحشت و پنهان شدن فعالیت‌های سیاسی، گواهی بر این مدعاست. از این دوره به بعد بر اثر سرکوب گسترده رژیم، نهضت تا سال ۱۳۴۶ دچار رکود مقطعی گردید، تا اینکه به تدریج اندکی از اختناق سیاسی کاسته شد و گروه‌ها و احزاب سیاسی مجال بیشتری برای فعالیت یافتند.

در این دوران در کنار احیاگران و مصلحان روحانی در دهه ۱۳۴۰، اندیشه‌های افرادی چون جلال آل‌احمد و علی شریعتی نیز در خدمت تعالی‌خواهی و نفی ترقی‌خواهی بود. آل‌احمد که با کنار نهادن اندیشه مارکسیسم بار دیگر به اسلام پناه آورده بود، با نگارش کتاب‌های **غرب‌زدگی و در خدمت و خیانت روشنفکران**، به تبیین ابعاد غرب‌زدگی و روشنفکری پرداخت. او اسلام شیعی را عنصری تفکیک‌ناپذیر از هویت ایرانی معرفی کرد و برای روحانیان - به‌عنوان مهم‌ترین قشر اجتماعی که در برابر غرب تسلیم نمی‌شوند - جایگاهی شایسته قائل شد. آل‌احمد از اینکه روشنفکران به ابعاد و علل قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ چندان توجهی نکردند، بر آنها خرده گرفت. او معتقد بود همراهی و اتحاد روحانیان و روشنفکران گامی به‌سوی تکامل و دگرگونی است. در نظر آل‌احمد، مذهب شیعه ایدئولوژی مناسبی برای بسیج سیاسی است. وی با تبیین این موضوع درصدد برآمد که روحانیان و روشنفکران و دیگر قشرهای متدین جامعه را علیه استبداد حکومت پهلوی بسیج کند. فعالیت‌های فکری دکتر شریعتی نیز به سبب ایجاد تحرک اسلامی در قشر دانشگاهی و

<sup>۱</sup> (۱). ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، ص ۲۵۵.

<sup>۲</sup> (۲). بروجردی، روشنفکران ایرانی و غرب، ص ۱۲۳-۱۱۸.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۰

دور کردن آنها از تفکرات غرب‌گرایانه و مارکسیستی، اهمیت شایانی دارد. او با طرح گفتمان «بازگشت به خویشتن»، گفتمان «غرب‌زدگی» آل‌احمد را پی‌گرفت.<sup>۸۲</sup>

### ۴. تبیین نظریه حکومت اسلامی و ولایت‌فقیه

بیداری اسلامی و روند تکاملی تعالی‌طلبی از سال ۱۳۴۸ با طرح نظریه حکومت اسلامی از سوی امام خمینی (قدس سره) وارد مرحله تازه‌ای گردید. ایشان نظریه حکومت اسلامی را با عنوان «ولایت‌فقیه» در مسجد شیخ انصاری نجف آغاز کرد. امام (قدس سره) در طول جلسات گوناگون کوشید تا اثبات کند فقها و علمای مسلمان، حکومت و ولایت دارند؛ دین از سیاست جدا نیست؛ ایدئولوژی اسلامی فراتر از عبادات است و اسلام واقعی، دینی سیاسی-اجتماعی است.

امام (قدس سره) در این بحث‌ها علیه رژیم ایران و کشورهای اسلامی نیز موضع می‌گرفت و آنها را عامل عقب‌ماندگی مسلمانان معرفی می‌کرد. ایشان همچنین خطر صهیونیسم در کشورهای اسلامی و از این سو مسئولیت‌های سیاسی-اجتماعی روحانیان در برخورد با مشکلات پیش‌روی مسلمانان و جهان اسلام را مطرح نمود و اندیشمندان را به تأمل درباره حکومت اسلامی فراخواند.<sup>۸۳</sup>

در سال ۱۳۵۶ به دلایل مختلف، فضای مساعدی برای جنبش بیداری اسلامی به وجود آمد. یکی از این عوامل، روی کار آمدن دموکرات‌ها در آمریکا بود. با مطرح شدن شعار حقوق بشر از سوی دموکرات‌ها، زمینه فشار بر شاه برای ایجاد فضای باز سیاسی فراهم گردید، هرچند بعدها آنان از اقدامات سرکوب‌گرانه شاه نیز حمایت کردند. از سویی دیگر، درگذشت مشکوک آیت‌الله سیدمصطفی خمینی، فرزند ارشد امام خمینی (قدس سره) در سال ۵۶ و مهم‌تر از همه درج مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات نسبت به امام (قدس سره)، بستر مناسبی برای حرکت علیه دولت پهلوی و تحقق انقلاب اسلامی فراهم نمود.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۱

الگوی پیشرفت و تعالی در حقیقت به دنبال رسیدن به پیشرفت برپایه مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی اسلامی بود. این الگو برخلاف ترقی غرب‌گرا که راه رسیدن به پیشرفت را صرفاً از طریق تقلیدگرایی و وابستگی به غرب می‌دانست، استقلال از بیگانگان را از لوازم رسیدن به پیشرفت می‌دانست. بدین دلیل، الگوی تعالی بر آن بود که هرچند می‌باید در این راستا از تجربه دیگران استفاده

<sup>۸۲</sup> (۱). همان، ص ۱۶۷.

<sup>۸۳</sup> (۲). روحانی، حضرت امام خمینی، ج ۲، ص ۷۲۵-۷۱۲.

نمود، بی شک برگرفتن مبانی معرفتی و انسان‌شناسی غربی موجب وابستگی هرچه بیشتر به غرب و عدم پیشرفت واقعی خواهد داشت. بر این بنیاد، انقلاب اسلامی به دنبال ارائه الگویی بود که جامعه ایران را به دور از وابستگی به غرب، به پیشرفت رساند.

## ب) فرایند بسیج سیاسی و وقوع انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۶ و ۵۷

اگر نقطه آغاز وضعیت انقلابی در ایران را ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶، یعنی زمان چاپ مقاله توهین‌آمیز رشیدی‌مطلق به امام خمینی (قدس سره) (در روزنامه اطلاعات) بدانیم، روز ۱۹ دی، نخستین روز حرکت جمعی است که به‌گونه‌ای گسترده و سازماندهی شده ادامه یافت و از آن روز بر جمعیت بسیج‌شده علیه رژیم نیز افزوده گردید.

گروه‌ها و احزابی که در اواخر دهه ۱۳۴۰ و نیمه اول دهه ۱۳۵۰ فعالیت مسلحانه داشتند، تا پایان سال ۱۳۵۵ کاملاً به دست رژیم سرکوب شدند. بنابراین در وضعیت انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ هیچ حزب یا گروه انقلابی مدعی قدرت وجود نداشت. تنها با سازماندهی خارق‌العاده رهبر کبیر انقلاب بود که اکثریت مردم در زمره مخالفان قرار گرفتند؛ آن‌گونه که رژیم با وجود تمهیدات مختلف نه تنها بر وضعیت انقلابی فائق نیامد، بلکه روزبه‌روز ضعیف‌تر شد.

بسیج مردمی در سال‌های ۵۶ و ۵۷ هرگز به حزب، منطقه، سازمان یا صنف خاصی محدود نبود، بلکه در ورای آنها قرار داشت و چون بخشی از جمعیت را برمی‌انگیخت، جنبشی اجتماعی را پدید می‌آورد. ازسویی، میزان سازمان‌یافتگی بین جمعیت یا گروه بسیج‌گر، در کاربسیج سخت مؤثر است. هرچه روابط درونی و فرهنگ مشترک در داخل گروه بسیج‌گر، گسترده‌تر باشد، احتمال پیروزی آن بیشتر است؛ چراکه این دو مؤلفه موجب داشتن

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۲

نگاهی یکسان نسبت به امور می‌شود.<sup>۸۴</sup>

فرایند بسیج سیاسی در ایران با نارضایتی‌های عمومی و آگاهی بخشی به مردم شروع شد. مسلط کردن ضدارزش‌ها بر جامعه و جریحه‌دار شدن احساسات مذهبی مردم در میان این نارضایتی‌ها بیشتر به چشم می‌آید. در پی وخیم شدن اوضاع، کادر برجسته انقلابی، مردم را از وضعیت نابسامانی که داشتند، آگاه کرد و همچنین آنها را برای استفاده از امکانات و توانایی‌هایشان در جهت تغییر اوضاع

<sup>۸۴</sup> (۱). گل‌محمدی، «زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی»، راهبرد، ش ۹، ص ۸۹.

هوشیار نمود.<sup>۸۵</sup> البته در این مقطع، نقش امام خمینی (قدس سره) در دوران تبعید و ارتباط ایشان با نیروهای داخلی نیز بسیار مهم است.

**علل پیوستن مردم به مخالفین:** اینکه چرا مردم به صورت گسترده به جبهه مخالفان رژیم پیوستند، دلایلی چند دارد:

۱. شاه هرگز به گروه‌های مخالف اجازه فعالیت نداد و برای نیروهای جدید اجتماعی نیز فضای باز سیاسی به وجود نیاورد. او بین رژیم و طبقات اجتماعی ارتباطی برقرار نکرد و پایگاه سلطنت استبدادی را که به کمک کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زنده مانده بود، وسیع‌تر ساخت. شاه از این سو، پایگاه سیاسی رژیم را محدودتر کرد و حتی رشته‌هایی را که در گذشته، سلطنت مطلقه را با طبقات متوسط سنتی پیوند می‌داد، از هم گسلاند.<sup>۸۶</sup>

۲. توانایی روحانیان در بسیج مردم بسیار زیاد بود؛ توانی که عمدتاً حاصل دیدگاه احیاگرانه اسلامی به‌شمار می‌رفت. این دیدگاه که پرورش انسان نوین و پاک‌سازی جامعه از نشانه‌های فرهنگ و تمدن غربی را وعده داد، مردم را به صحنه آورد و بدین ترتیب پشتیبانی، مبارزه و حتی فداکاری‌های این مردم «همیشه در صحنه» را ممکن ساخت.<sup>۸۷</sup>

۳. وجود یک رهبر که فرمانش برای مردم در حکم واجب شرعی بود، سبب می‌گردید

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۳

که پیام‌هایش قدسی و الهی دانسته شود؛ آن سان که در راه تحقق آنها از هیچ تلاشی دریغ نمی‌شد.<sup>۸۸</sup> به‌طور کلی اگر نقطه شروع حرکت انقلاب را ۱۹ دی ماه ۱۳۵۶ در نظر گیریم، روند تحولات تا پیروزی انقلاب اسلامی به چهار دوره تقسیم‌پذیر است که بدانها روی می‌کنیم.

### یک. مرحله تظاهرات در سطح محلی (از دی ماه ۵۶ تا تیر ۵۷)

در پی درج مقاله توهین‌آمیز رشیدی مطلق نسبت به امام خمینی (قدس سره) در روزنامه اطلاعات (۱۷ دی ماه ۱۳۵۶) واکنش‌ها علیه رژیم شروع شد. در آغاز، خشم مردم قم به چنان تظاهراتی بدل گردید که رژیم مجبور شد در شدت عملی وحشیانه، جمعی از مردم را به خاک و خون کشد. با این اقدام، موجی از خشم و نفرت سراسر ایران را فراگرفت و در شهرهای مختلف نیز مراسم بزرگداشت آنها

<sup>۸۵</sup> (۲). بنگرید به: مدرسی، استراتژی اسلامی، ص ۷۸.

<sup>۸۶</sup> (۳). گل‌محمدی، «زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی»، راهبرد، ش ۹، ص ۸۹.

<sup>۸۷</sup> (۴). عیوضی، جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی، ص ۱۷۵.

<sup>۸۸</sup> (۱). همان، ص ۱۷۶.



برگزار گردید. امام (قدس سره) نیز خطاب به ملت ایران پیامی فرستاد<sup>۸</sup> که موجب گسترش دامنه مبارزه علیه رژیم شد.

مراسم چهلم شهدای قم همراه با تظاهرات در تهران، تبریز و دیگر شهرستانها برگزار شد که در این بین تظاهرات تبریز به خشونت گرایید و جمعی از مردم نیز کشته شدند. با وقوع این حوادث، عید نوروز به عزای عمومی بدل گردید. پس از آن، برگزاری مراسم چهلم شهدای تبریز در یزد نیز به تظاهرات گسترده‌ای انجامید. بدین ترتیب اعتراض‌های مردمی به مناسبت‌های مختلف تا مرداد ۱۳۵۷ ادامه یافت. از مجموع این حوادث می‌توان نتیجه گرفت:

۱. از شروع حرکت انقلابی (دی‌ماه ۵۶)، گروه‌ها و احزاب سیاسی شناخته‌شده نقشی در تحولات نداشتند.

۲. بیشتر تظاهرات از مساجد شروع می‌شد و به همین رو جنبه مذهبی آن مشهود بود.

۳. دعوت به راهپیمایی و تظاهرات عمدتاً از سوی رهبران انقلاب و به‌ویژه از جانب امام خمینی (قدس سره) بود.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۴

#### دو. مرحله گسترش تظاهرات مردمی در سطح کشور (مرداد تا مهر ۵۷)

این مرحله، با آغاز ماه رمضان در سراسر کشور آغاز شد. در این ماه حوزه‌های علمیه بنا به سنت دیرین خود تعطیل شد و روحانیون مدارس دینی برای تبلیغ، راهی مناطق مختلف شدند. اغلب این روحانیان به خصوص طلاب جوان، حاملان پیام انقلاب بودند. رژیم شاه نیز با آنکه از اقدامات احتمالی طلاب و نقش آنان در بسیج سیاسی و سازماندهی مردم کم‌وبیش آگاهی داشت، با توجه به شمار فراوان و پراکندگی جغرافیایی آنها، قادر به واکنش لازم نبود.<sup>۹</sup>

دور جدید تظاهرات از اصفهان شروع شد، اما با حمله نیروهای امنیتی به مردم، در شهر حکومت نظامی اعلام گشت. در پی این اقدام، امام خمینی (قدس سره) در پیامی به مردم اصفهان فرمود:

فاجعه اخیر اصفهان را به عموم اهالی محترم تسلیت عرض می‌نمایم. این فاجعه به دنبال فجایع بسیار دیگر، نمونه‌ای است از رفتارهای حکومت ستمگر شاه که وحشیانه به ملت مسلمان ایران هجوم آورده و آنان را به خاک و

<sup>۸</sup> (۲). بنگرید به: موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۴۵۲-۴۴۹.

<sup>۹</sup> (۱). عبوضی، جامعه‌شناسی سیاسی ایزنسیون در ایران، ص ۲۱۱

خون کشیده است. این فاجعه آخرین آن نیست و تا حکومت این دودمان ستم‌پیشه برقرار است، فاجعه، به‌دنبال فجاج، مصیبت پشت مصائب و حادثه به‌دنبال حوادث عظیم ادامه خواهد داشت.<sup>۹۱</sup>

در پی حادثه دلخراش سینما رکس آبادان در ۲۸ مرداد- که در آن نزدیک به چهارصد نفر در آتش سوختند- رژیم ابتدا سعی کرد با تبلیغات وسیع، آن را اقدامی از جانب گروه‌های مخالف نشان دهد، ولی پس از چند روز مردم پی‌برندند که خود رژیم در این فاجعه دست داشته است. این امر خود موجب تشدید راهپیمایی‌های سراسری شد.

در راهپیمایی عظیم و سراسری بعد از نماز عید فطر در سال ۱۳۵۷- که بی‌سابقه‌ترین تظاهرات خیابانی بود- بار دیگر قدرت مردم به نمایش گذارده شد. رژیم نیز برای فائق آمدن بر مردم، در ۱۷ شهریور، کشتار فجیع جمعه سیاه را در میدان ژاله به‌راه انداخت؛ کشتاری که

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۵

نمایش فیلم پنجاه دقیقه‌ای آن در سینماهای اروپا و آمریکا، دنیا را در بهت و اعجابی تأثرانگیز فروبرد. این فاجعه یکی از مهم‌ترین وقایع دوران انقلاب بود که موج اعتصابات و تظاهرات وسیع‌تری را به‌دنبال داشت و بازتاب آن در سطح جهانی، جایگاه رژیم را به‌شدت تضعیف کرد. پس از این اقدام خشونت‌بار رژیم، آتش خشم مردم برافروخته‌تر شد و سرعت جریان انقلاب شتاب بیشتری گرفت.<sup>۹۲</sup>

### سه. مرحله اعتصابات و تظاهرات گسترده (مهر تا آذر ۵۷)

در پی فاجعه خونین ۱۷ شهریور، رژیم در صدد برآمد تا با انجام برخی اصلاحات و اقدامات، خشم مردم را فرونشاند، از این‌رو امیرعباس هویدا، وزیر دربار و نصیری، رئیس ساواک را زندانی کرد و تقویم شاهنشاهی را نیز لغو نمود. از این‌سو، روحانیان شناخته‌شده و برخی زندانیان سیاسی نیز از زندان آزاد شدند و تعدادی از مراکز فساد و قمار نیز تعطیل گردید. اما این اقدامات جز به عقب‌نشینی دولت در مقابل خواست‌های مردم تعبیر نشد.<sup>۹۳</sup>

با بازگشایی مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، زنگ خطر برای رژیم زده شد؛ چراکه آنها مبارزه منسجم‌تری را علیه رژیم آغاز کردند. هم‌زمان با این اقدامات، موج اعتصابات نیز شروع شد. در نوزدهم مهرماه، مطبوعات اعتصابات سه روزه خود را در اعتراض به سانسور، اختناق و سلب آزادی مطبوعات

<sup>۹۱</sup> (۲). بنگرید به: موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱، ص ۵۵۲.

<sup>۹۲</sup> (۱). عمید زنجانی، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، ص ۲۸۲.

<sup>۹۳</sup> (۲). عبوضی، جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی، ص ۱۷۹.

آغاز نمودند. در ۲۴ مهرماه نیز کشور به مناسبت چهل‌م کشتار ۱۷ شهریور شاهد اعتصاب سراسری بود.<sup>۹۴</sup>

با هجرت امام خمینی (قدس سره) از نجف به پاریس در مهرماه ۵۷ روند تحولات، چهره روشن‌تری به خود گرفت؛ زیرا برخلاف تصور رژیم که می‌پنداشت با مسافرت امام (قدس سره) به فرانسه، نام و افکارش در کشوری اروپایی محو خواهد شد، ایشان در مرکز توجه مطبوعات و محافل سیاسی جهان قرار گرفت و حتی هر روز با رادیو و تلویزیون‌های دنیا مصاحبه می‌کرد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۶

بدین ترتیب، «چهره استثنایی این مرد روحانی که در زیر درختی در حومه پاریس نشسته بود و با سخنان دلنشین خود بر ضدشاه، از هزاران کیلومتر آن‌طرف‌تر انقلابی را رهبری می‌کرد، توجه همه جهانیان را به خود جلب کرده بود.»<sup>۹۵</sup> گذر واقع او توانست صدای انقلاب را از قلب اروپا به گوش جهانیان برساند. این‌گونه بود که نهضت در آستانه یک سلسله تحولات جدید و سرنوشت‌ساز قرار گرفت و موج اعتصابات نیز شدت یافت. گذر همین اوضاع، دانشجویان برخی دانشگاه‌ها نیز خواسته‌های سیاسی خود را اعلام کردند و در پی آن، استادان نیز به پشتیبانی آنها و در اعتراض به بازداشت دانشجویان، پیش‌گام حرکت در آموزش عالی شدند. پس از آن، موج اعتراض و اعتصاب به بیمارستان‌ها، وزارتخانه‌های مختلف و مؤسسات دولتی مانند بانک‌ها، گمرک و راه‌آهن کشیده شد و آنها نیز جسارت یافته، وارد معرکه شدند.

البته اعتصاب و اعتراض در مؤسسات آموزشی، اعلام خطری بزرگ برای نظام حاکم است، ولی آنچه دولت را به بن‌بست می‌رساند، اعتصاب کارمندان است که خوشبختانه این مهم در جریان نهضت انقلابی ایران اتفاق افتاد. اعتصاب کارگران و کارکنان صنعت نفت و تعطیلی صدور نفت در ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷، به منزله قطع رگ حیاتی اقتصاد ایران بود.<sup>۹۷</sup> رژیم نیز با استفاده از شیوه‌های تشویق و تهدید تلاش کرد کارگران را به سر کار بازگرداند، ولی ناکام ماند. امام خمینی (قدس سره) نیز در پیامی این کار انقلابی کارکنان صنعت نفت را ستود.<sup>۹۸</sup> پس از آن کارکنان مخابرات، سازمان آب، نیروگاه‌های برق و دیگر سازمان‌های دولتی نیز اعتصاب کردند.

<sup>۹۴</sup> (۳). عمید زنجانی، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، ص ۲۸۴.

<sup>۹۵</sup> (۱). بنگرید به نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ص ۷۰۱.

<sup>۹۶</sup> (۲). سولیوان، مأموریت در ایران، ص ۱۸۳.

<sup>۹۷</sup> (۳). بازگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۴۵ و ۴۶.

<sup>۹۸</sup> (۴). موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۱.

در ۱۳ آبان ۵۷ همبستگی دانش آموزان و دانشجویان در دانشگاه تهران به خاک و خون کشیده شد و به همین رو در ۱۵ آبان تمامی دانشگاه‌ها و مدارس تعطیل گردید. قضات

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۷

دادگستری نیز به اعتصاب عمومی پیوستند و مطبوعات کثیرالانتشار نیز دست به اعتصاب ۶۱ روزه زدند که تا پایان حکومت از هاری ادامه یافت.<sup>۹۹</sup>

اعتصابات سراسری بنا به درخواست جامعه روحانیت در ۲۲ آبان، همراه با تعطیلی بازار و فریادهای شبانه الله اکبر بر فراز بام‌ها - که تاکتیک جدید مبارزه علیه رژیم بود - فراگیر شد. ویژگی عمده این مرحله، استفاده از روش مقاومت بدون خشونت و راه اندازی اعتصابات بود؛ اعتصاب‌هایی که ظهور دیگری از میل به وحدت علیه استبداد شاه و حرکت رو به مرکز را نشان می‌داد. به تدریج اعتصاب‌ها در مدتی کوتاه در سراسر کشور گسترش یافت و قاطعیت پیگیر امام (قدس سره) نیز آن را تقویت کرد.<sup>۱۰۰</sup>

### چهار. مرحله سرنوشت‌ساز و کنش‌های جمعی (آذر تا بهمن ۵۷)

فرارسیدن ماه محرم، فرصت خوبی برای گسترش موج حرکات انقلابی و تعیین تکلیف نهایی رژیم بود. از این روی، امام خمینی (قدس سره) در آستانه این ماه در پیام تاریخی اول آذر ۱۳۵۷، حلول ماه محرم را سرآغاز پیروزی بر جنود ابلیس و محو کلمه باطل شمرد و عموم ملت را برای ادامه و گسترش مخالفت با شاه و به زیر کشیدن او، به قیامی یکپارچه دعوت نمود. ایشان در پیام خود به صراحت اعلام داشت: همه و همه، هم صدا و پشت هم به سوی هدف مقدس اسلام، یعنی برچیده شدن سلسله ستمگر پهلوی و انهدام نظام شاهنشاهی و برقراری جمهوری اسلامی - مبتنی بر احکام مترقی اسلام - به پیش می‌رویم که پیروزی از آن ملت به پا خاسته است. اذر شب اول ماه محرم، مردم سراسر کشور تظاهرات کردند. در تهران راهپیمایی کم‌نظیری - که موجب کشتار مردمی شد - دستگاه حاکمیت را به وحشت افکند. امام خمینی (قدس سره) در واکنش به این حادثه، بی‌درنگ در همان روز اول محرم پیامی صادر کرد و این جنایت را به

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۸

شاه نسبت داد و عاملان آن را سفاکان خونخوار، دزدان غارتگر و چپاولگران بی‌وطن نامید.<sup>۱۰۲</sup>

<sup>۹۹</sup> (۱). عمید زنجانی، انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، ص ۲۸۷.

<sup>۱</sup> (۲). بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۴۲.

<sup>۱</sup> (۳). موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۳۴ - ۴۳۲.

<sup>۱</sup> (۱). همو، صحیفه امام، ج ۵، ص ۱۵۲.

اوج نمایش حرکت مردمی در سطح بسیار گسترده، در راهپیمایی‌های سرنوشت‌ساز تاسوعا و عاشورا نمایان شد که کالبد رژیم را از حاکمیت ظاهری تهی و ارتش را نیز از اختیار آن خارج نمود. اهمیت این راهپیمایی‌ها در سقوط شاه، بسیار تعیین‌کننده بود؛ زیرا جمعیت چند میلیونی همواره شعار «مرگ بر شاه» سر می‌دادند که در قطعنامه پایانی آن نیز این موضوع تأکید گردید.<sup>۱۰۳</sup>

امام خمینی (قدس سره) پس از این حرکت تاریخی و سرنوشت‌ساز، پیامی خطاب به ملت ایران فرستاد و از این اقدام آنان تجلیل کرد. ایشان این راهپیمایی‌های بزرگ را به‌منزله رفراندومی مجدد شمرد که برای هیچ‌کس ابهامی باقی نگذاشت. <sup>۱۰۴</sup> تأییدی عمده این مرحله، کنش یا عمل سیاسی مردم بود که در مواقعی مستقیماً با سربازان دولتی درگیر می‌شدند، یا حتی پادگان‌ها را تصرف و سلاح‌ها را خارج می‌کردند. این در حالی بود که حتی برخی شهرها کاملاً به تصرف مردم درآمد.

در چنین اوضاعی که رژیم در آستانه فروپاشی بود، شاه و خاندانش در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ از کشور خارج شد. با پخش این خبر، ناگهان موج تظاهرات و جشن شادی سراسر ایران را فراگرفت؛ تا جایی که تمامی مجسمه‌های شاه پایین کشیده شد و پرچم‌های الله‌اکبر به‌جای آنها نصب گردید. با فرار شاه صحبت از آمدن امام خمینی (قدس سره) شد، ولی دولت شاپور بختیار مخالفت کرد؛ زیرا روشن بود که با ورود حضرت امام آخرین بازماندگان رژیم نیز سقوط خواهند کرد.

با فرارسیدن اربعین و انتظار مردم برای ورود امام خمینی (قدس سره) به ایران، جمعیت زیادی از سراسر کشور وارد تهران شدند. این جمعیت انبوه در تهران و شهرستان‌ها به خروش آمدند و عظیم‌ترین راهپیمایی تاریخی را برگزار نمودند. در قطعنامه پایانی، راهپیمایان برقراری

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۹۹

جمهوری اسلامی، تشکیل شورای انقلاب، حفظ ماهیت اسلامی انقلاب، ادامه تظاهرات تا پیروزی کامل و کناره‌گیری اعضای شورای سلطنت را خواستار شدند.<sup>۱۰۵</sup>

امام خمینی (قدس سره) در پیامی به مناسبت اربعین، خطاب به ملت ایران وعده داد که به‌زودی به ملت خواهد پیوست. ایشان همچنین از اعضای شورای سلطنت خواست تا از شورا کناره‌گیرند و با ملت مخالفت نکنند. وی به نیروهای مسلح نیز توصیه نمود که در حفظ نظم بکوشند.<sup>۱۰۶</sup>

<sup>۱</sup> (۲). مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۴۰۳ و ۴۰۴.

<sup>۱</sup> (۳). موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۲۱.

<sup>۱</sup> (۱). مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۴۳۴.

<sup>۱</sup> (۲). بنگرید به: موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۷۷.

اشغال نظامی فرودگاه مهرآباد از سوی دولت بختیار برای ممانعت از ورود هواپیمای حامل امام خمینی (قدس سره)، با اعتراض سراسری ملت روبه‌رو شد. با بسته شدن فرودگاه‌ها، جمعی از روحانیان در مسجد دانشگاه تهران دست به تحصن زدند و روزبه‌روز بر تعداد متحصنان نیز افزوده شد.

در روز هفتم بهمن، در سراسر ایران راهپیمایی عظیمی به راه افتاد و راهپیمایان خواستار بازگشت امام خمینی (قدس سره) به وطن شدند. آنها هشدار دادند که در مراحل مختلف از همه امکانات و شیوه‌های مناسبِ مقابله استفاده خواهند نمود.

در نهم بهمن، تظاهرات مردم تهران به جنگ خونین شش ساعته‌ای بدل شد. در این روز آیت‌الله طالقانی به جمع متحصنان در مسجد دانشگاه تهران پیوست و استادان و طلاب حوزه علمیه قم نیز در مسجد اعظم قم متحصن شدند.

بدین ترتیب در سایه همبستگی کم‌نظیر مردمی، امام خمینی (قدس سره) در روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با استقبال پرشور مردم، وارد ایران شد. پس از آن، ملت مبارزه با دولت غیرقانونی بختیار را ادامه دادند، تا اینکه در روز ۲۲ بهمن، نظام پهلوی واژگون شد و مبارزه ملت ایران به‌رهبری امام خمینی (قدس سره) به ثمر نشست.

### ج) احزاب و جریان‌های فکری در آستانه انقلاب اسلامی

در پی قیام مردم به‌رهبری روحانیت در ۱۹ دی ۱۳۵۶ و گسترش سریع آن در دیگر شهرها و حتی روستاها، فصل نوینی از مبارزات مردم مسلمان ایران آغاز شد. گستردگی و توفندگی

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۰

قیام و تظاهرات مردمی سبب شد فعالیت سیاسی و مسلحانه احزاب و گروه‌های مختلف، کوچک جلوه نماید. از این‌رو، آنها برای آنکه از حرکت پرشتاب انقلاب اسلامی عقب نمانند، ناگزیر با آن همراه شدند، ولی این همراهی تا جایی ادامه داشت که حرکت انقلاب تضادی با اهداف و منافعشان پیدا نمی‌کرد. حتی برخی گروه‌های سیاسی در کشاکش انقلاب اسلامی به‌دنبال تغییر مسیر انقلاب در جهت دلخواه خود بودند.

تضاد یا تغایر احزاب سیاسی با انقلاب اسلامی از حیث اهداف و خواسته‌ها، موجب گردید که بیشتر احزاب به مخالفت با انقلاب برخیزند و یا تا حدودی با آن همراه گردند و سپس راه خود را جدا نمایند. در این میان هیئت‌های مؤتلفه اسلامی همراه با مردم و در جهت اهداف انقلاب عمل کردند. اینک خلاصه‌وار به بررسی وضعیت جریان‌های فکری و احزاب در آستانه انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

حزب توده که یکی از احزاب مارکسیستی است و پس از کودتای ۲۸ مرداد منفعل و منزوی گردیده بود، در جریان انقلاب اسلامی سعی داشت با تغییر شعار مردم از «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» به «استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی»، در واقع به نفی جمهوری اسلامی بپردازد. آنان همچنین کوشیدند تا از راه‌های مختلف، شعار «نه شرقی» را از شعار معروف «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» حذف کنند و از سویی به گستردن دیدگاه‌های کمونیستی خود در میان مردم بپردازند. اما پایبندی مردم به اسلام و شمار کم اعضای حزب در مقابل انبوه هواداران انقلاب اسلامی، موجب ناکامی آنها گردید.

از سوی دیگر با توجه به فراگیر شدن گفتمان اسلام‌گرایی، حزب توده نتوانست نیروهای عمده‌ای برای تحقق اهداف خود جذب نماید و حتی رهبران آن در زمان انقلاب مجبور شدند با توجه به فضای غالب اسلامی، وجهه اسلامی از خود نشان دهند. این حزب پس از پیروزی انقلاب اسلامی سعی کرد خود را مدافع انقلاب، اسلام و خط امام (قدس سره) بنمایاند. آنها در این راه حتی اصطلاحات خاص اسلامی را به کار گرفتند؛ چنان که مثلاً به جای سوسیالیسم از عبارت

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۱

«بینش توحیدی» و به جای پرولتاریا نیز از واژه «مستضعفین» استفاده می‌کردند.<sup>۱۰۷</sup>

بدین ترتیب، حزب توده و اغلب جریان‌های فکری - مارکسیستی در جریان و پس از پیروزی انقلاب با اقبال مردمی روبه‌رو نشدند. عدم تجانس اعتقادی، وابستگی به قدرت‌های بیگانه و مخالفت با اهداف و شعارهای انقلاب اسلامی، از جمله دلایل روی گردانی مردم از حزب توده بود. سرانجام در سال‌های اولیه پس از انقلاب، سران این حزب به همراه شمار زیادی از اعضای نفوذی در ارتش و سایر ادارات، دستگیر و محاکمه شدند.

#### دو. سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

این گروه مارکسیستی که در اوایل دهه ۴۰ با فعالیت مسلحانه، مبارزه خود را شروع کرده بود، در اوایل دهه پنجاه تقریباً از میان رفت. در آن سال‌ها رهبران اصلی چریک‌های فدایی خلق دستگیر شدند و پرونده این گروه در همین سال‌ها بسته شد و به همین دلیل در فضای انقلابی نیز حضور نداشتند. البته

<sup>۱</sup> (۱). لطفی پاکده، احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران، ص ۶۶.

چریک‌های فدایی خلق نه پیش و نه پس از انقلاب به دلیل مسلمان بودن مردم، در میان آنان پایگاهی نیافتند.

این سازمان در جریان پیروزی انقلاب اسلامی نقشی ایفا نکرد. سبب این امر نیز همانند حزب توده، ناهماهنگی اعتقادی و اخلاقی یا به بیانی، تضاد ایدئولوژیکی و بی‌اعتقادی آنها بود و همچنین وابستگی مستقیم یا غیرمستقیم آنان به قدرت‌های خارجی.

تضاد چریک‌های فدایی خلق با انقلاب اسلامی، پس از پیروزی آن به اوج خود رسید. آنها از همان ابتدا شورش در گنبد را سازمان‌دهی کردند و بر شورش خلق عرب در خوزستان نیز دامن زدند. آنان شورش قشقایی‌ها در فارس را تشویق و در بسیاری از شهرهای شمالی کشور فتنه‌گری کردند. همچنین در کردستان با همکاری احزاب ضدانقلاب به جنگ با حامیان و پاسداران انقلاب اسلامی برخاستند. سرانجام در سال ۱۳۶۲ با دستگیری بیشتر اعضای این سازمان، عملاً قدرت هرگونه فعالیت از آنها گرفته شد.<sup>۱۰۸</sup>

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۲

### سه. جبهه ملی ایران

جبهه ملی که یکی از احزاب تاریخ سیاسی اخیر ایران است، از چند حزب کوچک‌تر تشکیل شده بود: حزب ایران، حزب پان‌ایرانیسم، حزب مردم ایران و نیروی سوم. وجه اشتراک این احزاب در ترجیح ایرانی بودن بر اسلامی بودن، جدا دانستن دین از سیاست و عملکرد غیرمذهبی بوده است. این جبهه در آبان ۱۳۲۸ از سوی شماری از ملی‌گرایان ایرانی در شرایط خاص سیاسی دهه بیست با هدف رهانیدن ایران از سیطره انگلیس تأسیس شد.

ملی‌گراها درحالی‌که با حضور انگلیس در ایران مخالف بودند و هدف اعلام‌شده آنها مخالفت با نفوذ انگلیس در ایران و ملی کردن صنعت نفت کشور بود، به آمریکایی‌ها روی خوش نشان می‌دادند و خواستار گسترش رابطه با آنها بودند. جبهه ملی در سال‌های نزدیک به شروع انقلاب اسلامی فعالیت نداشت، اما بار دیگر در سال ۱۳۵۶ به دنبال اعلام فضای باز سیاسی از جانب حکومت شاه - که در ارتباط با سیاست حقوق بشر کارتر انجام پذیرفته بود - به فعالیت پرداخت، اما همچون گذشته رشد نکرد؛ چراکه رهبری پرجاذبه امام خمینی (قدس سره) موجب شده بود که علاقه‌مندان به فعالیت‌های سیاسی، بدان گرایش نیابند.

<sup>۱</sup> (۲). مدن، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۴۵.



در جریان انقلاب اسلامی، جبهه ملی با تکیه بر قانون اساسی مشروطیت و تأکید بر اینکه شاه باید سلطنت کند نه حکومت، نشان داد که به موفقیت انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن باور ندارد. آنها در آن اوضاع به‌گونه‌ای افراطی کوشیدند تا نظر قدرتمندان خارجی به‌ویژه آمریکا را به خود جلب کنند تا مقدمات حاکمیت خود را فراهم آورند. این در حالی بود که رهبر انقلاب آشکارا ستیز خود را با بیگانگان اعلام داشته بود؛ چراکه مسبب بسیاری از مشکلات مردم ایران را قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا و حمایت آنها از شاه می‌دانست.

جبهه ملی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی اوضاع را برای قرار گرفتن در رأس قدرت، مناسب ارزیابی کرد، از این رو یکی از رهبران این جبهه، یعنی شاهپور بختیار نخست‌وزیر حکومت شاهنشاهی شد. پذیرفتن این منصب در لحظات پایانی حکومت شاه، مورد مخالفت امام خمینی (قدس سره) و مردم انقلابی ایران قرار گرفت و موجب رسوایی و افشای این جبهه در نزد مردم شد. با افشای اسناد جاسوسی و آشکار شدن وابستگی بسیاری از رهبران جبهه ملی در

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۳

جریان اشغال لانه جاسوسی آمریکا، این رسوایی بیشتر شد؛ تا جایی که بسیاری از آنها ناگزیر به غرب گریختند.

جبهه ملی که با سماجت اهداف خود را دنبال می‌کرد، پس از انقلاب در جریان تصویب لایحه قصاص در مجلس شورای اسلامی، علیه این لایحه موضع گرفت و از مردم خواست تا در اعتراض به آن راهپیمایی کنند. این امر با مخالفت شدید امام خمینی (قدس سره) روبه‌رو شد و ایشان با اعلام ارتداد بنیان این راهپیمایی،<sup>۹</sup> به زندگی سیاسی جبهه ملی در داخل کشور پایان داد.<sup>۱۰</sup>

### چهار. نهضت آزادی ایران

نهضت آزادی در سال ۱۳۴۰ با جدا شدن از جبهه ملی ایران اعلام موجودیت کرد، اما در یکی دو سال اول رشد چندانی نداشت. با شروع مجدد فضای اختناق شاهنشاهی در سال‌های نخستین دهه چهل، از این رشد اندک نیز کاسته شد. نهضت آزادی با این هدف که یک گروه سیاسی-مذهبی باشد، تشکیل شد، ولی عمدتاً به فعالیت سیاسی پرداخت؛ چراکه اساساً فلسفه تأسیس آن نوعی مبارزه سیاسی بود، نه مبارزه با بی‌دینی. این در حالی بود که بازرگان در مقام یکی از بنیان‌گذاران این نهضت نیز هدف از تشکیل آن را «حفظ اصالت نهضت ملی در چارچوب وحدت با جنبش نوین اسلامی» عنوان کرده بود.

<sup>۱</sup> (۱). موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۶۲.

<sup>۲</sup> (۲). عبوسی، جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی، ص ۲۴۵.

رهبران نهضت آزادی با وجود انتقادهایشان از شاه، می‌کوشیدند تا از حدود قانون اساسی خارج نشوند. این نهضت با استفاده از این فرصت، اندکی رشد کرد و بر فعالیت خود نیز افزود. در آستانه پیروزی انقلاب، اطلاعیه‌های نهضت آزادی و حتی جبهه ملی رنگ مذهبی نیز به خود گرفت.

با اوج‌گیری مبارزات مردم، نهضت آزادی همچون دیگر گروه‌های سیاسی ناگزیر با امواج خروشان مردمی همراه شد، اما بین دیدگاه‌های آنها با دیدگاه رهبری انقلاب و مردم، تغایر وجود داشت. برای مثال، بازرگان طی مصاحبه‌ای در سوم بهمن ۱۳۵۷ در مورد بختیار

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۴

(نخست‌وزیر وقت) اظهار داشت: «او مردی وطن‌پرست، بسیار منطقی و دارای تشخیص درست است.» این در حالی بود که مردم، بختیار را نوکر بی‌اختیار می‌خواندند. بازرگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در دوران نخست‌وزیری خود، از خائن شمردن بختیار خودداری کرد؛ حال آنکه امام خمینی (قدس سره) بختیار را «ته‌مانده استعمار، خائن، ذخیره استعمار، نوکر و مأمور، آدمکش، به تباهی کشاننده مملکت و جانی» معرفی کرد.<sup>۱۱۱</sup>

نهضت آزادی تا آن زمان هرچند ضعف‌ها و انحرافات از خود نشان داده بود، برخی سران انقلاب امیدوار بودند که آنان هدایت و اصلاح گردند. در همین راستا، امام خمینی (قدس سره) در چهارمین روز بازگشت به ایران، مهندس بازرگان را صرف‌نظر از گرایش گروهی ایشان، با پیشنهاد شورای انقلاب<sup>۱</sup> نخست‌وزیری منصوب کرد و پس از پیروزی انقلاب نیز این دولت با نام «دولت موقت انقلاب اسلامی ایران»، اداره کشور را برعهده گرفت. اما متأسفانه دولت موقت، جایگاه عناصر جبهه ملی، نهضت آزادی و روشنفکرانی شد که فاقد حساسیت فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نسبت به غرب بودند. ترکیب و عملکرد دولت موقت به همان اندازه که آمریکا را نسبت به حوادث آینده انقلاب خوش‌بین می‌ساخت، نیروی مذهبی و مردم انقلابی را - که با رهبری امام (قدس سره) وحدت می‌یافتند - دچار تردید و اضطراب می‌کرد.<sup>۱۱۲</sup>

نهضت آزادی پس از در دست گرفتن دولت موقت گسترش زیادی یافت، اما به دنبال ملاقات مهندس بازرگان با یکی از مقامات بلندپایه آمریکا و در پی افشای اسناد جاسوسی، به یکباره از وجاهت نهضت آزادی تا حد زیادی کاسته شد و کار به جایی کشید که بازرگان استعفا نمود. آنچه موجب تغایر

<sup>۱</sup> (۱). همان، ص ۲۴۵.

<sup>۲</sup> (۲). درباره اعضای شورای انقلاب و وظایف آن مراجعه شود به: مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۴۴۰ - ۴۳۸.

<sup>۳</sup> (۳). پارسانیا، حدیث پیمان، ص ۳۸۵.

دیدگاه‌ها و عملکرد نهضت آزادی با جریان انقلاب اسلامی شد، عبارت است از: اعتقاد به جدایی دین از سیاست، علم‌زدگی، وابستگی و خوش‌بینی به قدرت‌های جهانی به‌ویژه آمریکا و نداشتن شم سیاسی.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۵

#### پنج. سازمان مجاهدین خلق

این سازمان در سال ۵۲ تا ۵۴ دچار تحول عمیق در درون خود گردید و بسیاری از نیروهای آن به مارکسیسم گرویدند. کسانی هم که با این اقدام مخالفت کردند، کشته شدند و بدین‌رو تنها تنی چند در زندان باقی ماندند که پس از آزاد شدن، در آستانه انقلاب اسلامی بار دیگر این سازمان را فعال کردند. این گروه پس از چند سال کار فکری، به اقدامات نظامی علیه شاه روی آورد که البته به سرعت نیز سرکوب شد.<sup>۱۱۴</sup>

آشنایی آنان با مذهب اغلب از طریق آثار مهندس بازرگان بود؛ چنان‌که به نوشته خود سازمان، پس از قرآن و نهج‌البلاغه، آموزش‌های دینی آنها بر محور کتاب **راه‌طی‌شده** (از آثار مهندس بازرگان) بود که مورد بحث و واکاوی قرار می‌گرفت. ایدئولوژی آنان نشان می‌داد که سازمان به روحانیت و مرجعیت اعتقادی ندارد و تنها در اندیشه استفاده ابزاری از آنهاست. یکی از مظاهر بی‌اعتقادی مجاهدین به اسلام حوزوی، عدم‌باور به رساله عملیه بود که آن را محصول شرایط دوره فئودالیسم می‌دانستند. آنها همچنین در مسائل اعتقادی برداشت ویژه خویش را داشتند.<sup>۱۱۶</sup>

با وجود اختلاف فکری سازمان با روحانیت، مجاهدین تلاش می‌کردند با روش‌های منافقانه، از جایگاه و نفوذ روحانیان و حتی شخص حضرت امام (قدس سره) استفاده کنند. در این زمینه، سازمان فعالیت ویژه‌ای را آغاز کرد تا شاید از امام (قدس سره) برای خود تأییدیه بگیرد، ولی ایشان با وجود توصیه برخی روحانیون انقلابی، در اقدامی دوراندیشانه از تأیید سازمان مجاهدین خودداری نمود و از آنها کمترین حمایتی نکرد.

سازمان مجاهدین در پیروزی انقلاب اسلامی نقش درخوری نداشت، اما هنگامی که پیروزی را قطعی دید، به ظاهرسازی و روش‌های منافقانه روی آورد و خود را همراه انقلاب و حرکت مردمی نشان داد و در واقع از همین‌روی بود که به منافقین شهرت یافتند. اعضای این

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۶

<sup>۱</sup> (۱). جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر هشتم، ص ۳۴۹.

<sup>۲</sup> (۲). همو، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (سال‌های ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰)، ص ۲۳۳.

<sup>۳</sup> (۳). همان، ص ۲۴۴.

گروه پس از انقلاب نیز برای یارگیری، باز با همان چهره منافقانه حرکت کرد. پخش گسترده عکس امام خمینی (قدس سره) با آرم سازمان، از اولین شگردهایی بود که در این راستا انجام شد.<sup>۱۱۷</sup>

منافقین در جذب برخی جوانان موفقیت‌هایی نیز به دست آوردند؛ آن‌گونه که توانستند چندین هزار نفر را در جهت اهداف خود سازمان‌دهی کنند. امام خمینی (قدس سره) با شناخت دقیق ماهیت آنان، چهره حقیقی‌شان را برای توده مردم آشکار کرد.<sup>۱۱۸</sup> سرانجام نیز منافقین به ترور و جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی روی آوردند و بسیاری از رهبران انقلابی و مردم عادی را به شهادت رساندند.

### شش. هیئت‌های مؤتلفه اسلامی

این جمعیت با نظر امام (قدس سره) و پس از تشکیل جلسات مخفی، ارکان خود را در دو بخش کمیته مرکزی و شورای روحانی - با عضویت جمعی از روحانیون - تنظیم کرد، اما بعدها شاخه نظامی نیز به ارکان آن افزوده شد. مؤتلفه کوشید تا مبارزه منسجمی را براساس آرمان‌های امام (قدس سره) آغاز کند. بدیهی است این تشکل به دلیل وابستگی‌اش به مرجعیت، به‌مانند مجاهدین خواهان تدوین ایدئولوژی مستقلی نبود. به‌واقع آنها در امر دین‌شناسی، تنها به مرجعیت نظر داشتند.<sup>۱۱۹</sup>

این جمعیت از سازمان‌دهی کارآمدی برخوردار بود و در طول سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۶ پیام‌های امام خمینی (قدس سره) را به سرعت در سراسر کشور توزیع می‌کرد. هیئت‌های مؤتلفه اسلامی با سازمان‌دهی مردم و هیئت‌های مذهبی برای شرکت در راهپیمایی‌ها و اعتصابات، در پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشت. پس از پیروزی انقلاب نیز این تشکیلات اسلامی همچنان در خط امام (قدس سره) و انقلاب باقی ماند.<sup>۱۲۰</sup>

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۷

چکیده سخن اینکه، وقتی در سال ۱۳۵۶ موج عظیم مردمی - براساس آموزه‌های اسلامی و با رهبری روحانیت - شروع به حرکت کرد، گروه‌ها و احزاب سیاسی همچون قطراتی کوچک ناگزیر با آن همراه شدند، اما بیشتر این گروه‌ها همراهی را با همدلی قرین نکردند و در هر جا که توانستند، حرکت انقلاب اسلامی و اینارگری مردم را به نفع خود مصادره نمودند و از کمترین فرصت‌ها نیز برای رسیدن به اهداف خود سود جستند.

<sup>۱</sup> (۱). پارسا، حدیث پیمان، ص ۳۸۵.

<sup>۲</sup> (۲). موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۳۳۶؛ ج ۱۱، ص ۲۳۴ و ۲۳۵.

<sup>۳</sup> (۳). جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران (سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰)، ص ۱۹۱.

<sup>۴</sup> (۴). عیوضی، جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی، ص ۱۸۲.

۱. الگوی پیشرفت و تعالی اسلامی از اواخر عصر قاجاریه فرایند تکاملی خود را طی کرد.
۲. نقطه عطف تاریخی در این زمینه، شکل‌گیری جنبش تنباکو است که بر مبنای نفی استعمار و از سویی بر پایه قاعده نفی سبیل بنیان گشت.
۳. شکل‌گیری جنبش عدالت‌خانه از دیگر مراحل این الگو بود که بر اساس مدل بومی، نفی استعمار را طلب می‌کرد.
۴. با وجود استبداد عصر پهلوی، الگوی پیشرفت و تعالی اسلامی مسیر تکاملی خود را طی نمود و در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ با طرح نظریه حکومت اسلامی، بستری مناسب را برای تحول انقلابی و اجرای الگوی تعالی فراهم آورد.
۵. انقلاب اسلامی نقطه عطفی در فرایند تکاملی الگوی پیشرفت و تعالی به‌شمار می‌آید.
۶. با توجه به سرکوب احزاب و گروه‌ها تا پایان ۱۳۵۵، در فضای انقلابی سال‌های ۵۶ و ۵۷ هیچ حزب یا گروه انقلابی مدعی قدرت وجود نداشت.
۷. تنها با سازمان‌دهی مؤثر رهبری انقلاب بود که مردم در زمره مخالفان وضع موجود قرار گرفتند.
۸. فرایند بسیج سیاسی در ایران، با نارضایتی‌های عمومی و آگاهی‌بخشی به مردم آغاز شد.
۹. در طول سال‌های ۵۶ و ۵۷، اجتماع سنتی شهرنشین ایران، در بسیج هسته مرکزی مقاومت مردمی و تداوم آن، نقشی انکارناپذیر داشت.
۱۰. به‌طور کلی اگر نقطه شروع حرکت انقلاب را ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ در نظر گیریم، روند تحولات تا پیروزی انقلاب اسلامی به چهار دوره تقسیم‌پذیر است: مرحله تظاهرات در سطح محلی (دی‌ماه ۵۶ تا تیر ۵۷)، مرحله گسترش تظاهرات مردمی در سطح کشور

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۰۸

(مرداد تا مهر ۵۷)، مرحله اعتصابات و تظاهرات گسترده (مهر تا آذر ۵۷) و مرحله سرنوشت‌ساز و کنش‌های جمعی (آذر تا بهمن ۵۷).

۱. فرایند تکاملی الگوی پیشرفت و تعالی در اواخر عصر قاجار را توضیح دهید.

۲. فرایند تکامل الگوی تعالی در عصر پهلوی دوم را شرح دهید.

۳. نقش احزاب را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی تبیین کنید.

۴. فرایند بسیج سیاسی را در وقوع انقلاب اسلامی بیان دارید.

### برای پژوهش

۱. ویژگی‌های انقلاب اسلامی را در مقایسه با الگوی ترقی بررسی کنید و وجوه تمایز آن را برشمرید.

۲. درباره نقش رهبری انقلاب اسلامی در فرایند بسیج مردمی تحقیق کنید.

۳. حوادث مهم دیگری را در سال‌های ۵۶ و ۵۷ ذکر کنید که منتهی به انقلاب اسلامی شد.

### برای مطالعه بیشتر

۱. علی‌اکبر ولایتی، **پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی**، ج ۴، تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.

۲. حمید بصیرت‌منش، **علما و رژیم رضاشاه**، تهران، عروج، ۱۳۷۶.

۳. یدالله هنری لطیف‌پور، **فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

۴. روح‌الله حسینیان، **بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۴۰-۱۳۲۰)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۵. محمدرحیم عیوضی، **جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی**، تهران، قومس، ۱۳۸۶.

۶. احمد گل محمدی، «زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۹، بهار ۱۳۷۵.

## فصل ششم: انقلاب اسلامی؛ هویت خواهی و استقلال طلبی

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. هویت خواهی و استقلال طلبی را با استفاده از شعارهای انقلابی توضیح دهند.
۲. دلایل شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر مبنای آرای امام خمینی (قدس سره) را تحلیل نمایند.
۳. با برخی از نظریه‌های مطرح‌شده درباره انقلاب اسلامی آشنا شوند و بتوانند آنها را نقد کنند.
۴. با استفاده از نقد نظریه‌های انقلاب، بتوانند هویت خواهی و استقلال طلبی را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی تبیین نمایند.

### مقدمه

با توجه به فرایند تکاملی الگوی پیشرفت و تعالی در انقلاب اسلامی - که به دنبال نفی غرب‌گرایی و وابستگی بدان بود - می‌توان ماهیت این انقلاب را استقلال طلبانه و هویت خواهانه دانست. درحقیقت انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها تفاوتی اساسی داشت. از عمده‌ترین این تفاوت‌ها می‌توان به فرهنگی و هویتی بودن این انقلاب اشاره نمود. بنابراین بجاست انقلاب اسلامی را از منظر هویت فرهنگی - به‌عنوان زمینه اصلی وقوع این انقلاب - بررسی نمود.

اینکه انقلاب اسلامی، انقلابی هویتی بوده و در پاسخ به بحران هویت رخ داده، با استفاده از شواهد مختلف، دریافته‌ای است که یکی از آنها، دیدگاه‌های رهبر انقلاب در این باره است.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۱

بی‌شک دیدگاه‌های رهبر هر انقلاب به‌عنوان نظریه پرداز، در فهم علل و زمینه‌های انقلاب نقش بسزایی دارد.

روش دیگر برای این منظور، بررسی شعارهایی است که در این دوران از سوی مردم و گروه‌ها اعلام شده است. اغلب خواسته‌ها در انقلاب‌ها و جنبش‌ها در شعارها هویدا می‌شود که با بررسی محتوایی آنها می‌توان فرهنگی و هویتی بودنشان را دریافت.

ارزیابی نظریه‌های انقلاب اسلامی نیز از دیگر روش‌ها برای دانستن زمینه‌ها و دلایل انقلاب است تا دریابیم انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلاب‌ها متفاوت است. در این فصل می‌کوشیم تا با بررسی سه موضوع، اهمیت هویت و فرهنگ را در شکل‌گیری انقلاب اسلامی مورد واکاوی قرار دهیم.

## الف) مبانی هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی انقلاب اسلامی در آرای امام خمینی +

ماهیت فرهنگی و هویت‌خواهی در انقلاب اسلامی را می‌توان در کلام و دغدغه‌های رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی جستجو کرد و ازسویی نیز می‌توان استمرار این نوع نگاه و توجه به تحول مزبور را در سیاست‌ها، راهبردها و روش‌های اجرایی و عملیاتی ایشان مشاهده نمود.

تأکید بر فرهنگی بودن انقلاب اسلامی و اصرار بر استقلال از دیگر قدرت‌ها و بازیابی هویت خودی، از جمله مسائلی است که در آرای امام (قدس سره) در خصوص انقلاب اسلامی مطرح شده است. از این منظر، انقلاب اسلامی پاسخی به بحران هویت شکل‌گرفته بر اثر سیاست‌های عصر پهلوی بوده است. به‌همین رو، ایشان از انقلاب اسلامی با عنوان انقلابی فرهنگی یاد می‌کند:

ما می‌خواهیم که این انقلابمان را، انقلاب فرهنگی‌مان را، انقلاب اسلامی‌مان را به همه ممالک اسلامی صادر کنیم. ۱۲۲

باید دانست نگاه امام (قدس سره) به عنصر «فرهنگ» نگاهی مبنایی و زیربنایی است؛ عنصر

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۲

مهمی که شکوفایی‌اش می‌تواند موفقیت‌های مستمری را برای بشری خسته از قطب‌بندی‌های مبتنی بر زر و زور به ارمغان آورد. فرهنگ در اندیشه امام خمینی (قدس سره) به قدری مهم است که هجوم به آن در رأس تمامی اهداف استعمارگران قرار می‌گیرد. بنابراین یکی از موضوعاتی که امام (قدس سره) در همین باره از آن به‌عنوان دستاورد انقلاب اسلامی یاد می‌کند، استقلال فرهنگی است. آ‌امام خمینی (قدس سره) در بیانات خود بر ضرورت اتکا به فرهنگ خودی و نفی غرب تأکید دارد و این نکته را متذکر می‌شود که حرکت انقلابی مردم ایران در راستای نفی فرهنگ غربی بود. ایشان در این زمینه می‌فرماید:

از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیز ما گذاشت، بیگانه‌نمودن کشورهای استعمارزده از خویش، و غرب‌زده و شرق‌زده نمودن آنان است؛ به‌طوری‌که خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و

۱ (۱). موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۹۱.

۱ (۱). همو، صحیفه امام، ج ۹، ص ۷۵.



غرب و شرق، [این] دو قطب قدرتمند را نژاد برتر، و فرهنگ آنان را والاتر دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرایض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند.<sup>۱۲۴</sup>

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران مغلوب شدن در برابر ایدئولوژی یکسان‌سازی غرب را از دلایل به وجود آمدن این وضعیت برمی‌شمارد. بنابراین ایشان انقلاب اسلامی را راهی برای رسیدن به استقلال و بازیابی هویت خودی می‌داند.<sup>۱۲۵</sup>

امام خمینی (قدس سره) کینه تمام‌ناشدنی استکبار نسبت به ملت ایران را واکنشی در برابر اعتقادات و استقلال مردم و شعار نه شرقی و نه غربی آنان می‌شمارد. در واقع از همین‌روست که ایشان از روشنفکران می‌خواهد تا از غرب‌زدگی و شرق‌زدگی دست بشویند. وی در این باره می‌گوید:

این انقلاب برای اسلام بوده است، نه برای کشور، نه برای ملت، نه برای

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۳

به‌دست‌آوردن یک حکومت؛ برای اینکه اسلام را از شر ابرقدرت‌ها و جنایتکارهای خارجی و از شر سلیقه‌های کج داخلی ... نجات بدهد.<sup>۱۲۶</sup>

حضرت امام (قدس سره) انقلاب را ناشی از تحول درونی، برگرفته از هویت خودی و پاسخی به چالش‌های هویتی می‌داند:

انقلابی که در ایران واقع شد، یک انقلابی در باطن مردم حاصل شد ... این انقلاب درونی است که پیدا شد در این کشور و در این مملکت، و نیست الا به عنایات خدای تبارک و تعالی.<sup>۱۲۷</sup>

پیروزی را ما باید از انقلاب درونی مردم جستجو کنیم و تا این معنا حاصل نشود، انقلاب‌ها یک انقلاب‌های تحویل قدرت از او به قدرت دیگر است و وضع برای ملت همان جور که بوده، می‌باشد.<sup>۱۲۸</sup>

امام (قدس سره) همچنین دو روز پس از ورود به پاریس، در پیامش به طلاب، دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور، خواسته‌های مقدماتی ملت را این‌گونه باز می‌گوید:

<sup>۱</sup> (۲). همو، وصیت‌نامه سیاسی- الهی، ص ۲۶.

<sup>۱</sup> (۳). همو، صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۲.

<sup>۱</sup> (۱). همان، ج ۲۰، ص ۲۰۳.

<sup>۱</sup> (۲). همان، ص ۴۷۸.

<sup>۱</sup> (۳). همان، ص ۴۷۸ و ۴۷۹.

«رسیدن به سعادت، آزادی، استقلال، حکومت عدل اسلامی، عدالت حقیقی و برخورداری از نعمت‌های الهی».<sup>۱۲۹</sup> در این خواسته‌ها نیز به خوبی می‌توان موضوع استقلال و رسیدن به سعادت از این طریق را مشاهده نمود.

در پیامی دیگر، امام (قدس سره) این‌گونه تأکید می‌کند:

«در این نهضت مقدس، تشکیل حکومت اسلامی سرلوحه اهداف آن است و ضمانت از آزادی و استقلال [نیز] از ثمرات آن».<sup>۱۳۰</sup>

در این زمان شعار استقلال به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شعارها نقش مهمی دارد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۴

در آرای امام خمینی (قدس سره) که درباره انقلاب اسلامی مطرح گردیده، بر پاره‌ای مسائل تأکید بسیار شده که از آن جمله، موضوع هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی در اهداف انقلاب اسلامی است که آن را از دیگر انقلاب‌ها متمایز می‌سازد.

### ب) مبانی انقلاب اسلامی در شعارهای مردم

یکی دیگر از روش‌هایی که به‌منظور فهم عوامل و زمینه‌های هر انقلاب مورد استفاده قرار می‌گیرد، بررسی شعارهای مردم و گروه‌ها به‌عنوان شعارهای انقلابی است. درحقیقت هر انقلابی دارای شعارهایی است که در ایدئولوژی انقلاب و فرهنگ آن جامعه ریشه دارد. این شعارها بیان‌کننده نگرش انقلابیون و توده‌های انقلابی نسبت به وضع نابسامان موجود، اهداف و ویژگی‌های نظام آرمانی است. از این‌روست که شعارهای انقلاب از اسناد گرانبها و یکی از مهم‌ترین منابع مطالعه ارزش‌ها و آرمان‌های آن به‌شمار می‌رود.

در شعارهای انقلابی اغلب بر موضوعاتی نظیر نظام رهبری و رهبر، راه نجات یا ایدئولوژی‌های نجات‌بخش و اهداف انقلابی تأکید می‌شود. این شعارها ویژگی‌هایی دارند که از آن جمله می‌توان به فهم‌پذیر بودن، ریشه داشتن در پیشینه تاریخی مشترک، جذابیت و سادگی اشاره نمود.<sup>۱۳۲</sup>

برپایه پژوهشی که در سال ۸۳ انجام گرفته، در شعارهای مطرح‌شده در انقلاب اسلامی، بر ارزش شهادت و جانبازی (۴۱ درصد)، اهمیت دین اسلام و ضرورت توجه به آن (۳۱ درصد) و ارزش حجاب

<sup>۱</sup> (۴). همو، کوثر، ج ۲، ص ۸۵ و ۸۶.

<sup>۱</sup> (۵). همو، صحیفه امام، ج ۴، ص ۳۱۲.

<sup>۱</sup> (۶). همو، صحیفه نور، ج ۱، ص ۵۹۲-۵۹۰.

<sup>۱</sup> (۱). بنگرید به: پناهی، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران براساس شعارهای انقلاب»، نشریه معارف، ش ۲۳، بهمن ۱۳۸۳.

اسلامی (۶ درصد) تأکید رفته است. همچنین براساس این تحقیق، وضعیت نظام پیشین سیاسی ایران - به دلایل مختلف - برای مردم، نظامی فاسد، تحمیلی، ضد مردمی و فاقد مشروعیت سیاسی بوده است. آذر بخشی از این پژوهش، اهداف انقلاب اسلامی به سه زیرمجموعه تقسیم شده که در جدول پیشین رو آمده است.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۵

نوع اهداف و ارزش ها	تعداد	درصد
اهداف و ارزش های سیاسی	۲۶۱	۴۰
اهداف و ارزش های فرهنگی	۳۵۹	۵۴
اهداف و ارزش های اقتصادی	۳۹	۶
جمع	۶۵۹	۱۰۰

جدول شعارهای مربوط به اهداف و ارزش های انقلاب اسلامی

این جدول نشان می دهد که از ۶۵۹ شعار مطرح شده درباره اهداف و ارزش های انقلاب اسلامی، ۲۶۱ شعار (حدود ۴۰٪) درباره اهداف و ارزش های سیاسی بوده و ۳۵۹ شعار (حدود ۵۴٪) نیز درباره ارزش های فرهنگی. این حجم از شعارهای انقلابی درباره فرهنگ، بی گمان نشان دهنده نارضایتی بیشتر مردم از وضعیت فرهنگی جامعه و رژیم بوده است. این در حالی است که اهداف و ارزش های اقتصادی نیز شامل ۳۹ شعار (حدود ۶٪) بوده که نشان دهنده آن است که مسائل اقتصادی اولویت اساسی در حرکت انقلابی مردم نداشته است.

از آنجاکه بیشترین شعارهای انقلاب اسلامی مربوط به اهداف و آرمان های انقلاب در بُعد فرهنگی بوده، این نیز گویای آن است که نارضایتی مردم از وضعیت فرهنگی جامعه شدیدتر از سایر ابعاد بوده و شاید مهم ترین علت انقلاب اسلامی بوده باشد. اما این نارضایتی به نارضایتی سیاسی بدل شده و در قالب شعارهای سیاسی نمود یافته است.<sup>۱۳۴</sup>

نتیجه اینکه، بی شک وضعیت نامطلوب فرهنگی و نیز ماهیت سیاسی نامطلوب منتج از آن، اساسی ترین ریشه وقوع انقلاب اسلامی بوده است. به همین رو از این منظر می توان انقلاب اسلامی را در راستای هویت خواهی و استقلال طلبی مردم ایران تحلیل نمود.

<sup>۱</sup> (۲). همان.

<sup>۱</sup> (۱). بنگرید به: همان.

تا زمان وقوع انقلاب اسلامی، انقلاب‌های متعددی در جهان روی داده بود. انقلاب‌های

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۶

فرانسه، روسیه و یا انقلاب دهقانی چین، جامعه‌شناسان را به تکاپو واداشت تا با به‌دست دادن نظریه‌هایی منسجم، به واکاوی علل وقوع انقلاب‌ها پردازند. اما با ظهور انقلاب اسلامی، جامعه‌شناسان سیاسی با پدیده‌ای جدید روبه‌رو شدند که اساساً با انقلاب‌های پیشین متفاوت بود، از این‌رو برای تحلیل آن می‌بایست به مسائل دیگری - غیر از آنچه در انقلاب‌های دیگر مطرح شده - توجه می‌شد. در این بین، برخی جامعه‌شناسان، تجدیدنظر در نظریه‌های پیشین خود را پذیرفتند، اما پاره‌ای دیگر همچنان بر استفاده از نظریه‌های پیشین اصرار ورزیدند.

به‌طور کلی براساس یک تقسیم‌بندی، نظریه‌های به‌دست داده‌شده درباره انقلاب‌ها را می‌توان به نظریه‌های سطح خُرد و سطح کلان بخش‌بندی نمود. در نظریات سطح خُرد، به فرد و برداشت‌های وی از وضعیت اجتماعی یا شخصیت خاص کسی که می‌تواند سبب عصیان یا انقلابی شدن او شود، توجه می‌گردد. در این نظریه‌ها برای تبیین دیدگاه‌ها و کنش‌های سیاسی افراد، برداشت‌های ذهنی و فرایندهای فکری آنها و همچنین عوامل محیطی مطرح‌نظر قرار می‌گیرد.<sup>۱۳۵</sup>

از آنچه درباره نظریات سطح خرد انقلاب گفته شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این نظریات در تحلیل چگونگی انقلاب، بر روان‌شناسی افراد تأکید بسیار دارند. از میان دیدگاه‌هایی از این دست می‌توان به نظریه «تد رابرت‌گر» اشاره نمود. وی در کتاب خود با نام **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**، نظریه «محرومیت نسبی» را مطرح نموده که براساس آن، محرومیت مقوله‌ای ذهنی و روان‌شناختی است. به سخنی دیگر، ممکن است افراد از نظر دیگران، انسان‌های خوشبختی باشند، اما در ذهن خود به دلایلی احساس محرومیت کنند و یا ممکن است افرادی در نظر دیگران در محرومیت به‌سر برند، اما در ذهن خود احساس محرومیتی نداشته باشند. نتیجه آنکه از نگاه تد رابرت‌گر، محرومیت مقوله‌ای نسبی است که

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۷

زمینه ایجاد انقلاب را فراهم می‌آورد. از دیگر کسانی که در تحلیل وقوع انقلاب بر روان‌شناسی تأکید دارند، می‌توان به جیمز دیویس اشاره نمود که بدان خواهیم پرداخت.

<sup>۱</sup> (۱). کشاورز، «نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب»، مجموعه مقالات اولین سمینار انقلاب اسلامی ایران، ج ۱، ص ۴۸.

برخلاف نظریات سطح خرد انقلاب، نظریات کلان به مسائل فراگیر که همان ساختارهای اجتماعی است، توجه ویژه‌ای دارند. بر پایه این نظریات، ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه به‌گونه‌ای شکل می‌گیرد که انقلاب در چارچوب آنها روی می‌دهد. پاره‌ای از این نظریات در وقوع انقلاب به ساختارهای اقتصادی نظر دارد و برخی به ساختارهای اجتماعی و دسته‌ای نیز به ساختارهای سیاسی.

نظریات سطح کلان را می‌توان به نظریات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دسته‌بندی نمود. در این میان نظریات اقتصادی عمده‌ترین عامل انقلاب را در مسائل و نارضایتی‌های اقتصادی می‌جوید. این نظریه‌ها اغلب برگرفته از اندیشه‌های مارکس است که اقتصاد را عامل زیربنایی هر جامعه می‌دانست. دسته دیگری از نظریه‌ها، انقلاب را از منظر سیاسی می‌نگرند. از این منظر، ساختار سیاسی و نیاز به مشارکت سیاسی و سرانجام نارضایتی سیاسی عامل اصلی انقلاب است. برخی دیگر از نظریه‌ها نیز با رهیافتی چندگانه، عوامل مختلف را در تبیین انقلاب مؤثر می‌دانند.

در این قسمت می‌کوشیم تا با مطرح نمودن و نقد برخی نظریه‌های مطرح، ضمن اشاره به ناتوانی آنها در تبیین انقلاب اسلامی، بر این نکته تأکید نماییم که آنچه در این انقلاب نقش کلیدی داشته، موضوعی است که به هیچ‌رو در این نظریه‌ها - که عموماً بر مبنای اقتصادی یا سیاسی است - نمی‌گنجد؛ چراکه انقلاب اسلامی مبنایی هویت‌خواهانه و استقلال‌طلبانه داشت.

### یک. تدا اسکاچپول (نظریه دولت تحصیلدار)

از نظریه پردازانی که درباره علل رویداد انقلاب‌ها به عوامل اقتصادی توجه داشته، تدا اسکاچپول است. او معتقد است انقلاب در جوامع کشاورزی رخ می‌دهد که تحت فشار بین‌الملل برای توسعه‌اند و در این توسعه، دولت برای تأمین هزینه‌ها بر مردم فشار می‌آورد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۸

این فشارها در نهایت موجب نارضایتی و شورش مردم می‌گردد که در صورت ناتوانی حکومت در سرکوب آن، انقلاب رخ می‌دهد. وی در همین زمینه بر آن است که انقلاب‌ها غیرارادی‌اند و مسائل اقتصادی خارج از اراده افراد، موجب ایجاد انقلاب می‌گردد.<sup>۱۳۶</sup>

پس از انقلاب اسلامی ایران اسکاچپول نتوانست نظریه عام خود را درباره انقلاب‌ها، با انقلاب اسلامی ایران تطبیق دهد؛ چراکه وضعیت جامعه ایران با جامعه مورد نظر او در نظریه‌اش مطابقت نداشت. از این‌رو، وی با نوشتن مقاله‌ای با عنوان «دولت تحصیلدار و اسلام شیعی» تلاش نمود تا با استفاده از

ساختار دولت‌های رانتیر و شکافی که در دولت‌های رانتیر میان دولت و جامعه ایجاد می‌شود، رویداد انقلاب اسلامی را توجیه کند.

همچنین وی در این مقاله بیان می‌دارد که تنها انقلاب آگاهانه، انقلاب اسلامی ایران بود. نکته حائز اهمیت برای اسکاچپول، توان ایدئولوژی اسلام شیعی در متحد کردن همه ایرانیان (حتی در خارج از مرزها) است. وی در تحلیل این توان می‌گفت اسلام شیعی با رهبری سازش‌ناپذیرش توانست یک کانال ملی - بومی برای ابراز مخالفت با شاه ایجاد نماید؛ به گونه‌ای که حتی ایرانیان غیرمذهبی می‌توانستند تحت چنین لوایی گرد آیند.

نتیجه آنکه، اسکاچپول نظریه‌اش را درباره انقلاب اسلامی به کلی تغییر داد. البته اشکال دیگر نظریه دولت تحصیلدار، فراگیر نبودن آن است؛ بدین معنایکه براساس این نظریه می‌باید در دولت‌های تحصیلداری که شمار آنها نیز در منطقه خاورمیانه کم نیست، انقلاب رخ می‌داد.

#### دو. جیمز دیویس (نظریه توقعات فزاینده)

نظریه جیمز دیویس وجهه‌ای روان‌شناسانه دارد و بر همین بنیاد نیز وی عامل انقلاب را نوع نگرش افراد به عالم خارج معرفی می‌کند. برخی تحلیل‌گران تلاش نموده‌اند تا این نظریه را با انقلاب اسلامی ایران تطبیق کنند. در این بخش ابتدا به اختصار کارآمدی این نظریه را در تحلیل انقلاب اسلامی ایران برمی‌رسیم.

جیمز دیویس پس از بررسی دیدگاه‌های متفاوت درباره چگونگی وقوع انقلاب‌ها، نقش

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۱۹

بهبود شرایط را در وقوع انقلاب در نظر می‌گیرد. وی احتمال وقوع انقلاب را یک دوره عقب‌گرد سریع پس از مدتی طولانی از رشد اقتصادی و اجتماعی می‌داند؛ عقب‌گردی که با آثار روانی خود زمینه انقلاب را فراهم می‌کند. به دیگر بیان، رشد اقتصادی طولانی موجب افزایش انتظارات می‌شود و رکود و عقب‌گرد کوتاه‌مدت نیز سبب ایجاد فاصله زیاد بین انتظارات و واقعیات خارجی توسعه می‌گردد و این فاصله تحمل‌ناپذیر بستر ساز انقلاب است.<sup>۱۳۴</sup> منظر جیمز دیویس، ثبات و بی‌ثباتی سیاسی به وضعیت فکری جامعه بستگی دارد. در حقیقت از نگاه وی، وجود نارضایتی است که انقلاب را می‌سازد، نه شرایط ملموس اقتصادی.

آبراهامیان، یکی از تحلیل‌گران انقلاب اسلامی تلاش نموده تا این نظریه را با علل رویداد انقلاب اسلامی ایران بسنجد. وی در تطبیق «نظریه توقعات فزاینده» جیمز دیویس بر انقلاب اسلامی ایران ضمن اشاره به دستاوردهای رژیم در توسعه اقتصادی، به فزاینده‌گی انتظارات مردم (ناشی از افزایش درآمدهای نفتی) و ناتوانی رژیم از پاسخ‌گویی به این توقعات اشاره می‌کند. از دیدگاه او ناتوانی رژیم در این پاسخ‌گویی موجب قرار گرفتن ایران در لبه انقلاب گردید. آبراهامیان در این باره معتقد است که پنج برابر شدن ناگهانی درآمدهای حاصل از نفت در سه سال آخر عمر رژیم موجب بالاتر رفتن توقعات مردم گردید و از این رهگذر شکاف بین وعده‌ها و دستاوردهای رژیم از یک‌سو و خواسته‌ها و داشته‌های مردم از سوی دیگر عمیق‌تر شد.<sup>۱</sup> وی در توضیح این نوع تبیین روان‌شناختی اجتماعی از انقلاب، به ذکر دلایل خود می‌پردازد و در ادامه می‌افزاید:

راست بود که در چهارده سال پس از انقلاب سفید ... جهش‌های بزرگی در عرصه‌های بهداشت و آموزش صورت گرفته بود؛ تعداد پزشکان سه برابر شده، میزان مرگ و میر کودکان به میزان کمتر از ۱۲ برابر کاهش یافته، سوادآموزی از ۲۶٪ به ۴۲٪ رسیده بود ... اما این نیز حقیقت داشت و معمولاً مخالفان نیز به آن اشاره می‌کردند که پس از ۱۴ سال از به‌اصطلاح انقلاب سفید، ایران هنوز

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۰

یکی از بدترین نسبت‌ها را در خصوص پزشک، بهیار و یکی از بالاترین میزان مرگ و میر اطفال و ... را در کل خاورمیانه داشت. درست بود که انقلاب سفید به روستائیان کمک کرد ... اما این هم حقیقت داشت که ۹۶٪ روستائیان بدون برق ماندند و در برابر هر دو خانوار که زمین دریافت کردند، یک خانوار بی‌زمین ماند ... روشن بود که سطح زندگی بسیاری از خانواده‌ها ... بهبود یافت، اما این هم روشن بود که کیفیت زندگی بسیاری از خانواده‌ها با گسترش حاشیه‌نشینی، حصیرآبادها، حلبی‌آبادها و ... نقصان گرفت.<sup>۱۳۹</sup>

باید دانست که تحلیل انقلاب اسلامی براساس این نظریه، با اشکالاتی چند روبه‌روست. اشکال عمده تطبیق این نظریه با انقلاب اسلامی ایران در این است که نظریه پردازان معتقدند روند شبه مدرنیزاسیونی که در ایران از سال‌ها پیش از انقلاب شروع شده بود، نقطه آغاز افزایش انتظارات بود که بعدها بالارفتن بهای نفت و برخورداری عمومی از امکانات فراوان و سپس کاهش قیمت نفت، این فاصله تحمل‌ناپذیر را ایجاد کرد.

روند شتابان مدرنیزاسیون در ایران از اوایل دهه ۵۰ آغاز شد. با بررسی دقیق‌تر درمی‌یابیم که این نظریه اساساً فعالیت‌ها، مبارزات و نارضایتی‌ها علیه رژیم پهلوی دوم را قبل از مدرنیزاسیون، در نظر نگرفته و به‌همین رو انقلاب را تنها ناشی از مدرنیزاسیون می‌داند. این در حالی است که برخی

<sup>۱</sup> (۲). آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۴۰۹.

<sup>۱</sup> (۱). همان، ص ۴۰۹ و ۴۱۰.

تحلیل‌گران، ریشه‌های نارضایتی‌ها و قیام‌ها علیه دولت پهلوی را به مدت‌ها پیش از آغاز روند مدرنیزاسیون در ایران بازمی‌گردانند.

همچنین این نظریه اگرچه ممکن است برخی عوامل شتابزا در وقوع انقلاب را توضیح دهد، در بیان علت وقوع انقلاب اسلامی به تحلیلی یک‌جانبه پرداخته است؛ حال آنکه عوامل مختلفی در پیدایش هر انقلاب مؤثر است و انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده بیرون نیست. بنابراین نمی‌توان مدرنیزاسیون را عامل اصلی انقلاب ایران دانست.

سه. میشل فوکو (نظریه فرهنگی انقلاب)

یکی از اندیشمندان علوم اجتماعی فرانسه میشل فوکوست که به انقلاب اسلامی ایران

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۱

توجهی خاص داشته و تلاش نموده تا از منظر فرهنگی، انقلاب ایران را بکاود. البته نگاه فوکو به انقلاب اسلامی ویژگی‌هایی خاص دارد، اما چون او انقلاب ایران را انقلابی برخلاف جریان جنبش‌های مدرنیته تحلیل می‌کند، از این حیث پرداختن به دیدگاه او سودمند خواهد بود.

فوکو در بررسی‌هایش تأکید می‌کند که این انقلاب نمی‌تواند با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت گرفته باشد؛ زیرا اگر این انگیزه‌ها در کار بود، مرفهان و متمولان هیچ‌گاه در آن شرکت نمی‌کردند. وی زمانی که وحدت کلمه مردم یا به تعبیر خود «اراده جمعی» مردم ایران را می‌بیند، شگفت‌زده می‌شود. او عامل اصلی این جریان را شکست مدرنیسم می‌داند و معتقد است که دوران نوسازی در ایران به سر آمده است.

اما پرسش اساسی در برابر نظریه فوکو این است که چرا ایران پس از یک قرن تلاش برای مدرن شدن (نهضت مشروطه و دوران پهلوی)، در مقابل مدرنیته قیام کرد، در حالی که به صورت طبیعی این اتفاق می‌بایست در غرب که مهد مدرنیته است، رخ می‌داد؟ چنان که پیش‌تر در غرب، قیام‌های کمونیستی در تقابل با مدرنیته به وجود آمد.

فوکو معتقد است که سبب این امر را باید در مذهب تشیع کاوید. او بر این باور است که مذهب تشیع دارای ویژگی‌هایی است که فرهنگ غرب از آن تهی است. از منظر وی، دو ویژگی اثرگذار در حرکت‌های مذهب تشیع وجود دارد:



۱. اعتقاد به امام‌زمان (عج) و نقش او در زندگی مردم شیعه که براساس آن مردم نه تنها تحصیل وضع مطلوب را ناممکن نمی‌دانند، بلکه وقوع آن را نیز حتمی و لازم می‌شمرند؛ امری که بی‌تردید در برانگیختن آنها به قیام و تلاش برای بهبود اوضاع تأثیری به‌غایت دارد.

۲. وجود روحانیت شیعه و نقش آنها در حفظ دین و به‌ویژه حضور مرجعیت در جایگاه رهبران حقیقی مردم.

از نگاه فوکو، مرجعیت شیعه بدون این هزینه‌ها حاکمیت جامعه را به‌دست می‌گیرد و مردم نیز در عمل، کارگزار او می‌شوند. وی وقتی با یک خلبان بوئینگ مصاحبه می‌کند، با لحن آمرانه‌ای جواب می‌شنود که گرانبهارترین ثروتی که ایران از قرن‌ها پیش تاکنون داشته،

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۲

در فرانسه نزد شماست؛ از او به‌خوبی نگهداری کنید! هلمچنین هنگامی که با کارگران صنعت نفت سخن می‌گوید، درمی‌یابد که آنها به احدی جز امام خمینی (قدس سره) اعتماد ندارند.<sup>۱۴۱</sup>

نتیجه آنکه، فوکو انقلاب اسلامی ایران را برخلاف جریان مدرنیسم و اساساً متفاوت با انقلاب‌های دیگر می‌داند. او این انقلاب را برگرفته از مبانی اعتقادی شیعه دانسته، بر این بنیاد نیز به تحلیل آن می‌پردازد.

در آخر باید گفت نظریه‌های مطرح درباره انقلاب اسلامی بسیار است، اما اغلب اینها نتوانسته‌اند انقلاب اسلامی را به‌درستی واکاوی کنند. اغلب تحلیل‌گران در بررسی انقلاب اسلامی آن را انقلابی هویتی و بر مبنای فرهنگ و نظریه‌های فرهنگی دانسته‌اند.<sup>۱۴۲</sup> بنابراین با بررسی و نقد نظریه‌های مربوط به انقلاب درمی‌یابیم که انقلاب اسلامی در راستای هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی مردم ایران روی داد.

### چکیده

۱. انقلاب اسلامی ایران را می‌توان انقلابی در راستای هویت‌خواهی و استقلال‌طلبی مردم ایران تلقی نمود که برای تأیید این مدعا می‌توان به آرای امام خمینی (قدس سره) نظری افکند. ایشان در این زمینه همواره بر هویت و استقلال به‌عنوان ماهیت انقلاب اسلامی ایران تأکید داشت.

<sup>۱</sup> (۱). رمضان نورگی، «دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران»، آموزه، ش ۷، ص ۵۷ و ۵۸.

<sup>۲</sup> (۲). همان، ص ۴۰.

<sup>۳</sup> (۳). افزون بر آنچه درباره نظریه‌های انقلاب گفته شد، برخی دیگر از نظریات نیز انقلاب ایران را از منظر فرهنگی و هویتی و بر مبنای تلاش برای احیای اندیشه شیعی توصیف نموده‌اند. دیدگاه حامد الگار و حمید عنایت در این زمره قرار دارد.

۲. یکی دیگر از منابعی که درباره هویت و استقلال می توان به آن استناد نمود، شعارهای انقلابی مردم ایران است که بررسی آنها، هویت خواهی و استقلال طلبی مردم ایران را در فرایند انقلاب اسلامی می نمایاند.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۳

۳. منبع دیگر در این زمینه، رجوع به نظریه هایی است که درباره انقلاب اسلامی ایران مطرح گردیده است. بسیاری از نظریه پردازان خارجی در تحلیل انقلاب اسلامی بر این باورند که ماهیت این انقلاب با دیگر انقلاب های جهان متفاوت است. اینان معتقدند که عنصر فرهنگ و هویت در انقلاب اسلامی ایران نقش مؤثری دارد، از این رو انقلاب مزبور در راستای استقلال طلبی و هویت خواهی مردم ایران روی داد.

#### پرسش

۱. استقلال طلبی و هویت خواهی در انقلاب اسلامی را بر مبنای دیدگاه های امام خمینی (قدس سره) توضیح دهید.

۲. تدا اسکاچپول درباره شکل گیری انقلاب اسلامی چه نظریه ای به دست داد؟

۳. دیدگاه میشل فوکو را درباره انقلاب اسلامی شرح دهید.

۴. هویت خواهی و استقلال طلبی مردم ایران را بر پایه شعارهای انقلابی تحلیل نمایید.

#### برای پژوهش

۱. برای فهم هویت خواهی و استقلال طلبی در انقلاب ایران، دیدگاه امام خمینی (قدس سره) و نقد نظریه های موجود درباره انقلاب اسلامی را بررسی نمایید.

۲. یکی از نظریه هایی که درباره انقلاب مطرح شده، نظریه توسعه نامتوازن هانتینگتون است. این دیدگاه را درباره انقلاب اسلامی مورد بحث قرار دهید.

۳. تفاوت انقلاب اسلامی ایران با دیگر انقلاب های جهان را از نظر موضوع «هویت خواهی» بررسی نمایید.

#### منابع برای مطالعه بیشتر

۱. محمدحسین پناهی، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران براساس شعارهای انقلاب»،  
نشریه معارف، قم، ش ۲۳، بهمن ۸۳.

۲. مصطفی ملکوتیان، سیری در نظریات انقلاب، تهران، قومس، ۱۳۸۰.

۴. محمدجواد هراتی، رهیافت‌هایی در تبیین انقلاب اسلامی ایران، همدان، شوق دانش، ۱۳۸۶. ۱۴۳

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۵

## فصل هفتم: تحلیلی بر تحولات دوران تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. چالش‌های درونی در دوران تثبیت انقلاب اسلامی را توضیح دهند.
۲. چالش‌های بیرونی در دوران تثبیت انقلاب اسلامی را بیان دارند.
۳. با زمینه‌های شکل‌گیری جنگ تحمیلی و مهم‌ترین تحولات دوران تثبیت نظام آشنا شوند.

### مقدمه

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی نیازمند حرکت در راستای اهداف و آرمان‌های خود بود، اما از وضعیت انقلابی تا رسیدن به نظام مطلوب، چالش‌ها و مسائل داخلی و بین‌المللی فراوانی پیش رو بود که می‌بایست تا تثبیت نظام بر آنها فائق می‌آمد. بنابراین در چند سال نخستین انقلاب به این مسائل و مشکلات پرداخته شد، ولی در همین میان تهاجم نظامی گسترده عراق، زمینه چالش گسترده خارجی را برای جامعه پس از انقلاب فراهم نمود. البته تلاش برای حل این چالش‌ها به پویایی نظام کمک نمود و

در تثبیت آن نیز مؤثر افتاد، اما خساراتی را نیز برای جامعه ایران به بار آورد؛ از جمله اینکه بخشی از ظرفیت نیروهای انقلابی صرف دفع تجاوز دشمن خارجی گردید و بسیاری از بهترین نیروهای انقلابی و نظریه پردازان نظام نیز در ترورهای داخلی و تهاجم خارجی از بین رفتند که این خود آسیبی جدی برای نظام به شمار می آمد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۶

در این فصل می کوشیم تا ضمن واکاوی تحولات پس از انقلاب، به مسائل ایران در دو دوره تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی بپردازیم.

### الف) دوره تثبیت نظام

به طور کلی دوره اول پس از انقلاب اسلامی که دوره تثبیت نظام است، در قالب دو مقوله درخور بررسی است: یکی چالش حفظ و بقای انقلاب و نظام جدید در برابر موانع داخلی (۱۳۵۹-۱۳۵۷) و دیگری چالش حفظ و بقای انقلاب در مقابل موانع خارجی و داخلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹).

با پیروزی انقلاب اسلامی، پویش بیداری ایرانیان که در هویت و استقلال خواهی آنان ریشه داشت، فرصتی تاریخی پیش روی خود یافت که از جنبش تنباکو در جستجوی آن بود. هویت و استقلال که تا پیش از این در بعد نفی نظام ظاهر می شد، این بار دستاوردی بزرگ برای انقلاب اسلامی به شمار می آمد. تأکید بر ماهیت اسلامی و ضداستعماری انقلاب اسلامی در این دوران، نشانه هایی از اولویت یافتن عناصر هویت و استقلال در مدیریت کشور بود که حرکت به سوی پیشرفت را به دنبال داشت. این نوع نگاه در حقیقت بدعتی در عرصه بین الملل بود و به همین دلیل، هم از جانب نظام بین الملل و هم از درون، از سوی برخی جریان های فکری غرب گرا مورد هجوم واقع شد. بدین ترتیب، انقلاب اسلامی با چالش حفظ و بقای انقلاب روبه رو گردید.

### یک. چالش حفظ و بقای انقلاب و نظام جدید در برابر موانع داخلی (۵۹-۵۷)

با پیروزی انقلاب اسلامی نیاز به حفظ و تداوم انقلاب در عرصه داخلی و در پی آن نیاز به امنیت و انسجام، بیشتر احساس شد؛ چراکه ناامنی های به وجود آمده بیش از هر چیز انقلاب را تهدید می نمود. حوادث سال های اولیه انقلاب و درگیری های خیابانی بیانگر این مدعا است.

تأسیس نهادهای انقلابی، مقابله با نیروهای گریز از مرکز، پیگیری وظایف مشخص شده برای دولت انتقالی (با نظارت شورای انقلاب)، زمینه سازی برای نهادینه کردن حضور مردمی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۷

در سیاست و همچنین پرسش از نوع حکومت و قانون اساسی، در این راستا درخور بحث است.

افزون بر تأسیس نهادهای انقلابی برای گذر از وضعیت انقلابی، با روشن شدن نوع نظام سیاسی کشور، انتخابات مختلفی به منظور تدوین قانون اساسی و پس از آن مشخص نمودن مجریان آن برگزار شد. این پویاها البته گاه با چالش‌هایی نیز روبه‌رو گردید. به بیانی دیگر، پدیده «انقلاب - نظام» که هم مقتضیات انقلاب و هم نیازهای نظام را از ایران پس از انقلاب طلب می‌نمود، اجماع نظر در مدیریت قدرت و سیاست را با دشواری‌هایی مواجه می‌ساخت که تهدیدی برای بقای انقلاب و نظام تازه تأسیس به‌شمار می‌آمد.

آنچه روابط قطب‌های قدرت در دوره اولیه پس از انقلاب، یعنی دولت انتقالی (موقت) و شورای انقلاب را توجیه‌پذیر می‌سازد، وجود نگرش‌های متفاوت آنها در پیشبرد و اصلاح امور کشور است. تأکید دولت انتقالی بر تدبیرهای اداری و معمول بروکراتیک در جامعه انقلابی و غفلت از ابتکارهای انقلابی، از گستره فعالیت این دولت کاست. از آن‌رو که دولت موقت می‌بایست زمینه انتقال قدرت را فراهم می‌آورد، نتوانست تا پایان کار، این موضوع را دنبال کند و به همین‌رو سرانجام نیز از قدرت کناره‌گیری کرد. در مقابل، شورای انقلاب ضمن در نظر داشتن نیازهای انقلابی، ملاحظات سازمانی و تشکیلاتی را برای کنترل و هدایت امور مورد توجه ویژه قرار داد. برای مثال، دولت موقت از ابتدا با نهادهای انقلابی هماهنگی نداشت؛ تا جایی که به گفته مهندس بازرگان، این دولت از همان آغاز در مقابل کمیته‌ها قرار گرفت.<sup>۱۴۴</sup> دولت موقت وظیفه داشت زمینه تثبیت را تا انتخابات ریاست جمهوری فراهم آورد، اما در این راه توفیقی نیافت و تنها توانست انتخابات خبرگان قانون اساسی و همه‌پرسی تعیین نوع نظام «جمهوری اسلامی» را برگزار نماید. شورای انقلاب بر پدیده «انقلاب نظام» تأکید داشت، اما دولت موقت بر پدیده «نظام» اصرار می‌ورزید.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۸

شهید بهشتی در این زمینه می‌گوید:

ما معتقد بودیم که در داخل مملکت باید خارج از فرم بروکراتیک عمل کرد، اما آقای مهندس بازرگان عجیب تکیه داشتند روی اینکه همه کارها باید توی کانال بروکراتیک پیش برود. به همین دلیل، ما خیلی ضربه خوردیم ... ما معتقدیم که این ملت، امروز به کارهای بنیادی و ضربتی احتیاج دارد.<sup>۱۴۵</sup>

نتیجه آنکه، قطب‌بندی سیاسی در دوران نخستین، به سمت تمرکز بر نیروها و نهادهای سیاسی پیش رفت. چالش‌های ناشی از تقابل نگرش‌های مذکور در طول دولت انتقالی، تا روز پس از تسخیر سفارت

<sup>۱</sup> (۱). بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت، ص ۱۲۲.

<sup>۱</sup> (۱). واحد فرهنگی بنیاد شهید بهشتی، اسطوره‌ای بر جاودانگی، ص ۱۰۳۸.

آمریکا در ۱۳ آبان ۵۸ ادامه داشت. بدین ترتیب با پایان یافتن این مسئله و محوریت یافتن تفکر انقلابی در مدیریت کشور، دولت موقت از قدرت کناره‌گیری نمود.

درحقیقت آخرین حادثه قبل از کناره‌گیری دولت انتقالی، تسخیر سفارت آمریکا بود که از آن به «انقلاب دوم» یاد می‌شود. آمریکا با از دست دادن پایگاه‌های رسمی خود تنها از طریق سفارت‌خانه می‌توانست بر انقلاب نظارت کند و این سبب تبدیل شدن آنجا به مرکز جاسوسی شد. پس از آن نیز سفارت آمریکا به دست دانشجویان تسخیر گردید.

آمریکا برای خروج از این بن‌بست عملیات طبس را در اردیبهشت ۱۳۵۹ تدارک دید، اما در عمل ناکام ماند. بدین ترتیب، تهدیدهای آمریکا برای حمله به ایران آغاز شد؛ حرکتی که راهپیمایی ضدآمریکایی مردم را در پی داشت. پیام امام خمینی (قدس سره) و همچنین فتوای ایشان مبنی بر ضرورت یادگیری استفاده از سلاح برای افراد بیست سال به بالا و تشکیل ارتش بیست میلیونی برای آمادگی در صورت حمله آمریکا، برای مقابله با این تهدید نیز تأثیر بسزایی داشت.<sup>۱۴۶</sup>

بی‌تردید شعار «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند»، قدرت نوظهور جمهوری اسلامی ایران را در ابعاد جدیدی نمایاند. سرانجام قطع رابطه سیاسی ایران و آمریکا از سال ۵۸ به بعد نیز به رابطه سلطه‌آمیز آمریکا پایان داد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۲۹

در سال‌های ۵۷ تا ۵۹ مسئله مهم دیگر، روی آوردن ضدانقلاب به ترور شخصیت‌های فکری، سیاسی و مذهبی انقلاب بود؛ امری که صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره نظام وارد آورد. مسئله دیگر برای انقلاب که از بیرون حمایت می‌شد، کودتای ناموفق نوژه در سال ۱۳۵۹ بود که پیش از اجرا به دست نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خنثی گردید. با شکست این موارد، گزینه جنگ مطرح گردید.

توضیح اینکه، وقتی انقلاب اسلامی ایران ایده جدیدی را در مسائل مختلف داخلی و بین‌المللی مطرح نمود، ساختار حاکم بر نظام بین‌الملل به چالش کشیده شد. از همین رو، ابرقدرت‌ها برای مهار انقلاب اسلامی و جلوگیری از گسترش آن در کشورهای منطقه، تهاجم نظامی را در دستور کار قرار دادند و بدین ترتیب از سال ۵۹ به بعد چالش خارجی نیز به مشکلات انقلاب اسلامی افزوده شد.

تهاجم نظامی به انقلاب نوپای ایران ضمن آنکه امنیت و آسایش کشور را سلب می‌نمود، دستاورد پیروزی حاصل از انقلاب را نیز به چالش می‌کشید. مسئله مهم در این باره تقویت قوای داخلی بود؛ چراکه جنگ تحمیلی، آزمونی برای ارزیابی قدرتمندی ایران در زمینه‌های مختلف- از جمله مدیریت استراتژیک و انسجام ملی- به‌شمار می‌رفت. با آغاز جنگ، همه‌چیز ظاهراً پیروزی سریع، آسان و کم‌هزینه عراق را نوید می‌داد؛ چنان‌که کسینجر چند روز پس از آغاز جنگ پیش‌بینی کرد که عراق طی ده روز در جنگ پیروز می‌شود. بختیار نیز که به خارج از کشور رفته بود، سقوط نظام اسلامی را محقق می‌دانست.<sup>۱۴۷</sup>

در این زمان کشور در مسئله هماهنگی مدیریت، در چالشی اساسی قرار گرفت و این در حالی بود که هجوم دشمن در مرزها عملاً پنج استان کردستان، کرمانشاه، ایلام، آذربایجان غربی و خوزستان را مستقیماً درگیر جنگ کرده بود. ناهماهنگی بنی‌صدر با قوای انقلابی، مانع از تحرک لازم نیروهای مردمی داوطلب برای حضور در جبهه‌ها گردید. البته «ستاد

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۰

جنگ‌های نامنظم» در جبهه‌ها با مدیریت دکتر مصطفی چمران و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نخستین هسته‌های مقاومت سازمانی در برابر نیروهای مهاجم در عراق را بنیان‌گذاری نمود، ولی گستردگی حملات، انسجام بیشتری را می‌طلبید.

تمرکز قوا و دفاع از حمله خارجی، موانع داخلی را برای انسجام بیشتر مرتفع نمود. در این مسیر، مخالفان به تجمیع قوای خود پرداختند و بدین‌سان ناسازگاری‌ها آشکارتر شد؛ آن‌گونه که هنگام طرح بی‌کفایتی سیاسی بنی‌صدر در مجلس (خرداد ۱۳۶۰)، گروه‌های مجاهدین خلق، پیکار، رنجبران و اقلیت‌های دیگر، حملات وسیعی برای جلوگیری از کار مجلس تدارک دیده بودند که این خود به‌نوعی اعلان مبارزه مسلحانه بود. با کنار رفتن بنی‌صدر، موضوع انحلال و ادغام نهادهای انقلابی- که با فشار گروه‌های مرتبط با او انجام می‌گرفت- کم‌رنگ شد و نیروهای دفاعی، انسجام بیشتری یافتند، اما متأسفانه در واکنش به این برکناری، موجی از ترورها از سوی نیروهای طرفدار بنی‌صدر صورت گرفت که در جریان آن بسیاری از نیروهای انقلابی به شهادت رسیدند.

پس از آن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان سومین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد و عملیات گسترده بیت‌المقدس برای آزادسازی خرمشهر آغاز گردید که در نتیجه آن، خرمشهر در سوم خرداد سال ۱۳۶۱

آزاد شد و بدین‌گونه نقطه‌عطفی در تاریخ جنگ پدید آمد. همچنین با وجود ترورهای هدفمند و تلاش‌های حاصل از آن، با هدایت امام (قدس سره)، جنگ ماهیت دفاعی پیدا کرد و از این‌رو هرچند ترورها صدمات سنگینی را وارد آورد، اما عملاً بر پیوستگی و انگیزه مقاومت و تقدس دفاعی افزوده شد.

بدین ترتیب با تعریف جدید از قدرت و مدیریت دفاع مقدس از سوی حضرت امام (قدس سره)، نتایج از پیش تعیین‌شده حامیان و عاملان جنگ محقق نشد؛ تا جایی که آنان را به تجدیدنظر درباره ارزیابی خود واداشت. در این جنگ مروری بر اظهارات بهره‌جویان از جنگ، تلخی تغییر موازنه به نفع ایران را به خوبی روشن می‌کند.

در هر حال، با وجود خسارت‌های فراوانی که در جنگ به نظام نوپای انقلابی وارد گردید، جنگ تحمیلی عملاً به عرصه‌ای برای پویا و شکوفایی فرهنگ اسلامی در ایران بدل شد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۱

در این میان مهم‌ترین نکته، نقش پرفروغ اسلام در بسیج و هدایت قوای کشور بود؛ موضوعی که آمریکایی‌ها را سخت شگفت‌زده کرده بود.

مقاومت همه‌جانبه مردم ایران در تهاجم نظامی سبب گردید که قطعنامه هفتم شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق در سال ۶۷ نسبت به قطعنامه‌های پیشین انعطاف بیشتری داشته باشد و حتی موضوع تجاوز و تعیین متجاوز را مطمح‌نظر قرار دهد. در این زمینه نگرانی‌های قدرت‌های بزرگ از قدرتمندی ایران - در اواخر سال ۱۳۶۵ تا ماه‌های نخست سال ۱۳۶۶ - به ایجاد جریانی منجر شد که می‌توان آن را «استراتژی فشار همه‌جانبه» علیه جمهوری اسلامی نامید. اهمیت این جریان از آنجا ناشی می‌شود که پنج کشور عضو دائم شورای امنیت<sup>۴۸</sup> که هر یک در فروش اسلحه به عراق یا حمایت‌های سیاسی و اقتصادی از آن نقش داشتند - عزم خود را جزم کرده بودند تا با اجرای طرح‌های سری، از ادامه جنگ ایران و عراق که احتمالاً به پیروزی ایران ختم می‌شد، جلوگیری کنند.

هم‌زمان با فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی مبنی بر پذیرش قطعنامه شورای امنیت، کشورهای عضو ناتو به‌رهبری آمریکا با افزایش نیروهای نظامی و رزمی خود در خلیج فارس و ایجاد درگیری، فشار جدی نظامی را نیز بر ایران وارد آوردند. آمریکا و انگلیس ناوهای خود را در خلیج فارس متمرکز کردند و در راستای این استراتژی، ناو هواپیمابر آمریکایی در ۱۲ تیر ۱۳۶۷، هواپیمای مسافربری ایرباس ایران را مورد هدف قرار داد.

<sup>۱</sup> (۱). آمریکا، انگلیس، چین، روسیه و فرانسه.



بدین ترتیب با افزایش همه‌جانبه فشارهای بین‌المللی بر جمهوری اسلامی ایران و با علم به طولانی بودن راه و مسئولیت سنگین ناشی از دستاوردهای پیروزی انقلاب و صیانت از موفقیت‌های حاصل‌شده در این زمینه، جمهوری اسلامی قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت؛ قطعنامه‌ای که امام (قدس سره) راحل پذیرش آن را به نوشیدن جام زهر تعبیر نمود.<sup>۱۴۹</sup>

تجربه چندین انتخابات در دوره هشت‌ساله دفاع مقدس و پذیرش سختی‌های ناشی از

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۲

استقلال و هویت‌یابی، به همراه دستاوردهای مهمی چون روحیه ایثار و شهادت، عملاً ایرانی نوین و پویا را پی‌ریزی نمود؛ آن‌گونه که با اتمام جنگ، بازسازی و سازندگی برای رفع خسارت‌ها به سرعت آغاز گردید.

از دیگر رخدادهای این دوره می‌توان به انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی اشاره نمود که در آن رقابت انتخاباتی، گروه سیاسی جدیدی به نام «مجمع روحانیون مبارز» شکل گرفت؛ رخدادی که گویای تکوین چهارچوب جدید اندیشه‌ای در دستگاه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور بود.

### (ب) دوره تداوم انقلاب اسلامی

بی‌تردید جنگ تحمیلی و خسارت‌های ناشی از آن، از تحقق برخی آرمان‌های انقلاب اسلامی برای پیشرفت در راستای تعالی جلوگیری نمود، اما با خاتمه جنگ و دست‌خالی ماندن تجاوزگران و حامیان آنها و احساس قدرت حاصل از پایداری و توانایی حفظ دستاوردهای پیروزی، دوره جدیدی از پویای داخلی برای پیشرفت آغاز گردید تا آرمان‌های انقلابی تحقق یابد.

ازسویی حوادث مهم در سال‌های ۶۷ و ۶۸ نیز تأثیرات مهمی در ماهیت برنامه‌ریزی‌ها و روند نیازهای آینده کشور برجای نهاد. روحیه عمل و امیدواری به آینده نیازمند سازمان‌دهی و جهت‌گیری بود تا در جستجوی «تغییر»، از مسیر «هویت» و «استقلال» کشور منحرف نگردیم. از این رو در مهرماه ۶۷ امام (قدس سره) در پیامی نه‌ماده‌ای بدین مهم پرداخت. بخشی از این پیام به این موارد اشاره داشت: تأکید بر سیاست نه شرقی و نه غربی، استفاده از نظر کارشناسان، توسعه و تکامل بنیه دفاعی کشور، توجه به بازسازی مراکز صنعتی، برنامه‌ریزی برای رسیدن به رفاه توأم با شعائر اسلامی، پرهیز از فرهنگ مصرفی و نیز تأکید بر حفظ ارزش‌ها و شئون اخلاقی جامعه.<sup>۱۵۰</sup>

<sup>۱</sup> (۲). موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۵.

<sup>۱</sup> (۱). بنگرید به: همان، ص ۱۵۹-۱۵۵.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۳

با وجود این رهنمودها، اختلاف نظرهایی میان گروه‌های سیاسی رخ داد. این بار نیز امام (قدس سره) ضمن طبیعی دانستن اختلاف نظرها، بر وحدت و پافشاری بر اصول تأکید کرد. در پیام ایشان در سال ۶۷ که به «منشور برادری» معروف شد، آمده است:

در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ... اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود.<sup>۱۵۱</sup>

در دی ماه سال ۶۷ هیئتی به سرپرستی آیت‌الله جوادی آملی، از سوی امام خمینی (قدس سره) برای دیدار با گورباچوف و رسانیدن پیام ایشان به مسکو رفت. امام (قدس سره) در نامه‌ای نکات مهمی را متذکر شد که گویای توجه به مسئولیت‌ها و وظایف در ابعاد فراملی نهضت اسلامی است. در بخشی از این نامه آمده است که مشکل شما مبارزه بیهوده با خداست که مبدأ آفرینش است. از این پس می‌باید کمونیسم را در موزه‌های جهان جستجو کرد؛ زیرا مکتب مادی نمی‌تواند با مادیت پاسخگوی نیازهای بشر باشد.<sup>۱۵۲</sup>

پس از آن، مقابله‌های جدیدی با انقلاب و نظام جمهوری اسلامی آغاز شد که نوشتن کتاب آیات شیطانی نمونه‌ای از این جهت‌گیری‌ها بود. صدور حکم ارتداد سلمان رشدی در تاریخ ۲۵ بهمن ۱۳۶۷، از سوی امام (قدس سره) بار دیگر اهمیت و جایگاه ایران را در قوت رهبری و گردهم آوردن اعتراضات پراکنده (وحدت مسلمین) نشان داد. نکته مهم در این رخداد، توجه به وحدت سریع غرب و سپس سستی و فروپاشی آن در مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران است.

شش روز پس از این حکم، جامعه اقتصادی اروپا سفرای یا رؤسای هیئت‌های دیپلماتیک را فراخواند و بدین ترتیب مبارزه علنی‌تر علیه اسلام آغاز شد.<sup>۱۵۳</sup> با این همه، در فاصله کمتر از دو

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۴

هفته، جامعه اقتصادی اروپا خواستار از سرگیری روابط عادی با جمهوری اسلامی ایران شد و سرانجام وزیر خارجه اسپانیا - که ریاست جامعه اقتصادی اروپا را برعهده داشت - اعلام کرد که جامعه اروپایی

<sup>۱</sup> (۱). همان، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

<sup>۲</sup> (۲). همان، ص ۲۲۶ - ۲۲۰.

<sup>۳</sup> (۳). مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، آیات شیطانی، ص ۴۷.

می‌خواهد با ایران روابط عادی سازنده داشته باشد. این‌گونه بود که قدرت‌ها به‌ناچار قدرت جدید ایران را پذیرفتند.

در ۱۴ خرداد سال ۱۳۶۸ امام خمینی (قدس سره) پس از یک عمر مبارزه در راه اسلام و احیای اندیشه اسلامی، دعوت حق را لبیک گفت. با رحلت امام (قدس سره) گویی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران ناگهان در انبوه مسائل و مشکلات داخلی و خارجی رها شد. خلأ رهبری برای انقلاب و نظام، امید دشمنان را برای جلوگیری از انتشار اسلام سیاسی زنده کرد. امام‌جلس خبرگان رهبری، این نهاد قانونی و منتخب مردم که از آغاز انقلاب تأسیس گردیده بود، به‌سرعت یکی از شخصیت‌های باسابقه انقلاب و نظام را به رهبری برگزید. بی‌گمان گزینش رهبری جدید با این سرعت بار دیگر قوام و قدرت ایران اسلامی را به نمایش گذارد.

پس از آن انتخابات ریاست جمهوری برگزار گردید و رئیس‌جمهور جدید براساس قانون اساسی مصوب سال ۱۳۶۸ که در آن که سمت نخست‌وزیری حذف شده بود، زمام امور اجرایی کشور را به‌دست گرفت. از این پس می‌بایست سیاست‌هایی دنبال می‌شد تا آرمان‌های انقلاب محقق گردد، هرچند که از دوران انقلاب تا سال ۶۷ امکان تحقق این آرمان‌ها به‌دلیل درگیر شدن در چالش‌های خارجی و داخلی، کمتر فراهم گردید.

### یک. گفتمان سازندگی و توسعه اقتصادی

با توجه به خرابی‌های پس از جنگ، کشور به لحاظ اقتصادی در وضعیت دشواری قرار گرفت. از این‌رو، لازم بود به‌سرعت برنامه بازسازی کشور و متعاقب آن حرکت به سوی پیشرفت آغاز شود. دولت وقت نیز به این جمع‌بندی رسیده بود که با خاتمه یافتن جنگ، امکان تدوین و اجرای برنامه توسعه برای پیشرفت ایران اسلامی فراهم شده است. به همین‌رو، در سازمان برنامه و بودجه و دستگاه‌های اجرایی دیگر، گام‌های نخستین برای

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۵

تدوین برنامه اول توسعه کشور برداشته شد.<sup>۱۵۴</sup>

بدین ترتیب، تلاش‌هایی برای تحقق آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی صورت گرفت که هدف آن، سازندگی و رفع مشکلات اقتصادی کشور بود. از همین‌رو می‌توان از فضای حاکم بر سیاست‌های این دوران با عنوان «گفتمان سازندگی و توسعه اقتصادی» نام برد.

<sup>۱</sup> (۱). مؤمنی، کالبدشکافی يك برنامه توسعه، ص ۱۳۰.

دولتمردان در این دوران برای بازسازی کشور به دنبال بهترین الگو بودند تا مشکلات موجود رفع گردد، ولی از آن رو که فرصت تدوین این الگو نبود، از الگوهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی استفاده شد.

برنامه اول توسعه اقتصادی پس از طی مراحل قانونی به تصویب رسید، اما به جای آن دولت وقت برنامه دیگری را به نام «برنامه تعدیل اقتصادی» اجرا نمود که برنامه پنج‌ساله اول تحت‌الشعاع جهت‌گیری‌های آن قرار گرفت. برنامه تعدیل اقتصادی که در سه برنامه دیگر توسعه اقتصادی نیز اثرگذار بود، قرائتی از مکتب مدرنیزاسیون توسعه بود که در بحران‌های اقتصادی دهه هشتاد مطرح گردید. این برنامه اساساً یکی از پیشنهادهای سازمان‌های بین‌المللی برای رفع مشکلات در کشورهایی بود که دچار بحران‌های اقتصادی بودند. طبیعتاً غلبه نگاه حاکم بر این سیاست نیز تحت‌تأثیر اقتصاد سرمایه‌داری بود.

با توجه به نگاه خاص سیاست تعدیل در خصوص مسائل اجتماعی، اجرای آن در جامعه ایران پس از گذشت مدتی پیامدهایی پیش‌بینی نشده را به دنبال داشت و زمینه بروز مشکلات اقتصادی بیشتر را برای جامعه ایران فراهم نمود. سیاست تعدیل در حقیقت تلاشی سازمان‌یافته برای رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه به شمار می‌آید. این کشورها عموماً با مشکلات و مخاطرات زیادی در زمینه بازسازی ساختار اقتصادی روبه‌رویند و به همین رو نیازمند نوعی ابتکار در بازسازی‌اند و بدین سبب از این سیاست بهره می‌گیرند.<sup>۱۵۵</sup>

این سیاست به توصیه نهادهای بین‌المللی نظام سرمایه‌داری برای توسعه در کشورهای

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۶

جهان سوم عملی می‌گردد و بدیهی است کشورهای که قادر به ایجاد تغییر در ساختار اقتصادی خود نباشند، مورد حمایت این نهادها قرار نمی‌گیرند. در این خصوص بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در تنظیم ساخت‌های داخلی کشورهای جهان سوم از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

بدین ترتیب، الگوی ارائه‌شده دارای پیش‌شرط‌هایی مبتنی بر ضرورت‌های بین‌المللی است و به منظور اجرای آن نیز می‌باید برخی شروط - که نهادهای بین‌المللی برای پرداخت وام دارند - پذیرفته می‌شود. از سویی، در این روند نیاز درونی کشورها مورد توجه قرار نمی‌گیرد، بلکه توسعه اقتصادی تحت‌تأثیر فرایندهایی انجام می‌پذیرد که از سوی نهادهای بین‌المللی سازمان‌دهی شده‌اند.<sup>۱۵۶</sup>

<sup>۱</sup> (۲). مصلی‌نژاد، آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، ص ۲۷.

<sup>۱</sup> (۱). استیگلیتز، جهان‌سازی و مسائل آن، ص ۳۵ و ۳۶.

بنابراین آنچه به عنوان برنامه اول در قالب برنامه تعدیل اقتصادی اجرا شد، تابعی از ضرورت‌های نظام بین‌المللی در جهت هماهنگ‌سازی ساختار اقتصادی با نهادهای اقتصادی بین‌المللی است.<sup>۱۵۷</sup>

## ۱. تحولات فرهنگی

اجرای برنامه‌های توسعه مستلزم بهره‌گیری از الگوهای فرهنگی خاصی در کشور بود که از آن به «فرهنگ توسعه» تعبیر می‌شود. به‌واقع در اجرای این برنامه‌ها نیاز به نوعی فرهنگ‌سازی - با تأکید بر اقتصاد مطلوب‌تر، رفاه حداکثری و افزایش ثروت - مطمح‌نظر قرار می‌گیرد. بنابراین اگرچه این برنامه، عنوان برنامه توسعه اجتماعی و فرهنگی را نیز در کنار توسعه اقتصادی به‌همراه داشت، در آن توجه کمتری به موضوع فرهنگ شده بود.<sup>۱۵۸</sup>

البته در بعد فرهنگی، برنامه‌های دیگر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز وضعیت مشابهی داشت و بدون ارائه راهکارهای عملیاتی در بعد فرهنگی دنبال شد. در این برنامه‌ها

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۷

با وجود اختصاص یافتن بودجه‌ای به موضوع فرهنگ، مکانیسمی برای فرهنگ‌سازی و تقویت فرهنگی در نظر گرفته نشده بود.

بی‌اعتنایی به فرهنگ در دو برنامه اول و دوم را می‌توان به‌سادگی با مطالعه قانون برنامه اول و دوم و همچنین برنامه‌های تعدیل اقتصادی دریافت.<sup>۱۵۹</sup> بنابراین باید به این موضوع مهم توجه داشت که عموماً فرهنگ توسعه به‌سهولت و به‌آرامی در جامعه نهادینه می‌شود و هویت فرهنگی را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ آن‌گونه که حتی صرف اختصاص بودجه نمی‌تواند به رفع آن کمک کند.

از سوی دیگر، اجرای برنامه‌های توسعه با توجه به نگره خاص فرهنگی در این الگوها، زمینه را برای تغییر در فرهنگ و رفتار عامه مردم فراهم می‌نمود. بنابراین به‌هنگامی که برنامه‌های توسعه اجرا می‌شد، ناگهان در بالاترین سطح تصمیم‌گیری کشور و به‌ویژه از سوی رهبری نظام، بحث تهاجم فرهنگی مطرح گردید. بدین‌رو، از سال‌های میانی برنامه توسعه به بعد، مهم‌ترین نگرانی‌های مسئولان نظام و دیگر قشرهای جامعه، مقابله با تهاجم فرهنگی بود.

نکته دیگر اینکه، تدوین‌کنندگان برنامه‌های یادشده برای رفع مشکلات اقتصادی جامعه از الگوهای بیرونی یاری جستند. از آنجاکه اجرای این الگوها متناسب با مقتضیات فرهنگی جامعه ایران نبود،

<sup>۱</sup> (۲). هزاوه‌ای، الگوهای مسلط توسعه و توسعه‌نیافتگی ایران، ص ۱۶۷.

<sup>۱</sup> (۳). بنگرید به: قانون برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی.

<sup>۱</sup> (۱). بنگرید به: قانون برنامه اول و دوم توسعه.

ناخواسته برخی چالش‌های فرهنگی برای جامعه پدید آمد. افزون بر این، تأکید بر الگوهای بیرونی توسعه، دستاوردهای فکری، سیاسی و اقتصادی خاصی مانند سکولاریسم، سودآوری نامحدود، صنعتی شدن نامحدود، دولت‌سالاری، حاکمیت مطلق بخش خصوصی، فردگرایی مطلق و دنیاپرستی در پی داشت. از سویی دیگر، چون الگوهای وارداتی بر عقاید و ارزش‌های خاصی متکی هستند، بدیهی است که با باورهای این جوامع در تعارض‌اند؛ امری که موجب بروز بحران‌های هویتی، تنش‌ها، ناآرامی‌ها و مشکلات دیگر در جهان سوم گردید.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۳۸

### ۲. تحولات اقتصادی

در بعد اقتصادی، صاحب‌نظران اقتصادی و اجتماعی بر این باورند که اجرای این الگوها ناخواسته موجب مشکلات اقتصادی و اجتماعی نظیر نابرابری اجتماعی نیز گردید. درحقیقت بر اثر اجرای این برنامه‌ها - که بر پایه نگاهی خاص به اقتصاد بود - گروهی از ثروتمندان ثروتمندتر گردیدند و قشرهای آسیب‌پذیر جامعه نیز در وضعیت بدتری قرار گرفتند. این امر تغییرات ارزشی و فرهنگی نیز در پی داشت که خود چالشی برای برنامه‌های بعدی به‌شمار می‌رفت. یکی از این تغییرات، تجمل‌گرایی و نیز تبدیل شدن ثروت به ارزش اجتماعی در میان برخی قشرهای جامعه بود.<sup>۱۶۱</sup>

درحقیقت فرایند بازسازی اقتصادی در ایران که با عنوان توسعه ارائه گردید، با توجه به ویژگی‌هایی که داشت، موجب بروز شکاف‌هایی در جامعه از لحاظ سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شد. در این زمان هنگام آغاز برنامه اول توسعه اقتصادی، سخنان برخی مسئولان نشان‌دهنده نوع نگاه خاصی بود که برای پیشرفت ایران برگزیده بودند. به همین دلیل در پی آن ارزش‌هایی در جامعه شکل گرفت که ارزش‌های پیشین را به چالش کشید. بدین ترتیب به اقتضای ضرورت‌های سیاست و به‌دنبال ظهور گروه‌های جدید که خواهان نوسازی سیاسی بودند، به تدریج ارزش‌هایی که دارای رنگ و بوی ملی و اساطیری‌اند، احیا شد و بر هویت ملی ایرانی در کنار هویت اسلامی تأکید گردید.

با آشکارتر شدن خطوط گسست میان ارزش‌های سنتی و ارزش‌های جدید، مشکلاتی در عرصه فرهنگ نمایان شد. بحث‌های تهاجم فرهنگی که بعدها شدت یافت و رهبر انقلاب نیز آن را «شبیخون فرهنگی» نامید، در راستای واکنش به این چالش‌ها مطرح گردید. این وضعیت با ظهور نسل جدید وابسته به طبقات مدرن که در گذشته دچار انفعال شده بود، پس از دوم خرداد ۷۶ عرصه‌های تازه‌ای را برای گسترش گفتمان‌های مربوط به رابطه سنت و مدرنیسم فراهم ساخت.

<sup>۱</sup> (۲). سریع‌القلم، توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل، ص ۵۰ و ۵۱.

<sup>۱</sup> (۱). برای مطالعه بیشتر درباره تأثیر برنامه‌های اول و دوم توسعه بر نابرابری اجتماعی و تغییرات ارزشی و فرهنگی بنگرید به: رفیع‌پور، توسعه و تضاد.

## دو. گفتمان اصلاحات و توسعه سیاسی

گفتمان سازندگی به شیوه توسعه‌گرایی و با استفاده از الگوهای بیرونی، بر تحولات دوره بعد و تصمیم‌گیری‌های پس از آن نیز تأثیر نهاد؛ آن‌گونه که دولت‌های بعدی با توجه به گرایش توسعه‌گرایی، موضوع توسعه سیاسی را به‌عنوان مهم‌ترین مسئله در این دوران مطرح نمودند.

شاید بتوان گفت گفتمان سازندگی و توسعه اقتصادی زمینه شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی را فراهم نمود. توضیح اینکه، گرایش برنامه‌های دولت سازندگی به الگوهای بیرونی، بستری را آماده نمود تا گرایش به استفاده از الگوهای بیرونی در موضوعات مختلف از جمله موضوعات سیاسی - که چندان با فرهنگ جامعه ایران و مبانی انقلاب اسلامی سازگاری نداشت - فراهم گردد.

در ابتدا تصور می‌شد که گفتمان اصلاحات در واکنشی نقادانه به سیاست‌های دولت سازندگی مطرح گردیده، اما با توجه به فضای ایجادشده در این دوران و شعار آزادی که مبنای اساسی گفتمان اصلاحات قرار گرفت، بعدها مشخص گردید که گفتمان اصلاحات با تأکید بیشتر بر استفاده از الگوهای بیرونی، گام برداشته است.

ازسویی در گفتمان اصلاحات، توسعه سیاسی نیز مطرح گردید که براساس دیدگاه برخی از افراطیون آن، تغییر در ساختار سیاسی و عدول از برخی آرمان‌های انقلابی - برای رسیدن به پیشرفت - ضرورت دارد و برای رسیدن به ترقی نیز می‌باید نگاه خود را به تجربه غرب معطوف نمود. این دیدگاه، دولت‌های غربی را برای تضعیف ساختار قدرت سیاسی امیدوار کرد و چالش جدیدی برای نظام به وجود آورد.

یکی از اساسی‌ترین موضوعاتی که در گفتمان اصلاحات مطرح گردید، موضوع تقدم توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی بود. براساس این نگاه، برای رسیدن به پیشرفت‌های اقتصادی می‌باید به تحول در ساختارهای سیاسی دست یازید.

در بحث اقتصادی نیز در دولت اصلاحات، نگرش قالب همان برنامه تعدیل اقتصادی بود. به بیانی دیگر، برنامه‌های توسعه در این دولت نیز تحت تأثیر برنامه‌های تعدیل اقتصادی قرار گرفت، اما نقطه مرکزی گفتمان اصلاحات، بحث از توسعه سیاسی بود. تأکید دوران

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۰

اصلاحات بر توسعه سیاسی، برآمده از دیدگاه‌های بیرونی بود. برپایه این نگره، رسیدن به توسعه اقتصادی مستلزم توسعه سیاسی و تغییر در ساختار سیاسی جامعه است.

درحقیقت نظریه پردازان توسعه اولیه که پس از جنگ جهانی دوم درباره توسعه نظریه پردازی نمودند و آن را به‌عنوان الگویی برای کشورهای توسعه‌نیافته مطرح کردند، پس از مدتی دریافتند که این کشورها به توسعه نرسیدند. آنها سبب این امر را در ساختار سیاسی کشورها تشخیص دادند و بر این باور شدند که توسعه در ساختارهای سیاسی غرب روی می‌دهد. به همین‌رو، این کشورها نیز برای رسیدن به توسعه می‌باید ساختار سیاسی خود را متناسب با ساختارهای کشورهای توسعه‌یافته تغییر دهند.

بهره‌گیری گفتمان اصلاحات از این نگاه سبب شد بحث‌های عمده‌ای درباره توسعه سیاسی در این دوران صورت گیرد. چنان‌که یاد شد، اصلاح‌طلبان توسعه سیاسی را بر توسعه اقتصادی مقدم می‌دانستند و بر این باور بودند که گفتمان سازندگی و توسعه اقتصادی گام‌های کمتری در این زمینه برداشته است. به همین دلیل بود که برخی اصلاح‌طلبان افراطی زمینه بسیاری از تنش‌های اجتماعی را در این دوران فراهم آوردند.

بر اثر این نوع نگاه، جدای از مشکلاتی که درخصوص مسائل فرهنگی و اجتماعی برای جامعه ایران پدید آمد، در عرصه اقتصاد نیز موفقیتی حاصل نشد. درحقیقت مقایسه برنامه سوم با کارکرد برنامه‌های اول و دوم می‌تواند آزمون دیگری از موفقیت و یا ناکامی برنامه سوم باشد؛ زیرا زمینه‌های تحقق اهداف آن دو برنامه بسیار مناسب‌تر از شرایط برنامه سوم بود. درآمد دولت، آمادگی نیروهای آزادشده از جنگ، وضعیت قیمت نفت، شاخص‌های کلان اقتصادی، بدهی‌های خارجی، پایین بودن نرخ ارز، ظرفیت‌های بالقوه تولیدی، جمعیت مناسب‌تر، وجود روحیه ساده‌زیستی و عدم مصرف‌گرایی، از جمله ویژگی‌هایی بود که در آستانه برنامه اول و دوم با آن روبه‌رو بودیم، اما پس از آن، ارزش‌ها و فرهنگ بعد از اجرای برنامه‌های اول و دوم، یکسره دستخوش تغییرات گردید. بنابراین بدیهی بود که برنامه سوم نیز با موفقیت کمتری روبه‌رو گردد.<sup>۱۶۲</sup>

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۱

نتیجه آنکه، برنامه سوم توسعه اقتصادی از یک‌سو به تقدم توسعه سیاسی نظر داشت و از سوی دیگر تحت‌الشعاع برنامه تعدیل اقتصادی قرار گرفت و با وجود تلاش تدوین‌کنندگان و مجریان آن، موفقیت



کمتری در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی به دست آورد. از سویی با توجه به ماهیت بیرونی برنامه‌ها، زمینه‌ای برای شکل‌گیری چالش‌های فرهنگی و هویتی در جامعه ایران نیز فراهم گردید. این موضوع را می‌توان از تحولات روی داده در عرصه مدیریت کشور در انتخابات سال ۸۴ درک کرد. در این زمینه برخی تحلیل‌گران، نتیجه انتخابات سال ۸۴ را واکنشی به فرایند توسعه‌گرایی و نوع نگرش به توسعه می‌دانند. بدین ترتیب، گفتمان عدالت‌محوری و پیشرفت در نقد دو گفتمان قبلی موفق شد آرای بیشتری را از آن خود کند.

### سه. گفتمان عدالت

انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۴ در حالی برگزار می‌شد که گرایش‌های مختلفی در این انتخابات شرکت نموده بودند. یکی از این جریان‌های فکری شرکت‌کننده در انتخابات بر این باور بود که سیاست‌های دو گفتمان سازندگی و اصلاحات موجب فاصله گرفتن از آرمان‌های انقلاب شده و از سویی نوع نگرش حاکم بر سیاست‌های این دو گفتمان نیز - که هر دو بر مبنای الگوهای نظام سرمایه‌داری است - سبب گردیده تا از عدالت به‌عنوان مهم‌ترین آرمان انقلاب اسلامی، دور افتیم.

این جریان فکری با استفاده از شعار عدالت توانست در انتخابات ریاست‌جمهوری این سال بر رقیب خود که مجری برنامه‌های تعدیل در کشور بود - پیروز شود. باید دانست عدالت‌خواهی و پیشرفت از جمله مطالبات تاریخی ملت ایران بوده و از سویی پیوستگی این دو مفهوم و نیاز فطری انسان‌ها به عدالت نیز دستیابی به آن را در رأس امور و اهداف متعالی دولت‌ها قرار داده است. انقلاب اسلامی نیز با تلاش در جهت رسیدن به الگوی تعالی و التزام به آن در دهه چهارم انقلاب، ضروری دانست که با تبیین الگوی عدالت و پیشرفت و با رویکردی اسلامی - ایرانی، این هدف را تحقق بخشد؛ چنان‌که رهبر انقلاب اسلامی با توجه

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۲

به پیام عدالت‌خواهی انقلاب اسلامی و ضرورت پیشرفت نظام جمهوری اسلامی، «عدالت و پیشرفت توأمان» را راهبرد دهه آینده کشور اعلام نمود. ۱۶۳

باید دانست موضوع محوری گفتمان عدالت، توجه به یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی، یعنی عدالت اجتماعی است که در تحولات بنیادین اجتماعی نقشی اساسی دارد. گفتمان عدالت‌محوری رسیدن به پیشرفت را براساس الگوی تعالی در نظر گرفته است. معتقدان به این گفتمان، برآن‌اند که توسعه‌گرایی هرچند با هدف رسیدن به آرمان‌های انقلاب اسلامی صورت گرفته باشد، اگر

مقتضیات بومی و هویتی در آن کمتر مورد توجه قرار گیرد، نخواهد توانست ما را در دستیابی به آرمان‌های تعالی خواهانه انقلاب اسلامی موفق گرداند.

بر این بنیاد، گفتمان عدالت و پیشرفت در پی طراحی الگوی جدیدی برای رسیدن به پیشرفت برمبنای آرمان‌های انقلابی بود. اما اینکه تا چه اندازه این برنامه می‌تواند به اهداف خود دست یابد، موضوعی است که می‌باید از سوی دانشجویان، استادان و صاحب‌نظران مورد بحث و واکاوی قرار گیرد.

#### چهار. تحلیلی از جریان‌های فکری انحرافی در نظام

بی‌تردید انقلاب اسلامی با آرمان‌ها و اهداف اصیل خود در مسیر پیشرفت و تعالی اسلامی - ایرانی حرکت نمود، اما از همان آغاز برخی گروه‌ها و جریان‌های فکری بر پایه تفسیرهای خاصی از مبانی انقلاب اسلامی و بعضاً با قرائت‌های اسلامی و نامأنوس، زمینه‌های انحراف را در خط اصیل انقلاب ایجاد نمودند. البته در اغلب این موارد با درایت و هوشمندی رهبر جامعه اسلامی، این جریان‌های انحرافی - که هر یک شیوه و پیچیدگی خاصی داشتند - شناسایی و سپس طرد گردیدند.

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که این جریان‌های منحرف به دلیل کم‌توجهی برخی مسئولان نظام و یا به دلایل دیگری توانسته‌اند در بدنه اجرایی کشور نفوذ کنند و ضمن

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۳

ایجاد انحراف در آرمان‌های اصیل انقلاب، مشکلاتی را به وجود آوردند. تلاش این جریان‌ها در ابتدای انقلاب و گسترش آن در این دوران و ازسویی کم‌رنگ‌تر شدن آن در آغاز تهاجم نظامی عراق، نکته‌ای درخور ذکر است، اما در همین دوران نیز با حضور برخی از این جریان‌ها در رده مشاوران و یا در برخی مناصب روبه‌رویییم؛ تا جایی که حتی پاره‌ای مسئولان به حمایت از چنین جریان‌ها پرداختند و موجب امیدواری دشمنان نظام شدند.

در دوران سازندگی، حضور جریان‌های فکری که بر اقتصاد لیبرال تأکید داشتند و راه رسیدن به پیشرفت را همگون شدن با غرب می‌دانستند، تأثیرات فراوانی بر مسائل اجتماعی گذارد و اقتصاد کشور را از خط اصیل خود جدا کرد. بعدها نیز همین جریان فکری، بستر لازم را برای فعال شدن نگرش لیبرالیسم اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه و شکل‌گیری جریان انحرافی و افراطی پنهان در دولت اصلاحات فراهم آورد.

درحقیقت شعار آزادی که یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی بود، مهم‌ترین زمینه روی کار آمدن دولت اصلاحات را فراهم نمود، اما شکل‌گیری یک جریان انحرافی در این گفتمان، زمینه‌ساز

بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی در کشور شد. البته با مشخص شدن خطوط گسست میان جریان انحرافی (در درون گفتمان اصلاحات) و خط اصیل انقلاب، این جریان نیز به نوعی طرد گردید، هرچند که بستر ساز برخی تنش‌های اجتماعی نظیر حادثه کوی دانشگاه در تیرماه ۱۳۷۸ شد و در سال ۱۳۸۲، مجلس ششم را نیز به تحصن و اختلال کشانید.

بنابراین تجربه سی ساله نظام جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که هرگاه جریان‌های منحرفی در درون نظام شکل گرفته‌اند، با وجود ایجاد کردن برخی مشکلات، پس از مدتی با هوشیاری مردم از صحنه حذف شده‌اند.

## چکیده

۱. دوره اول پس از انقلاب اسلامی (دوره تثبیت نظام) در قالب دو چالش درخور بررسی است: یکی حفظ و بقای انقلاب و نظام تازه تأسیس در برابر موانع داخلی (۱۳۵۹-۱۳۵۷)

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۴

و دیگری حفظ و بقای آن در برابر مواضع خارجی و داخلی (۱۳۶۷-۱۳۵۹).

۲. از چالش‌های داخلی در دوران تثبیت نظام، فعالیت گروه‌های ضدانقلاب و گریز از مرکز بود که ناامنی و بی‌ثباتی را در جامعه پدید آورد.

۳. سیاست‌های دولت موقت به گونه‌ای بود که بر چالش‌های داخلی نظام افزود.

۴. جنگ تحمیلی یکی از چالش‌های بیرونی انقلاب اسلامی بود که با ایستادگی و از خودگذشتگی مردم، موجب تثبیت انقلاب اسلامی شد.

۵. دوره تداوم انقلاب اسلامی پس از تثبیت نظام را می‌توان به سه گفتمان مختلف تقسیم نمود: توسعه اقتصادی و سازندگی، اصلاح‌طلبی و توسعه سیاسی و نیز عدالت‌محوری.

۶. گفتمان سازندگی پس از سال ۶۸ در راستای بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ، با استفاده از الگوهای توسعه اقتصادی تا سال ۷۶ ادامه یافت. اولویت این گفتمان توسعه اقتصادمحور بود.

۷. از سال ۷۶ با روی کار آمدن رئیس‌جمهوری جدید، گفتمان دیگری با نام اصلاح‌طلبی و توسعه سیاسی در ایران ظهور یافت که تمرکز آن بر توسعه سیاسی در کشور بود.

۸. با روی کار آمدن رئیس‌جمهور بعدی در سال ۸۴، گفتمان دیگری با نام عدالت و پیشرفت ظهور یافت که بر عدالت‌محوری - به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین آرمان‌های انقلاب اسلامی - تأکید می‌ورزید.

### پرسش

۱. چالش‌های داخلی را در فرایند تثبیت نظام جمهوری اسلامی توضیح دهید.

۲. نظام اسلامی چگونه با چالش‌های داخلی و خارجی روبه‌رو شد؟

۳. ویژگی هریک از گفتمان‌های دوره تداوم انقلاب اسلامی را تبیین نمایید.

### برای پژوهش

۱. شخصیت امام خمینی (قدس سره) در رفع چالش‌های داخلی انقلاب اسلامی چه نقشی داشت؟

۲. رابطه گفتمان‌های شکل‌گرفته در ایران را پس از سال ۶۸ تحلیل نمایید.

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۵

### برای مطالعه بیشتر

۱. غلام‌عباس مصلی‌نژاد، آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران، قومس، ۱۳۸۴.

۲. محمدرحیم عیوضی، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.

۳. -، ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.

۴. فرامرز رفیع‌پور، توسعه و تضاد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵. ۱۶۴

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۷

## فصل هشتم: دستاوردهای انقلاب اسلامی

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. دستاوردهای سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی را در سطح داخلی تشریح کنند.
۲. تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل را تبیین نمایند.
۳. دستاوردهای انقلاب اسلامی را در عرصه نظام بین‌الملل شرح دهند.

### مقدمه

انقلاب یکی از پدیده‌های عظیم و نادر در حیات اجتماعی به‌شمار می‌رود؛ آن‌گونه که نادر بودنش سبب ضعف در شناسایی و عظیم بودنش موجب موضع‌گیری‌های متناقض در برابر آن گردیده است. نکته مهم در تحلیل این پدیده، اصل تنوع و کثرت در حدوث و ماهیت انقلاب‌هاست. به‌بیانی دیگر، هر انقلابی را ماهیتی است که نشانه هویت و مقاصد مطلوب آن محسوب می‌گردد. بنابراین در تحلیل، تبلیغ و معرفی هر انقلابی باید به همه جهات توجه کرد و در مورد وضعیت کنونی و آتیه‌اش نیز با احتیاط اظهار نظر نمود.

اگر بخواهیم دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را بررسی کنیم، بی‌شک در کنار برخی کاستی‌ها، دستاوردهای عظیمی جلوه می‌کند که هر یک به‌تنهایی برای موفق دانستن انقلاب قابل‌استناد است؛ به‌ویژه دستاوردهای فرهنگی انقلاب که دین و سیاست را بار دیگر در صحنه تاریخ تمدن بشری به‌هم پیوند داد. به‌طور کلی دستاوردهای انقلاب اسلامی را می‌توان در دو سطح داخلی و بین‌المللی ارزیابی کرد که به بررسی هر یک می‌پردازیم.

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۸

### الف) دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح داخلی

دستاوردهای داخلی را بر مبنای هویت‌خواهی می‌توان در دو محور سیاسی و فرهنگی بررسی نمود.

#### یک. دستاوردهای سیاسی

## ۱. سرنگونی نظام شاهنشاهی و استقرار حاکمیت الهی

حاکمیت طولانی مدت نظام شاهنشاهی بر ایران، معیارهایی را بر این کشور حاکم ساخته بود که سعادت، عزت و سربلندی ملت در آن جایی نداشت. در فرهنگ مردم، نظام شاهنشاهی با زر و زور و تزویر، فساد، حق‌کشی و بی‌عدالتی و در یک کلام، ضدارزش‌ها مترادف بود. از یک‌سو، رژیم پهلوی به پندار حاکمیت ۲۵۰۰ ساله نظام شاهنشاهی بر ایران، حیات و دوام خود را سنت محتوم تاریخی می‌دانست و از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری‌های آمریکا و غرب در ایران، رژیم شاه را چنان مقتدر و مسلح ساخته بود که هرگونه تصور تزلزل یا سقوط آن را ناممکن می‌ساخت. با این حال، انقلاب اسلامی در عینی‌ترین دستاورد خود، این نظام را درهم کوبید و نهال طیبه «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» را در این کشور نشانید.<sup>۱۶۵</sup>

نظام‌های رایج سیاسی در نظریه‌های اندیشمندان جهان ریشه دارد که در طول تاریخ براساس نیازهای مقطعی بدان دست یافته‌اند. برای نمونه، پس از تجربه قرون وسطا در اروپا و حاکمیت زورمدارانه کلیسا به نام دین، «لیبرال دموکراسی» غرب، راهکار کنار نهادن دین و ناکارآمد جلوه دادن آن را برگزید. در این رهگذر، با اثرپذیری اندیشمندان مسلمان از این نظریه، رفته‌رفته اسلام به مجموعه‌ای از احکام فردی بی‌تأثیر و کم‌محتوا بدل شد که در سرنوشت اجتماعی بشر هیچ نقشی نداشت. با انقلاب اسلامی ایران موضوع تقید به دین دیگر بار تأیید گردید و در بسیاری از اصول و فصول قانون اساسی مورد توجه قرار گرفت. وضعیت تقید و تبعیت از قوانین الهی، نظام جمهوری اسلامی را درست در برابر نظام‌های فاشیستی می‌نشانند که در آنها، حکومت بر اخلاق و مذهب حاکم است.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۴۹

افزون بر این، تأکید بر قانون به معنای تبعیت از قوانین اسلام و پذیرش جایگاه قانونی مردم و زمینه‌سازی برای حضور مؤثر آنها در سیاست، نشان‌دهنده تقابل نظام تازه تأسیس با هرگونه نظام استبدادی است؛ چه آنکه نظام استبدادی از هرگونه مشارکت مردمی بیزار و هراسان است و هرچند ممکن است در مواردی بدان تمسک جوید، هیچ‌گاه این عمل نمی‌تواند به صورت رفتار حکومتی درآید. بی‌تردید سبب این امر نپذیرفتن جایگاه قانونی مردم از سوی نظام‌های استبدادی است. همچنین آنچه در عمل طی سه دهه انقلاب اسلامی شاهد آن بوده‌ایم، افزون بر رشد کمی، بیانگر تعمیق آگاهی‌های مردم در زمینه‌های مختلف است که بررسی تحلیلی مشارکت انتخاباتی آنها در این مدت به خوبی این موضوع را می‌نمایاند. امام خمینی (قدس سره) در این باره می‌گوید:

<sup>۱</sup> (۱). «امین» انقلاب اسلامی، پیامدها و ره‌آوردها»، فصلنامه صباح، ش ۲ و ۳.

در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون [نیز] فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا، بر همه افراد و بر دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد- از رسول اکرم (ص) گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد- تاابد تابع قانون هستند؛ همان قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم (ص) بیان شده است.<sup>۱۶۶</sup>

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکمان و سیاستمداران- همگام با نظام‌های غربی- نظریه جدایی دین از سیاست را تبلیغ می‌کردند تا مردم را از دخالت در سرنوشت خود بازدارند. این‌گونه بود که حکام مستبد و حامیان خارجی آنها با آسودگی خاطر به چپاول منابع و ثروت‌های مردم این مرز و بوم پرداختند. انقلاب اسلامی ایران با کشیدن خط بطلان بر این نگره، براساس تعالیم اسلامی دخالت مردم در سرنوشت خود و امور سیاسی را ضروری شمرد و دیانت و سیاست را برپایه این جمله معروف شهید مدرس، لازم و ملزوم یکدیگر دانست: «سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ما.»<sup>۱۶۷</sup>

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۰

### ۲. افزایش بینش و مشارکت سیاسی مردم

دور نگاه داشتن مردم از مسائل و واقعیت‌های جامعه، از سیاست‌های رژیم‌های نامشروع است تا حیات خود را تداوم بخشند. رژیم پهلوی نیز با پیگیری این هدف می‌کوشید تا بینش اجتماعی و سیاسی مردم تعمیق نیابد و جامعه همچنان در بی‌خبری به سر برد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، افزایش آگاهی‌ها و تقویت بینش سیاسی مردم به‌عنوان اصلی مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی، سرلوحه برنامه‌ریزی‌های کشور قرار گرفت. بدین ترتیب، مردم به‌عنوان صاحبان اصلی انقلاب و ولی نعمت نظام، با دیدگاه‌ها و آرمان‌های خویش به یاری حکومت اسلامی شتافتند.

در بحث از مشارکت سیاسی در رژیم پهلوی، باید دانست که مردم جایگاهی نداشتند و نمی‌توانستند در سرنوشت خود دخالت کنند. رژیم سلطنتی با کودتا روی کار آمده بود و قوه مقننه شکلی فرمایشی داشت و اثری از مشارکت سیاسی مردم به‌چشم نمی‌خورد. انقلاب اسلامی ایران با تغییر این وضعیت، مردم را نسبت به سرنوشتشان حساس کرد و آنها را به مشارکت سیاسی فراخواند. کمتر از دو ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اصل نظام به همه‌پرسی گذارده شد و به فاصله کمی از آن، انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی برگزار گردید؛ همه‌پرسی‌هایی که جلگه‌ی نشان‌دهنده مشارکت سیاسی گسترده مردم بود. در طول سه دهه گذشته پس از پیروزی

<sup>۱</sup> (۱). موسوی خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، ص ۳۴.

<sup>۲</sup> (۲). مدرس، مدرس، ج ۲، ص ۱۰.

انقلاب به طور متوسط هر سال یک انتخابات در عرصه تصمیم‌گیری کشور برگزار شده که این بی‌شک دستاوردی مهم برای نظام جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آید.

### ۳. استقلال و دگرگونی اصول سیاست خارجی

یکی دیگر از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقلال سیاسی در کشوری است که به گواهی تاریخ، دست کم در دوران معاصر همواره زیر نفوذ قدرت‌های استعماری و بیگانه بوده است. پس از جنگ جهانی دوم و صف‌بندی بلوک غرب و شرق، آمریکا به صورت قدرت خارجی بی‌رقیب در عرصه سیاست و اقتصاد ایران درآمد؛ به‌گونه‌ای که سفیر آمریکا در ایران به نزدیک‌ترین مشاور شاه و دربار بدل گردید. امام خمینی (قدس سره) در وصف دولت شاهنشاهی

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۱

ایران می‌فرمود:

یک مملکتی که استقلال ندارد و وابسته به غیر است و همه‌اش به عمل‌ایشان [= شاه] وابسته به غیر شده، به این نمی‌شود گفت یک مملکت متمدن.<sup>۱۶۸</sup>

آرمان استقلال‌طلبی مردم پیش از انقلاب در شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تبلور یافت و پس از پیروزی انقلاب نیز در کلام امام خمینی (قدس سره) و متن قانون اساسی نمودار شد:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز با دُول غیرمحراب استوار است.<sup>۱۶۹</sup>

### دو. دستاوردهای فرهنگی

#### ۱. نفی مظاهر فرهنگی غرب و مقابله با تهاجم فرهنگی

رژیم پهلوی برنامه‌های آینده خود را بر پایه نگره غربی بنا نهاده بود. در پرتو این سیاست، معیارها و ارزش‌های غربی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران حکمفرما شد و کشور به سوی فراموشی تاریخ گذشته و نفی ارزش‌های اسلامی پیش رفت. الگوی استعمار و استبداد بر «استحاله فرهنگی» ایران پایه‌ریزی شده بود و برای تحقق این هدف شوم، عرصه‌های گوناگون اجتماع مانند هنر و ادبیات، سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون، مطبوعات، کتاب، سیستم آموزش کشور، مدارس،

<sup>۱</sup> (۱). موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۲، ص ۴۰۷.

<sup>۱</sup> (۲). قانون اساسی، اصل ۱۵۲.



دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، تحت سیطره ارزش‌های غربی درآمد. بدین‌سان، افکار عمومی به‌ویژه نوجوانان و جوانان در معرض تفرقه و ترویج ابتدال و اباحی‌گری قرار گرفت تا از این طریق هویت اسلامی - ملی به فراموشی

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۲

سپرده شود و فرهنگ غرب نیز به‌تمامی پذیرفته گردد.<sup>۱۷۰</sup>

انقلاب اسلامی که نخست یک انقلاب فرهنگی بود، با تعمیم خودباوری فرهنگی و گسترش شعائر دینی، زمینه را برای تقویت پایه‌های ایمانی مردم و پرورش نسل‌های خودباور فراهم نمود و ازسویی با عمومی کردن آموزش در سطح جامعه و افزایش سطح علمی دانش‌آموختگان، به رشد استعدادها و شکوفایی قدرت ابتکار مردم - به‌ویژه جوانان - کمک کرد. افزون بر این، انقلاب اسلامی با دگرگون ساختن نگرش زن مسلمان نسبت به خود و محیط پیرامون خویش، او را به بازیابی جایگاه و نقش واقعی زنان ایرانی در خانواده و جامعه‌فراخواند.

## ۲. عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آنکه در تبلیغ رشد فرهنگی کشور و مبارزه با بی‌سوادی هیاهوی زیادی می‌شد، بسیاری از مردم ایران - حتی در شهرها - بی‌سواد بودند. در نظام جمهوری اسلامی نهضت مدرسه‌سازی رشد شتابنده‌ای یافت؛ آن‌گونه که هر ساله بیش از صد هزار متر مربع به فضای آموزشی کشور افزوده می‌شد. نهضت سوادآموزی در باسواد کردن میلیون‌ها نفر که از نعمت خواندن و نوشتن محروم بودند، موفقیت چشمگیری داشته است. در راستای همین رشد فرهنگی، قدرت ابتکار و خلاقیت مردم به ثمر نشست؛ به‌گونه‌ای که جهان هر ساله شاهد پیروزی‌های نخبگان ایرانی در رشته‌های مختلف در سطوح جهانی است.

## ۳. ارتقای جایگاه زن در اجتماع

یکی دیگر از دستاوردهای فرهنگی انقلاب، مشخص شدن جایگاه واقعی زن مسلمان در اجتماع و منزل بود. براساس خودباختگی فرهنگی و رواج ارزش‌های غربی در عصر پهلوی، هویت اسلامی زن مسلمان ایرانی مورد تهدید قرار گرفت. ازسویی در جامعه به تدریج فرهنگ برهنگی و بی‌عفتی رواج می‌یافت و از فعالیت‌های اجتماعی و سودمند زنان نیز کاسته می‌شد.

<sup>۱</sup> (۱). آل‌احمد، غرب‌زدگی، ص ۲۱۷.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۳

بعد از انقلاب جایگاه زن در جامعه اسلامی تعیین شد و همان گونه که زنان در جریان انقلاب فعالیت داشتند، پس از انقلاب نیز به جایگاه واقعی خود دست یافتند و توانستند در صحنه‌های مختلف جامعه حضور یابند.

### ۴. ایجاد روحیه خودباوری

پس از انقلاب، خودباوری و خوداتکایی به گونه‌ای آشکار در بین آحاد جامعه ایجاد شد؛ مقوله‌ای که بی‌شک مهم‌ترین دستاورد اجتماعی انقلاب اسلامی ایران در سطح داخلی به‌شمار می‌رود. اوج این خودباوری و شکوفایی شخصیتی در سال‌های جنگ تحمیلی دیده می‌شود. بی‌تردید ایثار، فداکاری، صداقت و اخلاص مردم و نهادهای مردمی در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره زبازد جهانیان بوده و هست.

تشکل‌های مردمی و نهادهای غیردولتی روزبه‌روز جان تازه‌ای گرفتند و برای جریان‌های حاکمیتی در نقش تصمیم‌ساز ظاهر شدند. این نوع پویایی که در جوهره اجتماعی پدید آمد، صرفاً آرمان‌هایی است که در اذهان جامعه پیش از انقلاب وجود داشت.

تأمین حقوق افراد، ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای عموم، تساوی همگان در برابر قانون، توسعه و تحکیم برادری اسلامی، تعاون عمومی بین مردم و نیز تدوین قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی براساس موازین اسلامی، از دیگر دستاوردهای انقلاب اسلامی در این زمینه است.

### ب) دستاوردهای انقلاب اسلامی در سطح نظام بین‌الملل

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان انقلابی اجتماعی، افزون بر تحولات داخلی، پیامدهای بسیاری در نظام بین‌الملل داشت که از جنبه‌های مختلف درخور بررسی است. به‌طور کلی این آثار در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و تحقیقات علوم اجتماعی قابل ارزیابی است که البته در این میان مهم‌ترین پیامد انقلاب، تأثیر بر فرهنگ روابط بین‌الملل است.

اثر بخشی انقلاب اسلامی بر فرهنگ نظام بین‌الملل را می‌توان در این زمینه‌ها بررسی نمود: ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی، ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی و استکبارستیزی،

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۴

بازخیزی اسلام در عرصه‌های حیات اجتماعی، فرهنگ‌سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام و نیز احیای نقش جنبش‌های آزادی‌بخش.

## یک. دستاوردهای فرهنگی

### ۱. ترویج فرهنگ مردم‌سالاری دینی

انقلاب اسلامی توانست ضمن تبیین سازگاری اسلام و دموکراسی، کنش متقابل میان دو حوزه دین و سیاست را آشکار سازد و نوعی نظام سیاسی را رقم زند. این نظام، هم بر ویژگی‌های معنوی و سیاسی حاکم استوار بود و هم بر پیوند میان ارزش‌های اسلامی با ساختار یا روش مردم‌سالار تکیه داشت. چنین شیوه حکومتی که بر تطابق اسلام با مقتضیات زمان و احیای نظرات دینی درباره حکومت و دولت‌مداری متکی بود، هم بر شیوه جمهوری بودن حکومت و نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های حکومتی تأکید می‌کرد و هم الگوی اسلام‌گرایی و ارزش‌های پایدار اسلامی (عدالت‌گرایی، خدامحوری و معنویت‌گرایی) را اساس نظام سیاسی می‌دانست.<sup>۱۷۱</sup>

چنین نظام سیاسی، هم‌زمان به نفی اسلام متحجر و قشری‌گرا و ازسویی به نفی سکولاریسم و لائیسیت‌پرداخت و توانست نظامی را به ارمغان آورد که مشروعیت آن بر پایه حاکمیت خدا و حقانیت ارزش‌های دینی است و مقبولیت آن نیز بر اساس اراده مردمی. به‌دست دادن نظریه مردم‌سالاری دینی ازسوی انقلاب اسلامی، گرایش به اسلام را در میان ملت‌ها تقویت نمود و بنیان‌گذاران حکومتی را تشویق کرد که بر اجرای اصول شریعت و تحقق عدالت اجتماعی تأکید می‌ورزد.

### ۲. ترویج فرهنگ استقلال‌خواهی و استکبارستیزی

یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی، حفظ استقلال و نفی کامل سلطه بیگانگان بر سرنوشت ملت ایران است. انقلاب اسلامی با ماهیتی مستقل و ضداستبدادی، فارغ از سلطه قدرت‌های استکباری موجب برهم زدن تعادل بلوک‌های قدرت جهانی و به چالش کشیدن

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۵

نظم بین‌المللی گردید. این انقلاب با شعار نفی سلطه شرق و غرب خواستار آزادی ملت ایران از نفوذ و دخالت قدرت‌های خارجی شد. بی‌تردید در انقلاب اسلامی توکل به خداوند، منشأ استقلال به‌شمار می‌رود.

<sup>۱</sup> (۱). دهشیری، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۷ و ۸.

از دیدگاه امام خمینی (قدس سره) مهم‌ترین بُعد استقلال، نفی هرگونه وابستگی به نیروهای خارجی است. به بیانی دیگر، هدف از استقلال، تصمیم‌گیری‌های کشور مبتنی بر منافع و مصالح کشور است. استقلال‌طلبی در انقلاب اسلامی موجب تقویت برابری دولت‌ها و حاکمیت‌ها، تحقق حقوق الهی و انسانی ملت‌ها در نظام بین‌الملل و ازسویی سبب تضعیف سلطه قدرت‌های بزرگ بر منطقه خاورمیانه گردید. در واقع انقلاب اسلامی با افشای ماهیت سلطه‌گرانه و سیاست‌های یک جانبه‌گرایانه قدرت‌های بزرگ توانست بر اسطوره شکست‌ناپذیری آنان خط بطلانی بکشد و بستری مناسب را برای حرکت‌های مستقل و آزادی‌بخش (براساس خودآگاهی محرومان و مستضعفان) فراهم سازد.

انقلاب اسلامی هم‌زمان به مبارزه در دو جبهه استبدادستیزی و استعمارستیزی و نفی وابستگی پرداخت و همین امر موجب شد که فرهنگ استقلال‌خواهی و آزادی‌خواهی در سطوح مختلف مردم، دولت‌ها و جنبش‌های آزادی‌بخش راه یابد؛ چراکه اساساً الگوی نظام سیاسی جمهوری اسلامی با دو الگوی رایج لیبرالیستی و سوسیالیستی مقابله می‌کرد و مبانی سکولاریستی، اومانیستی و ماتریالیستی را به چالش می‌کشید. بدین‌سان، از جذابیت ایدئولوژی‌های مارکسیستی و ناسیونالیستی به‌عنوان ایدئولوژی مبارزاتی ملت‌های آزادی‌خواه کاسته شد. بنابراین انقلاب اسلامی با گشودن جبهه سومی در نظام بین‌الملل توانست با نظم بین‌الملل مادی‌گرایانه به مقابله برخیزد و در میان ملت‌های جهان سوم نیز به فرهنگ‌سازی در زمینه‌های استقلال‌طلبی و استعمارستیزی مبادرت نماید.

### ۳. فرهنگ‌سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام

انقلاب اسلامی با تأکید بر وحدت شیعه و سنی، تقریب مذاهب اسلامی و نفی فرقه‌گرایی مذهبی، درصدد برآمد تا میان ملت‌های مسلمان وحدت ایجاد کند و ازسویی پروژه امت‌سازی را عملی نماید. بی‌گمان این مهم بر باورهای اصیل اسلامی و نیز آیین‌ها و مراسم سنتی

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۶

دینی - از جمله حج ابراهیمی - استوار بود. ازسویی دیگر این نگره، بر مبارزه‌ای منفی علیه دشمن مشترک و مبارزه با استکبار نیز تکیه داشت که خود نشان‌دهنده حساسیت مسلمانان نسبت به تحولات جهان اسلام و ضرورت ارتقای روح جمعی آنان بود؛ آن‌هم براساس مخالفت با سلطه قدرت‌های بیگانه، مبارزه با صهیونیسم و فسادستیزی.

در این راستا، احیای امت اسلامی برپایه قرآن و حدیث یا براساس تشکیل جامعه متحد اسلامی و پیوند دولت‌ها و ملت‌ها در مقابل اردوگاه شرق و غرب، آن‌هم با تقویت اندیشه مبارزه با صهیونیسم و بازسازی آرمان فلسطین، موجب توجه به همگرایی جهان اسلام شد (برای تأثیر بر نظام تصمیم‌گیری بین‌المللی)

و ازسویی نیز سبب افزایش نقش دین گردید که بی شک اصلی اساسی در مدیریت تحولات جهانی به شمار می‌رود.<sup>۱۷۲</sup>

#### ۴. احیای نقش جنبش‌های آزادی بخش

انقلاب اسلامی ایران با افزایش خودآگاهی مستضعفان و محرومان و احیای خودباوری، اعتماد به نفس و بیداری اسلامی در میان ملت‌های مسلمان توانست بر اهمیت جنبش‌های آزادی بخش - اعم از اسلام‌گرا و استعمارستیز - تأکید ورزد. جان ال. اسپوزیتو و جیمز پ. پیسکاتوری معتقدند انقلاب اسلامی بیش از آنکه به تلاش‌های انقلابی بینجامد، گرایش‌های از پیش موجود در کشورهای مسلمان را تقویت نمود، یا بدانها شتاب بخشید.

جنبش‌های آزادی بخش، بر آرمان‌های آزادی، عدالت اجتماعی، نفی دخالت قدرت‌های خارجی و ضرورت مدیریت پویا و منعطف تحولات سیاسی - اجتماعی تأکید داشتند. این مهم به‌ویژه در جنبش‌های آزادی بخش اسلامی اهمیت بیشتری یافت؛ چراکه آنها با سامان دادن نهضت بیداری اسلامی از پایین و با تأکید بر نقش ملت‌ها و قبول مسئولیت‌پذیری براساس مردم‌محوری، مرزهای ظاهری را درهم شکستند.<sup>۱۷۳</sup>

به سخنی دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی ایران، نهضت بیداری اسلامی جان تازه‌ای

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۷

گرفت. به‌واقع در پی الگوبرداری مسلمانان از این انقلاب و با اعتماد به نفسی که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود، تجدید حیات اسلامی در جهان رخ داد؛<sup>۱۷۴</sup> تجدید حیاتی که پیامدهای گونه‌گونی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد. با مطرح شدن این نکته که اسلام بهترین راه مبارزه علیه ظلم و ستم است، مسلمانان اندیشه‌های غیرمذهبی به‌ویژه ناسیونالیسم، لیبرالیسم و کمونیسم را کنار نهادند؛ اندیشه‌هایی که جملگی در نجات ملل اسلامی از چنگال استبداد داخلی و خارجی ناتوان بودند. این در حالی است که برای چند دهه، مشی حرکت‌های انقلابی اغلب در اختیار گروه‌های مارکسیستی بود. به هر روی، انقلاب اسلامی تأکیدی بر بُعد سیاسی اسلام بود و به همین دلیل از آن پس در برخی کشورها، سازمان‌های مخفی شکل گرفت و مبارزه مسلحانه بر پایه اسلام سامان‌دهی شد.<sup>۱۷۵</sup>

<sup>۱</sup> (۱). همان.

<sup>۱</sup> (۲). اسپوزیتو، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ص ۵۰.

<sup>۱</sup> (۱). جعفریان، مقالات تاریخی، دفتر پنجم، ص ۲۳۶.

<sup>۱</sup> (۲). همان، ص ۲۳۷ و ۲۴۷.

علاقه جنبش‌گران مسلمان به ایجاد حکومت اسلامی بر مبنای الگوبرداری از انقلاب ایران، به شکل‌های مختلف بروز یافته است: برخی گروه‌های اسلامی در جهان تسنن و تشیع، از مخالفت با دولت‌های نامشروع هراسی ندارند و به روایات جعلی نیز که اطاعت از حاکم ناعادل اسلامی را در هر شرایط لازم دانسته، چندان وقعی نمی‌نهند، بلکه تنها خواهان استقرار حکومت اسلامی در کشورشان هستند. برخی از این گروه‌ها در اساس نامه (مانند مجلس اعلای انقلاب عراق) و یا در اعلامیه‌های خود (مانند حزب الدعوة) این موضوع را مطرح کرده‌اند.<sup>۱۷۶</sup>

پاره‌ای از گروه‌های اسلامی دیگر، با طرح لزوم اجرای شریعت اسلامی (همچون نهضت جمعیت ارشاد اسلامی مصر)، یا با ترجمه کتاب حکومت اسلامی امام خمینی (قدس سره) (مانند ایسار الاسلامی مصر) و یا با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران به عنوان تنها راه حل (مثل جبهه نجات اسلامی الجزایر) به دنبال ایجاد حکومت اسلامی بر مبنای الگوبرداری از انقلاب اسلامی ایران هستند. این گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی برای رسیدن به یک نظام مبتنی بر

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۸

اسلام روش‌های مختلفی را پیش گرفته‌اند: برخی از آنها تنها از طریق اقدام قهرآمیز و مسلحانه در صدد نابود کردن رژیم حاکم‌اند و از این سو نیز هستند گروه‌هایی که شرایط فعلی را برای اقدامات مسلحانه مساعد نمی‌دانند، بلکه با توسل به شیوه‌های مسالمت‌آمیز - از قبیل شرکت در انتخابات پارلمانی - در پی تغییر نظام موجودند. در این میان، پاره‌ای از گروه‌ها نیز به هر دو روش پایبندند.<sup>۱۷۷</sup> به‌طور کلی این گروه‌ها ضمن ابراز سازش‌ناپذیری ملت‌های خود با غرب، در صدد برآمدن تا اسلام را به صحنه مبارزاتی وارد کنند. آنها با استوار کردن حرکت‌های آزادی‌خواهانه بر پایه آرمان‌های دینی و نیز با تلفیق بین اخلاق، دیانت و سیاست، در فرهنگ سیاسی ملت‌های خود تحولی شگرف ایجاد کردند که مشخصه‌های آن را می‌توان استقلال‌خواهی، عدالت‌محوری، حق‌گرایی، معنویت‌طلبی، اخلاق‌گرایی و تعامل میان دین و دولت دانست. جنبش‌های اسلامی مزبور در دو عرصه تجلی بیشتری یافت: یکی در عرصه فکری که به جنبش‌های اسلامی میانه‌رو، مسالمت‌گرا و فرهنگ‌محور شهرت یافتند و دیگری نیز در عرصه عملیات شهادت‌طلبانه و حرکت‌های جهادی که نمونه آن را می‌توان انتفاضه مردم مسلمان فلسطین دانست که با الگوپذیری از انقلاب اسلامی، قیامی فراگیر را در سراسر فلسطین اشغالی رقم زد.<sup>۱۷۸</sup>

<sup>۱</sup> (۳). شیرودی، دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، ج ۲، ص ۴۸ - ۳۴.

<sup>۱</sup> (۱). همان.

<sup>۱</sup> (۲). دهشیری، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۷ و ۸.

۱. تأثیر بر شکل‌گیری برخی جریان‌ها و گروه‌های سیاسی

برخی گروه‌های اسلامی - سیاسی، موجودیت خود را مرهون انقلاب اسلامی می‌دانند. این گروه‌ها خود بر دو دسته‌اند: برخی از یک جنبش اسلامی غیرفعال منشعب شده‌اند؛ مانند امل اسلامی که از امل، و جنبش جهاد اسلامی که از اخوان المسلمین فلسطین زاییده شد. در واقع

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۵۹

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه پدید آمد.<sup>۱۷۹</sup> اما دسته‌ای دیگر وابسته به جنبش و گروهی خاص نیستند، بلکه پدیده‌ای جدیدند؛ مانند نهضت اجرای فقه جعفری پاکستان. اگرچه دسته اخیر بیش از دسته نخست، مدافع انقلاب اسلامی است، همه این گروه‌ها در پیروی از رهبری انقلاب اسلامی و الگو قرار دادن آن اشتراک نظر دارند.

در این میان، برخی دیگر از گروه‌ها و جنبش‌ها متأثر از تجدید حیات اسلام - که از آثار انقلاب اسلامی ایران در قرن اخیر است - از حالت رکود و انفعال خارج شده و با نیرو و سازمان‌دهی جدیدی به مبارزه نظامی و سیاسی علیه حکومت و دولت‌های حاکم پرداخته‌اند؛ همچون حرکت اسلامی در بیت‌المقدس و الخلیل که پس از انقلاب اسلامی گسترشی خیره‌کننده یافت.<sup>۱۸۰</sup>

از دیگر گروه‌های سیاسی مهم، حزب‌الله است که بیش از هر گروه اسلامی - سیاسی دیگر تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار دارد. افزون بر زمینه‌های مشترک موجود بین ایران و لبنان، انگیزه‌های دیگری نیز موجب چنین تأثیر شگرفی شده است: یکی پذیرش رهبری انقلاب اسلامی در مقام رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب‌الله و دیگری نیز حمایت‌های ایران از آن. همچنین حزب‌الله از حیث اقتصادی و اجتماعی با اعطای کمک‌های تحصیلی به مستضعفان، توزیع داروی رایگان بین بیماران، تقسیم آب بین نیازمندان و ارائه خدمات درمانی به محرومان، به شدت فعال است. با این همه، حزب‌الله از لحاظ نظامی از اسلحه و جنگ جدا نیست، بلکه بر پایه اصل جهاد همواره آماده پاسخگویی به حمله احتمالی دشمن صهیونیستی است؛<sup>۱۸۱</sup> چنان‌که در جنگ ۳۳ روزه ۱۳۸۵، شاهد آن بودیم.

<sup>۱</sup> (۱). شقاقی، انتفاضه و طرح اسلامی معاصر، ص ۸۷ و ۸۸.

<sup>۲</sup> (۲). همان، ص ۱۱۴.

<sup>۳</sup> (۳). همان.

حزب الله لبنان در بُعد سیاسی نیز سخت از انقلاب اسلامی ایران الگو گرفته و برخلاف جنبش امل، رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و برپایه اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته است.<sup>۱۸۲</sup>

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۰

### ۲. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر راهبرد قدرت‌های بزرگ

انقلاب اسلامی در کشوری رخ داد که ژاندارم آمریکا در منطقه خاورمیانه بود و به‌عنوان یکی از ستون‌های دکترین دو پایه‌ای نیکسون شناخته می‌شد. درحقیقت بعد از گرفتار شدن آمریکا در باتلاق ویتنام، وضعیت به‌گونه‌ای بود که امکان مداخله نظامی از سوی آمریکا مشکل به نظر می‌رسید. بنابراین نیکسون دکترینی را ارائه نمود که دو کشور در منطقه خاورمیانه حافظ منافع آمریکا در منطقه باشند: یکی ایران به‌عنوان پایه نظامی و ژاندارم آمریکا و دیگری عربستان سعودی به‌عنوان پایه اقتصادی این دکترین. بر این اساس هر جا که حرکتی علیه منافع آمریکا در منطقه اتفاق می‌افتاد، ایران می‌بایست به اعزام نیرو و سرکوب آن مبادرت می‌ورزید.

به بیانی دیگر، این انقلاب در کشوری روی داد که می‌بایست در مقابل حرکت‌های ضدغربی در منطقه واکنش نشان می‌داد، اما خود به کشوری ضدغربی بدل شد. از سویی ایران پس از انقلاب، از پیمان سنتو که در راستای اهداف غرب بود، خارج شد. بنابراین با وقوع چنین تحولی در ایران و ایجاد خلأ قدرت در منطقه، راهبردهای منطقه‌ای ابرقدرت‌های جهان نیز تغییر یافت. آنچه در تغییر استراتژی‌های دو ابرقدرت تأثیر بسزایی داشت، وقوع انقلاب اسلامی در منطقه‌ای بود که اغلب کشورهای آن از نظر بافت جمعیتی و دیدگاه‌های فرهنگی و دینی، به ایران نزدیک بودند؛ نکته‌ای که غرب و شرق را از وقوع تحولات مشابه انقلاب ایران، سخت به هراس افکند.

بنابراین تأثیر رویداد انقلاب اسلامی ایران بر جنبش‌های اسلامی و همچنین طرح نظریه‌های جدید درباره حکومت و سیاست، هر دو ابرقدرت را برآن داشت تا برای حفظ منافع خود در خاورمیانه به مهار انقلاب ایران بپردازند و از هرسو آن را محدود کنند. مهم‌ترین این اقدامات، تحریک صدام - دیکتاتور سابق عراق - برای حمله به ایران و سپس کمک‌های عادی و نظامی فراوان به او بود.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۱

اندیشه انقلاب اسلامی از یک سو مشکلاتی را از بُعد ایدئولوژیک برای شوروی سابق ایجاد نمود؛ چراکه اندیشه انقلابی ایران با وجود کنترل شدید سازمان‌های امنیتی، بر جمهوری‌های مسلمان‌نشین اتحاد جماهیر شوروی - که برخی از آنها هم‌مرز با ایران بودند - تأثیر گذارد و بدین‌رو احتمال وقوع برخی

<sup>۱</sup> (۱). شیرودی، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام»، رواق اندیشه، ش ۳.



مشکلات در این جمهوری‌ها بسیار بیشتر شد. این امر سبب گردید رهبران اتحاد جماهیر شوروی راهبردهایی را برای مقابله با انقلاب ایران به کار گیرند. بنابراین در مبارزه با ایدئولوژی انقلاب ایران، هر دو ابرقدرت به باوری مشترک رسیدند و آن مهار انقلاب ایران به هر شکل ممکن بود.

به هر روی، انقلاب اسلامی ایران دستاوردهای مختلفی در عرصه داخلی در حوزه‌هایی چون علمی، تکنولوژیکی، اقتصادی، هسته‌ای و نظامی و در سطح نظام بین‌الملل همچون همکاری مؤثر با سازمان‌های بین‌المللی و کشورها و عدم انزوای آن، عدم تأثیر تحریم برخی ابرقدرت‌ها، شکست پروژه‌های تحریم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، هسته‌ای و تأثیر در جنبش‌های بیداری اسلامی داشته است که در این فصل کوشیدیم تا دستاوردهای مربوط به هویت و استقلال کشور را به اختصار بازگوییم.

## چکیده

۱. بحث از دستاوردهای انقلاب اسلامی موضوعی گسترده است که ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دربرمی‌گیرد.

۲. از دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی در سطح داخلی می‌توان به این موارد اشاره کرد: سرنگونی نظام شاهنشاهی و استقرار حاکمیت الهی، افزایش آگاهی، بینش و مشارکت سیاسی مردم، استقلال و نیز دگرگونی اصول سیاست خارجی.

۳. برخی از دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی در سطح داخلی از این قرار است: نفی مظاهر فرهنگی غرب، عمومی شدن آموزش و ارتقای سطح علمی جامعه، ارتقای جایگاه زن در اجتماع و نیز ایجاد روحیه خودباوری.

۴. دستاوردهای مهم فرهنگی انقلاب اسلامی در سطح نظام بین‌الملل عبارت است از: ترویج

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۲

فرهنگ مردم‌سالاری دینی، اشاعه فرهنگ استقلال‌خواهی و استکبارستیزی، فرهنگ‌سازی درباره وحدت تمدنی جهان اسلام و نیز احیای نقش جنبش‌های آزادی‌بخش.

۵. دستاوردهای مهم سیاسی انقلاب اسلامی در سطح نظام بین‌الملل نیز بدین قرار است: تأثیر بر شکل‌گیری برخی گروه‌های سیاسی و نیز تأثیر بر راهبرد قدرت‌های بزرگ.

۱. انقلاب اسلامی از منظر سیاست داخلی چه دستاوردهایی داشت؟
۲. دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی را در سطح داخلی توضیح دهید.
۳. انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل چه تأثیراتی داشت؟
۴. دستاوردهای انقلاب اسلامی را در عرصه نظام بین‌الملل شرح دهید.

### برای پژوهش

۱. برخی از دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی را بررسی نمایید.
۲. انقلاب اسلامی از بُعد نظریه پردازی، بر نظریه‌های انقلاب تأثیر بسزایی نهاد. در این باره به بحث و بررسی بپردازید.
۳. با توجه به تأثیرات انقلاب اسلامی بر نظام بین‌الملل، واکنش قدرت‌های بزرگ در برابر انقلاب اسلامی را مورد بحث قرار دهید.

### برای مطالعه بیشتر

۱. محمدرضا دهشیری، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۷ و ۸.
۲. مرتضی شیروودی، دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، تهران، سازمان ارتباطات فرهنگی، ج ۲.
۳. -، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های جهان اسلام»، رواق اندیشه، ش ۳، ۱۸۳

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۴

## فصل نهم: آینده انقلاب اسلامی؛ فرصت‌ها و چالش‌ها

### اهداف

از دانشجویان انتظار می‌رود:

۱. فرصت‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی را توضیح دهند.
۲. چالش‌های داخلی و بین‌المللی انقلاب اسلامی در آینده را بیان دارند.
۳. جنگ نرم و تاکتیک‌های آن را به‌عنوان یکی از موضوعات پیش‌روی انقلاب اسلامی تبیین نمایند.

### مقدمه

نظام جمهوری اسلامی با سه دهه پیشینه، شاهد پیروزی‌هایی در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی بوده است. از این‌رو به نظر می‌رسد چهارمین دهه پیروزی انقلاب اسلامی باید مملو از تحولات عمیق در عرصه‌های گوناگون داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی باشد. بر این اساس، ضرورت تحلیل آینده انقلاب و چشم‌اندازهای پیش‌روی، بیش از پیش نمایان می‌شود. آینده‌پژوهی به‌عنوان ضرورتی کارآمد، در جهت برداشتن گام‌های بلند برای پیشرفت در نظر گرفته شده و سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در حوزه‌های مختلف نیز افزون بر تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت، به اوضاع و تحولات جامعه نگاهی میان‌مدت و بلندمدت دارند تا با آمادگی کامل به استقبال آن روند. به‌طور کلی تحلیل جامع آینده انقلاب اسلامی، دلایلی چند دارد:

۱. ایجاد آمادگی در مدیران و سیاست‌گذاران نظام اسلامی و ضرورت هوشمندی آنان

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۵

برای برنامه‌ریزی به‌منظور حرکت به سمت کمال و حفظ نظام اسلامی؛

۲. آسیب‌شناسی نقاط آسیب‌پذیر و حتی تهدیدزا برای حفظ نظام؛

۳. تدوین استراتژی‌های خرد و کلان نظام در حوزه‌های امنیتی، فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی که باید به‌جد در دستور کار قرار گیرد؛

۴. وضعیت متغیر و پرشتاب منطقه‌ای و پیشرفت‌های بین‌المللی که بی‌شک بر اوضاع ایران نیز اثرگذار خواهد بود.

بنابر دلایل ذکرشده، تحلیلی از آینده انقلاب اسلامی ضرورت دارد. برای این منظور بررسی چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی انقلاب امری ضروری است.

### الف) فرصت‌های پیش‌روی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی

فرصت‌ها به معنای وجود زمینه‌های مطلوب در محیط بیرونی کشور است که با بهره‌برداری از آن می‌توان به نتایج درخوری دست یافت. همچنین فرصت‌ها، شرایطی است که به کشورها توانایی می‌دهد تا با بهره‌گیری صحیح از آنها، به اهداف ملی خود رسند و تهدیدها را نیز دفع نمایند.

برشمردن فرصت‌های فراروی هر نظام سیاسی، امری الزامی است و سیاست‌مداران داخلی می‌کوشند تا از فرصت‌های پیش‌روی برای ارتقای جایگاه نظام و مقابله با تهدیدهای احتمالی، به بهترین شکل استفاده کنند.

### یک. فرصت‌های داخلی

#### ۱. مردمی بودن

انقلاب ایران صرفاً انقلابی کارگری، دانشجویی و یا صنفی نبود، از این رو یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب، بسیج عمومی مردم بود. این امر، ما را به پاسخ این پرسش می‌رساند که چرا انقلاب در طول سال‌ها مبارزه پیروز نشد و ناگهان با این سرعت به سرانجام رسید؟ نظام سیاسی هر اندازه در اداره امور جامعه از مشارکت عمومی بیشتری برخوردار باشد، به همان میزان مقبولیت بیشتری می‌یابد. بنابراین حضور مردم به عنوان سرمایه اجتماعی در

#### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۶

صحنه برای رفع مشکلات کنونی و آینده انقلاب اسلامی همانند آغاز آن، فرصتی مناسب برای انقلاب به‌شمار می‌آید تا به پیشرفت و اعتلا رسد.

### ۲. پیشرفت‌های علمی و فناوری

یکی از مواردی که زمینه‌ساز پیشرفت برای هر کشور است، پیشرفت‌های علمی و تولید علم است. جمهوری اسلامی ایران در سه دهه گذشته توانسته در این زمینه به پیشرفت‌های درخوری دست یابد که این خود می‌تواند فرصت مناسبی برای اعتلای انقلاب اسلامی فراهم آورد.

## ۱. افول هژمونی آمریکا

ورود ایالات متحده به جنگ جهانی اول و پیروزی قدرت‌های متفق و ازسویی اصول چهارده‌گانه ویلسون<sup>۱۸۴</sup> شکل‌گیری جامعه ملل، اوضاع را برای اعمال هژمونی آمریکا فراهم آورد، اما اراده ملی برای این نقش وجود نداشت. آمریکا در سال ۱۹۴۱ م. وارد جنگ جهانی دوم شد و پس از جنگ به‌عنوان قدرت اقتصادی و نظامی هژمون مطرح گشت. با شروع جنگ ویتنام و حتی تا دوره حکومت ریگان، آمریکا به هژمونی غارتگر بدل گردید؛ آن‌گونه که منافعش با منافع متحدینش هماهنگ نشد و حتی به بهره‌برداری استعماری از موقعیت هژمونی‌اش پرداخت. این‌گونه بود که سیاست‌های آمریکا به تدریج ازسوی شرکای اقتصادی‌اش مورد اعتراض قرار گرفت.<sup>۱۸۵</sup>

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، آمریکا در عرصه بین‌المللی جایگاهی ممتاز یافت؛ به‌گونه‌ای که توانست در بحران‌های بین‌المللی مختلفی نظیر عراق، یوگسلاوی سابق، سومالی، هائیتی و افغانستان مداخله نماید. اما به نظر می‌رسد تحولات پس از ۱۱ سپتامبر،

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۷

هژمونی آمریکا را با چنان چالشی روبه‌رو ساخته که این کشور دیگر نمی‌تواند به‌تنهایی در حل بسیاری از معادلات بین‌المللی، سیاست‌هایی متناسب و موجه را اعمال نماید. از نظر ساموئل هانتینگتون، عصر تک‌قطبی آمریکا به‌سوی ساختاری چندقطبی در حرکت است و این ساختار به‌زودی آشکار می‌گردد.

کنت والتز - یکی از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل - بر آن است اختلاف و تضاد میان منافع آمریکا و اروپا با گذشت زمان، بیشتر می‌شود؛ به‌ویژه اگر کشورهایمانند چین برای منافع آمریکا چالش‌های جدی ایجاد کنند.<sup>۱۸۶</sup>

والرشتاین نیز در آخرین کتاب خود به‌نام **افول قدرت آمریکا، آمریکا در جهانی پر آشوب**، به سپری شدن دوران صلح آمریکایی اشاره داشته، از اقدامات آن پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به‌عنوان عاملی برای سقوط یاد می‌کند.<sup>۱۸۷</sup>

<sup>۱</sup> (۱). در سال ۱۹۱۸ در پایان جنگ جهانی اول، ویلسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا اصول چهارده‌گانه‌ای را برای برقراری صلح پایدار اعلام کرد که در آن مواردی چون تقلیل تسلیحات، تأمین آزادی و استقلال کشورها، تساوی در تجارت، تأسیس جامعه ملل و ... آمده است.

<sup>۲</sup> (۲). کرمی، «هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن»، پژوهش علوم سیاسی، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۲۲ - ۱۸.

<sup>۱</sup> (۱). همان، ص ۲۳.

<sup>۲</sup> (۲). "The Incredible Shrinking Eagle" in Foreign Policy, July August, ۲۰۰۲, Wallerstein.

افول نسبی اقتصاد آمریکا عمدتاً به دلیل افزایش هزینه‌های نظامی است که به نظر پال کندی، نتیجه گسترش امپریالیستی و تلاش برای انجام تعهدات در خارج است که یک کشور نمی‌تواند مدت زیادی آن را انجام دهد.<sup>۱۸۸</sup>

افزون بر این، دلایل دیگری نیز برای محدود شدن هژمونی آمریکا وجود دارد که می‌توان بدین موارد اشاره کرد: مخالفت‌ها و نگرانی‌های سایر قدرت‌های بزرگ، رقابت و کشمکش‌های داخلی آمریکا و تقویت موقعیت نئولیبرال‌ها در مقابل نومحافظه‌کاران، مشکلات آمریکا در عراق و افغانستان و نیز افکار عمومی جهانی.<sup>۱۸۹</sup>

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۸

به نظر می‌رسد افول هژمونی آمریکا از جهاتی می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌های خوبی ایجاد نماید.

از منظر سیاسی و امنیتی، ایالات متحده همواره در منطقه خلیج فارس و پیرامون مرزهای ایران، سیاست‌های استیلاجویانه داشته است. به‌طور طبیعی کشورهای کوچک و فاقد عمق استراتژیک، امنیت خود را به امنیت قدرت هژمون گره می‌زنند. در همین راستا، کشورهای منطقه خلیج فارس هر کدام با انعقاد پیمان‌های نظامی و امنیتی متعدد با ایالات متحده، پایگاه‌های نظامی حساسی را در اختیار این کشور قرار داده‌اند. کشورهای حوزه خلیج فارس با استفاده از پشتوانه هژمون، همواره محدودیت‌های بسیاری برای سیاست خارجی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده‌اند. موضع‌گیری این کشورها در مسئله هسته‌ای و جزایر سه‌گانه از جمله نمونه‌های درخور ذکر در این باره است. با تضعیف هژمونی آمریکا شاهد کم‌رنگ‌تر شدن حضور همه‌جانبه این کشور در منطقه و تهدید موقعیت ژئوپلیتیک ایران خواهیم بود. از سویی این فرصت برای جمهوری اسلامی نیز فراهم می‌آید که به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای، در معادلات امنیتی نقش بی‌بدیلی را ایفا نماید. همچنین تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه و سقوط دیکتاتورهای وابسته به آمریکا، زمینه‌ای برای افول هرچه بیشتر هژمونی آمریکا فراهم خواهد کرد. بی‌تردید در این شرایط، فرصت‌های مطلوبی برای جمهوری اسلامی ایران شکل خواهد گرفت.

### ۲. آینده جمعیت و جایگاه مسلمانان

به‌طور کلی در حوزه مطالعات آینده تا سال ۲۰۲۵، همه گزارش‌ها حاکی از رشد چشمگیر جمعیت مسلمانان و متعاقب آن تقویت جایگاه و توان اثرگذاری مسلمانان است. از این رو، در خصوص وضعیت

<sup>۱</sup> (۳). عسگرخانی، «هژمونی نظام جهانی و چشم‌انداز آینده ایران»، ماهنامه فکر نو، ش ۳، اردیبهشت ۱۳۷۸.

<sup>۱</sup> (۴). کرمی، «هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن»، پژوهش علوم سیاسی، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۵، ص ۲۳ و ۲۴.

آینده مسلمانان در اروپا می‌توان اذعان نمود که اسلام دیگر نه به‌عنوان مسئله سیاست خارجی اروپا، بلکه یکی از دغدغه‌های سیاست داخلی آن به‌شمار می‌رود. امروزه اسلام به‌عنوان دومین دین بزرگ (به لحاظ پیروان) در بیشتر کشورهای اروپایی رو به گسترش است. بی‌تردید مسلمانان در سال‌های آینده، نیروی اجتماعی و سیاسی مؤثری در چارچوب اتحادیه اروپایی خواهند بود و بر تصمیم‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی اروپا تأثیری مستقیم خواهند داشت.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۶۹

اساساً افزایش میزان جمعیت مسلمانان و ارتقای جایگاه اسلام و نقش آفرینی بیشتر آن در اروپا و کشورهای چونی آمریکا و روسیه، قدرت مانور جمهوری اسلامی ایران را در عرصه‌های بین‌المللی ارتقا می‌بخشد. این موضوع که در آینده احتمال می‌رود مسلمانان با جمعیتی بیشتر و به‌گونه‌ای مؤثرتر در معادلات جهانی نقش آفرینی کنند، در قالب یک فرصت، پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت. کارشناسان مسائل اسلام در اروپا، به نقش انقلاب اسلامی ایران در هویت‌بخشی و ایجاد انگیزش در میان مسلمانان اروپا اشاره کرده‌اند. انقلاب اسلامی نه‌فقط در جهان اسلام، در اروپا نیز الهام‌بخش بوده و این نکته‌ای است که متفکران غربی نیز بدان اذعان دارند. حرکت‌های پرشور مسلمانان اروپا در واکنش به کتاب موهن سلمان رشدی و کاریکاتورهای اهانت‌بار به ساحت مقدس رسول اکرم (ص) جلوه‌ای از همین الهام‌بخشی است.

### ۳. بحران‌های اقتصاد جهانی

بحران‌های ادواری در اقتصاد سرمایه‌داری، بارها در جهان پیش آمده است. اساساً بحران اقتصادی، در ذات اقتصاد آزاد سرمایه‌داری نهفته است؛ چنان‌که آتش بیشتر بحران‌های اقتصادی جهان از بورس نیویورک آغاز می‌شود و به اروپا و نقاط دیگر جهان می‌رسد. برای مثال، بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ سهمگین‌ترین بحران سده بیستم بود که آتش آن از آمریکا شعله‌ور گردید.

پس از بحران ۱۹۳۰، در اکتبر ۱۹۸۷ آمریکا بار دیگر دچار کابوس بحران شد؛ به‌گونه‌ای که زیان سنگین ۵۰۰ میلیارد دلاری به پس‌انداز کنندگان آمریکایی وارد آورد. بحران مالی ۲۰۰۸ نیز از سیستم بانکی آمریکا آغاز شد. بدهکاران و وام‌گیرندگان به دلیل کاهش قیمت دارایی‌های خود از جمله مسکن، از بازپرداخت وام خود سر باز زدند و بانک‌ها نیز نتوانستند سپرده لازم را برای مقابله با کمبود نقدینگی خود جذب کنند، از این‌رو اعتماد مردم از سیستم بانکی سلب شد.

نکته درخور ذکر اینکه بی‌تردید این بحران، اقتصاد کشور ایران را نیز تهدید خواهد کرد، اما اقتصاد ایران به دلیل نداشتن ارتباطی تنگاتنگ با اقتصاد دنیا (به‌نسبت کشورهای دیگر

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۰

منطقه و جهان)، کمتر آسیب خواهد دید. با این همه، چنانچه این بحران با درایت رصد شود، می‌توان از قبل آن به نفع منافع ملی کشور - به‌ویژه در حوزه مالی و اقتصادی - بهره گرفت. برای مثال، از آنجاکه جمهوری اسلامی در نظر دارد تا به قدرت اول منطقه بدل گردد، از قدرت مانور بیشتری برای رسیدن به این هدف برخوردار است؛ چراکه چرخه اقتصاد کشورهای منطقه کاملاً وابسته به سرمایه‌گذاری‌ها و صنایع وارداتی کشورهای غربی است و در صورت ادامه و تشدید بحران سرمایه‌داری، شاهد تسری موج بحران در کشورهای منطقه نیز خواهیم بود.

### ۴. ناکارآمدی سازمان‌های بین‌المللی

با نگاهی کلی به عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در جهان امروز می‌توان اذعان نمود که تلاش این سازمان‌ها در راستای اهداف خود، تنها تسکینی موقتی بوده است. امروزه سازمان‌های بین‌المللی به دلیل اعمال سلطه و جهت‌گیری‌های عمدتاً سیاسی و نه حقوقی، از تحقق رسالت تاریخی خود، یعنی تأمین صلح و امنیت پایدار، احترام به حقوق و کرامت بشر و ایجاد عدالت و انصاف بازمانده‌اند. براساس برخی اظهارنظرها، نهادهای بین‌المللی اگر تأمین‌کننده منافع قدرت‌های بزرگ جهانی باشند، به فعالیت خود ادامه می‌دهند؛ در غیر این صورت با محدودیت‌های بسیاری روبه‌رو می‌گردند که آنها را از برقراری صلح و عدالت در جهان باز خواهد داشت.

ایالات متحده به‌عنوان هژمون ساختار سیاست جهانی، به دلیل باور نداشتن به قوانین پایدار در زمینه حقوق بشر و ازسویی تهدید نشدن منافعش در بیرون از مرزها، عضو هیچ‌یک از کنوانسیون‌های حقوق کودک یا زنان نشده و در سال‌های اخیر نیز عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی و شورای حقوق بشر سازمان ملل را به دلایلی واهی نپذیرفته است. این امر گویای آن است که این نهادهای بین‌المللی نخواهند توانست چارچوب‌های هنجاری و صلح‌مدارانه را در جهان تقویت نمایند.

در تأسیس هر نهاد بین‌المللی، مؤسسان اولیه به طراحی و تدوین چارچوب‌های هنجاری و حقوقی می‌پردازند؛ چارچوب‌هایی که بی‌تردید با اصول و هنجارهای قدرت‌های بزرگ هم

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۱

سمت‌وسوست و هدف کلی آن اشاعه ایدئولوژی لیبرال - دموکراسی است. با این همه، جمهوری اسلامی ایران همواره آمادگی خود را برای عضویت در نهادهای بین‌المللی اعلام نموده و به عضویت بیشتر این نهادها نیز درآمده است. اما نکته این است که ایران به‌عنوان کشوری مسلمان با داشتن



ارزش‌ها و هنجارهای خاص خود، مخالف با ارزش‌ها و چارچوب‌های ایدئولوژی حاکم بر سازمان‌های بین‌المللی است.

بر این اساس، از آنجاکه بیشتر نهادهای بین‌المللی به‌گونه‌ای طراحی نشده که دربرگیرنده چارچوب‌های فکری و فرهنگی همه ملت‌های دنیا باشد، محدودیت‌های ساختاری فراوانی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌گردد. اقدامات غیرمنطقی و خلاف واقع آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کنوانسیون‌های حقوق بشری و رویه‌های دو سویه آنها در سال‌های اخیر، از جمله این محدودیت‌هاست. به نظر می‌رسد ناکارآمدی نهادهای بین‌المللی در آینده بتواند برای جمهوری اسلامی ایران فرصت‌های مناسبی را ایجاد کند.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که همواره قربانی سیاسی کاری‌های نهادهای حقوقی و هنجاری بین‌المللی شده است، می‌کوشد تا رویه‌های ناعادلانه این نهادها را به چالش کشد که البته در این زمینه کشورهای بسیاری را نیز با خود همراه ساخته است. حمایت از مسئله هسته‌ای ایران در نشست‌های مجمع عمومی و اجلاس عدم تعهد، گواه این مدعاست. این موضوع در چند سال آینده با توجه به ضرورت اصلاح روند سازمان‌های بین‌المللی، فرصت مناسبی را برای همکاری مؤثر و پایدار جمهوری اسلامی در این نهادها فراهم خواهد ساخت.

## ۵. پتانسیل‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران<sup>۱۹۰</sup>

قدرت کلیدی‌ترین مؤلفه تعیین‌کننده مناسبات و جایگاه کشورها در عرصه روابط بین‌الملل است. منظور از قدرت، قدرت همه‌جانبه است که ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری را دربرمی‌گیرد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۲

در جهان امروز به باور بسیاری از تحلیل‌گران، تأکید صرف بر قدرت سخت، موفقیت‌پذیری را در پی نخواهد داشت. بر این بنیاد، قوی‌ترین کشورها همواره قوی‌ترین باقی نخواهند ماند، مگر آنکه قدرت خود را به حق تبدیل نمایند. قدرت نرم می‌تواند به امکان‌پذیر شدن استراتژی ملی، هدایت اشتیاق ملی، شکل‌گیری اراده واحد و تقویت قدرت فرهنگی کشور کمک کند که نتیجه آن، توسعه قدرت ملی فراگیر، بهبود وضعیت بین‌المللی و افزایش نفوذ بین‌المللی است.<sup>۱۹۱</sup>

<sup>۱</sup> (۱) "Soft Power and Leadership", Nye jr ,

, Spring ۲۰۰۲, Compass: A Journal of Leadership, ۴.

<sup>۲</sup> (۲). نای، «کاربرد قدرت نرم»، راهبرد دفاعی، ش ۶، زمستان ۱۳۸۶، ص ۲۱ و ۲۲.

سرزمین ایران که مهد بسیاری از علوم و فلسفه علمی بوده، در طول تاریخ به دلیل اهمیت خاص جغرافیایی و فرهنگی، همواره مورد هجوم فرهنگ‌ها و نگرش‌های مختلف قرار گرفته و بارها ویران و دوباره‌سازی شده است. از همین‌رو، ایران در بخش سخت‌افزاری (سرزمین و ثروت‌های ملی ایرانیان) صدمات بسیار دید، بی‌آنکه بخش نرم‌افزاری آن (باورها، فرهنگ، زبان و ادبیات ایرانی) آسیب چندانی پذیرد.<sup>۱۹۲</sup>

در دنیای امروز قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در این مؤلفه‌ها نمود می‌یابد: جذب، اقناع و شکل‌دهی به اموری که برای دیگران رجحان دارد.

منابع قدرت نرم ایران عبارت است از: ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی، انقلابی و ایرانی، فرهنگ، ایدئولوژی اسلامی، اعتبار، شهرت، مشروعیت و مقبولیت، معارف، علم و دانش و اطلاعات.

با نگاهی به وضعیت جمهوری اسلامی درمی‌یابیم که کشورمان از حیث فرهنگ و هنر غنی و اصیل، پیشرفت دانش و فناوری اطلاعات و ارتباطات، دارای ظرفیت‌های بالقوه‌ای از منظر ابعاد مختلف قدرت نرم است. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون به دلیل اتخاذ رویکردی مستقل از قدرت‌های بزرگ و همچنین به سبب پیروی از یک ایدئولوژی متفاوت با لیبرال - دموکراسی غرب، در معرض تهدیدات سخت متعددی - از جمله در عرصه

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۳

نظامی و اقتصادی - قرار داشته است. بی‌گمان پشتیبانی همه‌جانبه قدرت‌های بزرگ از عراق در جریان جنگ تحمیلی و نیز تحریم‌های ایران از سوی ایالات متحده و متحدان غربی، گواه این مدعاست.<sup>۱۹۳</sup> پیش‌بینی می‌شود نقش و تأثیر قدرت نرم در معادلات روابط بین‌الملل در ۱۰ تا ۱۵ سال آینده نیز به شدت ادامه یابد. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های قدرت نرم در منطقه و جهان می‌تواند از این موضوع به‌عنوان فرصتی مناسب استفاده کند. در هر حال برجسته شدن نقش فرهنگ، علم و دانش و ایدئولوژی در مناسبات آینده جهانی برای جمهوری اسلامی ایران، با توجه به در اختیار داشتن بخش عظیمی از ظرفیت‌های قدرت نرم، فرصتی درخور اعتنا خواهد بود تا در ابعاد مختلف از آن بهره‌گیرد. برای نمونه، افزایش روزافزون جمعیت مسلمانان، فرصت‌های مختلفی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران (به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام) قرار خواهد داد.

<sup>۱</sup> (۳). گلشن‌پژوه، جمهوری اسلامی و قدرت نرم، ص ۲۹۰.

<sup>۱</sup> (۱). دهقان فیروزآبادی، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۶۰.

## ۶. محدود شدن فرصت استفاده از زور (قدرت نظامی)

اگرچه نهادهای بین‌المللی به دلیل جهت‌گیری‌های سیاسی خود نتوانسته‌اند در محدود نمودن استفاده از زور اقدام شایسته‌ای انجام دهند، با این همه از سال ۲۰۰۰ تاکنون بحث توسل به زور از سوی کشورهای متعدد با محدودیت روبه‌رو شده است. عدم همکاری روسیه، فرانسه و آلمان در حمله آمریکا به عراق و نارضایتی آنها از اقدام نامشروع آمریکا در حمله یک‌جانبه به افغانستان، نمونه‌هایی است از این دست.

با در نظر گرفتن بحران‌های سرمایه‌داری غرب و ظهور قدرت‌های جهانی جدید و تأکید بر به‌کارگیری قدرت نرم در معادلات جهانی، بی‌شک کفه ترازو به سمت تضعیف سناریوی استفاده از زور در سیاست بین‌الملل سنگینی خواهد کرد. به نظر می‌رسد محدود شدن استفاده از زور در سیاست بین‌الملل، فرصت‌های درخوری برای جمهوری اسلامی ایران که دارای

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۴

قدرت نرم است در سال‌های آینده فراهم خواهد کرد.

درحقیقت محدود شدن حوزه استفاده از زور و تأکید بر حوزه دیپلماسی در آینده، این فرصت را در اختیار جمهوری اسلامی قرار خواهد داد تا با تأکید بر احقاق حق مشروع خود در حوزه انرژی هسته‌ای، قدرت چانه‌زنی بیشتری بیابد.

## ۷. بیداری اسلامی در کشورهای منطقه خاورمیانه

به اعتراف سران غرب تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه و قیام‌های مردمی در کشورهایی که حاکمان وابسته به غرب دارند، فرصت‌های مناسبی را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار می‌دهد تا با ارائه الگوی انقلابی خود به کشورهای منطقه، زمینه‌ای را برای کاهش سلطه غرب بر منطقه فراهم سازد. نگرانی‌های غرب از اثرپذیری قیام‌های مردمی منطقه از جمهوری اسلامی ایران، خود شاهدهی بر این مدعا است.

بی‌تردید این فرصت ایجادشده برای انقلاب اسلامی ایران در آینده می‌تواند عاملی برای رشد دیدگاه‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه و جهان باشد و بستر مناسبی برای اندیشه جهانی شدن انقلاب اسلامی فراهم نماید.

## ب) چالش‌های پیش‌روی انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران و تشکیل دولت اسلامی در قرن بیستم، حرکت عظیمی در بین مسلمانان ایجاد کرد و نشان داد اسلام برای انسان و جامعه، ملاک‌های خاصی قرار داده و جامعه مطلوب دینی در بوته آزمون حرکت عظیم ملت ایران، بهترین دستاورد را فراهم کرده است.

دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمروهای مختلف در عصر حاضر، دگرگونی‌های فراوانی را ایجاد نموده؛ دگرگونی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که در دین و آموزه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آن ریشه دارد. بدیهی است انقلاب اسلامی در شرایط و مقتضیات پس از پیروزی، به دلیل میزان تأثیر بر روندهای بین‌المللی و مواجهه با مشکلات و مسائل داخلی خود، با چالش‌های مختلفی روبه‌رو بود.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۵

رویاری انقلاب اسلامی با چالش‌های پیش‌روی، خود نقطه عطف آزمون دیگری است که چشم‌انداز آینده‌نگرانه آن را نمایان می‌سازد؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت آینده انقلاب معلول نتایج حاصل از مواجهه با چالش‌های انقلاب اسلامی است. باید اذعان نمود جمهوری اسلامی به عنوان نظام سیاسی مبتنی بر آرمان‌های الهی - مردمی، از همان آغاز با چالش‌های داخلی و خارجی در قلمروهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی روبه‌رو شد؛ چالش‌هایی که آزمون دیگری را برای ملت ایران رقم زد.

بی تردید نظام جمهوری اسلامی می‌باید با اتخاذ سیاستی جامع و با اتکای به مردم، چالش‌های پیش‌روی را به فرصت‌هایی مناسب بدل کند؛ فرصت‌هایی برای ایجاد شرایط منطبق بر ماهیت توسعه‌ای جامعه اسلامی.

در این بخش چالش‌های آینده انقلاب اسلامی به دو بخش داخلی و بین‌المللی تقسیم‌بندی شده که بدانها می‌پردازیم.

### یک. چالش‌های داخلی

چالش‌های داخلی، چالش‌هایی‌اند که منشأ داخلی داشته و یا با منشأ خارجی، در درون نظام مشکلاتی را ایجاد می‌کند. حال این چالش‌ها را از نظر می‌گذرانیم.

#### ۱. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی هجوم به حیات معنوی و نظام ارزشی جامعه است. حیات هر جامعه به

فرهنگ آن جامعه بستگی دارد و تهاجم فرهنگی، یعنی تهی کردن جامعه از فرهنگ خودی و جایگزینی فرهنگ مورد نظر دشمن.

براندازی فرهنگی ممکن است از دو طریق صورت گیرد: تبلیغات و دیگری نفوذ و استحاله. اما تهاجم عصر ما بیشتر تهاجم فرهنگی است که توسط صنایع فرهنگی امروز - از کتاب و مطبوعات و سینما گرفته تا ماهواره و کامپیوتر و برنامه‌های نرم‌افزاری - اجرا می‌شود. در کشور ما نیز پس از انقلاب اسلامی تاکنون دشمنان برای استحاله فرهنگی تلاش بسیار کرده‌اند. به دلیل ناسازگار بودن ارزش‌های اصیل اسلامی با دیدگاه حاکم لیبرالیسم در غرب،

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۶

کوشش شده تا فرهنگ مورد نظر غرب به هر طریق ممکن در فرهنگ ما جای گیرد.

بی تردید از این رو که دشمنان ایران پس از انقلاب اسلامی توانایی ضربه زدن از طریق جنگ و ترور به نظام را نداشته‌اند، شیوه تهاجم و استحاله فرهنگی جامعه را برگزیده‌اند که کم‌هزینه‌تر و اثرگذارتر از راهکارهای نظامی است. از زمان وقوع انقلاب اسلامی تاکنون فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی از هرگونه سیطره فرهنگی غرب بر جامعه ممانعت نموده، اما در صورت بی توجهی به این مسئله بسیار حیاتی، این فرهنگ نیز در سال‌های آتی با چالش روبه‌رو خواهد شد. سرعت جریان تبادل ارتباطات و فناوری روبه‌رشد جریان اطلاعات خطر بزرگی را پیش‌روی کشورهای هم‌چون جمهوری اسلامی می‌نهد و آن هم بحث تبلیغات ماهواره‌ای و شبکه‌های اینترنتی است که امروزه از آنها به قدرت نرم نیز یاد می‌شود. به نظر می‌رسد تقویت زیرساخت‌های فرهنگی جامعه و تلاش برای احیای فرهنگ‌های بومی و ملی از راه‌های مختلف (به‌ویژه رسانه‌ها در داخل و ایجاد شبکه‌های توانمند ماهواره‌ای) در جهت تبلیغ و نشان دادن چهره واقعی و اصیل فرهنگ اسلامی - ایرانی، می‌تواند در آینده فرهنگی انقلاب اسلامی اثرگذار باشد.<sup>۱۹۴</sup>

### ۲. اشاعه جدایی دین از همه ساحت‌های زندگی اجتماعی (سکولاریسم)

با توجه به شاخص‌های حکومت اسلامی که در گفتمان دینی مطرح است، حضور ارزش‌های دینی در ساحت مختلف اجتماع بشری انکارناپذیر است. در این نگاه، پیوند عمیقی بین اخلاق و سیاست وجود دارد. حوزه فرهنگ عرصه حضور و پویایی اعتقادات و آموزه‌های دینی است. برپایه این دیدگاه، انتظام دنیوی و اصلاح و آبادانی آن در گرو اعتقاد و ایمان اخروی است و به همین رو در این جامعه، شریعت یا قانون خداوند حکمفرماست.

اما مطابق با دیدگاه سکولاریسم، اقتصاد، سیاست و امور اجتماعی حوزه‌ای خاص از رفتارهای انسانی و اجتماعی است که هر یک علم خاص خود را دارند. بنابراین در این گونه امور نباید به دخالت دین و اصول دینی اندیشید، بلکه عالمان هر حوزه باید به طراحی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۷

برنامه‌های خود بر مبنای اصول علمی که فراگرفته‌اند، پردازند. در واقع سکولاریسم که به رهایی انسان از کنترل و نظارت دین و نیز از تأثیر مفاهیم و ارزش‌های ماوراءالطبیعی بر عقل و زبان او تعریف می‌شود، عبارت است از رهایی از اندیشه بشری از دریافت‌های دینی و شبه‌دینی و از هم پاشیده شدن همه جهان‌بینی‌های بسته و شکستن تمامی اسطوره‌های فوق‌طبیعی و نمادهای مقدس.<sup>۱۹۵</sup>

از این رو، جمهوری اسلامی ایران که سیاست را ملازم دین و اخلاق می‌داند، بدیهی است که به تقابل با سکولاریسم پردازد. از آنجاکه گفتمان انقلاب بر پایه سیادت معنویت و دین‌سالاری است، طبعاً در مسیر خود چالش‌هایی چون سکولاریسم را پیش‌رو خواهد داشت. از سوی دیگر، چون سکولاریسم افزون بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی زندگی انسان، به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر جنبه بنیادی فرهنگ را نیز دربرمی‌گیرد، جریان مهندسی فرهنگی در کشور می‌باید لزوم شناسایی جریان‌های رقیب و متضادی چون سکولاریسم را - که با هرگونه مرجعیت شریعت الهی سر عناد دارد - سرلوحه برنامه‌ها و سیاست‌های خود قرار دهد.

### ۳. نابرابری اجتماعی

با توجه به برخی دلایل شاید بتوان اذعان نمود که موضوع نابرابری اجتماعی با ابعاد متنوع آن احتمالاً اصلی‌ترین چالش برای اهداف سیاسی و فرهنگی انقلاب اسلامی در روندهای آینده (به‌ویژه در عصر جهانی شدن) خواهد بود. حال این دلایل:

۱. ذهنیت عمومی در جامعه صبغه دینی دارد و طبعاً آموزه‌های دینی در آن بسیار اثرگذار است.

۲. پیشینه طولانی استبداد، خواسته‌های عدالت و برابری را به‌صورت نیازی مبرم و اغماض‌ناپذیر در آورده است.

۳. یکی از علل انقلاب‌ها وجود نابرابری‌هاست. از این رو، وعده عدالت اجتماعی از شعارهای اصلی انقلاب به‌شمار می‌رود؛ آن‌گونه که بی‌توجهی به آن نیز آینده انقلاب را به خطر می‌افکند.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۸

۴. ماهیت انقلاب ایران، برپایی قسط و عدل را در صدر وظایف جمهوری اسلامی قرار داده است؛ ضمن آنکه بستر سیاسی و فرهنگی - اجتماعی در ایران نیز به این موضوع دامن می‌زند.

۵. مسئولان و کارگزاران حکومت اسلامی ایران، مفهوم سیاست در نظام بین‌الملل (سیاست مبتنی بر قدرت) و رویه‌های موجود در قالب فرهنگ جهانی شدن را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهند؛ چراکه اساساً این مفاهیم، نفع‌محورند و بی‌اعتنا به مفهوم عدالت.<sup>۱۹۶</sup>

با وجود چنین پیشینه‌های ذهنی و عینی، در خصوص ملاک‌های ارزیابی افکار عمومی از وضعیت موجود، توجهی خاص به موضوع عدالت و نابرابری کاملاً مشهود است. بنابراین وجود نابرابری اجتماعی، چالشی فرهنگی - سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

### ۴. مشکلات اقتصادی

برخی مشکلات اقتصادی بی‌شک چالشی در برابر آینده انقلاب اسلامی است که از آن جمله می‌توان به مشکل اشتغال و وابستگی اقتصاد به نفت اشاره داشت. در مورد وابستگی به نفت می‌توان گفت بالارفتن درآمد ناخالص کشور سبب افزایش استقلال اقتصادی کشور می‌گردد؛ در حالی که بحران‌های اقتصادی در کشوری با اقتصاد تک‌محصولی - که همواره اقتصادی وابسته و متزلزل دارد - موجب رکود اقتصادی می‌شود، چراکه اقتصاد تک‌محصولی در تحولات بازار و نوسانات تورمی اقتصاد بین‌المللی بسیار شکننده است. از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون تلاش‌های بسیاری در جهت کاهش وابستگی به نفت صورت گرفته، اما بی‌گمان کافی نیست. توانمندی در تولیدات کشاورزی و صنعتی، هماهنگی در صادرات و واردات و به‌ویژه بالا بردن درآمد ملی در توسعه بخش جهانگردی، در تحکیم زیربنای اقتصادی مؤثر خواهد بود.

### ۵. علوم انسانی

یکی از شاخصه‌های اساسی پیشرفت در هر کشوری، پژوهش درباره علوم انسانی است. در مورد

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۷۹

وضعیت علوم انسانی در ایران نیز باید گفت این علوم نسبت به گذشته وضعیت مطلوب‌تری دارد که این خود مرهون پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بروز چالش‌های فکری و عملی ناشی از آن است. در واقع پیروزی انقلاب، فرصت آزموده شدن و عینیت یافتن قوای نهفته را فراهم آورد که بخشی از این

ثمرات در حوزه علوم انسانی مشاهده می‌شود. باور به ارتباط دین و سیاست از یکسو و خواست تأسیس جامعه اسلامی و حکومت دینی - باوجود مخالفت‌های قدرت‌های بزرگ - و ناهماهنگی این هدف با محیط پیرامون از سوی دیگر، توجه به ابتکارات و خلاقیت‌ها را موجب گردید و از طرفی اندیشه‌ورزی در علوم انسانی را نیز متأثر ساخت.<sup>۱۹۷</sup>

انقلاب اسلامی با طرح شعار استقلال - که به درکی فرهنگی از هویت تاریخی این ملت نیاز دارد - سبب گشایش افق‌های جدیدی در اندیشه‌ورزی در خصوص مسائل انسانی گردید. از این رو، نوع نگاه و انتظار از علوم انسانی بعد از انقلاب اسلامی ایران ضرورت اهتمام به آنها را مشخص می‌سازد. علوم انسانی در ایران مسئولیت معرفی نظام و انقلاب و حمایت از آن را در دو بعد داخلی و خارجی برعهده دارد. همین مسئولیت‌ها، هویت خاصی را برای این علوم مشخص ساخته و به رشد آن کمک بسیار نموده است.

بر این اساس، امروزه برای قوام و دوام یافتن استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی، به علوم انسانی قوی نیازمندیم. از این رو، توجه به ضعف‌های علوم انسانی و تلاش برای برنامه‌ریزی به منظور رفع موانع، امری ضروری است. بدیهی است که ایجاد تحولات عمیق فرهنگی و مقابله با سلطه‌گری مخالفان نظام، بدون توجه به حوزه‌های مربوط به علوم انسانی امکان‌پذیر نیست.<sup>۱۹۸</sup>

اکنون بخش درخور توجهی از سرفصل‌های علوم انسانی برگرفته از نظریات دنیای غرب است که بی‌شک چالشی جدی برای جهت‌گیری دانشجویان در آینده خواهد بود. البته منظور این نیست که این نظریه‌ها را یکسره حذف کنیم، بلکه باید سرفصل‌هایی برگرفته از فرهنگ اسلامی - ایرانی خود نیز به دست دهیم؛ آن گونه که بتوان به نقد باورها و نظریه‌های اندیشمندان غربی پرداخت. رشته‌های متعددی در حوزه علوم انسانی

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۰

وجود دارد که کاملاً تحت تأثیر الگوهای جامعه غربی است که این بی‌گمان مهم‌ترین دلیل ایجاد انحرافات فکری گسترده در آینده است. در این خصوص تأکید مقام معظم رهبری نیز از همین روست. از این رو، مسئولان می‌باید در ساختار و سرفصل‌های بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، تحول درخوری ایجاد نمایند.

<sup>۱</sup> (۱). عبوضی، آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

<sup>۱</sup> (۱). همان، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.



## ۱. تحریم‌ها

برخی کشورها همواره در برابر هنجارهای نظام بین‌الملل رویه‌ای موازی در پیش می‌گیرند و به همین دلیل نظام بین‌الملل نیز از تحریم این کشورها امتناع می‌ورزد. از این سو نیز کشوری که به دلیل باور به یکسری ارزش‌ها، برخلاف خواسته‌های نظام بین‌الملل عمل نماید، همواره مورد غضب بوده است. یکی از این کشورها جمهوری اسلامی ایران است که پس از انقلاب اسلامی با به چالش کشیدن هنجارهای موجود در عرصه نظام بین‌الملل، در معرض تحریم‌های متفاوتی قرار گرفته است.

تحریم‌های ایران از سال ۱۳۵۸ از سوی آمریکا آغاز گردید. این کشور در سال‌های بعد نیز برای مهار ایران، هم خود به اتخاذ تحریم‌های جدیدتری اقدام نمود و هم سایر کشورها و نهادهای بین‌الملل را به انجام این کار ترغیب کرد. فشار آمریکا و سایر قدرت‌های سلطه‌گر به

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۱

شورای امنیت برای صدور قطعنامه‌های ۱۷۳۷، ۱۷۴۹ و ۱۸۰۳ از جمله این اقدامات است.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن منابع سرشار زیرزمینی و موقعیت حساس ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک، همواره خود را به عنوان قدرت منطقه‌ای مطرح نموده و از سویی به سبب داشتن توانمندی رشد و توسعه اقتصادی تا حد زیادی از آثار زیان‌بار تحریم‌های بین‌المللی جلوگیری نموده است. البته ایران در این مسیر به پیشرفت‌های درخوری نیز دست یافته است. بنابراین تحریم‌ها در برخی موارد موجب ایجاد فرصت برای انقلاب اسلامی نیز شده است.

## ۲. مسئله هسته‌ای

تولید و حفظ سلاح‌های هسته‌ای از جانب کشورهای دارنده این سلاح‌ها، از تهدیدهای اساسی برای آینده نظام بین‌الملل به‌شمار می‌رود. این کشورها که در معاهده NPT و براساس ماده یکم و دوم آن، انحصار تولید این سلاح‌ها را در اختیار خود قرار داده‌اند، هیچ‌گاه آن را در اختیار سایرین نمی‌گذارند و

<sup>۱</sup> (۱). قطعنامه ۱۷۳۷ شورای امنیت در سال ۱۳۸۵ برای وادار کردن جمهوری اسلامی ایران به پایان دادن غنی‌سازی اورانیوم جهت برنامه هسته‌ای ایران به رأی گذاشته شد و با رأی هر ۱۵ کشور حاضر در شورای امنیت به تصویب رسید.

<sup>۲</sup> (۲). این قطعنامه در سال ۱۳۸۶ به اتفاق آراء اعضای دائمی و غیر دائمی شورای امنیت تصویب شد و در آن از همه کشورها خواسته شده بود تا فعالیت خود را با شرکت‌های ایرانی که در زمینه انرژی هسته‌ای فعالیت دارند محدود کنند، صادرات و واردات سلاح‌های سنگین به ایران نیز ممنوع شده بود و ۶۰ روز به ایران مهلت داده بود به فعالیت‌های حساس اتمی خود از جمله غنی‌سازی اورانیوم پایان دهد.

<sup>۳</sup> (۳). قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت در سال ۱۳۸۶ با ۱۴ رأی مثبت و رأی ممتنع اندونزی در محکومیت برنامه هسته‌ای ایران و تهدید به تحریم‌های گسترده در صورت عدم تعلیق غنی‌سازی به تصویب رسید.

حتی از دستیابی برخی کشورها به انرژی صلح آمیز هسته‌ای - براساس آنچه در ماده چهارم این معاهده به صراحت آمده - به شدت ممانعت می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران یکی از این کشورهاست که به دلیل ماهیت استکبار ستیزانه خود همواره مورد غضب کشورهای قدرتمند غربی بوده است. اکنون توانمندی بالای متخصصان ایرانی در راه‌اندازی استانداردهای سطح بالا در سایت‌های هسته‌ای، غرب را سخت نگران ساخته است. بی‌تردید آنها نمی‌توانند بر تابندگی کشوری در اوج تحریم‌های اقتصادی به حول و قوه الهی بتوانند به این توانمندی دست یابند.

بدیهی است که این توانمندی بومی می‌باید به هر ترتیب ممکن حفظ گردد؛ چراکه جهان در آینده با بحران انرژی روبه‌رو خواهد شد و احتمال خارج شدن سوخت‌های فسیلی امروزی از چرخه مصرف انرژی و صنعت نیز روزبه‌روز بیشتر می‌شود.<sup>۲۰۲</sup>

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که برنامه سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ را طراحی نموده، ناگزیر باید از نیازهای بی‌رویه خود به انرژی نفت و گاز بکاهد و از جایگزین‌هایی مانند

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۲

انرژی صلح آمیز هسته‌ای استفاده کند. به نظر می‌رسد این مسئله نیز از چالش‌های عمده بین نظام جمهوری اسلامی و غرب خواهد بود. از این رو، انتظار این است که مسئولان نظام جمهوری اسلامی با تصمیم‌گیری خردمندانه در جهت منافع ملی، انرژی هسته‌ای را با درایت و هوشمندی مدیریت کنند.

### ۳. جهانی‌سازی

تأمل در مفهوم جهانی شدن، بیش از هر چیز نقش بازیگران را در فرایندهای پیش‌رو آشکار می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که سهم‌بندی در فرایند جهانی شدن، ارتباط مستقیمی با توانایی و مهارت و دوام بازیگری دارد. جمهوری اسلامی ایران بازیگری با توانایی‌های خاصی است که می‌تواند با اتکا به هویت انقلابی و اسلامی خود در هر یک از عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، به فراخور اقتضائات هر دوره به ایفای نقش پردازد. امروزه حفظ امنیت با توجه به توسعه قلمرو آن نیازمند انعطاف‌پذیری و آینده‌نگری در ارزیابی رفتارهایی است که خواسته و ناخواسته پیامد امنیتی دارند. از این رو باید سعی شود در آشفتگی‌های ناشی از جهانی شدن، برنامه‌هایی دقیق و عملیاتی برای برقراری تعاملاتی سازنده با محیط پیرامون تدوین گردد تا با عینیت یافتن آنها، توانمندی‌های نظام جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف سیاسی - امنیتی بیش از پیش تقویت گردد. در این راستا، بازنگری چارچوب‌های مسلط امری الزامی است، چراکه تنها در این صورت است که شاخص‌ها و متغیرهای جدید برای ایجاد امنیت و حراست از آن آشکار خواهند شد؛ امری که نظام جمهوری اسلامی برای حفظ هویت انقلابی و اسلامی

خود در آینده بدان نیازمند است و جهانی شدن با شرایطی که پدید آورده، می تواند فرصتی بی نظیر در این راه دشوار تلقی گردد.

با این توضیح باید اذعان داشت که از چالش های پیش روی انقلاب اسلامی، همین پروژه جهانی سازی است. البته برخی بر این باورند که جهانی شدن فرایندی تاریخی است که از قدیم روند آن آغاز شده و امری است اجتناب ناپذیر. اما در تحلیل عمومی آن می توان گفت جهانی سازی با مشخصات خود به عنوان پروژه های هدفمند، از سوی غرب برای یکسان کردن جهان با فرهنگ خود به کار می رود. برخی نیز از آن با عنوان غربی سازی جهان تعبیر می کنند.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۳

در هر حال این موضوع در دو دهه گذشته تمامی حوزه های اقتصادی، تجاری، مالی، صنعتی و فناوری را متأثر ساخته و مقتضیات و مناسبات جدیدی در عرصه های اجتماعی و فرهنگی در پی آورده است.

نوع تعامل با این موضوع بی تردید یکی از مهم ترین چالش های انقلاب اسلامی است که البته زمینه هایی نیز برای تبدیل شدن آن به فرصت وجود دارد. امروزه در عرصه جهانی، فرهنگ لیبرال - دموکراسی به عنوان نقطه اتکای تمدن غرب سایه خود را بر سایر فرهنگ های جهانی گسترانیده است. وسایل ارتباط جمعی جهانی و شبکه های ماهواره ای تمام تلاش خود را برای تبلیغ فرهنگ لیبرالی به عنوان فرهنگ غالب به کار بسته اند.

در عرصه اقتصاد نیز امروزه کشورهای قدرتمند عرصه اقتصاد جهان را در اختیار گرفته و با انحصار در سازمان هایی مانند تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، برای دنیا تصمیم گیری می کنند و بدین رو تنها در راستای جهانی شدن اقتصاد می کوشند. اما جمهوری اسلامی در مواجهه با تفکر لیبرال - دموکراسی امکانات و توانایی های لازم و منطقی را داراست تا با شاخص های مطرح شده از سوی طرفداران جهانی شدن، رودررو گردد.

شیوه مردم سالاری دینی متضمن پویایی های فراوانی در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است؛ به گونه ای که آن را از توانایی انعطاف و انطباق با شرایط متغیر بیرونی و بین المللی برخوردار می سازد. بدین ترتیب، جهانی شدن برای ساختارهای مردم سالارانه تنها تهدید نیست، بلکه فرصت بالقوه نیز فراهم می کند.

### ۴. جنگ نرم

بی شک یکی از چالش های پیش روی انقلاب اسلامی جنگ نرم است که به اختصار به بررسی آن می پردازیم.

جنگ نرم گه در مقابل جنگ سخت قرار دارد، تعاریف مختلفی دارد: جان کالینز

درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۴

- نظریه پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا- جنگ نرم را این گونه تعریف می کند:

استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می شود.<sup>۲۰۵</sup>

جوزف نای، یکی دیگر از نظریه پردازان، جنگ نرم را تلاشی می داند که بر اساس آن دیگران هنجارها و باورهای شما را با کمترین هزینه بپذیرند.<sup>۲۰۶</sup>

هدف از جنگ نرم، براندازی نظام سیاسی یک کشور است، اما براندازی به شیوه نرم. منظور از براندازی نرم اقداماتی در چارچوب قانون، بدون خشونت و با دخالت بیگانگان است. در براندازی نرم، خشونت با شیوه‌های نرم انجام می گیرد و بر این موارد تأکید می گردد: حرکت‌های مسالمت آمیز، مدیریت رسانه‌ای و سایر عوامل مؤثر اجتماعی (مانند خانواده و آموزش)، ایجاد خلل در شناخت و آگاهی مردم در تحلیل مسائل اجتماعی و نیز بسیج افکار عمومی با هدف نهایی تغییرات اجتماعی و سیاسی.

همچنین در این نوع براندازی تلاش می شود در بستری از چارچوب‌های قانونی و ارتباطات اجتماعی، ابتدا میزان مشروعیت و مقبولیت مهاجم در آن جامعه افزایش یابد و سپس از طریق راه‌های به اصطلاح دموکراتیک و با پشتوانه قدرت اجتماعی، دگرگونی نظام سیاسی و یا نخبگان اجرایی محقق شود. در این چارچوب، ابعاد سخت تهدید به فراموشی سپرده می شود.

درواقع برخلاف تهدیدهای سخت، ابعاد نرم تهدید تا حدی نوین بوده و مبین وجود نوع جدیدی از قدرت است که از آن به قدرت نرم یاد می شود. بر این اساس در براندازی نرم، برخورداری از قدرت نرم و استفاده از آن برای عملی ساختن «تهدیدهای نرم» اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا قدرت نرم مولد تهدید نرم است و تهدید نرم نیز ابزارهای نرم و نامحسوس را به

<sup>۲</sup> (۱) Soft Warfare ..

<sup>۲</sup> (۲) Hard Warfare ..

<sup>۲</sup> (۳) . کالینز، استراتژی بزرگ؛ اصول و رویه‌ها، ص ۸۷ .

<sup>۲</sup> (۴) . Nye, Jr. "The Decline of Americans Power", Foreign Affairs, May/June, ۲۰۰۲, ۴۰۰ .

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۵

استخدام می‌گیرد. برای مثال، رخنه در ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه، ابزاری نامحسوس است که عمدتاً در جنگ نرم استفاده می‌شود.

بنابراین جنگ نرم را می‌توان هرگونه اقدام نرم، روانی و تبلیغات رسانه‌ای دانست که جامعه هدف را نشانه می‌رود و بدون درگیری و استفاده از زور و اجبار، آن را به شکست وامی‌دارد. جنگ روانی، جنگ سفید، جنگ رسانه‌ای، عملیات روانی، براندازی نرم، انقلاب نرم، انقلاب مخملی و انقلاب رنگی، از اشکال جنگ نرم است.

### ۲-۴. پیشینه تاریخی جنگ نرم

جنگ نرم و مفاهیم مشابه آن نظیر عملیات روانی، جنگ روانی، قدرت نرم و جنگ سفید قدمتی دیرینه دارد. نوع نگاه و ارتباطات چهره‌به‌چهره و غیرکلامی، ساده‌ترین و البته قدیمی‌ترین روش‌های عملیات روانی است. اما بررسی علمی آن بعد از شروع جنگ سرد و در اوج آن، یعنی در دهه ۱۹۷۰ با مشارکت استادان برجسته علوم سیاسی و علوم ارتباطات (مانند جوزف نای، هارولد لاسول و جان کالینز)، اعضای برجسته سازمان جاسوسی آمریکا ((CIA و فرماندهان ارشد پنتاگون، مرکزی با نام «کمیته خطر جاری» تأسیس شد و در پی آن نیز «جنگ نرم» طراحی، تدوین و عملیاتی گردید. مهم‌ترین هدف این کمیته، بمباران تبلیغاتی علیه بلوک شرق و به‌ویژه شوروی بود. ظاهراً پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی این کمیته به «کمیته صلح جاری» تغییر نام یافت، اما همچنان فعال بوده و کانون تهاجمات روانی آن نیز جهان اسلام و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران و هواداران منطقه‌ای آن از جمله حزب‌الله، حماس و کشورهای دوست ایران است.<sup>۲۰۷</sup>

### ۳-۴. تاکتیک‌های جنگ نرم

در جنگ نرم از تاکتیک‌های مختلفی استفاده می‌شود که هر یک در قالب شیوه‌های رسانه‌ای، برای مخدوش کردن افکار عمومی است. حال به بررسی آنها می‌پردازیم.

#### ۱. جنگ روانی (رسانه‌ای): جنگ رسانه‌ای در فرایند جنگ نرم کاربردی‌ترین نحوه

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۶

رویاری با ملت‌های جهان است؛ چنان که آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: استفاده از رسانه‌ها برای تضعیف کشور هدف و بهره‌گیری از توان و ظرفیت آنها (اعم از مطبوعات، خبرگزاری‌ها، رادیو،

<sup>۲</sup> (۱). قربانی، «جنگ نرم؛ تبیین مفهومی، پیشینه تاریخی و تاکتیک‌ها»، پایگاه اینترنتی تابناک، ۲۲/۳/۸۹.

تلویزیون، اینترنت و تبلیغات) به منظور ایجاد بحران و یا تداوم و تشدید آن و همچنین بهره‌گیری از تاکتیک‌های نوین برای دفاع از منافع ملی.

جنگ رسانه‌ای یکی از جنبه‌های برجسته جنگ نرم و از جمله جنگ‌های جدید بین‌المللی است که عمدتاً به‌هنگام درگیری‌های نظامی کاربرد بیشتر می‌یابد، اما این بدان مفهوم نیست که در سایر مواقع چنین جنگی در جریان نیست و یا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در جنگ رسانه‌ای، هر کشوری با حداکثر توان برای پیشبرد اهداف سیاسی خود از رسانه‌ها بهره می‌گیرد، از این رو تنها جنگی است که می‌تواند حتی در شرایط صلح به شکل غیررسمی ادامه یابد.

جنگ رسانه‌ای ظاهراً میان رادیو و تلویزیون، مفسران مطبوعاتی، خبرنگاران، خبرگزاری‌ها، شبکه‌های خبری و پایگاه‌های اینترنتی جریان دارد، اما واقعیت آن است که در پس این جدال ژورنالیستی چیزی به نام «سیاست رسانه‌ای کشور»<sup>۸</sup> نهفته است که مستقیماً از بودجه‌های رسمی مصوب پارلمان‌ها یا بودجه‌های سری سازمان‌های اطلاعاتی، امنیتی یا جاسوسی تأمین می‌شود.

سربازان جنگ رسانه‌ای، کارشناسان تبلیغات، سیاست‌مداران تبلیغات بین‌المللی و کارگزاران رسانه‌ها هستند. در جنگ رسانه‌ای مدرن،<sup>۹</sup> شلیک‌های رسانه‌ای به کشور هدف به‌مثابه کمک مستقیم به شلیک‌های نظامی موشک‌های دور برد و بمب‌های هدایت‌شونده لیزری است.

پیچیدگی ابعاد مختلف «جنگ رسانه‌ای» موجب شده است تا تصمیم‌گیری درباره طراحی، تدوین استراتژی، چارچوب، تکنیک‌های کاربردی، نحوه عملیاتی کردن اهداف و مأموریت‌های تعریف‌شده و نیز استفاده حداکثر از توان هر رسانه (با توجه به امکانات انتشار مکتوب، چاپی، صوتی، تصویری، چندرسانه‌ای، اینترنتی و آنلاین)، تنها به ژنرال‌های نظامی واگذار نشود.

جنگ رسانه‌ای مقوله‌ای است که همکاری هماهنگ و نزدیک بخش‌های نظامی،

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۷

سیاسی، اطلاعاتی، امنیتی، رسانه‌ای و تبلیغاتی یک کشور را می‌طلبد. طراحان جنگ رسانه‌ای لزوماً ژنرال‌های پادگان‌نشین نیستند، بلکه ممکن است دانشمندان و اندیشمندان از دانشگاه‌های معتبر یک کشور باشند.

مردمی که زیر بمباران جنگ رسانه‌ای قرار دارند، ممکن است دامنه و عمق حملات سنگین آن جنگ را درک نکرده و حتی از وجود آن بی‌خبر باشند. از نگاه سن تزو، باید به هر طریق ممکن کوشید تا دشمن

<sup>۸</sup> (۱) Media Policy ..

<sup>۹</sup> (۲) Modern Media War ..

روحیه خود را ببازد و اراده‌اش را برای مقاومت از دست بدهد. به‌واقع مهارت و هنر آن است که دشمن را بدون توسل به جنگ و با استفاده از عامل روانی به زانو درآوریم.<sup>۱۲۱</sup> از این رو یکی از پدیده‌هایی که به‌هنگام وقوع جنگ رخ می‌دهد، بمباران استراتژیکی<sup>۱۲۲</sup> است که افزون بر از بین بردن تأسیسات زیربنایی، اهداف روانی را نیز نشانه می‌رود که همان تخریب روحیه دشمن، تضعیف اراده غیرنظامیان برای مشارکت در جنگ و ایجاد یأس و نومیدی در جامعه است.<sup>۲۱۲</sup>

**۲. برچسب زدن:** در این تاکتیک، رسانه‌ها واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی بدل می‌کنند و آنها را به گروه‌ها یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند. درحقیقت برچسب‌زنی یا اسم‌گذاری، برای رد کردن باور و اندیشه‌ای بدون بررسی شواهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.<sup>۱۲۳</sup> برای نمونه، رسانه‌های کشورهای غربی با منفی‌سازی مفهوم «بنیادگرایی» و اطلاق آن به کشورهای اسلامی، سعی می‌کنند در اذهان عمومی مخاطبان، چهره‌ای منفی از این کشورها ایجاد کنند. مثلاً آنها مقاومت مشروع مردم مظلوم فلسطین و لبنان را تروریسم می‌نامند و یا حمایت ایران از این مبارزان را حمایت از تروریسم می‌خوانند.

کارکرد انگاره‌سازی در تلویزیون‌های ماهواره‌ای، تغییر مفاهیم و تصاویر خبری برای دگرگون نمودن نگاه ماست. این تغییر ابتدا احساس و تخیل ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۸

سپس برخی انگاره‌های قدیمی را در ذهن ما مخدوش می‌کند تا باورهای جدیدی را به جای آن بنشانند. این شیوه، شگرد انگاره‌سازی شبکه‌های ماهواره‌ای غرب است.<sup>۲۱۴</sup>

**۳. شایعه:** این روش، انتقال شفاهی پیامی است که برای برانگیختن باور مخاطبان و تأثیر در روحیه آنان صورت می‌گیرد. مطالب کلی شایعه، مسائلی است که مخاطب نسبت به آن حساسیت بالایی دارد. هر شایعه ممکن است دربرگیرنده بخشی از واقعیت باشد (تاکتیک تسطیح در شایعه‌سازی)، ولی ضریب نفوذ آن به درجه ابهام و اهمیت آن بستگی دارد. به دیگر بیان، هر قدر شایعه درباره مسائل «مبهم» و «مهم» باشد، به همان مقدار ضریب نفوذ آن نیز فزونی می‌یابد.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۸۹

<sup>۱۲۱</sup> (۳). تزو، هنر جنگ‌آوری، ص ۱۰۲.

<sup>۱۲۲</sup> Strategic Bombing ..(۱)

<sup>۱۲۳</sup> (۲). ضیایی‌پور، جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای، ص ۱۲؛ تزو، هنر جنگ‌آوری، ص ۴۲.

<sup>۱۲۴</sup> (۳). سورین و تانکارد، نظریه‌های محورهای ارتباطات، ص ۱۵۲.

<sup>۲</sup> (۴). مسعودی، «روش‌های جدید خبری در جنگ دوم خلیج فارس»، پژوهش و سنجش، ش ۳۴.

با توجه به جامعه هدف، شایعات گوناگونی ایجاد می‌شود؛ مانند شایعات تفرقه افکن، هراس آور،<sup>۲۱۶</sup> امیدبخش،<sup>۲۱۷</sup> آتشین،<sup>۲۱۸</sup> خزننده،<sup>۲۱۹</sup> دلفینی<sup>۲۲۰</sup> و یا غواصی. در شایعه‌سازی از تاکتیک‌های گوناگونی مانند تسطیح، همانندسازی و برجسته‌سازی (بزرگ‌نمایی) نیز استفاده می‌شود.

**۴. کلی‌گویی:** محتوای واقعی بسیاری از مفاهیمی که از سوی رسانه‌های غربی صادره و در جامعه منتشر می‌شود، مورد واکاوی قرار نمی‌گیرد. تولیدات رسانه‌های غربی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی، مملو از مفاهیمی مانند جهانی شدن، دموکراسی، آزادی و حقوق بشر است؛ مفاهیمی که بدون تعریف و توجیه مشخص، در جهت اقناع مخاطبان در زمینه‌ای خاص به کار گرفته می‌شود.<sup>۲۲۱</sup>

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۰

درواقع کلی‌گویی، ایجاد ارتباط نظری و عملی خاص با مفهومی ویژه است تا مخاطب بدون بررسی دلایل و شواهد، آن نظر و عمل را بپذیرد. در این روش سعی می‌شود ذهن مخاطب متوجه نشود و هسته مرکزی را بدون بررسی بپذیرد. به همین دلیل، برخی این تاکتیک را «بی‌حس‌سازی مغزی» نیز می‌نامند. در بیانیه‌های دستگاه دیپلماسی کشورهای غربی از این تاکتیک نیز استفاده می‌شود.

**۵. دروغ بزرگ:** این روش قدیمی پرکاربرد عمدتاً برای مرعوب کردن و فریب ذهن حریف مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، پیامی دروغین را بیان می‌کنند و مدام بر «تکرار» می‌کوبند تا ذهن مخاطب آن را جذب کند. گوبلز، رئیس دستگاه تبلیغاتی نازی‌ها در زمان هیتلر، بر استفاده از این تاکتیک تأکید بسیار داشت. او می‌گفت: «دروغ هرچه بزرگ‌تر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است.»<sup>۲۲۲</sup>

**۶. پاره حقیقت‌گویی:** گاه خبر یا سخنی مطرح می‌شود که از نظر منبع و محتوای پیام، مجموعه‌ای به هم پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود، سمت و سوی پیام منحرف خواهد شد. این رویه رایج رسانه‌هاست که معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی خود، بخشی از

<sup>۲</sup> (۱). در این نوع شایعه سعی می‌شود در موانع دشمن ایجاد شکاف نمایند و با بیان تشنجات بین افراد دشمن، آنها را ضعیف کنند. این نوع شایعه در بازی‌های سیاسی کاربرد وسیعی دارد.

<sup>۲</sup> (۲). در این نوع شایعه با اعلام کشته‌های وسیع و پخش آن در بین نیروهای دشمن می‌توان ناامیدی را در بین آنها افزایش داده و آنها را ضعیف نمود.

<sup>۲</sup> (۳). این نوع شایعات باعث ایجاد روحیه و انسجام در بین نیروهای خودی شده و کاربردی وسیع دارد.

<sup>۲</sup> (۴). شایعه‌ای است که یک‌باره شکل می‌گیرد، همه جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد و اثری کوتاه‌مدت دارد. کاربرد این نوع شایعه بیشتر در زمان جنگ نظامی است. استفاده از آمار و ارقام و بزرگ نشان دادن آنها، مسیر شایعات آتشین است. به معنای دیگر شایعات آتشین با ارقامی بسیار بزرگ ولی فقط در یک مقطع وارد می‌شوند. تأثیر آنها عظیم است ولی مقطعی است.

<sup>۲</sup> (۵). شایعاتی هستند که مرحله به مرحله می‌تواند مسیر یک شایعه را در ذهن افراد یک جامعه طراحی کند. این شایعات درازمدت‌تر از شایعات آتشین هستند و پیچیدگی‌های بیشتری دارند. سوءاستفاده‌های مالی و فساد در دستگاه‌های اداری- مالی و رسوایی‌های مالی از جمله این شایعات هستند.

<sup>۲</sup> (۶). به نوعی از شایعات گفته می‌شود که به تناسب زمان، آشکار می‌گردد و بلافاصله پس از تأثیرگذاری برای مدتی پنهان می‌شود و دوباره با ایجاد زمینه و انگیزه، خود را آشکار می‌کند. به گفته پستمن، این شایعات، شایعات غواصی می‌باشند. در این نوع شایعه از آنچه که در گذشته اتفاق افتاده در زمان‌هایی که کاربرد آن اقتضا می‌کند، استفاده می‌کنند.

<sup>۲</sup> (۷). محمدی نجم، «جنگ روانی»، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، ش ۹.

<sup>۲</sup> (۱). همان، ص ۴۷.



خبر را نقل می‌کنند. خبر هنگامی کامل است که عناصر خبری در آن به شکل کلی مطرح شوند. به سخنی دیگر، چنانچه یکی از عناصر خبری شش‌گانه (که، کجا، کی، چرا، چه، چگونه) در خبر بیان نشود، خبر ناقص است. در تاکتیک «پاره حقیقت‌گویی» حذف یکی از عناصر، به‌عمد صورت می‌گیرد و بیشتر اوقات عنصر «چرا» حذف می‌شود. نوع تیتورها و محتوای روزنامه‌ها و رسانه‌ها در مواقع سخنرانی مقامات عالی نظام، نمودار بهره‌گیری از این روش است. غربالگری، تحریف و دست‌کاری اطلاعات<sup>۲۳</sup> اصولاً از جمله ترفندهای روان‌شناختی مرسوم است که در عملیات رسانه‌های آمریکا به‌کار گرفته می‌شود؛ مانند عملیات رسانه‌ای علیه مارکوس در هائیتی و پاناما، حمله هوایی به لیبی، عملیات طوفان صحرا و نیز حمله به عراق که در اینها توانستند سفید را سیاه، زشت را زیبا، اشغالگری را آزادی‌بخشی و آزادی‌خواهی را تروریسم بنامند و شگفت اینکه افکار عمومی نیز

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۱

ناشیانه و ناهشیارانه مفتون این عملیات روانی می‌شود.

**۷. انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی:** یکی از مؤثرترین شیوه‌های توجیه حمله به دشمن به هنگام جنگ (نرم و یا سخت)، انسانیت‌زدایی است. بی‌شک وقتی حریف از مرتبه انسانی خویش تنزل یافت و در قامت اهریمنی در ذهن مخاطب ظاهر شد، می‌توان اقدامات خشونت‌آمیز علیه او را توجیه کرد. در این تاکتیک با استفاده از برچسب‌زنی و نسبت دادن صفات منفی به حریف، به توجیه حملات و تهاجمات علیه رقیب می‌پردازند. پیش از حمله آمریکا به افغانستان و عراق، رسانه‌های ایالات متحده تصویری مملو از رفتارهای تروریستی، وحشی‌گرانه و ضدانسانی از طالبان و صدام در ذهن مخاطبان خویش می‌نشانند؛ به‌گونه‌ای که تروریست و صدام مترادف هم قلمداد می‌شد.

**۸. ارائه پیشگویی‌های فاجعه‌آمیز:** در این روش با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه‌های جنگ روانی (مانند کلی‌گویی، پاره حقیقت‌گویی و اهریمن‌سازی) به بیان پیشگویی‌های مصیبت‌بار می‌پردازند تا بتوانند حساسیت مخاطب را نسبت به آن افزایش دهند و برپایه میل و هدف خویش افکار وی را جهت بخشند. از این تاکتیک در تبلیغات انتخاباتی استفاده می‌شود که نمونه‌های بسیاری از آن را می‌توان در انتخابات اخیر ریاست جمهوری مشاهده کرد. ارائه اخبار و آمارهای دروغین از وضعیت سیاسی و اقتصادی کشور و فاجعه‌آمیز بودن آینده کشور در صورت تداوم وضع موجود، نمونه‌ای از این روش است.

۹. **برجسته‌سازی:** از جمله مفاهیم مرتبط با تاکتیک‌های انتخاباتی، مفهوم برجسته‌سازی است که نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ از سوی برنارد کوهن به‌گونه‌ای استعاری مطرح گردید. او در نتیجه‌گیری یکی از تحقیقات خود جمله‌ای را بازگفت که به جمع‌بندی کلاسیک مفهوم برجسته‌سازی معروف است:

رسانه‌ها ممکن است به ما نگویند که چگونه بیندیشیم، اما بی‌شک به نحو شگفت‌آوری در گفتن این نکته که به چه چیزی بیندیشیم، موفق‌اند.

اما اصطلاح برجسته‌سازی را نخستین بار مک کومب و دونالدشا در جریان تحقیقات

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۲

مربوط به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۷۲ مطرح کردند. پرسش اصلی آنها در این پژوهش آن بود که آیا اولویت‌های رسانه‌ها و موضوعاتی که آنها برجسته می‌کنند، بر اولویت‌های عمومی مردم اثرگذار است؟ به تعبیری دیگر، آیا آن دسته از ویژگی‌های نامزدها که در رسانه‌ها برجسته می‌شود، از نظر مخاطبان رسانه‌ها نیز برجسته و مهم است؟

۱۰. **حذف (سانسور):** در این تاکتیک سعی می‌شود فضایی مناسب برای سایر روش‌های جنگ نرم-به‌ویژه شایعه- خلق شود تا زمینه نفوذ آن افزایش یابد؛ بدین‌گونه که با حذف بخشی از خبر و نشر بخشی دیگر، به ایجاد پیریش و مهم‌تر از آن به ایجاد ابهام می‌پردازند و به این ترتیب زمینه تولید شایعات گوناگون خلق می‌شود.

۱۱. **جاذبه‌های جنسی:** استفاده از نمادهای شهوانی از روش‌های مهم رسانه‌های غربی است؛ آن‌گونه که می‌توان گفت بیشتر برنامه‌های رسانه‌های غربی از این جاذبه در جهت جذب مخاطبان خویش به‌ویژه جوانان بهره می‌گیرند. در اوضاع کنونی «مانکن‌ها» از جمله افراد پردرآمد در غرب‌اند که در تبلیغات و آگهی‌های تجاری از آنها استفاده می‌کنند. بهره‌گیری از گویندگان خبری با ظاهری تحریک‌آمیز، یکی از مصادیق این تاکتیک است تا ضمن جذب مخاطب، سطح اثرپذیری پیام ارتقا یابد و از هسته مرکزی و ادبیات آن نیز غفلت گردد. استفاده از این ابزار، مؤید نامحسوس بودن آنها در جنگ نرم بین‌المللی است. ۲۲۴

۱۲. **ایجاد تفرقه و تضاد:** به کار بردن این روش در جبهه رقیب موجب عدم انسجام و یکپارچگی و ازسویی سبب تزلزل و تنزل اعتماد عمومی مردم می‌شود. این تاکتیک به‌شدت مورد توجه بنگاه‌های خبرپراکنی و استکبار جهانی در مواجهه با جمهوری اسلامی است.

۱۳. **ترور شخصیت:** هنگامی که نمی توان و یا نباید فردی را ترور فیزیکی کرد، وی را با استفاده از انواع روش ها مانند بزرگ‌نمایی، انسانیت‌زدایی و اهریمن‌سازی و پاره حقیقت‌گویی ترور شخصیت می‌کنند و از این طریق موجب افزایش نفرت عمومی نسبت به او و کاهش محبوبیت وی می‌شوند. دشمنان انقلاب و نظام اسلامی با استفاده از این روش

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۳

و بهره‌گیری از ابزار طنز، کاریکاتور، شعر، کلیپ‌های کوتاه و مانند آن - که عموماً از طریق اینترنت و تلفن همراه پخش می‌شود- به ترور شخصیت برخی افراد سیاسی و فرهنگی موجه می‌پردازند.

۱۴. **تکرار:** در این روش با تکرار پیام، سعی می‌شود مقصودی معین به مخاطب القا شود تا در ذهن او جای افتد. تکرار از نظر روان‌شناسی در شکل‌گیری «عادت» بسیار سودمند است؛ به‌ویژه اگر با دقت توأم باشد. بدون تکرار، تثبیت و تقویت دقیق‌تر، «عادت» میسر نخواهد شد. روش تکرار از قواعد خاصی پیروی می‌کند؛ بدین بیان که فاصله‌های تکرار نباید چنان طولانی باشد که سبب محو شدن آثار قبلی شود و نه چندان کوتاه باشد که ملال‌انگیز و خسته‌کننده گردد. بگفته‌ای دیگر، تکرار مانند ضربه‌های پی‌پی چکش است که سرانجام میخ را می‌کوبد و به داخل می‌راند. بنابراین فرستنده پیام امیدوار است که این شکل از ضربه زدن مداوم، سبب دریافت نکات پیام شود.

۱۵. **توسل به ترس و ایجاد وحشت:** در این تاکتیک از حربه تهدید و ایجاد وحشت در میان نیروهای دشمن استفاده می‌شود تا روحیه و اراده آنها تضعیف گردد. متخصصان جنگ نرم ضمن ترساندن مخاطبان به طرق مختلف، به آنان چنین القا می‌کنند که ممکن است در آینده صدماتی ببینند. آنان بدین طریق آینده‌ای مبهم و توأم با مشکلات را برای افراد ترسیم می‌کنند. کار مواردی نیز از تاکتیک توسل به ترس برای انسجام و وحدت جبهه خودی درمقابل تهدید یا دشمن خارجی استفاده می‌شود.

پیش از حمله ایالات متحده به عراق در مارس ۲۰۰۳ م. رسانه‌های آمریکایی با تبلیغات بسیار کوشیدند تا چنین القا کنند که عراق به تولید جنگ‌افزارهای هسته‌ای می‌پردازد و حامی تروریسم است. با این شیوه سعی شد تا افکار عمومی، از رژیم سیاسی عراق و صدام حسین -

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۴

۲ (۱). همان، ص ۴۸.

۲ (۲). دادگران، افکار عمومی و معیار سنجش آن، ص ۹۲.

۲ (۳). شیرازی، جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها.

که انسانیت‌زدایی شده بود - احساس ترس کند تا بدین‌رو برای حمله آمریکا توجیه‌سازی شود. ازسویی دیگر، به شهروندان عراقی نیز چنین القا شد که آمریکا در پی تغییر رژیم سیاسی عراق بوده و به دنبال ایجاد فضای آزاد در این کشور است و خواهان تحقق دموکراسی برای مردم آن.

از سوی دیگر، دستگاه تبلیغات روانی آمریکا به نیروهای عراقی هشدار داده بود که با بزرگ‌ترین و مخرب‌ترین تسلیحات نظامی جهان مورد هجوم قرار می‌گیرند، از این‌رو به سود آنهاست که تسلیم نیروهای متحد شوند تا کشورشان از شر صدام حسین نجات یابد. این در حالی است که عراق بعد از چند سال از سقوط صدام هنوز درگیر بحران و اختلافات داخلی است و حتی مرکز پرورش تروریسم در منطقه شده است.

**۱۶. مبالغه:** برخی با اغراق کردن و بزرگ‌نمایی یک موضوع می‌کوشند تا واقعیتی را اثبات کنند. کارشناسان جنگ روانی از این فن در مواقع و وقایع خاص بهره می‌گیرند. غربی‌ها همواره با انعکاس مبالغه‌آمیز دستاوردهای تکنولوژیک خود و اغراق در ناکامی‌های کشورهای مسلمان سعی دارند روحیه مسلمانان را در تقابل با تمدن غربی تضعیف کنند.

**۱۷. مغالطه:** این روش، گزینش و استفاده از اظهاراتی درست یا نادرست است تا بهترین یا بدترین مورد ممکن برای یک اندیشه، برنامه، شخص یا محصول ارائه شود. متخصصان جنگ نرم، مغالطه را با «تحریف» مترادف می‌دانند. مغالطه، انتخاب استدلال‌ها یا شواهدی است که نظری را تأیید می‌کند و از این سو چشم‌پوشی از استدلال‌ها یا شواهدی است که آن نظر را تأیید نمی‌کند.<sup>۲۲۸</sup>

ایران به دلیل برخورداری از فرهنگ و تمدن کهن ایرانی - اسلامی، وسعت سرزمین، امکانات نظامی، اقتدار سیاسی، نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی، منابع طبیعی، سرمایه اجتماعی، درایت و توانمندی رهبران فرهنگی و سیاسی، یکپارچگی انسجام ملی و مهم‌تر از همه، تمسک به فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) و التزام به نظریه ولایت فقیه، الگویی متعالی برای کشورهای

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۵

اسلامی و عامل مهمی در بیداری و خیزش ملت‌های اسلامی منطقه است. بنابراین غرب و در رأس آن ایالات متحده، ایران را کانون حملات نرم و براندازانه خود قرار داده‌اند. آنها به جز ترتیب دادن جنگ تحمیلی و حمایت از گروه‌های ضدانقلابی و ایجاد اغتشاش در کشور، از انواع روش‌های جنگ نرم در حوزه‌های گوناگون نیز بهره بردند؛ مانند سینما، تئاتر، رمان و ادبیات داستانی، شعر، رسانه‌های دیجیتالی، گروه‌های مجازی و حقیقی، معنویت‌های ساختگی و عرفان‌های دروغین. از آنجاکه انقلاب

اسلامی بیشتر جنبه فرهنگی، ارزشی و هنجاری دارد، این موضوع در صورت جدی تلقی نشدن می تواند به عنوان تهدیدی بسیار جدی، آینده انقلاب را به چالش کشاند.

در جهان امروز که ارائه تصاویر مختلف از کشورهای گوناگون، تعیین کننده مشروعیت و مقبولیت آنها نزد ملت ها و سایر کشورهاست، بهتر است جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ دیپلماسی فعال - چه در جهان اسلام و چه سایر نقاط جهان - از این جنبه استفاده نماید. بی شک با اتخاذ چنین رویکردی می توان از رویارویی با جنبه های منفی جنگ نرم جلوگیری نمود. شایان ذکر است در آینده، قدرت نرم جمهوری اسلامی نیز به لحاظ حوزه قوی فرهنگی و تمدنی، فرصت های مناسبی را فراهم خواهد نمود تا در مصاف با جنگ نرم دشمن موفق عمل نماید. بی گمان انقلاب اسلامی خود نمونه بارزی از قدرت نرم اسلام بود که منجر شد ملت ایران در مواجهه با تهدید نرم سلطه جهانی و حامیان دولت دست نشانده فائق آید.

## چکیده

۱. توجه به آینده انقلاب اسلامی و مسائل آن یکی از ضروریات مطالعات مربوط به انقلاب اسلامی است.
۲. شناخت صحیح فرصت های فراروی جمهوری اسلامی ایران، جهت رسیدن به اهداف، ارتقای جایگاه نظام و مقابله با تهدیدها ضروری است.
۳. یکی از موضوعاتی که درباره آینده انقلاب اسلامی مطرح می شود، چالش های پیش روی

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۶

- انقلاب اسلامی است که شناخت و مواجهه با آنها می تواند ما را در اعتلای انقلاب اسلامی یاری رساند.
۴. به طور کلی انقلاب اسلامی با دو نوع چالش داخلی و خارجی روبه روست.
۵. از جمله چالش های داخلی می توان به تهاجم فرهنگی، مشکلات اقتصادی و نابرابری اجتماعی اشاره داشت و از میان چالش های بین المللی نیز می توان از تحریم های بین المللی، مسئله هسته ای، جهانی شدن و جنگ نرم یاد نمود.
۶. بایستی با درک صحیح از چالش های فراروی انقلاب اسلامی و ایجاد آمادگی برای مقابله با آنها، زمینه را برای پیشرفت و اعتلای انقلاب اسلامی فراهم نمود.

## پرسش

۱. انقلاب اسلامی در آینده ممکن است با چه چالش‌های داخلی روبه‌رو گردد؟

۲. چه فرصت‌هایی پیش‌روی انقلاب است؟

۳. چالش‌های بین‌المللی انقلاب اسلامی در آینده را تشریح نمایید.

۴. جنگ نرم و تاکتیک‌های آن را به‌عنوان یکی از موضوعات پیش‌روی انقلاب اسلامی تبیین کنید.

### برای پژوهش

۱. فرصت‌های دیگری که پیش‌روی انقلاب اسلامی است، بررسی نمایید.

۲. چالش‌های اقتصادی در پیش‌روی انقلاب اسلامی را مورد بحث قرار دهید.

۳. راهکارهای مقابله با جنگ نرم را به‌عنوان یکی از چالش‌های فراروی انقلاب اسلامی بررسی کنید.

### برای مطالعه بیشتر

۱. محمدرحیم عیوضی، **چالش‌های سیاسی پیش‌روی انقلاب اسلامی**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۷

۲. جان. ام. کالینز، **استراتژی بزرگ؛ اصول و رویه‌ها**، ترجمه کوروش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.

۳. محمد شیرازی، **جنگ روانی و تبلیغات؛ مفاهیم و کارکردها**، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۸

### کتابنامه

۱. قرآن کریم.

۲. آبادیان، حسین، اندیشه دینی و جنبش ضد رژیم در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۶.

۳. آبادیان، حسین، روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس، تهران، مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

۴. آبراهامیان، یرواند، ایران بین دو انقلاب، ترجمه کاظم فیروزمند، محسن مدیرشانه‌چی و حسن شمس‌آوری، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.

۵. آرت، هانا، انقلاب، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۴.

۶. آل‌احمد، جلال، غرب‌زدگی، تهران، رواق، ۱۳۶۵.

۷. آیت، حسن، درس‌هایی از تاریخ سیاسی ایران، تهیه و تنظیم مجلس شورای اسلامی، تهران، حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۳.

۸. ابوالحسنی، علی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها: کارنامه شیخ فضل‌الله نوری، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۵.

۹. ابوطه، انور، «تأثیر امام خمینی و انقلاب اسلامی در اندیشه و عملکرد جنبش جهاد اسلامی فلسطین»، ترجمه مهدی سرحدی، فصلنامه حضور، ش ۳۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۹۹-۸۰.

## درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۱۹۹

۱۰. احمدی، حمید، «انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه عربی»، مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، تهران، سفیر، ۱۳۶۹.

۱۱. اسپاک، بنجامین، پرورش فرزند در عصر دشوار ما، ترجمه هوشنگ ابرامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.

۱۲. اسپوزیتو، جان. ال، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن مدیرشانه‌چی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲.

۱۳. استیگلیتز، جوزف، **جهانی‌سازی و مسائل آن**، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
۱۴. اشرف، احمد، «توهم توطئه»، **فصلنامه گفتگو**، ش ۸، تابستان ۱۳۷۴، ص ۴۵-۷.
۱۵. امین، محمد، «انقلاب اسلامی؛ پیامدها و ره‌آوردها»، **مجله صباح**، ش ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۱.
۱۶. انصاری، حمید، **حدیث بیداری: نگاهی به زندگی‌نامه آرمانی - علمی و سیاسی امام خمینی (از تولد تا رحلت)**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶، چ پنجم.
۱۷. بادامچیان، اسداله و علی بنایی، **هیئت‌های مؤتلفه اسلامی**، تهران، اوج، ۱۳۶۲.
۱۸. بازرگان، مهدی، **انقلاب ایران در دو حرکت**، تهران، بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۶۳، چ پنجم.
۱۹. بازرگان، مهدی، **شصت سال خدمت و مقاومت؛ خاطرات مهدی بازرگان**، گفتگو با غلامرضا نجاتی، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
۲۰. بروجردی، مهرزاد، **روشنفکران ایرانی و غرب**، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۷۸، چ سوم.
۲۱. برینتون، کلارنس کرین، **کالبد شکافی چهار انقلاب**، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۶، چ چهارم.
- درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۰**
۲۲. بشیریه، حسین، **آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی**، تهران، مؤسسه نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
۲۳. بشیریه، حسین، **انقلاب و بسیج سیاسی**، تهران، پگاه، ۱۳۷۲.
۲۴. بصیرت‌منش، حمید، **علما و رژیم رضاشاه: نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۵**، تهران، عروج، ۱۳۷۶.
۲۵. بهار (ملک‌الشعرا)، محمدتقی، **تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران انقراض قاجاریه**، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۲۶. بهشتی‌سرشت، محسن، **نقش علما در سیاست: از مشروطه تا انقراض قاجار**، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.



۲۷. بیگی نسوان، حسین، «اصلاحات ارضی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ۱۵ خرداد، ش ۲۵، بهار ۱۳۷۶، ص ۸۰-۵۷.

۲۸. پارسانیا، حمید، **حدیث پیمانہ: پژوهشی در انقلاب اسلامی**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۰.

۲۹. پارسونز، آنتونی، **غرور و سقوط**، ترجمه پاشا شریفی، تهران، راهنو، ۱۳۶۳.

۳۰. پسیان، نجفقلی و خسرو معتضد، **از سوادکوه تا ژوهانسبورگ (رضاخان)**، تهران، نشر ثالث، ۱۳۷۷.

۳۱. پسیان، نجفقلی و خسرو معتضد، **از سوادکوه تا ژوهانسبورگ (رضاخان)**، تهران، ثالث، ۱۳۷۷.

۳۲. پناهی، محمدحسین، «بررسی زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران براساس شعارهای انقلاب»، قم، نشریه معارف، ش ۲۳، بهمن‌ماه ۱۳۸۳.

۳۳. پهلوی، محمدرضا، **به سوی تمدن بزرگ**، بی‌تا، بی‌جا.

۳۴. تائب، سعید، «ریشه‌های ناکامی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ایران»، **مجموعه مقالات دو جلدی**، ج ۲، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۶.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۱

۳۵. جعفریان، رسول، **جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)**، چ سیزدهم با اضافات، تهران، علم، ۱۳۸۹.

۳۶. جعفریان، رسول، **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران (سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰)**، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چ سوم، ۱۳۸۰.

۳۷. جعفریان، رسول، **زمینه‌های فکری التقاط جدید در ایران**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۱.

۳۸. جعفریان، رسول، **مقالات تاریخی**، دفتر پنجم، قم، الهادی، ۱۳۷۸.

۳۹. جعفریان، رسول، **مقالات تاریخی**، دفتر هشتم، قم، نشر دلیل ما، ۱۳۸۷.

۴۰. جمشیدی، محمدحسین، **اندیشه سیاسی شهید رابع سید محمد باقر صدر**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۷.

۴۱. جمعی از نویسندگان، «انقلاب اسلامی و ریشه‌ها»، **مجموعه مقالات اولین سمینار انقلاب اسلامی ایران**، دو جلدی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۶.

۴۲. جمعی از نویسندگان، **انقلاب اسلامی ایران**، ویراست چهارم، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴.

۴۳. حاجی یوسفی، امیرمحمد، **دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

۴۴. حدادعادل، غلامعلی (تحت نظر)، **دانشنامه جهان اسلام**، ج ۵، تهران، مرکز دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۷۹.

۴۵. حسینیان، روح‌الله، **بیست سال تکاپوی اسلام شیعی در ایران (۱۳۴۰-۱۳۲۰)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

۴۶. خاندوزی، احسان، «جریان‌شناسی اندیشه اقتصادی در ایران امروز»، **نشریه راهبرد**، شماره ۳۲، تابستان ۸۳.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۲

۴۷. خسروشاهی، سید هادی، **حرکت‌های اسلامی در فلسطین**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.

۴۸. خلجی، عباس، **اصلاحات آمریکایی و قیام پانزده خرداد**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۴۹. دادگران، سید محمد، **افکار عمومی و معیار سنجش آن**، تهران، مروارید، ۱۳۸۴.

۵۰. داوری، رضا، **دفاع از فلسفه**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۳.

۵۱. داوری، رضا، **ناسیونالیسم و انقلاب**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.

۵۲. دهشیری، محمدرضا، «تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر روابط بین‌الملل»، **مجله اندیشه انقلاب اسلامی**، ش ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۲.

۵۳. دهقان، حمید، **پژوهشی نو پیرامون انقلاب اسلامی**، قم، مؤسسه انتشارات تدین، ۱۳۷۶.

۵۴. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، **چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، سمت، ۱۳۸۸.

۵۵. ذوعلم، پرویز، «جرعه جاری»، **مقالاتی پیرامون انقلاب اسلامی**، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۷.

۵۶. رجایی، فرهنگ، **مشکل هویت ایرانیان امروز**، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.

۵۷. رجیبی، محمدحسن، **زندگینامه سیاسی امام خمینی (قدس سره)**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.

۵۸. رحمانیان، داریوش، **چالش جمهوری و سلطنت در ایران؛ زوال قاجار و روی کارآمدن رضاشاه**، تهران، مرکز، ۱۳۷۹.

۵۹. رزاقی، ابراهیم، [اقتصاد ایران](#)، تهران، نی، ۱۳۷۱.

۶۰. رزاقی، ابراهیم، [الگوی برای توسعه اقتصادی ایران](#)، تهران، توسعه، ۱۳۶۹.

۶۱. رفیع‌پور، فرامرز، [توسعه و تضاد](#)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۳

۶۲. رمضان نرگسی، رضا، «دغدغه‌های میشل فوکو درباره انقلاب اسلامی ایران» [مجله آموزه](#)، ش ۷، بهار ۱۳۸۴.

۶۳. رنجبر، مقصود، «حزب‌الله لبنان؛ تصویری دیگر از انقلاب اسلامی»، [پگاه حوزه](#)، ش ۱۲۱، بهار ۱۳۸۴.

۶۴. روحانی، سید حمید، [نهضت امام خمینی](#)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.

۶۵. روح‌بخش، رحیم، «میراث آیت‌الله بروجردی» [نشریه گفتگو](#)، ش ۳۲، تابستان ۱۳۸۰.

۶۶. زرگری‌نژاد، غلامحسین، «کاوشی در اندیشه‌های سیاسی سید جمال‌الدین اسدآبادی»، اندیشه‌ها و مبارزات سید جمال‌الدین اسدآبادی، [مجموعه مقالات](#)، تهران، مؤسسه حسینی‌ارشد، ۱۳۷۶.

۶۷. زهیری، علیرضا، «تأثیر اصلاحات ناهمگون در وقوع انقلاب اسلامی ایران»، [مجموعه مقالات اولین سمینار انقلاب اسلامی](#)، ج ۲، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۶.

۶۸. زهیری، علیرضا، هویت ملی و انقلاب اسلامی، تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.

۶۹. ساعی، احمد، [مسائل سیاسی و اقتصادی جهان اسلام](#)، تهران، سمت، ۱۳۷۷.

۷۰. سان، تزو، [هنر جنگ‌آوری](#)، ترجمه علی کردستی، تهران، نشر سازمان فرهنگی فرا، ۱۳۸۷، چ دوم.

۷۱. سریع‌القلم، محمود، [توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل](#)، تهران، سفیر، ۱۳۷۵، چ سوم.

۷۲. سورین، ورنر و جیمز تانکارد، [نظریه‌های محورهای ارتباطات](#)، ترجمه علیرضا دهقان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴، چ دوم.

۷۳. سولیوان، ویلیام و آنتونی پارسونز، [خاطرات دو سفیر](#)، مترجم محمود طلوعی، تهران، نشر علم، ۱۳۷۲.

۷۴. سولیوان، ویلیام، [مأموریت در ایران](#)، ترجمه محمود طلوعی، تهران، علم، ۱۳۷۳.

۷۵. سیاح، حمید، [خاطرات حاج سیاح](#)، تصحیح سیف‌الله گلکار، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۶.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۴

۷۶. سیف‌زاده، حسین، نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۸.
۷۷. شادلو، عباس، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم، تهران، تاریخ معاصر، ۱۳۸۶.
۷۸. شفیعی‌فر، محمد، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۷۸.
۷۹. شفیعی‌فر، محمد، مدخلی بر انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن، قم، تهذیب، ۱۳۷۸.
۸۰. شقاقی، فتحی، انتفاضه و طرح اسلامی معاصر، تهران، هدی، ۱۳۷۱.
۸۱. شیرازی، محمد، جنگ روانی و تبلیغات، مفاهیم و کارکردها، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶.
۸۲. شیروودی، مرتضی، «انقلاب اسلامی و جنبش‌های جهان اسلام»، نشریه رواق اندیشه، ش ۳۰، خرداد ۱۳۸۳.
۸۳. شیروودی، مرتضی، دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، ج ۲، تهران، سازمان ارتباطات فرهنگی، بی تا.
۸۴. صاحبی، محمدجواد، اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی، تهران، کیهان، ۱۳۶۷.
۸۵. ضیایی‌پرور، حمید، قانون اساسی، جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، چ دوم، ۱۳۸۶.
۸۶. طلوعی، محمود، داستان انقلاب، تهران، علم، ۱۳۷۰.
۸۷. عباسی اشلقی، مجید، «ایران هسته‌ای و امنیت بین‌الملل»، پژوهشنامه امنیت بین‌الملل و تروریسم، ش ۱، ۱۳۸۵.
۸۸. عسگرخانی، ابومحمد، «هژمونی نظام جهانی و چشم‌انداز آینده ایران»، ماهنامه فکر نو، ش ۳، اردیبهشت ۱۳۷۸.
۸۹. عظیمی، حسین، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴.
۹۰. علمداری، کاظم، چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت، تهران، نشر توسعه، ۱۳۸۰.
۹۱. علوی سید محمدصادق، بررسی مشی چریکی در ایران، تهران، مرکز اسناد، ۱۳۶۸.

۹۲. عمید زنجانی، عباسعلی، **انقلاب اسلامی ایران و ریشه‌های آن**، تهران، کتاب سیاسی، ۱۳۷۱.
۹۳. عمید زنجانی، عباسعلی، **درآمدی بر فقه سیاسی (کلیات حقوق اساسی)**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۹۴. عنایت، حمید، **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵.
۹۵. عیوضی، محمدرحیم، **آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۶.
۹۶. عیوضی، محمدرحیم، **تئوری‌های ساخت قدرت و پهلوی دوم**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۲.
۹۷. عیوضی، محمدرحیم، **جامعه‌شناسی سیاسی اپوزیسیون عصر پهلوی**، تهران، قومس، ۱۳۸۶.
۹۸. عیوضی، محمدرحیم، **چالش‌های سیاسی پیش‌روی انقلاب اسلامی**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۹۹. فوران، جان، **مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی**، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چ‌دوم، ۱۳۷۸.
۱۰۰. فوزی توپسرکانی، یحیی، **امام خمینی و هویت ملی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۰۱. فیوضات، ابراهیم، **دولت در عصر پهلوی**، تهران، نشر چاپ بخش، بی‌تا.
۱۰۲. قدسی‌زاده، پروین، «پهلوی، سلسله؛ عصر پهلوی اول دانش و اندیشه معاصر»، **دانشنامه جهان اسلام**، بنیاد دائره المعارف اسلامی، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۵، ص ۸۳۸-۸۳۳.
- درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۶**
۱۰۳. قربانی، محمد، «جنگ نرم؛ تبیین مفهومی، پیشینه تاریخی و تاکتیک‌ها»، پایگاه اینترنتی تابناک، ۱۳/۲۲/۸۹.
۱۰۴. کاستلز، امانوئل، **عصر اطلاعات، قدرت هویت**، ترجمه حسن چاوشیان، ج ۲، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰.
۱۰۵. کاظم‌زاده، فیروز، **روس و انگلیس در ایران**، ترجمه منوچهر امیری، تهران، انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
۱۰۶. کالینز، جان. ام.، **استراتژی بزرگ؛ اصول و رویه‌ها**، ترجمه کوروش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
۱۰۷. کچوئیان، حسین، «توسعه سرابی ویرانگر»، **نشریه راهبرد یاس**، ش ۳.
۱۰۸. کچوئیان، حسین، **تطور گفتمان‌های هویتی امروز**، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶.

۱۰۹. کدی، نیکی آر، **ریشه‌های انقلاب ایران**، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ دوم، ۱۳۷۵.

۱۱۰. کرمانشاهی، آقا احمد، **مرآت الاحوال جهان‌نما**، تصحیح و اهتمام علی دوانی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.

۱۱۱. کرمی، جهانگیر، «هژمونی در سیاست بین‌الملل؛ چارچوب مفهومی، تجربه تاریخی و آینده آن»، **پژوهش علوم سیاسی**، ش ۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۵.

۱۱۲. کرهرودی، حسین، «انتفاضه فلسطین؛ مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر»، **فصلنامه علوم سیاسی**، ش ۱۴، سال چهارم، تابستان ۱۳۸۰.

۱۱۳. کریمیان، علیرضا، **جنبش دانشجویی در ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۱۱۴. کشاورز، عباس، «نگرشی اجمالی به نظریه‌های انقلاب»، **مجموعه مقالات اولین سمینار انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، ج ۱، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۶.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۷

۱۱۵. کوزیچکین، ولادیمیر، **کا. گ. ب در ایران**، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران، نشر نو، ۱۳۷۰.

۱۱۶. الگار، حامد، **دین و دولت در ایران**، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس، چ دوم، ۱۳۶۹.

۱۱۷. گازیورسکی، مارک، **سیاست خارجی آمریکا و شاه**، ترجمه فریدون فاطمی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۱.

۱۱۸. گل‌بیدی، حسین، **آیت‌الله کاشانی و نفت**، تهران، اسلامی، ۱۳۸۰.

۱۱۹. گلشن‌پژوه، محمود رضا، **جمهوری اسلامی و قدرت نرم**، مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۷.

۱۲۰. گل‌محمدی، احمد، «زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی»، **فصلنامه راهبرد**، ش ۹، بهار ۱۳۷۵.

۱۲۱. گل‌محمدی، احمد، **جهانی شدن، فرهنگ و هویت**، تهران، نشر نی، چ سوم، ۱۳۸۶.

۱۲۲. لطیفی پاکده، لطفعلی، **احزاب و تشکیلات سیاسی در ایران**، تهران، معاونت سیاسی عقیدتی ارتش، ۱۳۷۹، چ دوم.

۱۲۳. لوئیس، ویلیام و مایکل لدین، **هزیمت یا شکست رسوای آمریکا**، ترجمه احمد سمیعی گیلانی، تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۱.

۱۲۴. مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، آیات شیطانی، بارزترین جلوه دشمنی استکبار جهانی با اسلام ناب محمدی (ص)، تهران، مؤسسه فرهنگی قدرت ولایت، ۱۳۷۳.

۱۲۵. مؤمنی، فرشاد، کالبدشکافی یک برنامه توسعه، تهران، مؤسسه تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴.

۱۲۶. محمدی نجم، سید حسین، «جنگ روانی»، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، ش ۹.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۸

۱۲۷. محمدی نجم، سید حسین، شاخصه‌های جنگ روانی، فصلنامه عملیات روانی، س ۳، ش ۹، ۱۳۸۴.

۱۲۸. محمدی، منوچهر، انقلاب اسلامی؛ زمینه‌ها و پیامدها، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۰.

۱۲۹. محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.

۱۳۰. مدرسی، علی، مدرس، ج ۲، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶.

۱۳۱. مدرسی، محمدتقی، استراتژی انقلاب اسلامی، تهران، مدرسی، ۱۳۷۱.

۱۳۲. مدنی، سید جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، قم، دفتر نشر اسلامی، ۱۳۶۱.

۱۳۳. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری قاجاریه، تهران، زوار، ۱۳۷۱، چ سوم.

۱۳۴. مسعودی، امید، «روش‌های جدید در جنگ دوم خلیج فارس»، پژوهش و سنجش، ش ۲۴، تابستان ۱۳۸۲.

۱۳۵. مصلی‌نژاد، غلامعباس، آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران، قومس، ۱۳۸۴.

۱۳۶. مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی ایران، قم، اسلامی (جامعه مدرسین)، ۱۳۶۱.

۱۳۷. مطهری، مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی ایران، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، ۱۳۶۱.

۱۳۸. معظم‌پور، اسماعیل، نقد و بررسی ناسیونالیسم تجددخواه در عصر رضاشاه، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

۱۳۹. ملک محمدی، حمیدرضا، بر لبه پرتگاه مصرف‌گرایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

۱۴۰. ملکوتیان، مصطفی، سیری در نظریات انقلاب، تهران، قومس، ۱۳۷۶، چ دوم.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۰۹

۱۴۱. مهدوی، عبدالرضا هوشنگ، انقلاب ایران به روایت بی. بی. سی، تهران، نشر نو، ۱۳۷۰.
۱۴۲. موحدی، رضا، جهانی شدن فرهنگ و تأثیر آن بر ایران، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵.
۱۴۳. موسوی خمینی، سید روح الله (امام)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۴۴. موسوی خمینی، سید روح الله (امام)، صحیفه نور، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.
۱۴۵. موسوی خمینی، سید روح الله (امام)، کوثر، ج ۲، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۷.
۱۴۶. موسوی خمینی، سید روح الله (امام)، وصیت نامه سیاسی - الهی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵.
۱۴۷. موسوی خمینی، سید روح الله (امام)، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۶، چ پنجم.
۱۴۸. نای، جوزف، «کاربرد قدرت نرم»، راهبرد دفاعی، ش ۶، زمستان ۱۳۸۶.
۱۴۹. نجفی، موسی، تاریخ تحولات سیاسی ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۱.
۱۵۰. نراقی، احسان، از کاخ شاه تا زندان اوین، ترجمه سعید آذری، تهران، رسا، ۱۳۸۵.
۱۵۱. نراقی، یوسف، توسعه و کشورهای توسعه نیافته، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۰.
۱۵۲. نظافتی، ایرج، «کلاه فرنگی بر سر فرهنگ ایران»، روزنامه کیهان، ۱۲ / ۱۱ / ۱۳۸۷.
- درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۱۰**
۱۵۳. نظرپور، محمدنقی، ارزش ها و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۵۴. واحد فرهنگی بنیاد شهید بهشتی، اسطوره‌ای بر جاودانگی، تهران، بی نا، ۱۳۷۸.
۱۵۵. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، ج ۴، تهران، مرکز اسناد و خدمات پژوهشی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳.
۱۵۶. ونس، سایروس و زیگنیو برژینسکی، توطئه در ایران، ترجمه محمود شرقی، تهران، هفته، ۱۳۶۲.
۱۵۷. هالیدی، فرد، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ترجمه فضل الله نیک آیین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.



۱۵۸. هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگون، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علم، ۱۳۷۰.

۱۵۹. هتته، پژورن، *تئوری توسعه و سه جهان*، ترجمه احمد موثقی، تهران، نشر قوس، ۱۳۸۱.

۱۶۰. هراتی، محمدجواد، *رهیافت‌هایی در تبیین انقلاب اسلامی ایران*، همدان، شوق دانش، ۱۳۸۶.

۱۶۱. هراتی، محمدجواد، *روابط ایران و آمریکا در دوران نخست‌وزیری علی امینی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۲.

۱۶۲. هزاوه‌ای، سید مرتضی، *الگوهای مسلط توسعه و توسعه‌نیافتگی ایران*، رساله دکتری دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۵.

۱۶۳. همایون کاتوزیان، محمدعلی، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۱۱

۱۶۴. هنری لطیف‌پور، یدالله، *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰.

۱۶۵. یزدی، ابراهیم، *آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها*، تهران، قلم، ۱۳۶۸.

۶۶۱. Aya, Rod, *Theories of Revolution Reconsidered*, Theory and Society, ۹۳; ۹۹, ۹۷۹۱.

۷۶۱. Barry, Rubin, *Paved With Good Intentions, the American Experience and Iran*, Penguin Books, Oxford University Press, ۰۸۹۱.

۸۶۱. Binder, Lenard, *Iran: Political Development in a Changing Society*.

۹۶۱. Gasiorowski, Mark, *Security Relations Between the United States and Iran*, Yale University Press, ۰۹۹۱.

۰۷۱. H. Razavi and A. Vakil, *The Political Environment of Economic Planning in Iran*, ۱۷۹۱-۳۸۹۱.

۱۷۱. Hooglund, Eric, *The Policy of the Reagan Administration Toward Iran*, Yale University Press, ۰۹۹۱.

- Huntington, Samuel, Political Order in Changing Societies, New Haven: Yale University Press, ۱۹۶۸.
- Johnson, Chalmers, Revolutionary Change, Boston: Little, Brown and Company, ۱۹۶۱, P. ۸۸۱-۹۶۱.
- Nye, Jr, Joseph S., The Decline of American Soft Power, Foreign Affairs, May/June ۲۰۰۴.
- Pearce, David, The MIT Dictionary of Modern Economics, MIT Press, ۱۹۸۹ Edition.
- Smith, Adam, The Wealth of Nation, London: Everyman's library, ۱۹۶۰.
- Sullivan, William H., Mission to Iran, W. W. Norton Company, New York, ۱۹۷۱.

### درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ص: ۲۱۲

۱۸۹۱ York, ۱۸۷۱.

Upton, Joseph, The history of Modern Iran: An Interpretation Cambridge, ۱۹۷۱ Harvard University Press, ۱۹۶۸.

Wallerstein, The Incredible Shrinking Eagle, Foreign Policy, (july- august ۲۰۰۲) and monthly Review) july ۲۰۰۲.)

---

<sup>۲</sup> عیوضی، محمد رحیم، درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، ۱ جلد، دفتر نشر معارف - قم، چاپ: نوزدهم، ۱۳۹۱.